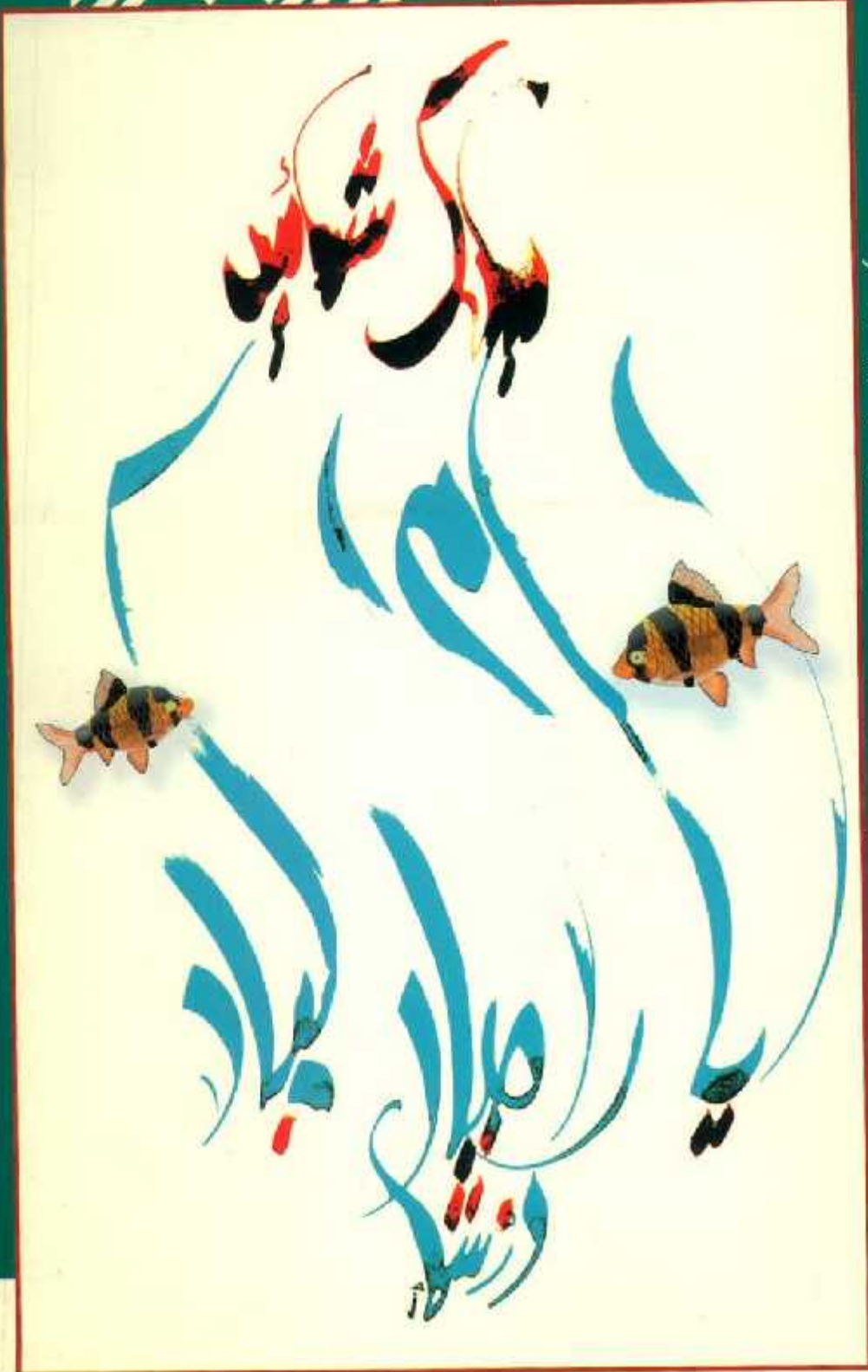


با همراه ویژه نامه طراحی شهری

شهرسازی

۲۳

شماره پژوهشی، آموزشی، اطلاع رسانی
برنامه روزی و مدیریت شهری
دوره جدید - سال دوم - شماره ۲۳ - فروردین ۱۳۸۰
۱۲۲ صفحه - ۱۰۰۰ تومان



توان شهر را با در کنار از ساختار اجزای - اقتصادی رانی
 عوارض شهرداری : رویکرد و چالشها
 فن آوری اطلاعات و مدیریت توسعه شهری
 چرا تصمیمات شهروان ضوابط اجرا ندارد؟
 تنوع و اثربخشی محیط شهری
 مقایسه دو مجتمع در آکسفورد
 عتاروش، منبع اصلی در آند شهر دارو
 ایهامات حقوقی ویژه نامه طراحی شهری
 طراحی شهری : ضرورت یا تمهید؟
 میدان مطی : دید روزی امروز



شاسی مبارز مدل ۱۷۵۱



شاسی مبارز مدل ۱۹۵۱

شرکت تولیدی تخصصی
مبارز
طراحی و تولید ماشین های آتش نشانی



شاسی مبارز مدل ۲۶۵۱



زباله جمع کن مدل ۵۰۱



ماشین نجات مدل ۲۴۱



زباله جمع کن مدل ۱۸۱۲ (الوکیمن)



زباله جمع کن مدل ۴۰۱



زباله جمع کن مدل ۸۰۳



زباله جمع کن مدل ۸۰۱



زباله جمع کن مدل ۱۸۰۱



آتش نشانی مدل ۱۲۲۱ (الوکیمن)



زباله جمع کن مدل ۴۰۳



جدول شوی مدل ۵۳۱



آتش نشانی مدل ۱۲۲



زباله جمع کن مدل ۵۰۱



شهریارها

ماهنامه پژوهش آموزشی و اطلاع‌رسانی
بر پایه روزنامه مدیریت شهری
نورمجموعه: سال نهم - فروردین ۱۳۸۰

۳۳

یادداشت سردبیر
گزارش اصلی
عوارض شهرداری؛ رویکرد و چالشها/ جلال همصوم
اندیشه و پژوهش
تجاری از مدیریت توسعه پایدار
شهری / محسن ابراهیمی مجرد
یک ضرورت
ساماندهی مراکز عرضه مصالح ساختمانی / ایرج اسدی
گفتگو
فن آوری اطلاعات و مدیریت توسعه شهری / گفتگو با حجت‌الله ندیمی
از نگاه شهردار
شاهرویه ۱۷ سال در جستجوی کارکرد / گفتگو با رمضانعلی باقری - شهردار شاهرویه
مشاور حقوقی / دفتر حقوقی وزارت کشور
مشاور اداری - مالی
مشورای شهر
توان شوراهادر گذر از ساختار اجتماعی - اقتصادی و رفتی / فرهاد مومنی
الفبای شهر
ابتکار نو / شهرداران افتخاری تربیت جدید
چرا تصمیمات شورا ضعیف اجرا ندارند؟
تجربیات جهانی
برنامه ریزی برای سایر پیاده / الکساندر گاروین
عوارض، منبع اصلی درآمد شهرداریها در هلند / وزارت دارایی هلند
تنوع و اثر بخشی محیط شهری؛ مقایسه دو مجتمع در آکسفورد / اندی کپلاند
آموزش
طراح میلان برای خیابان (۷) نرده، حصار و جایگاه دو چرخه / رضا مرتضایی
شهرها و شهرداریهای جهان
کنترل آلودگی صوتی در آلمان؛ نرخ گذاری ارزهای خارجی توسط شهرداری استانبول و...
گزارشهای خبری / هنر کلانتری
استفاده از روشهای نوین آبیاری؛ راهی برای حفظ و گسترش فضای سبز شهرها؛ وزیر کشور در همایش شهرداران، سازمان شهرداریها بازرسی فوری برای شهرداران کشور است؛ به منظور ارتقای سطح فرهنگ شهرنشینی؛ کاشانی‌ها جشنواره آموزش شهروندی برگزار کردند و...
اخبار کوتاه
شهرداریها مراقب زباله‌های بی‌ماستی باشند؛ ترمیم فضای سبز عروشدشت و...
اخبار پژوهشی / مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری
قانون شهر
ابهامات حقوقی در قانون شهرداری / شاپور نظریور - نادر پوزارش
با مخاطب
معیارهای شهردار نمونه از نگاه شما / شورای اسلامی شهر بندر انزلی
آمار شهر
قانون مدیریت
تازه‌های نشر
فهرست انگلیسی
ویژگی‌نامه طراحی شهری

طرح روی جلد: جمشید یاری شیر مرد
مربوط به گزارش اصلی
عکس پشت جلد: نمای از پاریس - مربوط به
مطلب رنگ در شهر، ویژه‌نامه طراحی شهری

- ۱- مطالب مندرج لزوماً بیانگر نظرات
شهرداریها نیست.
- ۲- شهرداریها در ویسواش و
تلفیص مطالب آزاد است.
- ۳- مطالب آرسالی به هیچ وجه باز
کردننده نخواهد شد.
- ۴- استفاده از مطالب و طرحهای ماهنامه
تنها با ذکر مأخذ مجاز است.

صاحب امتیاز: وزارت کشور - سازمان شهرداریهای کشور
مدیر مسئول: احمد خاتم
سردبیر: علی نوذریور
معاون سردبیر: نوید سعیدی رضوانی
هیئت تحریریه: سرویس فرهنگی - اجتماعی، زهرانشکر /
سرویس علمی - پژوهشی، غلامرضا کاظمیان / سرویس
حقوقی - بین‌المللی، حسن شفعی
ویرایش: غلامرضا طالبی
طراحی: جمشید یاری شیر مرد
مطبع: گنجینه امور رفتی، سعید مزبانه
تصویر ساز: مهدی یار محسنی
امور آگهی: مرضیه نامی
امور توزیع: مرضیه بردانی
حروفچین: فریده دارستانی، فاطمه
نمونه خوان: لیلی شاه‌بختی
شمارگان: ۵۰ نسخه

- ۱- سازمان شهری، ضرورت یا تامل؟
- ۲- جوان اندک - رفتار و نقش سبز
- ۳- تولید، مرکز و کارخانه فضای شهری، از راهکارین تا اصولی و امن
- ۴- ضرورت فرآیند سبز کالیفرنیا در کشور
- ۵- کار و زندگی؛ طبیعت در نظر سازه‌های شهری
- ۶- میدان سبز، پیوند آسود
- ۷- فضای سبز ضروری در فضای شهری
- ۸- نقد یک فضای شهری؛ سازه و رفتار شهروندان
- ۹- نقش فضای شهری؛ عملکرد شهر و مکان

یادداشت سردیر

لازم برای جایگزینی درآمدهای محلی کاهش یافت، شهرداریها را در انجام وظایف با مشکلات و چالشهای جدی مواجه کرد.

اکتون که واگذاری مدیریت محلی به مردم وارد عرصه جدی خود شده است و شوراها به نمایندگی از مردم، اداره شهرداریها را بر عهده گرفته اند، اداره شهرها را با منابع مالی محلی از چالشهای شوراها در اداره امور شهرداریهاست. از یک سو لازمه حفظ استقلال شوراها و مدیریت شهرها اداره شهر بدون استفاده از اعتبارات دولتی است و از سوی دیگر، به دلیل عدم اشتیاق کامل شوراها در تعیین و تصویب عوارض و همچنین عدم موزیسی صحیح بین عوارض محلی و مالیات، شهرداریها با کاهش درآمدی جدی مواجه اند. این موضوع با توجه به بالا رفتن توقع مردم پس از شکل گیری شوراها، دچار حدت و شدت بیشتری شده است. ضروری است که دولت در مورد تعیین مرز بین عوارض و مالیات و واگذاری اخذ عوارض محلی به مدیریتهای شهری، گامی اساسی بردارد تا تکلیف شوراها و شهرداریها در این باره روشن شود.

لازم است علاوه بر وزارت کشور، تمام بدنه دولت و همچنین فوای مقننه و قضائیه نسبت به اداره امور شهرها توسط مدیریتهای مستقل محلی از نظریه واحدی تبعیت کنند. در درجه اول، سایر وزارتخانه ها باید به کمک وزارت کشور بشنایند و در جهت شکل گیری مدیریتهای مستقل محلی و تمرکززدایی، نگاهی همسو با وزارت کشور داشته باشند. نمایندگان مجلس شورای اسلامی - که همسو با این نظریات و در جهت تحقق برنامه اعلام شده آقای خاتمی انتخاب شده اند - نیز لازم است که برای نهادینه شدن اولین نهاد جامعه مدنی (شوراها) به یاری مدیریت شهری برخیزند و قوانین و مقررات لازم را برای اداره مستقل شهرها تصویب نمایند. علاوه بر این، باید از تصویب قوانینی که هزینه های بخش دولتی را بر دوش شهرداریها می نهد نیز خودداری نمایند. در نهایت، بر قوه قضائیه است که تضمین کننده اجرای قوانین و مقررات شهرداریها و حامی شهرداریها در اداره شهرها بر اساس قوانین و مقررات جاری باشد.

پرداخت دوباره ماهنامه شهرداریها به موضوع عوارض شهرداریها در اولین شماره آن در سال نو، تذکره به مسئولان امر در باره همین موضوع مهم است؛ بویژه این تذکره به مدیریت تشکیلات تازه تأسیس سازمان شهرداریهاست که در تهیه و تنظیم برنامه کوتاه مدت این سازمان برای موضوع منابع درآمدی شهرداریها اولویت قائل شده و برای پاسخگویی به مسئله جدی مدیریت شهری، بر انجام پژوهشها و تحقیقات کاربردی - و نه صرفاً تجربیات روزمره و جاری - تأکید دارد تا از این طریق، راهکارهای متین و جزی را بیابد.

شاید اعراف قائل باشد اگر بگویم که از ماندگاری شوراها در پیداکترین راهکارهای جدید و شناسایی منابع جدید درآمدی مستقر و پایدار برای شهرداریهاست؛ منابعی که صرفاً بر عوارض بر ساختمانها و اراضی متکی نباشد و سهم بخشهای دیگر اقتصادی نیز در آن دیده شود. در این جهت، مطالعات تطبیقی، استفاده از تجربیات سایر کشورها و مطالعاتی با محوریت اقتصاد شهری می تواند بسیار راهگشا باشد.

شکل گیری شوراهای اسلامی شهرها و تصویب ماده ۱۲۶ قانون برنامه پنجساله سوم، بیانگر عزم جدی و گام اساسی نظام جمهوری اسلامی در حرکت به سمت مدیریت واحد، مستقل و غیر دولتی شهرداریها در امور شهری است. جدیت و پیگیری امور مردم از سوی شوراها و چالش آنها با مسئولان و مدیران دستگاههای اجرایی در سطح محلی و منطبقای نیز حکایت از پذیرش این موضوع توسط نمایندگان مردم در شوراها دارند؛ امری که چندان قابل پیش بینی نبود و کمتر صاحب نظری می توانست آینده موفق آن را پیش بینی کند. نگاه عمیق و دقیق ریاست جمهوری به موضوع یادشده، جایگاه شکل گیری شوراها در استقرا جامعه مدنی، همگرا تیره شدن جامعه، عزم و اراده مدیریت عالی وزارت کشور، ظرفیت آماده جامعه و استقبال آحاد مردم، موجب شکل گیری پدیده های گردید که می رود تا به نهادی دائمی تبدیل گردد و موجبات استقرار جامعه ای مردم سالار را فراهم کند؛ جامعه ای که مردم شهرها و روستاهای آن در اداره امور خود مشارکت دارند و مستقل از نهادهای دولتی و بر اساس خواسته ها، نیازها و آرمانهای مردم، به هدایت و توسعه شهر می پردازد. امید است با حضور و مشارکت مردم، شهرسازی مشارکتی شکل پذیرد و شهرها متناسب با فرهنگ و مقتضیات محلی ساخته شود.

مسلم است که این حرکت اساسی، جریان ساز و تاریخی، تنها با همراهی مردم و مسئولان نظام به سر منزل مقصود می رسد و بویژه بر مسئولان در هر رده و موقعیتی واجب است که با توجه به همراهی مردم و استقبال بیش از انتظار آنان، با صبر و مراقبت، مشکلات پیش روی شوراها را مرتفع کنند، از نامالیسات نهراسند و ناراحتی ها و مشکلات، امیدواری آنان را به ادامه راه کاهش دهند.

از مسائل جدی فراروی شوراها، اداره شهر به صورت مستقل از منابع عمومی دولتی است؛ امری که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جدای از بسترها و زمینه های واقعی یا عنوان سیاست بخودکفایی شهرداریها، مورد توجه برنامه ریزان و سیاستمداران کشور قرار گرفت و سهم کمکهای دولت را در عمران شهری در بودجه شهرداریها پشتات کاهش داد و شهرداریها را در اداره شهرها با مشکلات جدی مواجه کرد.

هر چند این سیاست در جهت استقلال بخشی به مدیریت شهرداریها اتخاذ شد و به مرحله عمل درآمد، اما از آنجا که کمکهای دولتی بدون تمهیدات

عوارض شهرداری؛ رویکرد و چالشها

جلال معصوم

خودکفایی یا رهاشدن از مشکلات

سال ۱۳۶۲ به عنوان نقطه عطفی در تاریخ شهری ایران ثبت خواهد شد. در این سال به موجب بند ب تبصره ۵۲ قانون بودجه مقرر گردید که شهرداریهای کشور طی یک برنامه ریزی ۷ ساله به خودکفایی برسند. کمکهای دولتی به شهرداریها از سال ۱۳۶۵ رو به کاهش گذاشت و نسبت آن در بودجه شهرداریها از ۴۰ درصد به ۵ درصد تنزل یافت. آنچه در این اقدام پرشتاب چندان مورد توجه قرار نگرفت، راهکارهای جایگزینی منابع جدید درآمدی به جای کمکهای دولتی بود. این امر موجب کاهش توانایی شهرداریها در ارائه خدمات و انجام طرحهای شهری شد و بیشترین مشکل، نصیب شهرهای کوچک و محروم شد. این مشکلات در برخی از این شهرها می رود تا به بحرانی خطرناک به نام کود شهری تبدیل شود. علی قیادی، شهردار شهر هرسین در استان کرمانشاه، در مورد مشکلات شهر تحت مدیریت خود می گوید: شهر هرسین ۷۰ هزار نفر جمعیت دارد، در بین بست قزاز گرفته و از خیلی چیزها محروم است. کمکهای دولتی به این شهر طی سالهای گذشته ۵۰ درصد کاهش یافته و چیزی جایگزین آن نشده است. سردم از نظر اقتصادی ضعیفاند و شورای شهر به دلیل مراعات مردم، آشنایی ها و رودریا پستی هایی که در شهرهای کوچک است، نمی خواهد از مردم پولی گرفته شود. در گذشته ما حتی کمک غیر مالی مثل لاستیک اتومبیل را نیز از وزارت کشور می گرفتیم، ولی الان برای تهیه ماشین آتش نشانی هم از ما پول می خواهند. به نظر من دولت باید کمکهای خود را به شهرهای کوچک و ضعیف طی یک دوره زمانی و به آسانی کاهش می داد. اگر این کمکها بخواهد به یک پاره قطع شود، شهرهای کوچک سقوط خواهند کرد در دست مثل همین وضعیت که ما اکنون در هرسین با آن مواجه هستیم!

شهردار یار رئیس شورای شهری را در نظر آورید که پشت میز کارش نشسته و به تازگی از مطالعه گزارش وضعیت مالی شهرداری فارغ شده است. این گزارش، حاوی اطلاعات ناخوشایندی برای اوست. بسیاری از درآمدهای پیش بینی شده از محل عوارض شهر هنوز وصول نشده و امیدی نیز به وصول سریع آنها تا پایان سال مالی نیست. علاوه بر این، در صورت وصول تمامی مطالبات شهرداری، میزان آن باز هم کمتر از هزینه های جاری و عمرانی شهرداری است. هم اکنون حقوق پرسنل شهرداری به تعویق افتاده و دهها طرح و پروژه نیمه کاره در شهرها به حال خود رها شده است. او ایده های خوبی برای کسب درآمد در سردارد، ولی قوانین، مقررات و مشکلات فرهنگی موجود، دست و پای او را برای تحقق ایده هایش بسته اند. او در فکر مردمی است که امید بسته بودند تا او با توانایی هایش شهر را آباد کند....

حالتی که برای مدیر فوق ترسیم کردیم، شاید هم اکنون برای بسیاری از شهرداران کشورمان مصداق عینی داشته باشد. هیچ مدیر شهری - هر چند از توانایی های خارق العاده ای برخوردار باشد - بدون در اختیار داشتن منابع مالی لازم نمی تواند در اداره شهرش موفق باشد.

بر اساس قوانین موجود، عوارض شهری از منابع مهم تأمین درآمدهای شهرداریهاست، اما در حال حاضر به دلیل موانع گوناگون چیزی عاید شهرداریها نمی کند. گزارش حاضر به بررسی جوانب این مسئله از دیدگاههای مختلف می پردازد.

نتیج سیاستها یکی است. اگر چه کیلومترها میان مکان تأثیر این سیاستها فاصله باشد، راز یا ۷ هزار نفر جمعیت در شمال خراسان وضعیتی مشابه همسین دارد. رضاهاشمی، شهردار این شهر، در این باره می‌گوید: کمکیایی که از طرف دولت به ما می‌شود کافی نیست؛ شهردار هیچ گونه منابع درآمدی ندارد. ما اینجا نه کارخانه داریم و نه معدن، عوارض هم که نمی‌توانیم از مردم بگیریم؛ چون چند سال گذشته خشکسالی شده و وضعیت اقتصادی مردم خوب نیست. تنها امید شهرداری راز به کمکیایی دولتی بود. اگر این کمکیها هم بخواهد قطع شود، فکر می‌کنم دیگر اسمی به نام شهرداری در اینجا نماند!

لزوم استقلال مالی شهرداریها از دولت، واقعیتی انکارناپذیر است که روزی باید تحقق می‌یافت. این تجربه‌ای بود که در سی آن بارها در کشورهای دیگر به اثبات رسیده بود. اما نکته‌ای که در اینجا و در تجربه ملی ما به فراموشی سپرده شده، ایجاد و به کاراندازی سازو کاری آندیشیده شده بود؛ سازو کاری که به کمک آن شهرداریها بتوانند حتی بهتر از قبل، درآمدهای متناسبی با شرح وظایف روبه گسترش خود - که پیامد توسعه شهرنشینی در ایران است - کسب نمایند. متأسفانه برای سالها چنین سازو کاری در اختیار شهرداریها قرار نگرفته، تا اینکه با تصویب قانون شوراهای سال ۱۳۷۵ و تشکیل شوراهای اسلامی شهر در سال ۱۳۷۸ بارقه‌های امیدی برای رفع این خلأ نمایان شد. مبنی در قانون شوراهای امیدی را گنجانید که به نظر بسیاری می‌توانست فصل ختامی در مشکلات تأمین منابع درآمد شهرداریها باشد. در بند ۱۶ ماده ۷۱ این قانون آمده است که تصویب لوائح، برقراری یا لغو عوارض شهری و همچنین تغییر نوع و میزان آن مآدر نظر گرفتن سیاستهای عمومی دولت که از سوی وزارت کشور اعلام می‌شود از وظایف شوراهاست. همچنین بر اساس ماده ۷۷ این قانون، شوراهای اختیار دارند تا نسبت به وضع عوارض متناسب با تولید و درآمدهای اهالی به منظور تأمین بخشی از هزینه‌های خدماتی و عمرانی مورد نیاز شهر و روستا، طبق آیین نامه مصوب هیئت وزیران اقدام نمایند.

شعفی که این قوانین در کار گزاران و مدیران شهری کشور اعم از شهرداران و اعضای شوراهای ایجاد کرده بود، دیری نپایید؛ زیرا مخالفت‌های بی‌ثباتی مسئولان دولتی با مصوبات شوراهای زمینه وضع عوارض جدید و ارسال دستورالعملها و آیین نامه‌های مختلف، حرکت و تصمیم راز شوراهای سلب کرد و از این طریق درآمدهای متناسب راز شهرداریها در رخ نمود.

فروش تراکم برای تأمین نیازها

در حال حاضر بودجه کل شهرداریهای کشور در حدود ۹۰۰ میلیارد تومان است که با توجه به جمعیت ۴۹ میلیون نفری ساکن شهرها، سرانه هر نفر از بودجه شهرداریها - در صورت تحقق - به طور متوسط ۲۳ هزار تومان می‌شود. مطالعات نشان می‌دهد که سرانه استاندارد برای اداره واقعی شهرها باید بسیار بیشتر از این رقم باشد. احمد مجدیدی، معاون عمرانی استانداری مازندران، در این باره می‌گوید: طبق برآوردهایی که انجام شده، برای اینکه شهرداریها بتوانند مأموریت‌های خود را انجام دهند، باید به طور میانگین و به صورت سرانه، رقمی حدود ۵۰ تا ۶۰ هزار تومان در سال درآمد داشته باشند. متأسفانه درآمد شهرداریها اکنون بسیار کمتر از این میزان است و بدتر از آن اینکه در طی ۲ سال گذشته حتی یک ریال عوارض ملی برای شهرداریها تصویب نشده است. امروز ۳۰ درصد مزاجعات مردم به دستگاههای اجرایی به

شهرداریها ختم می‌شود! اگر شهرداریها دستشان خالی باشد، طبعی است که رضایت مردم جلب نخواهد شد. در بند پیروزی انقلاب ۶۷ درصد بودجه شهر دارها توسط دولت و مجلس تأمین می‌شده اما در حال حاضر تنها ۱۰ درصد بودجه شهرداریها توسط دولت و مجلس تأمین می‌شود! این شرایط اصلاً به صلاح مدیریت شهری کشور نیست و من از این بابت احساس خطر می‌کنم.

سراسره وصولی عوارض در بسیاری از شهرهای کشور، حتی کلانشهرها، از میزان متوسط هم کمتر است. علی اصغر جدی، مدیر درآمد شهرداری قم می‌گوید: بودجه سال ۱۳۸۰ شهرداری قم نزدیک به ۱۴ میلیارد تومان است. با توجه به جمعیت یک میلیون نفری این شهر، سرانه وصولی از هر نفر، چیزی حدود ۱۲ هزار و ۳۰۰ تومان می‌شود که با استانداردهای اداره کلانشهرها - که حداقل ۲۳ تا ۲۵ هزار تومان تخمین زده می‌شود - فاصله زیادی دارد.

شکاف میان هزینه‌های جاری، عمرانی و خدماتی شهرداریها با درآمدهای قانونی آنها و اغماض‌های صورت گرفته در طی سالهای گذشته، برخی از مدیران شهری را ناچار به انتخاب راه‌حلهایی نموده است که عده‌ای آنها را راه‌حلهای انتحاری می‌نامند! فروش تراکم و کاربریها از جمله این راه‌حلهاست

برای جبران چنین فاصله‌هایی چه می‌توان کرد؟ شکاف میان هزینه‌های جاری، عمرانی و خدماتی شهرداریها با درآمدهای قانونی آنها و اغماض‌های صورت گرفته در طی سالهای گذشته، برخی از مدیران شهری را ناچار به انتخاب راه‌حلهایی نموده است که عده‌ای آنها را راه‌حلهای انتحاری می‌نامند. فروش تراکم و کاربریها از جمله این راه‌حلهاست. شکور اکبر نژاد، رئیس شورای شهر تبریز، در این زمینه می‌گوید: ما تراکم‌ها را تا کی می‌خواهیم بفروشیم؟ تا کی می‌خواهیم فضای سبز شهری را به ساختمان‌سازی تغییر کاربری بدهیم؟ فضای سبزی را که امروز برای شهرها جنبه حیاتی دارد، می‌فروشیم تا برای شهر کسب درآمد کنیم! درآمد شهرداریها باید از منابع دیگری تأمین شود. درآمد شهرداریها را باید کسانی که از امکانات شهر، بیشتر مصرف می‌کنند و ما هر روز برای رضایت آنان و فرزندان آنان خیالمان می‌زیم و مشکل ترافیک را حل می‌کنیم، تأمین کنند.

فروش تراکم و کاربریها حتی اگر درآمدهای ناشی از آن را در اموری همچون پروژه‌های عمرانی و خدماتی هزینه کنیم، به معنی خروج کردن برای نسل کنونی از جیب نسلهای آینده است. با این عمل، ما شهرهایی پر مسئله از نظر کالبدی، زیست‌محیطی و اجتماعی برای آیندگانمان به ارث می‌گذاریم و از آنان می‌خواهیم بار ناآرامی‌های ما را بر دوش دیگر نسل ما یا میراث‌گذاران شایسته‌های هستیم؛ به یاد داشته باشیم که ما از کشته دیگران

خورده‌ایم و امروز که نوبت کاشتن ما برای دیگران است، این میثاق نانوشته ملی - تاریخی را نشکنیم.

متأسفانه در حال حاضر در اکثر شهرهای کشور، بخش اعظم درآمدهای شهرداریها از عوارض زمین و ساختمان (ضدور پروانه، پذیره، تراکم فیزیکی و تقییر کاربری) تأمین می‌شود که از ناپایدارترین نوع درآمد است؛ زیرا اقتصاد مسکن در ایران، دستخوش نوسانات شدید است. مریم عباسوند، کارشناس دفتر امور عمران شهری و روستایی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، در این باره می‌گوید: در سالهای اخیر، پس از سیاستهای خودکفایی شهرداریها و جایگزین نشدن منابع جدید درآمدی برای آنها، مشکلات زیادی برای شهرداریها به وجود آمد و ۷۰ درصد بودجه شهرداریها به عوارض ساختمانی و ساخت و ساز متکی شد. انگای بودجه شهرداریها به عوارض ساختمانی ساختار صحیحی نیست. فعالیتهای ساختمانی ممکن است یک سال رونق داشته

که براساس قانون از ملک، اسوا، کالا، خدمات و درآمد افراد حقیقی و حقوقی به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدتی محدود و یا نامحدود و در سطح محلی، منطقه‌ای و یا ملی اخذ می‌شود و با نظارت مردم و دولت، صرف هزینه‌هایی می‌شود که موجب نظم و تأمین نیازمندیها و رفاه اجتماعی در شهرها و روستاها می‌گردد.

در کشور ما نیز در حال حاضر شهرداریها وجوهی را از محل عوارض قانونی کسب می‌کنند، ولی به نظر همه مدیران و کارشناسان شهری، این وجوه به اندازه موردنیاز و قابل انتظار نیست. سهم عوارض توام با مالیات از کل درآمد شهرداریها طی برنانه دوم توسعه تنها ۲ درصد بوده است. این در حالی است که امکان کسب درآمد بالقوه از این محل بیش از اینهاست. از موانع مهم تقییر جهت بودجه شهرداریها به سمت منابع پایدار و مستمر اشکالها و ابهامهای قانونی در این زمینه است.

قوانین قدیمی

قدیمی بودن قوانین مربوط به عوارض و عدم انطباق آن با شرایط کنونی، یکی از عمده‌ترین مشکلات بحث عوارض است. به طور مثال در فهرست مشاغلی که در دستورالعملهای عوارضی برای شهرداریهای سراسر کشور ارسال می‌شود، عوارض مشاغلی همچون پالان دوزی وجود دارد اما مشاغلی که یادیکو محلی از اعراب ندارند و یا اگر هم در گوشه و کنار کشور یافت شوند خود به منزله میراث فرهنگی، مستحق کمک و دریافت عوارضی نیست. یکی از گویاترین شواهد کهنگی قوانین عوارضی، عوارض مواد نفتی است که برای مصرف بنزین در نظر گرفته شده است. احمد مجیدی در این باره می‌گوید: تعرفه‌های عوارضی که شهرداریها وصول می‌کنند، مربوط به سالهای ۶۵-۱۳۶۲ است و حتی متأسفانه برخی از آنها مصوبات قبل از انقلاب هستند. به طور مثال عوارض بنزین که در سال ۱۳۴۴ تصویب شده به ازای هر لیتر بنزین که در آن سال ۴ ریال بوده، نیم ریال (۱۰ شاهی) تعیین شده - یعنی ۱۲/۵ درصد بهای روز بنزین - در حالی که نرخ بنزین الان ۳۸۵ ریال است. ولی عوارض همان نیم ریال دریافت می‌شود؛ یا در زمانی که قبض مصرف تلفن ماهانه ۱۵۰ تومان می‌آمده، عوارض آن ۲۰ ریال بوده، ولی الان که قبض مصرفی مخابرات بالای ۳۰ هزار تومان در ماه است، عوارض آن ۵۰ ریال تعیین شده؛ یعنی شرکت مخابرات نرخ خدمات خود را ۱۳۳ برابر کرده، در حالی که عوارض دریافتی شهرداری تنها ۴ برابر شده است؛ در گذشته در استان هائندان زمانی که قیمت برنج کیلویی ۳۳ ریال بود، نیم تا یک ریال برای شهرداری عوارض دریافت می‌شد؛ قیمت برنج در حال حاضر ۵۰۰ تا ۸۰۰ تومان است (۲۰۰ برابر گذشته) ولی عوارض شهرداری همان یک ریال باقی مانده است؛ طبیعی است که با این عوارض، شهرداریها قادر نخواهند بود شهرها را اداره کنند.

نجف فرزلی، شهردار آبادان، نیز قوانین کهنه و ناکارآمد را مشکل جدی بحث عوارض می‌داند؛ برخی تعرفه‌های عوارضی و به عبارت دیگر، منابع درآمدی شهرداری از ۳۰ سال پیش تا به حال تقییر نکرده است، ولی هزینه‌های شهرداری بیش از ۲۰۰ تا ۳۰۰ برابر افزایش یافته است؛ در مورد عوارض جاری، آخرین مصوبه مربوط به سال ۱۳۶۶ است. در کشوری که تورم بالای ۲۰ درصد در سال است، چطور می‌شود با عوارضی که در سال ۱۳۶۶ مصوب شده، در سال ۱۳۷۹ شهر را اداره کرد؛ با این روند اگر تجدید نظری در تأمین منابع درآمد شهرداریها نشود، قطعاً دچار مشکل خواهند شد.



بهنام خاقان

باشند و درآمد خوبی حتی بیش از پیش‌بینی‌های بودجه‌های شهرداریها نکنند، اما سال دیگر به دلیل رکود اقتصادی، تورم یا کمبود زمین و مصالح یا لغت و کسادی مواجه شوند و شهرداریها را دچار بحران کنند. در کل، بودجه شهرداریها باید براساس درآمدهای پایداری تدوین شوند و عوارض ساختمانی، درآمدی ناپایدار و شکننده است.

تکیه شهرداریها به درآمدهای ناشی از عوارض زمین و مسکن شبیه وضعیتی است که کشورهای متکی به درآمد نفتی دارند؛ درآمدی سرشار اما با آثار سوء در درازمدت. در شهر تهران ۸۲ درصد درآمد شهرداری از محل عوارض زمین و ساختمان کسب می‌شود. چالب است بدانیم که در شهر هرسین با ۷۰ هزار نفر جمعیت نیز بخش عمده درآمد شهرداری از عایدات کمیسیون ماده ۱۰۰ است؛ صاحبان نظران اعتقاد دارند که این روند هرچه زودتر باید تقییر کند و امروز مهمترین رسالت شوراها و شهرداریها تغییر جهت در منابع درآمدی شهرداریهاست.

منابع پایدار و مستمر

بر سر راه این تقییر جهت و هدایت منابع درآمدی شهرداریها به سوی منابع مستمر و پایدار، موانعی جدی وجود دارد. تجربه اکثر کشورهای جهان نشان می‌دهد که پذیرفته‌ترین شیوه درآمد مستمر و پایدار برای شهرداریها، عوارض و مالیاتهای محلی است.

تجربه اکثر کشورهای جهان نشان می‌دهد که پذیرفته‌ترین شیوه درآمد مستمر و پایدار برای شهرداریها، عوارض و مالیاتهای محلی است که بر اساس قانون از ملک، اموال، کالا، خدمات و درآمد افراد حقیقی و حقوقی به طور مستقیم یا غیر مستقیم در مدت محدود و یا نامحدود و در سطح محلی، منطقه‌ای و یا ملی اخذ می‌شود و با نظارت مردم و دولت، صرف هزینه‌هایی می‌شود که موجب نظم و تأمین نیاز مندیها و رفاه اجتماعی در شهرها و روستاها می‌گردد

تعرفه های مقطوع

از دیگر نواقص قوانین عوارضی که تأثیر بسیار منفی بر میزان عوارض دریافتی شهرداریها داشته، نرخ مقطوع عوارض بر کالا و خدمات است. در حالی که هر ساله به دلیل تورم بر منابع ریالی بودجه شهرداریها اضافه می‌شود برخی از تعرفه‌های عوارضی سالهاست که تغییر چندانی نکرده است. نصیرالدین شاهرخی، معاون عمرانی استانداری لرستان، می‌گوید: متأسفانه در گذشته عوارض را به صورت ریالی و مقطوع و نه به صورت درصدی وضع کرده‌اند با گذشت زمان آن نرخ ریالی فاصله زیادی با قیمت واقعی پیدا کرده است. مثلاً عوارض نیم ریالی سوخت به قدری تاچیز شده است که جمع‌آوری آن حتی جوابگوی هزینه کاغذی که بابت وصول آن حکایت می‌کنیم نیست!

گریز از عوارض

معافیت‌های عوارضی از دیگر معضلات قانونی بحث عوارض است. دولت - که خود پیشگام و پیشنهاد دهنده خودکفایی و خودانگیزی شهرداریها بوده است - اکنون شاید مقروض ترین طرف حساب شهرداریها باشد و این نقض غرضی آشکار از سوی برنامه‌ریزان دولتی است. ادارات، سازمانها، پادگانه‌های نظامی و انتظامی، مراکز آموزشی دولتی و سایر دستگاههای دولتی از بهره‌برداران بزرگ خدمات شهرداریها هستند و لازم است که متناسب با بهره‌برداری خود، عوارضی به شهرداریها بپردازند. نجف فرزاد در این باره می‌گوید: پالایشگاه آبادان بزرگترین پالایشگاه حاضر در خاورمیانه است. هیچ پالایشگاهی در دنیا در مرکز شهر نیست. ولی پالایشگاه آبادان در مرکز شهر استقرار یافته است و سطح زیادی از شهر را تحت اشغال خود دارد. شما اگر وارد شهر آبادان شوید، بوی مواد نفتی در تمام شهر به مشام می‌رسد! با این همه، عوارض پالایشگاه آبادان به شهرداری ماهانه ۴ الی ۵ میلیون تومان است و با همه تلاش مازیر بار یک ریال بیشتر هم نرفته است!

عدم پرداخت عوارض از سوی نهادها، سازمانها و دستگاههای توانمند دولتی به منزله این است که دولت و زیرمجموعه‌های وابسته به آن از مردم متوسط شهری خواسته باشند بهای خدمات مصرفی آنها را بپردازند و این مخالف اهداف دولت در حمایت از اقتصاد آسیب‌پذیر است که به صراحت در برنامه‌های توسعه از آن یاد می‌شود. مریم عباسوند با اشاره به این موضوع می‌گوید: در شهرهای بزرگ کشور، ۵۰ تا ۶۰ درصد از سطح شهر را ساختمانها و مراکز دولتی، وزارتخانه‌ها در تصرف دارند. این مؤسسات دولتی به هر حال از خدمات شهری - که از سوی شهرداری برای شهروندان عرضه می‌شود - بهره می‌برند، اما متناسب با استعدادهای که از خدمات شهری می‌کنند، عوارض نمی‌پردازند. وقتی این دستگاههای عریض و طویل دولتی از پرداخت عوارض و بهای خدمات دریافتی امتناع کنند، به طور حتم فشار مضاعفی نیز بر مردم و بر کیفیت خدمات شهری وارد می‌شود.

سکوت قانون

سکوت ماندن برخی قوانین و همچنین سکوت مقنن در برخی موارد دیگر از موانع جدی وصول عوارض است. در این زمینه، سکوت ماندن قوانینی که شرایط تضمین وصول عوارض را مهیا می‌کنند (همچون آیین‌نامه موضوع ماده ۷۴ قانون شهرداریها) و همین‌طور عدم تدوین آیین‌نامه گریز از پرداخت عوارض (موضوع تبصره ۲ بند ۲۶ ماده ۵۵ قانون شهرداریها) قابل تأمل است.

مرجع وضع عوارض چیست؟

شاید جنجالی‌ترین بخش در بحث مشکلات قانون عوارضی، مربوط به حیطه اختیارات و مراجع وضع کننده عوارض باشد. در حال حاضر در سطح محلی با تشکیل شوراهای اسلامی، وضع، لغو و تعیین میزان و نوع عوارض از وظایف همین شوراهاست. قانون شهرداریها - همان‌طور که گفتیم - در دو بخش (بند ۱۶ ماده ۷۱ و ماده ۷۷ آن) بر این امر تأکید کرده است. در سطح منطقه‌ای و ملی نیز وضع عوارض با استناد به بند الف ماده ۳۰ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد خاص، صرفاً به پیشنهاد وزیر کشور و تصویب رئیس جمهور برای آن دسته از شهرداریهای کشور که به تشخیص وزارت کشور، عوارض موجود تکافوی هزینه‌هایشان را نمی‌کند امکانپذیر است.

هیئت دولت در تاریخ ۲۷/۲/۱۳۷۸، آیین‌نامه‌ای را به استناد قانون شوراهای تصویب نمود که بحثهای زیادی را برانگیخته. عده‌ای بر این اعتقاد است که استناد این آیین‌نامه به بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون شوراهای، صحیح نیست؛ زیرا در آنجا پیش‌بینی چنین آیین‌نامه‌ای نشده است. احمد سجیدی این آیین‌نامه را دارای اشکال می‌داند و می‌گوید: به اعتقاد من بند ۱۶ ماده ۷۷ قانون شوراهای به شوراهای شهر اجازه می‌دهد که عوارض وضع کنند و اصلاً نیازی به آیین‌نامه اجرائی ندارد؛ در آنجا قید شده که عوارض وضع شده از سوی شوراها باید در چارچوب سیاستهای عمومی دولت باشد که از سوی وزارت کشور اعلام می‌شود. اما برای ماده ۷۷ قانون شوراهای که به شوراها برای تأمین بخشی از هزینه‌های شهرداری اجازه وضع عوارض داده، آیین‌نامه پیش‌بینی شده است. به اعتقاد من، آیین‌نامه تصویبی هیئت وزیران، تنها در چارچوب ماده ۷۷ قانون شوراهای می‌تواند مؤثر باشد و بند ۱۶ ماده ۷۷ نباید آیین‌نامه داشته باشد.

عده‌ای گفته می‌کنند که شوراها از اختیارات قانونی خود استفاده نمی‌کنند و در این مورد، مضحک‌افران می‌بینند که از مردم در مقابل شهرداری دفاع کنند. خجسته فرزاد می‌گوید: هدف از تشکیل شوراهای شهر این بود که مشارکت مردم را در مسائل شهری بیشتر کنند، اما این اتفاق عملاً نیفتاده است. الان شوراها عموماً به عنوان مدافع مردم وضع موجود در برخورد با شهرداریها حرکت می‌کنند، ما منابع درآمدی زیادی را به آنها برای بررسی، تصویب پیشنهاد داده‌ایم، ولی هیچ‌کدام را تصویب نکردند. استدلال آنها این است که گرچه مردم آبادان از نظر اقتصادی ضعیف‌اند، اما ساکنان هر شهر باید بخشی از هزینه‌های شهر را



مصطفی هوشمینی



رضا هاشمی

عوارض صادر می‌شود. نظارت غالبه دولت از طریق قانون شوراهای تضمین و اعمال شده است. شوراهای اسلامی، این نگاه را نوعی بی‌اعتمادی به خود می‌دانند. آنها خود را امین و مدافع موکلان خویش دانسته و از این راه برای شوراهای حق تعریف منافع و مصالح مردم را قائل هستند. علی‌اصغر جدی ضمن بیان این مطلب می‌گوید: شوراهای منتخب مردم، پس قطعاً مورد اعتماد مردم نیز هستند. آنها دلسوزترین و نزدیکترین افراد به مردم و مصالح آنان هستند؛ بنابراین به طور حتم در وضع عوارض جدید حرکتی نخواهند کرد که مردم را دچار مشکل کنند. به نظر می‌رسد که معتبرترین و معتمدترین نهاد برای وضع عوارض، همین شوراهای به عبارت دیگر، پارلمان‌های محلی هستند.

فرهنگ پرداخت عوارض

مسئولان دولتی همواره نسبت به بحث افزایش عوارض حساس بوده‌اند و یادیدگاهی امنیتی به آن تکرر می‌کنند. عده‌ای عدم افزایش نرخها و تعرفه‌های عوارض را طی سالهای گذشته، از جمله تعرفه عوارض نفتی، ناشی از همین نگاه می‌دانند. این حساسیت تا اندازه‌ای ریشه در واقعیات دارد؛ زیرا شهروندان کشور ما، به طور عام، فاقد فرهنگ پرداخت عوارض بوده‌اند و همواره نسبت به ادای آن اگراه داشته‌اند. دلایل این معضل فرهنگی متعدد بوده است. اولین و شاید مهمترین این دلایل، عدم آموزش همگانی و عدم تلاش برای آشنا کردن آنان به حقوق متقابل شهرداری و شهروندی است. سالهای متمادی، دولت از محل درآمدهای سرشار نفتی، جور شهروندان را در هزینه‌های شهری کشیده است و شهرداریها نیز که از این راه امورانشان می‌گذشته است، نیازی به توجه و ارتباط گسترده با مردم نمی‌دیده‌اند. این ذهنیت که شهرداریها مجموعه‌ای دولتی است، اکنون که شهرداریها از کمکهای دولتی محروم شده‌اند، همچنان در افکار عمومی باقی مانده است. نه تنها مردم، بلکه با کمال شگفتی، بسیاری از سازمانها، از گانه‌ها، نهادها، ادارات و نیروهای انتظامی و نظامی، شهرداریها را نهادی دولتی می‌دانند که مانند آنها از امتیازات عمومی برخوردارند. نتیجه اینکه، مؤدیان عوارض، چه حقیقی و چه حقوقی، چه خصوصی و چه دولتی، تمایل چندانی به پرداخت عوارض - که آن را سازمانها و ادارات دولتی می‌کنند - ندارند. همین امر موجب شده است تا مردم و ادارات دولتی به نحای گوناگون سعی دارند از عوارض معاف شوند یا تخفیفهای ویژه‌ای دریافت کنند. نصیرالدین شاهرخی در این باره می‌گوید: تصور مردم این است که شهرداری جزئی از دولت است. دولت هم که در نگاه مردم مجموعه‌ای تروتمند است و ما نیم ریالی عوارض بنزین به جایی نمی‌رسد. در نتیجه، در پرداخت عوارض مقاومت می‌شده است. اگر ما بتوانیم عوارض را برای مردم در قالب بهای خدمات تعریفی مجدد بکنیم و از سوی دیگر، با کمک شوراهای ساختار تفکر مردم را عوض کنیم و مردم را متقاعد نماییم که این عوارض در واقع مشارکت آنان در توسعه محدود زندگی خودشان است، موفقیت در آینده امکانپذیر خواهد بود. البته این تغییر چون تغییری فرهنگی است، قطعاً بلندمدت نیز خواهد بود.

دلایل دیگری نیز برای شکل‌گیری وضعیت فرهنگ فعلی در مورد عوارض مطرح می‌شود. از جمله اینکه اخذ عوارض به صورت تجمعی و در گذرگاههای خدماتی، خود موجب واکنش منفی مردم در پرداخت عوارض شده است. نصیرالدین شاهرخی در توضیح این مطلب می‌گوید: یکی از اشتباهات شهرداریها این بوده که بخش از خدمات خود را در گرو پرداخت عوارض کرده‌اند. مثلاً هنگامی

تسألی کنند؛ ما نمی‌توانیم شهر را رها کنیم. به نظر می‌رسد که شوراهای باید در برخی موضوعات تجدیدنظر کنند تا به اهدافی که از تشکیل آنها انتظار می‌رفت نزدیک شوند.

در مقابل، اعضای شوراهای چنین گلایه‌ای را نمی‌پذیرند. آنان می‌کناییم موجود در دستگاههای دولتی را مقصر می‌دانند. شکور اکبرنژاد می‌گوید: به نظر ما این مجموعه دولت و وزارت کشور است که در مقابل وضع عوارض جدید با بخشنامه‌ها و دستورالعملها مانع ایجاد می‌کند همه، مصلحت مردم را بهانه می‌کنند. ولی مردم مصلحت خودشان را بهتر از دیگران می‌شناسند. مصلحت کشور و مردم این نیست که بیاییم از جیب نسل آینده و از جیب روستایی و کشاورز برای شهرها خرج کنیم. تا زمانی که دولت برای مصرف در شهرها بارانه می‌دهد این مشکلات را داریم. شورای نبریز مواردی را برای افزایش عوارض در بخش حمل‌ونقل و گاز مصرفی تصویب کرد که با مخالفتهای مسئولان دولتی رویه‌رو شد. متأسفانه مجموعه دولتی با مسئولیتها و وظایف شورا سازگار نیست. عوارض ضرورت شهری است و ما می‌خواهیم شهر اداره شود.

معلوم نیست چرا هنگامی که براساس قانون شوراهای (نصیره ماده ۷۷) وزیر کشور به نیابت از دولت، حق وتوی مصوبات شوراهای را در مورد وضع و لغو عوارض در اختیار دارد، دستورالعملهای پیچیده دست و پاگیر و گاه متضاد نظیر این نامه وضع و وصول

تعرفه‌های مقطوع

که می‌خواهند پروانه ساختمانی را صادر کنند، عوارض معوقه را به آن وصل می‌کنند و همه مطالبات خودشان را به این طریق می‌گیرند. در این حالت مردم احساس می‌کنند دارند پول زور می‌دهند نه دیون خود را؛ در حالی که این پول بخشی از بهای خدماتی است که شهرداری‌ها به مردم داده‌اند. وظیفه شهرداری‌هاست که مردم را توجیه کنند که این بهای خدماتی است که به آنان ارائه می‌شود.

مشخص نبودن محل خرج و مصرف عوارض نیز موجب بی‌رغبتی در پرداخت عوارض از سوی مردم شده است. مردم نمی‌دانند عوارضی که پرداخت می‌کنند، کجا و صرف چه اموری می‌شود و این حق مردم است که بدانند کارشناسان از همین توقع و نیاز مردم نتیجه می‌گیرند که هزینه کردن عوارض دریافتی در همان محل اخذ موجب تشویق شهروندان به پرداخت عوارض خواهد شد. تجربه‌های موفق در این زمینه حاکی از صحت نظر انسان است. علی‌اصغر جدی معتقد است که اگر ما خدمات خود را برای مردم توضیح دهیم و تبلیغ کنیم و آنان نتایج این خدمات را ببینند، با جان و دل عوارض خود را می‌پردازند. شهرداری‌ها باید از طریق رسانه‌های محلی، بویژه صدا و سیما، محلی، خدمات و فعالیت‌های خود را به مردم معرفی کنند.

کمبود نیروهای متخصص

عدم آگاهی و تسلط کارکنان شهرداری‌ها در نحوه وصول عوارض از جمله مشکلات تحقق پیش‌بینی‌های درآمدی شهرداری‌ها در بخش عوارض است. حتی بسیاری از شهرداران

در این مورد می‌گویند: طبعاً تا عوارض از کسی خواسته نشود، پرداخت نمی‌کند. در بعضی استان‌ها عوارض شهرداری‌ها از دستگاه‌های دولتی خواسته شد و در بودجه دستگاه‌ها هم منظور گردید و پرداخت شد، اما در بعضی از استان‌ها خواسته نشده و در بودجه هم منظور نگردید و تا در بودجه منظور نشود، پرداخت نمی‌شود. این مسئله یک مقصدار پیگیری و هماهنگی می‌خواهد. در حال حاضر هماهنگ کننده شهرداری‌ها و شوراهای دولت، اقتدار و تفکری که از دولت سهم عوارض شهرداری‌ها را بگیرد ندارد.

تنوع تعرفه‌های عوارض و قوانین مربوط به هر یک از یک سو و پیچیدگی دستورالعمل‌ها، آیین‌نامه‌ها، ضوابط و مقررات حاکم بر آنها از سوی دیگر، در کنار بدنه ضعیف تخصصی شهرداری‌ها، مشکل را مضاعف کرده است. در اغلب شهرهای کوچک و متوسط کشور که با مشکلات مالی زیادی مواجهند، تصدی امور مالی با افرادی است که تخصص لازم را در این زمینه ندارند و آموزش هم در این زمینه ندهدند. این افراد در بهترین حالت ممکن شامل اشخاصی می‌شود که از سابقه پرسنلی طولانی تری برخوردارند. چنین ساختار نامتجانسی هنگامی که با انگیزه‌های ضعیفی برای صحت و دقت در کنار همسراشه شود، می‌تواند مشکلات فراوانی را ایجاد نماید. اعتقاد برخی بر این است که چاره کار می‌تواند استفاده از متخصصان آزاد باشد علی‌اصغر شاهرخی راه حل این امر را این گونه ارائه می‌دهد: اگر به اصل قضیه سامان دهیم، هیچ لزومی ندارد که برآورد کننده و وصول کننده عوارض، کارمند شهرداری

تکیه شهرداری‌ها به درآمدهای ناشی از عوارض زمین و مسکن شبیه وضعیتی است که کشورهای متکی به درآمد نفتی دارند؛ درآمدی سرشار اما با آثار سوء درازمدت!



احمد مجیدی

باشند. مثلاً در بخش صدور پروانه ساختمانی، چه لزومی دارد که صدور پروانه‌های ساختمانی و وصول عوارض آن، زیر مجموعه رسمی شهرداری باشد. مافی توتیم این خدمات و وصول عوارض آن را به بخش خصوصی بدهیم و سیستم را طوری طراحی کنیم که قابل کنترل و نظارت باشد و در نهایت، در صدی از عوارض وصول شده را به عنوان حق الزحمه در اختیار این مجموعه قرار دهیم و مابقی برود در حساب شهرداری. یا حتی وصول عوارض در یک منطقه مثل عوارض از محصولات زراعی در محدوده شهرها و با عوارض صنایع و معادن را می‌توانیم به شرکت‌های خصوصی که تخصص لازم را دارند محول کنیم. این کار شهرداری‌ها را از حالت تصدی خارج می‌کند و نقش آنها را به عنوان متولی این گونه امور تقویت می‌کند؛ یعنی شهرداری باید مدیریت وصول عوارض و هزینه کردن آن را برعهده داشته باشد و نه لزوماً تصدی وصول عوارض را.

کشور هم در این زمینه از اطلاعات کافی برخوردار نیستند. در ترکیب شوراهای کشور نیز به موارد متعددی بر می‌خوریم که از جایگاه خود در تصمیم‌گیری در بخش عوارض بی‌اطلاع‌اند. به طور مثال ماده ۱۳ آیین‌نامه اجرایی نحوه وضع و وصول عوارض، نحوه وضع عوارض را که شوراهای می‌توانند متناسب با خدمات شهرداری‌ها برای دستگاه‌های دولتی در نظر بگیرند مشخص کرده است. برای وصول چنین عوارضی بر اساس ماده یاد شده، لازم است که عوارض تصویبی توسط شوراهای قبل از تصویب نهایی لایحه بودجه کل کشور به دستگاه مربوطه اعلام شود تا از این طریق در بودجه اعمال گردد و از آغاز سال مالی بعد امکان وصول باشد. سال گذشته شهرهای بسیاری از این امکان بالقوه استفاده نکردند. تصور می‌کنند دلیل آن چه می‌تواند باشد؟ بهنام خاقان، رئیس گروه عمران شهری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور،

تمرکز یا عدم تمرکز؟

ایجاد سرمایه‌گذارهای کلان دولتی مثل نیروگاههای بزرگ، یا پالایشگاهها و صنایع ذوب فلز از محل سرمایه‌های منی در برخی از مناطق و شهرها، باعث افزایش درآمد و سرمایه‌های آنها نسبت به سایر مناطق و شهرهای بی‌بهره از این سرمایه‌گذارها شده است. تمسک زیادی از شهرهای کشور را شهرهای کوچک و متوسط تشکیل می‌دهند که عموماً از توان اقتصادی محدودی برخوردارند و به تناسب آن شهردارهاشان نیز درآمدهای اندکی از محل عوارض دارند. رعایت عدالت اجتماعی و لزوم تعادل بین مناطق اجتناب می‌کند تا بخشی از عوارض حاصل از سرمایه‌گذارهای کلان ملی توسط سازوکارهای صحیح میان مناطق و شهرهای فاقد توان اقتصادی لازم توزیع گردد.

سیاستهای متمرکز کنونی با این نیاز همخوانی ندارد. بهنام خاقان می‌گوید: سیستم عوارضی ما دچار اشکال است. بسیاری از کشورهای عوارضی که وضع شده، یکپارچه و سراسری است؛ در برخی شهرها پاسخ می‌دهد و در برخی از شهرها پاسخ نمی‌دهد. ما در شهرهای کوچک، صنعتی نداریم که عوارض صنعتی پرداخت شود. توسعه و رشد انجمنی هم نداریم که عوارض ساخت و ساز دریافت شود. از بخش تجارت هم که عملاً عوارضی اخذ نمی‌شود. بنابراین، بعضی از شهرهای ما فاقد درآمدند.

این شهرهای بدون درآمد، همان شهرهایی هستند که در برنامه‌های توسعه مأموریت یافته‌اند تا جمعیت خود و حوزه

متأسفانه در گذشته عوارض را به صورت ریالی و مقطوع و نه به صورت درصدی وضع کرده‌اند، با گذشت زمان آن نرخ ریالی فاصله زیادی با قیمت واقعی پیدا کرده است

عملکرد خود را حفظ کنند و از جریان مهاجرت جمعیت به سوی شهرهای بزرگ بکاهند. معلوم نیست این شهرهای در حال بحران چگونه می‌توانند برای جمعیت خود جاذبه‌های اقامت ایجاد کنند! رضا هاشمی، معتقد است که باید برای شهرهای محرومی مثل راز که از هر جهت با فقدان منابع درآمدی مواجه‌اند، فکری اندیشید و شهرداری‌های برخوردار تر، درصدی از عوارض کارخانه‌های بزرگ پیرامون خود را برای شهرهای محروم هم‌جوار در نظر بگیرند.

تعیین سلسله مراتب برنامه‌ریزی و سطح بندی کشای کشور راهبردی است که در نظامهای برنامه‌ریزی از آن یاد می‌شود. عده‌ای این راهبرد را در مسئله عوارض نیز دارای کاربرد می‌دانند، تصور کنی زبانی و در عین حال، داشتن دیدگاهی کلان به بحث عوارض، پیشنهاد همین گروه است. علی اصغر شاهرخی معتقد است که منطقی‌ترین شیوه در ارتباط با وضع، وصول و هزینه

کردن عوارض، این است که منابع وصول عوارض و مکانهای آنها به سه دسته تقسیم شوند: یک دسته منابعی هستند که کارکرد ملی دارند و سیاستهای منطقه‌ای و محلی نمی‌تواند در مورد آنها تصمیم گرفته، مثل صنایع نفت و گاز و یا پالایشگاهها که بر اساس سیاستهای ملی در محدوده یک شهر خاص قرار گرفته‌اند. وصول عوارضی از اینها باید از طرف دولت صورت گیرد و سهم شهری که این فعالیت در محدوده آن قرار گرفته و طبیعتاً از نظر آلودگی زیست‌محیطی، ترافیکی و... برای آن مشکلاتی فراهم کرده، به طور منطقی پرداخت شود و مابقی آن بر اساس سیاستهای اصولی، بین شهرهای محروم تقسیم شود. دسته دوم منابعی هستند که عملکرد منی ندارند، ولی از قند و قوره یک شهر نیز فراتر می‌روند و اصولاً بر اساس سیاستها و برنامه‌های منطقه‌ای، استانی ایجاد شده‌اند. در مورد این منابع نیز مرجع وصول عوارض و توزیع آن می‌تواند استانداری یا سازمان شهرها باشد. مانند دسته اول بخشی از عوارض حاصل از این منابع در اختیار شهر محل استقرار و مابقی در سطح استان میان شهرهای محروم توزیع خواهد شد. دسته دوم شامل منابعی می‌شود که خاص یک شهر است مثل محصولات کشاورزی خاص که در اراضی کشاورزی پیرامون یک شهر به عمل می‌آید یا تولید کالایی خاص در یک شهر، که در این مورد مرجع وضع عوارض یا در نظر گرفتن سیاستهای کلان دولت، شورای شهر خواهد بود و وصول و هزینه کردن آن نیز توسط شهرداری همان شهر انجام خواهد شد.

شناخت تمامی ظرفیتهای و توانهای نواحی و به کارگیری آنها در مسیر توسعه، تنها به کمک همه نیروها در تمام سطوح تصمیم‌گیری امکانپذیر است. تمرکززدایی و تفویض اختیارات به سطوح میانی و پایین تصمیم‌گیری می‌تواند بسیاری از این توانهای خفته و ناپیدا را به کار اندازد. مهدی غلامی عضو شورای شهر تربت حیدریه در این زمینه می‌گوید: دولت باید اجازه بدهد که هر منطقه بسته به توان محلی خودش بتواند طرحهایی را جهت توسعه و عمران شهری به کار گیرد. برای این منظور، شورای هر شهر و منطقه باید بتواند بر اساس توان آن منطقه عوارضی را بگیرد. در حال حاضر در یکی از بخشهای شهرستان تربت حیدریه چیزی حدود ۷۴ درصد ابریشم ایران تولید می‌شود و این بخش تولید کننده حدود یک درصد نخ ابریشم جهان است. خود شهرستان تربت حیدریه ۶۰ تن زعفران تولید می‌کند که ۵۰ برابر تولید کشور اسپانیا است. آیا با این وضع نباید برای عمران این منطقه از این موارد عوارض گرفته دولت باید اجازه بدهد که هر جا توانهای محلی خودشان را بسنجند و بر اساس آن عمل کنند. شورا این توانایی را دارد که با مردم کنار بیاید چون برخاسته از مردم است.

هماهنگ کردن نظام عوارضی و مالیات

دیدگاه دیگری در مورد ساماندهی عوارضی در سطح کلان وجود دارد که قائل به هماهنگ شدن نظام مالیاتی و عوارضی کشور است. استدلالی که صدافغان این دیدگاه دارند، تعدد تعرفه‌های عوارضی موجود و همچنین تعدد دستگاههای وصول کننده عوارض در سطح کشور است. حامیان این دیدگاه - که بیشتر دغدغه‌های نگاههای تولیدی و اقتصادی را بیان می‌کنند - بر این باورند که اخذ عوارض به علوین مختلف که گاه مشکل مضاعفی هم به خود می‌گیرد، موجب سردرگمی تولیدکنندگان و همچنین دلبستگی بخش خصوصی از سرمایه‌گذاری در امر تولید می‌شود. مصطفی ضرغامی، سرپرست دفتر تحقیقات و سیاستهای مالی وزارت اقتصاد و دارایی، در این باره می‌گوید: طبق



علی قبادی

همگی در قالب قانون شوراها و از طریق هیئت پیش گفته، انجام می‌پذیرد.

منتقدان به نتایج چنین طرحی چندان خوش بین نیستند و آن را واحد جامع‌نگری لازم نمی‌دانند. احمد مجیدی می‌گوید: اینکه ما بیایم عوارضی را که شهردارها دریافت می‌کنند، کم کنیم و صرفاً عوارضی متمرکزی را در اختیار آنها قرار دهیم، من نسبت به موفقیت چنین امری در آینده چندان خوش بین نیستم. این پرداخت‌های متمرکز چقدر می‌تواند متناسب با نیازمندیهای شهردارها باشد. اگر واقعیات موجود را مد نظر قرار می‌دادند و بر مبنای سوانه مورد نیاز شهردارها یعنی ۵۰ تا ۶۰ هزار تومان، بودجه شهردارها را تأمین می‌کردند، شاید مشکل شهردارها حل می‌شد. اما من تحقق چنین چیزی را بعد می‌دانم. از سوی دیگر نباید قانون شوراها را به این سرعت از اعتبار ساقط کرد و چیز دیگری را جایگزینش نمود. به اعتقاد من، این لایحه اگر به همین شکل تصویب و اجرا شود، کاملاً به ضرر شهردارهاست و وضع را از این که هست بدتر خواهد کرد.

وجود چنین دیدگاه‌های گاه متناقضی در موضوع عوارض، حاکی از پیچیدگی و تأثیرگذاری شاخص‌های متعدد در این مسئله است. شاید تنها نتیجه‌گیری منطقی از طرح چنین تفاوت‌هایی در دیدگاه‌ها تنها این باشد که دست‌یابی به ساماندهی واقعی مسئله عوارض، جز از طریق همکاری و هماهنگی همه افراد و گروه‌های ذی‌نفع به سرانجام نخواهد رسید و هیچ تصمیمی که متضمن منافع همه گروه‌های ذی‌نفع، از جمله احاد شهر و ندان نباشد، راه به جایی نخواهد بود.

منابع جدید درآمدی

سوانعی که بر سر آمدیم هر یک برای برطرف شدن، نیازمند زمان نسبتاً طولانی است. در این فاصله‌ها سه امور شهری قابل واگذاشتن است و نه شهردارها می‌توانند از انجام مسئولیت‌هایی که بر عهده گرفته‌اند، شانه خالی کنند. در این میان، مدیران شهری کشور نیازمند راه‌حل‌هایی عاجل، امکان‌پذیر و ضمیمه قانونی هستند که بتوانند به کمک آنها، درآمدهای متناسب با هزینه‌های شهردارها کسب نمایند. به نظر می‌رسد که برای رسیدن به این مقصود، قبل از هر کاری باید مدیران شناخت کاملی از اقتصاد شهر و توانایی‌های شهرداری به دست آورند و یا از طریق مطالعه و پژوهش، منابع جدید درآمدی متناسب با شرایط اقتصادی شهر خود را شناسایی نمایند.

یکی از راه‌هایی که تجربه‌های موفق نیز صحت آن را تأیید

آمار موجود در کشور ما حدود ۱۳۵ نوع عوارض توسط دستگاه‌ها و نهادهای مختلف اخذ می‌شود. این عوارض پراکنده و فاقد توجیه، معضلاتی به وجود آورده‌اند و به نظر می‌رسد گله‌ای که نگاه‌های توبیخ‌آمیز از این باب دارند کاملاً به حق باشد. در این نگرش اعتقاد این است که به مسائلی مانند عوارضی که آثار کلان و ملی دارند نباید نگاه بخشی داشت.

مصطفی ضرغامی می‌گوید: آنچه شهردارها و به ویژه سیاستگذاران بر فائده‌های شهری باید در نظر بگیرند این است که تصمیمات آنان در بسیاری از موارد آثار کلان و ملی دارد و ممکن است موجب خنثی شدن سایر سیاستگذارهای کلان شود. در موارد زیادی به شهردارها به صورت یک نگاه ایجاد درآمد نگریسته می‌شود و تصمیمات متخذه، بخشی و نه کلان‌نگر هستند و اگر مسئله‌ای را برای شهردارها حل کنند، باعث ایجاد معضلات فراتر برای سایر نهادهای اقتصادی می‌گردند.

بر اساس این دیدگاه، لایحه‌ای جهت ساماندهی و هماهنگی کردن نظام عوارض و مالیات به دولت پیشنهاد شده است. مصطفی ضرغامی در مورد اهداف و ویژگی‌های این لایحه می‌گوید: هدف اصلی تنظیم این لایحه، شفافیت بخشیدن به چگونگی پرداخت عوارض متعدد و متنوع محلی و ممانعت از دریافت عوارض توسط مراجع متعدد است. چرا که تعدد عوارض یکی از سوانع اساسی در رشد و توسعه اقتصادی و احیاناً گسترش فساد در هزینه‌گرد و جود دریافتی و مهم‌تر از آن، گسترش اعمال رویه نگاهداری دستگاه‌های اجرایی و وزارتخانه‌ها به شمار می‌رود.

از مشخصات مهم این لایحه، تفکیک میان عوارض و مالیات است؛ به این معنی که عوارض، درآمدهایی است که شوراها و اسلامی و پارتنس جمهور برای شهردارها، بخش‌ها و شهرک‌ها وضع می‌کنند و مالیات درآمدهای دولت در اثر اعمال حاکمیت است. در این لایحه، عوارض به دو نوع، عوارض محلی و عوارض ملی تقسیم شده است. حوزه عمل عوارض محلی، شهر، بخش و شهرک است در حالی که محدوده عمل عوارض ملی فراتر از این است و مواردی را شامل می‌شود که آثار اقتصادی آن کل کشور را در برمی‌گیرد. تصمیم در مورد برقراری یا تغییر عوارض در سطوح محلی و ملی به عهده هیئت منشیکل از معاون اول رئیس جمهور، وزیر کشور، وزیر امور اقتصاد و دارایی و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور گذاشته شده است. بر اساس این لایحه، برقراری عوارض بر وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و در مجموع، منابعی که مأخذ دریافت مالیات هستند و همچنین برقراری عوارض بر مصرف آب، برق و فرآورده‌های نفتی ممنوع می‌گردد. به علاوه منابعی عوارض موجود شهردارها و جوهی که به نفع آنها وصول می‌شود به استثنای عوارض نوسازی، همگی لغو خواهد شد. برای جبران کاهش درآمد شهردارها، در این لایحه پیش‌بینی شده که عوارض منطبق با ماده ۲ قانون شوراها و همچنین وجوه مورد نظر در ماده ۲۰ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین اخذ شود. دریافت این گونه عوارض نیز باید به تأیید هیئت که قبلاً به آن اشاره شد پرسد. البته درآمدهایی که شهردارها در حال حاضر در قبالت خدمات خاص خود دریافت می‌کنند به قوت خود باقی خواهند ماند و مسئول این لایحه نمی‌شوند. از ویژگی‌های دیگر این لایحه، لغو اختیارات دولت، وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی، شهردارها، استاندارها، شورای اقتصاد و... در مورد برقراری عوارض به نفع شهردارهاست و تصمیم‌گیری در مورد عوارض



نسرالدین شاهمرخ

سازمانه ۳۰۰ تا ۵۰۰ تومان بابت خدماتی نظیر جمع‌آوری زباله، رفت و روب شهری و سایر اقلام اخذ کردیم. چنانکه این مبلغ ۶ هزار تومان در سال و حداقل آن ۳ هزار و ۶۰۰ تومان می‌شد و مردم هم آن را با رغبت پرداخت کردند. ما از این طریق کار رفت و روب جمع‌آوری زباله را به شرکت‌های خصوصی واگذار کردیم؛ به مردم هم در زمینه نگهداری و دفع بهداشتی و تکنیک زباله آموزش دادیم و واکنش منفی هم از طرف مردم نباشید. اگر مردم بدانند پولی را که می‌دهند صرف و خرج خودشان می‌شود، واکنش منفی نخواهند داشت. یکی از دلایلی که مردم از دادن مالیات به دارای خودداری می‌کنند همین است؛ چون فکر می‌کنند که احتمال دارد پولی را که می‌دهند در شهر خودشان صرف نشود و برود در حساب خزانه و خزانه هم که آن را بر اساس جداولی که مردم سرخرمی آورند تقسیم کند.

آنچه پیش روست

۳۰ سال است که بحث عوارض و لزوم توجه به آن، یکی از خواسته‌های بحق مدیران شهری کشور است. این موضوع در همایش شهرداران سراسر کشور در سال ۱۳۶۰ مهمترین مسئله و مشکل آنان بوده است؛ به طوری که ۲۰/۴ درصد از کل مواد قطعه‌نامه این همایش به مسئله عوارض محلی اختصاص یافته است. در قطعه‌نامه همایش شهرداران شهرهای با جمعیت ۱۰۰ هزار نفر و بیشتر که در اسفند ماه ۱۳۲۹ برگزار شد نیز این مسئله همجستان در صدر خواسته‌های شهرداران کشور بود. ۲۰ سال توقف، آن هم در جهان امروزی و در جامعه‌ای به تحول و زمان از دست رفته تأسف انگیزی است. آیا ۲۰ سال دیگر باز هم در همین نقطه ایستادیم؟

اکنون ۶۲ درصد جمعیت کشور در شهرها زندگی می‌کنند و جمعیت شهرنشین کشور با نرخ رشد ۳/۷ درصد، هر ۲۰ سال دو برابر می‌شود. با این روند ما در سال ۱۴۰۰ نزدیک به ۸۰ میلیون شهرنشین خواهیم داشت. از این رو، حل مسائل و مشکلات شهری، نه تنها ضرورت امروز بلکه نیاز فزاینده کشور نیز هست.

کدام چالشها؟

در یک نگاه کلی، شهرداری‌های کشور برای رفع مشکلات مالی خود با چالشهای زیر مواجهند و ادامه سیاست موفقیت‌آمیز خود کفایت شهرداری‌ها در گرو رفعیافتن قابل اجرا برای هر کدام از این موارد است:

- ۱- اصل خودکفایی شهرداری‌ها با منابع محدود در آمدی آنها، بویژه در شهرهای کوچک، مناقشات دارد.
- ۲- انجام مأموریت‌های محوله شهرداری‌ها جز از طریق تأمین منابع درآمدی یا بادر امکا نپذیر نیست.
- ۳- قوانین عوارض فعلی، گهواره ناآرامی و مهجم است.
- ۴- واگذاری اختیارات بیشتر به سطوح محلی و حرکت به سمت عدم تمرکز برنامه‌ریزی از مسائل جدی است که در بحث عوارض بشدت تأثیر گذار است.
- ۵- فرهنگ مشارکت و پرداخت عوارض از عمق و وسعت کمی برخوردار است.
- ۶- قطع کامل کمکهای دولتی به شهرداری‌ها امکان‌پذیر نیست.

۷- برای سامان دادن به عوارضی که منافع همگان را در برگیرد، رابزینی و گفتگو با همه افراد و گروه‌های ذی‌نفع و رعایت مصالح آحاد مردم، امری اجتناب‌ناپذیر است.

گرفته است و می‌تواند بخش زیادی از نیازهای مالی شهرداری‌ها را تأمین نماید و چاره‌ای بر مشکلات عدیده عوارض نیز باشد، راه‌حلی است که از آن به تمام دریافت‌بهای خدمات شهری یاد می‌شود. قانون شهرداری‌ها بر اساس بند ۲۶ ماده ۲۱ به شوراهای اسلامی شهر این اختیار را تفویض کرده است. تا از طریق مصوبات خود به شهرداری‌ها و سازمانهای وابسته به آن، این امکان را بدهند تا ابیهای خدماتی همچون جمع‌آوری، حمل و دفع زباله، آ که هر روزه به شهروندان ارائه می‌کنند دریافت نمایند.

راه‌حل دریافت‌بهای خدمات دارای چند ویژگی مهم است: اول اینکه بهای خدمات در محل ارائه خدمات دریافت می‌شود و پرداخت‌کننده بهای خدمات، هم از افراد یا سازمانها و صنایع می‌دانند که این بها را بابت استفاده از چه خدمتی پرداخت می‌کنند. دوم اینکه برای پرداخت‌کننده، مشخص است که این بها در کجا و برای چه موضوع یا طرحی هزینه خواهد شد. سوم اینکه این راه‌حل، قانونی بوده و برای اجرای آن هیچ آیین‌نامه اجرایی پیش‌بینی نشده است.

از نظر اقتصادی، خدمات کالایی است که دارای ارزش اقتصادی است و می‌توان آن را خرید و یا در معرض فروش گذاشت. بسیاری از سازمانها و مؤسسات خدمات شهری مثل بانکها، مؤسسات بیمه‌ای، شرکت‌های آب، برق و گاز در قبال خدماتی که به ارباب رجوع یا مشترکان خود می‌دهند، هزینه‌هایی را که متناسب با وضعیت اقتصادی روز و نرخهای تورمی است دریافت می‌کنند. استفاده کنندگان از این خدمات در پرداخت هزینه‌های طلب شده از سوی این مؤسسات کاملاً توجه شده‌اند. شهرداری‌ها و شهرداری‌ها نیز می‌توانند با کمی صرف وقت و کار فرهنگی و توجیه شهروندان، از آنان بخواهند برای استمرار و ارتقای کیفیت خدماتی که دریافت می‌کنند و بی‌شک شهرداری برای این متحمل هزینه‌های شده است بهایی را پرداخت نمایند. بنابراین، بدیهی است که عدم پرداخت بهای خدمات به منزله اعلام عدم نیاز استفاده از آن خدمات است و شهرداری‌ها می‌توانند از عرضه آن خودداری نمایند. هم‌اکنون در شهرهایی مثل تهران، اهواز، تربت حیدریه و چند شهر دیگر، شهرداری بهای خدمات شهری مثل جمع‌آوری زباله و دفع زباله را به طور مستقل یا بر روی قبض عوارض نوسازی و یا شیوه‌های دیگر دریافت می‌کنند. اردشیر ریاحی، شهردار تربت حیدریه، در مورد تجربه شهر خود می‌گوید: ما سال گذشته یک نمونه وضع عوارض داشتیم و عوارضی را تحت عنوان خدمات شهری به ازای هر خانوار شهری

تجاری از مدیریت توسعه پایدار شهری

ترجمه و اقتباس: محسن ابراهیمی مجرد

دکتر در شهرسازی

رعایت ملاحظات زیست محیطی، گام و مفهوم اول در تفکر و فزاینده توسعه پایدار محسوب می‌شود. اما بویژه هنگامی که پایداری توسعه در مورد فضاهای انسان ساخت، همچون شهر، مطرح است، خواه و ناخواه مفاهیم و ملاحظات اجتماعی و اقتصادی هم به آن افزوده می‌شود. در واقع، توسعه پایدار شهری باید متضمن استفاده بهینه از تمام منابع محیطی، اجتماعی و اقتصادی شهر و منطقه بلافصل آن در چارچوب نظامهای کلان منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی باشد.

تحقق و عملی شدن شروط یادشده در پایداری حیات انسان و کره زمین بسیار ضروری و تأثیرگذار است؛ چرا که امروزه بسیاری از انسانها در شهرها زندگی می‌کنند و عمده منابع کره زمین، پس از مصرف در شهرها به صورت ضایعات به آن باز می‌گردد. بر این اساس، یکی از وظایف اساسی مدیریت شهری و شهرداریها، از بزرگترین تا کوچکترین آنها و در همه کشورها از جمله در ایران، تفکر، برنامه‌ریزی و عمل برای تضمین توسعه پایدار شهرهای خودشان است.

نوشته زیر با زبانی ساده و به صورت کاملاً خلاصه به صورت توجه به این موضوع می‌پردازد و محورها و نتایج اساسی چند تجربه موفق موجود در این زمینه را با تأکید بر نقش ویژه شهرداریها نشان می‌دهد؛ محورها و مباحثی که بدون شک می‌توانند برای نهادهای مسئول و شهرداریهای کشور ما نیز روشنگر و قابل توجه باشند.

زیست‌طبیعی آنها را «مختل» می‌نماید امروزه شهرهای بزرگ بیش از پیش مواد سوختی، انرژی، آب، کالا و مواد مصرف کرده و انواع مواد زائد را در بیرون خود، با می‌کنند. صدها کیلومتر مربع زمین برای دفن زباله‌های شهر اختصاص می‌یابد که تعادل محیط زیست طبیعی منطقه شهری را مختل می‌نماید. مواد مصرفی این شهرهای بزرگ باید از دورترین نقاط کشور و یا از خارج کشور تأمین شود. هزینه‌های حمل و نقل و انرژی مصرفی برای حمل و نقل این مواد و آلودگیهای زیست‌محیطی ناشی از آنها نیز سرسام‌آور و زیان‌بخش است.

اخیراً برای ارزیابی آثار زیست‌محیطی طرحهای شهری، از روش محاسبه «آثار اکولوژیکی» استفاده می‌شود. برای مثال، این آثار از طریق تخمین مساحت زمینهایی انجام می‌شود که ظرفیت بیوفیزیکی آنها هم به عنوان «منبع» مورد استفاده شهروندان می‌گردد و هم برای «دفع» مواد زائد تولید شده توسط شهر به کار گرفته می‌شود. هرچه این «آثار»، یعنی مساحت زمینهایی که برای تأمین مصارف و جذب مواد زائد شهر لازم است، بیشتر باشد، شهر هم بیشتر از «شهر اکولوژیکی» مطلوب، فاصله می‌گیرد. طبق مطالبات موجود، اگر فرض شود که هر شهروند تهرانی برای داشتن هوای سالم، مواد غذایی و دفع زباله به ۴ هکتار زمین نیاز دارد، برای ساکنان شهر تهران حدود ۲۶ میلیون هکتار زمین

شهرهای کشور مادر سالهای اخیر با توسعه پرشتابی روبه‌رو بوده‌اند. این توسعه سریع باعث اختلالات قابل توجهی در محیط زیست شده است. از جمله این اختلالات می‌توان به آلودگیهای هوا، صدا، آب و خاک اشاره کرد. مصرف گسترده و بی‌رویه مواد و کالا و دور انداختن مواد قابل بازیافت، تولید بی‌رویه زباله و دفن آنها در حاشیه شهرها، تعادل زیست‌محیطی را در مناطق شهری دگرگون کرده است.

از این رو، در حال حاضر، اصل مهم در توسعه شهری، توجه به عوامل زیست‌محیطی و بازیافت مواد زائد است. تفکر امروزه در توسعه شهری این است که شهرها باید هر اندازه امکان دارد با محیط زیست طبیعی سازگار باشند و در حفظ تعادل چرخه طبیعی حیات عمل کنند. این تفکر، یعنی تولید طرحهای گوناگون بر پایه ایده‌هایی عملی بهره‌گیری از چرخه طبیعی حیات و بازیافت، می‌تواند دستمایه فعالیتهای شهرسازان، مهندسان، معماران، کارشناسان و مدیران امور شهری، قرار گیرد.

میزان مصرف انرژی در بخش حمل و نقل و مسکن در شهرها بی‌دری در حال افزایش است. از این رو، شهرها بخش فزاینده‌ای از انرژی جهانی را به مصرف می‌رسانند. مصرف بیش از حد و بی‌رویه مواد گوناگون و انرژی در شهرها سبب افزایش آلودگی هوا و جنگل‌زدایی می‌شود و در سطح منطقه‌ای و محلی نیز محیط



مصروف و بازیافت در جهت حفظ محیط زیست طبیعی شهرها در سراسر جهان در حال گسترش است. ترویج فرهنگ درست مصرف کردن و بازیافت مواد از مبادی آنها از ضرورت‌های برخورد اکولوژیک و بهره‌گیری از چرخه طبیعی تولید، مصرف و بازیافت در شهر است. در واقع، هر شهر و بند باید عادات درست مصرف، بازیافت، حفظ محیط زیست طبیعی و توجه به چرخه طبیعی حیات را بیاموزد و در جهت تحقق حفاظت محیط زیست شهری مشارکت نماید.

اخیراً در سطح جهانی، مسائل محیط زیست شهری مورد توجه فزاینده مدیران شهری قرار گرفته است. نمونه‌هایی از این مسائل در زیر عرضه می‌شوند:

در میان کلبه‌های منطقه فقیرنشین «کلانک توی» شهر بانکوک (تایلند) انبوه زیاده وفاضلات مشاهده می‌شود. هزینه‌های بهداشتی آلودگی هوا در شهرهای بانکوک و جاگرتا در اوایل سالهای ۱۹۹۰، حدود ۱۰ درصد درآمد این شهرها بوده است. به نظر می‌رسد در اغلب کشورهای در حال توسعه، آلودگیهای محیط زیست روبه فزونی دارد، بسیاری از شهرهای بزرگ

تفکر امروزه در توسعه شهری این است که شهرها باید هر اندازه امکان دارد با محیط زیست طبیعی سازگار باشند و در حفظ تعادل چرخه طبیعی حیات عمل کنند



امریکای لاتین از افزایش سطح آلودگی هوا رنج می‌برند. در اغلب روزها در شهر مکزیکو غلظت آلودگی هوا منظره گویهای اطراف شهر را محو می‌کند؛ همچنان که در تهران نیز در بسیاری از روزهای پاییز و زمستان این وضعیت حاکم است!

از سوی دیگر پروژه‌های توسعه شهری موفقی در برخی از شهرهای جهان در جهت بهبود محیط زیست شهری اجرا شده است. چهار نمونه از این پروژه‌ها در زیر به طور اجمال ارائه می‌شوند.

برنامه نوسازی شهری «کامپانگ» در شهر سورابایا (اندونزی) در سال ۱۹۹۱ برنده جایزه جهانی مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد شد. در برنامه یاد شده، مناطق پرترکم شهری، با روشی ارزان و ابتکاری به نوعی سبز، تمیز و پایدار شهری تبدیل شده‌اند. این برنامه ۱/۲ میلیون نفر از ساکنان شهر سورابایا را تحت پوشش قرار داده است. اصول کلی برنامه نوسازی شهری سورابایا، اندونزی بر مبنای همکاری افراد محلی و مشارکت نزدیک شهروندان با شهرداری، بهینه‌سازی ساختاری و زیست محیطی و نقش فعال زنان در پروژه‌ها استوار است. شهرداری حدود ۵ درصد بودجه را جهت تشویق افراد منطقه برای اجرای پروژه‌های خودیاری بهینه‌سازی مناطق مسکونی تأمین می‌کند.

موردنیاز است که این سطح حدود ۵۰۰ برابر مساحت شهر تهران، ۱۳۵ برابر مساحت اراضی زراعی استان تهران و ۲ برابر مساحت کل اراضی زراعی کشور است!

از این رو، توجه به عوامل محیط زیستی، سبب می‌شود تمامی عتایب آلوده کننده در مبدأ آنها کنترل شوند و مواد زاید دوباره از مادی آنها بازیافت و وارد چرخه طبیعی تولید گردند. ضروری است که مواد زاید در سطح خانه‌ها و محله‌های شهری جداسازی، بازیافت و تبدیل به کمپوست شوند. برای مثال، مقدار قابل توجهی از مواد زایدی که هر شهر و بند ایرانی در هر روز آن را دفع می‌کند، مواد گیاهی است که به سادگی قابل تبدیل به کمپوست در مبدأ تولید و مصرف آن در همان محل است. افزون بر این، لازم است مجموعه‌های مسکونی و شهری به طور کلی از همه لحاظ کم مصرف باشند. برای مثال، آبهای مصرف شده و قابل بازیافت، بازیافت شوند. همچنین ضرورت دارد از سیاستهای حمل و نقل، تهیه مسکن و خدمات شهری که دارای آلودگیهای کمتر و مصرف انرژی کمتری هستند، استفاده شود.

بدیهی است حل و فصل این مسائل تنها از راه‌های فنی امکانپذیر نیست و شهروندان باید در عاداتهای مصرف و شیوه‌های زندگی خود نیز تجدیدنظر نمایند. تفکر در باره احیای چرخه تولید



اندونزی - جاکارتا

عوامل مهمی که موجب تسهیل روند برنامه مدیریت محیط زیست در دارالسلام شده‌اند، عبارت‌اند از: حمایت مداوم تصمیم‌گیران سیاسی، همراه با حمایت شهروندان از طریق همکاری، مشارکت و آموزش

اصول کلی برنامه نوسازی شهری سورابایای اندونزی بر مبنای همکاری افراد محلی و مشارکت نزدیک شهروندان با شهرداری، بهینه‌سازی ساختاری و زیست‌محیطی و نقش فعال زنان در پروژه‌ها استوار است

نوسازی مرکز شهر

- مدیریت فضاهای باز، مناطق تفریحی، زمینهای اوده، کمربندهای سبز و کشاورزی شهری.
- مدیریت آبهای سطحی و مواد زاید جامد، شامل خصوصی‌سازی جمع‌آوری زباله مرکز شهر.
- بهبود نقش خرده‌فروشان در اقتصاد شهری.
- عوامل مهمی که موجب تسهیل روند برنامه مدیریت محیط زیست در دارالسلام شده‌اند عبارت‌اند از: حمایت مداوم تصمیم‌گیران سیاسی، همراه با حمایت شهروندان از طریق همکاری، مشارکت و آموزش.

مدیریت شهری نوین در شهر کوریتیا، نمونه دیگری است که به آن اشاره می‌شود. شهر کوریتیا، مثال درخشنده‌ای از چگونگی روش ابتکاری مدیریت شهری است که محیط شهری پایدار و انگیزه‌های پیشرفت و استوارتر مشارکت شهری به وجود آورده است. شهر کوریتیا با جمعیت یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر در جنوب بزرگ واقع شده است. در طرحهای توسعه شهری کوریتیا، محور اصلی نیازهای زیست محیطی شهر و شهروندان کوریتیا می‌باشد.

زنوس عمده برنامه مدیریت شهری نوین کوریتیا عبارت‌اند از:

- ایجاد واحدهای مسکونی ارزان قیمت با کیفیت بالا و با مشارکت مردم و پیمانکاران بخش خصوصی.
- استفاده از سازهای جدید و فن‌آوریهای نوین جهت کاهش آلودگیهای محیط زیست از جمله آلودگی صدا و سرفه‌خونی در مصرف انرژی.
- احداث مجتمعهای بازرگانی برای تجمیع محل اشتغال و مسکن در زیر یک سقف.
- احداث و بهره‌برداری شبکه حمل و نقل سریع‌السیر شهری توسط شرکتی خصوصی.
- بازیافت دو - سوم زباله و مواد زاید شهر.
- بازیافت کاغذ که روزانه معادل یک هزار و ۴۰۰ درخت را از

نمونه دوم از طرح‌های موفق بهبود محیط زیست شهری، طرح بهبود محیط زیست و افزایش کارایی مدیریت شهری در دارالسلام است. جمعیت دارالسلام ۳ میلیون نفر است که یک - چهارم جمعیت شهری کشور تانزانیا را در بر می‌گیرد. عمده‌ترین مسائل شهری دارالسلام وجود خدمات بهداشتی و زیست‌محیطی در محله‌های فقیرنشین و جمع‌آوری و دفع نامناسب زباله است. شهر دارالسلام با همکاری طرح‌های پایدار مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد برنامه مدیریت محیط زیست شهری را آغاز نمود. در گروه‌های کار این برنامه، نمایندگان بخش خصوصی، طبقات مختلف جامعه شهری و همچنین شهروندان علاقمند شرکت دارند. طرح‌های عملی این برنامه عبارت‌اند از:

- مدیریت مواد زاید جامد.
- بهبود وضعیت مناطق مسکونی حاشیهای.
- ایجاد تأسیسات زیربنایی برای زمینهای تفکیک شده شهری.



سورث استانبول

نابودی می‌رساند.

- شرکت شهروندان، از کوچک و بزرگ، در جداسازی و بازیافت زیاده.

- آموزش گسترده شهر نشینی که از سطح دبستان آغاز می‌شود.

- ایجاد هفت مرکز جدید مشارکت شهری به عنوان مراکز اداره منطقه‌ای شهر که تمامی امکانات شهری در آنها متمرکز شده و با وسائط حمل و نقل عمومی قابل دسترسی هستند.

- مشاوره با مردم در امور شهری.

مهمترین عامل در موفقیت طرح نوین مدیریت شهری کوریتمیاد به وجود آوردن انگیزه‌های مشارکت مردم در امور شهری است.

به عنوان نمونه چهارم، ابتکارهای مؤثر مدیریت شهری شهر گوتنبرگ (سوئد) ذکر می‌شود. شهر گوتنبرگ با جمعیتی بالغ بر ۲۵۰ هزار نفر و منطقه شهری گوتنبرگ با جمعیت ۷۵۰ هزار نفر در غرب کشور سوئد قرار گرفته است. در حال حاضر مشکلات اصلی شهر عبارتند از:

- آلاینده‌های اسیدی که از فواصل دور دست از بخشهای دیگر اروپا به این منطقه نشود می‌کنند و در نتیجه آب شهر و کیفیت خاک را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

- آلودگی صدا که در بخشهایی از شهر آزاردهنده است.

- مشکلات زیست محیطی ناشی از آنگوهای مصرف و نحوه بازیافت مواد زاید.

در سال ۱۹۸۶ شورای شهر، گروه مدیریت سیاستگذاری زیست محیطی را تشکیل داد. سیاستهای زیست محیطی در سال ۱۹۹۱ اتخاذ شد که مسئولیتهای زیست محیطی تمامی بخشهای شهرداری را مشخص نمود. در این سیاستها تاکید شده است که هر یک از بخشهای شهرداری باید برنامه مدیریت زیست محیطی را توسعه داده و آن را از طریق میزان زیست محیطی، تحت نظارت قرار دهند. در سال ۱۹۹۵، برای تشخیص و تعیین اولویت موارد زیست محیطی، اقدامات تازه‌ای آغاز گردید و گروه مدیریت به

صورت کمیته زیست محیطی در شورای شهر، مجدداً شکل گرفت. این کمیته از سال ۱۹۹۶ برنامه‌های زیست محیطی شهرداری و بخش عمومی را مورد بررسی دقیق قرار می‌دهد و از همکاریهای بخش خصوصی و شهروندان داوطلب نیز استفاده می‌کند. روس کلی برنامه بهبود محیط زیست شهر گوتنبرگ به شرح زیر است:

- برطرف کردن آلودگیهای زیست محیطی ناشی از نشت مواد خطرناک از واحدهای تولیدی.

- بازیافت کالاهای مصرفی.

- پاکسازی صنایع و کارگاهها برای کاهش ضایعات و فاضلاب آلوده و خطرناک.

- اجرای طرح شیمیایی زدایی که طی آن تولید کنندگان، نمایندگان و استفاده کنندگان از مواد شیمیایی خطرناک تشویق می‌شوند مواد شیمیایی بی خطر را جایگزین مواد خطرناک نمایند.

- اجرای طرح روغنهای موتور پاک که روغنهای مناسب محیط زیست را به بخش صنایع و حمل و نقل معرفی می‌کند.

- تدوین قوانین و تصویب آنها توسط شورای شهر برای نحوه خرید مواد و وسائل مناسب محیط زیست جهت کاربرد در امور و فعالیتهای گوناگون شهرداری.

- اجرای طرح بازیافت مواد جامد زاید آشپزخانه‌ای و باغبانی و تبدیل آن به کمپوست.

- ایجاد مجمع مشارکت کنندگان در حفاظت محیط زیست منطقه شهری گوتنبرگ.

رسم موفقیت برنامه بهبود محیط زیست شهر گوتنبرگ سیاستگذاری جامع محیط زیست، تحت پوشش قرار دادن تمامی ادارات و واحدهای شهرداری و تشویق به مشارکت عمومی شهروندان است.

استنتاج کلی از طرحهای بهبود محیط زیست شهری موفق یاد شده این است که راز موفقیت این طرحها، سیاستگذاری نمربخش و جامع محیط زیست، آموزش عمومی، تشویق و ترغیب مشارکت عموم مردم و بهره‌گیری از امکانات بخش خصوصی بوده است.



یک ضرورت:

ساماندهی مراکز عرضه مصالح ساختمانی

تهیه و تنظیم: ایرج اسدی - رسول فرجام

یک شهر زمانی قادر به ایفای نقش مورد انتظار خواهد بود که بتواند از بساطی اصولی و منطقی بین عملکردها و عناصر تشکیل دهنده خود - چه به صورت کلان و چه جزئی - به وجود آورد. شاید تخصیص بهینه زمین به کاربریهای مختلف و استفاده متناسب از آن، برای رسیدن به این ارتباط منطقی و در نتیجه محیط شهری مطلوب، یکی از مهمترین وظایف برنامه ریزی شهری باشد. برای ایفای این نقش، ناگزیر باید از اصول و معیارهایی پیروی کرد. این معیارها در برنامه ریزی کاربری زمین، به معیارهای مکانی معروفند که اعمال آنها در استقرار فعالیتهای مختلف شهری دارای در رسیدن به هدف فضای شهری مطلوب و کارآساز کمک خواهد کرد.

با استفاده از این معیارها، مکان بهینه یک کاربری در شهر، مورد جستجی قرار می گیرد. در تعیین مشخصات مکانی هر نوع استفاده از زمین یا فعالیت شهری دو عامل هدایت کننده یعنی رفاه اجتماعی و رفاه اقتصادی ملاک عمل قرار می گیرند. براساس این دو عامل بسیار کلی، شش معیار در مکان یابی عملکردهای شهری بسلاک برنامه ریزی کاربری زمین قرار می گیرد. این معیارها عبارتند از: سازگاری، آسایش، کارایی، مطلوبیت، سلامتی و ایمنی. در این قسمت، به دلیل موضوع این نوشتار، بیشتر معیار اول یعنی سازگاری کاربریها با هم مدنظر قرار می گیرد.

پراکندگی و استقرار بی برنامه مراکز عرضه مصالح ساختمانی در سطح شهرهای بزرگ، مشکلات مختلفی را از قبیل ترافیک و ازدحام، آلودگیهای زیست محیطی و بی نظمی در کاربریهای شهری به دنبال دارد و به سبب نداشتن برنامه ای منظم و کمیود جا و مکان، مصرف کنندگان را با مشکلات جدی مواجه می سازد. به نظر می رسد فکر ایجاد پارکها یا مجتمعهای مصالح ساختمانی جهت ساماندهی کارگاههای فروش مصالح ساختمانی در سطح شهرها به عنوان تدبیری در برابر این مسئله، با گذشت حدود ۱۶ سال از طرح ایده (مطالعات) هنوز نتوانسته است به مراحل عملی در شهرهای کشور نزدیک شود.

مطلب زیر نگاهی است به ضرورت ساماندهی مراکز عرضه مصالح ساختمانی به عنوان یکی از زمینه های ضروری برای فعالیت و اقدام شهرداریها.



طراحی عمومی بازار مصالح ساختمانی شهرری

و تلافی دیگر این مقررات است. برای مثال، مطابق مقررات منطقه بندی، مناطق مسکونی باید از مناطق صنعتی جدا شوند تا منطقه مسکونی از خطرات دود، گاز و سر و صدای صنایع در امان باشد.

طرح مسئله: پراکندگی استقرار مراکز عرضه مصالح ساختمانی در سطح شهرها

در حال حاضر مراکز عرضه مصالح ساختمانی به صورتی پراکنده و بدون برنامه در سطح شهرها و مناطق شهری کشور استقرار یافته اند. این پراکندگی مشکلات عمده ای را از قبیل ایجاد ازدحام و ترافیک، آلودگی زیست محیطی صوتی و بصری و تراکم ویی نظمی در کاربری های شهری به دنبال دارد و به سبب نداشتن برنامه ای منظم و کمبود جا و مکان، مصرف کنندگان را با مشکلات متعددی مواجه می سازد. در وضع موجود مصرف کنندگان مصالح ساختمانی به منظور دسترسی به مصالح مورد نیاز مجبورند به مصالح فروشی های بسیاری مراجعه کنند و چه بسا موفق به تهیه مصالح مورد نیاز واقعی خود نیز نشوند و یا با قیمت های بسیار بالاتر از قیمت واقعی مصالح لازم را تهیه کنند. در این شرایط، مصرف کنندگان حق انتخاب بسیار کمی نیز خواهند داشت.

عمده ترین تلاش شهرسازی، مکان یابی کاربری های گوناگون در سطح شهرها و جداسازی کاربری های ناسازگار از یکدیگر است. کاربری هایی که دود، بنه و صدای ازدحام تولید می کنند، باید از کاربری های دیگر بویژه کاربری های مسکونی، فرهنگی و اجتماعی جدا شوند. البته این جدایی مطلق نیست، بلکه در برخی مواقع می توان با تمهیداتی آثار سوء کاربری های مزاحم را محدود کرد. در جدایی فضایی کاربری ها، فاکتورهای سود و خودبستگی آنها مورد نظر است.

جدایی فضایی عملکردها فقط به فعالیتهای مشخصی نظیر گشتارگاه و چرم سازی اختصاص ندارد بلکه در مورد کاربری های کوچک مزاحم نیز صدق می کند. برای مثال، یک کارگاه چوببری و فلزکاری که ممکن است در یک محله به خاطر صدا و ازدحام ناشی از آنها مورد اعتراض ساکنان قرار گیرد، جزء موارد فوق محسوب می شود.

انجام این وظیفه (تضمین سازگاری در کاربری زمین) در طرح های شهری به عهده مقررات منطقه بندی است. جداسازی کاربری های ناسازگار از یکدیگر، تأمین فضا و امکانات کافی برای انواع کاربری ها و تأمین تأسیسات عمومی به منظور حفاظت از آسایش، بهداشت، امنیت و بهزیستی جامعه شهری از جمله



دو دسته کلی را تشخیص داد که آثار فضایی و زیست محیطی این الگوها در محیط شهری متفاوت است. معیار دسته‌بندی این الگوها، تمرکز و عدم تمرکز فضایی آنهاست.

انق - الگوهای عرضه سنتی:

- مصالح فروشیهایی پراکنده در سطح محلات

- مجموعه‌های مصالح فروشی خودانگیزخته

ب - الگوهای عرضه نوین:

- مجتمعها و یا پارکهای مصالح ساختمانی

الگوی غالب عرضه مصالح ساختمانی در ایران همان الگوی قدیمی است که در یک دوره توسعه تاریخی شکل گرفته است. به این ترتیب که مصالح ساختمانی از بخشهای تولیدی به واحدهای مصالح فروشی پراکنده در سطح محلات انتقال یافته و از این واحدها در اختیار مصرف کنندگان قرار می‌گیرد. اگر چه این الگوی عرضه، در طی مواقع دارای مزایایی نیز هست (از جمله در دسترس بودن)، ولی عمده مشکلات و مسائلی که از این نوع فعالیت در سطوح قبل ذکر کردیم نتیجه تشتت و ناسامانی حاصل از این نوع الگوی عرضه مصالح ساختمانی است.

از جمله الگوهای دیگر عرضه سنتی، فروش مصالح ساختمانی در قالب مجموعه‌های خودانگیزخته و بدون طرح قبلی است که به صورت یک بازار فروش عمل می‌کنند. این گونه فعالیت و الگوی عرضه، بیشتر در زمینهای بایر حاشیه شهری و یا میدانهای حاشیه‌ای شهر صورت می‌گیرد و مصالحی چون گچ، سیمان، تیر آهن و مس به در آنها خرید و فروش می‌گردد. لازم به ذکر است که مکانها و مجموعه‌های فوق بدون طرح قبلی و به

پیش‌بینی نیاز و تقاضا برای مصالح ساختمانی در آینده و سنجش کارایی و توان سیستم کنونی عرضه مصالح ساختمانی، برآیندی از رشد جمعیت، الگوی مصرف و شرایط اقتصادی خواهد بود. به عبارتی دیگر، سؤال اساسی این است که آیا با شرایط رشد و تحولات سریع جمعیت و نیز شهرنشینی در ایران، بویژه در شهرهای بزرگ، روشهای سنتی عرضه مصالح ساختمانی برای برآوردن نیازهای کنونی و آینده جوابگو خواهد بود یا نه؟

تقاضای مصالح ساختمانی نه تنها به رشد جمعیت بلکه به الگوی مصرف مصرف کنندگان نیز بستگی دارد. الگوی مصرف نیز تابعی از شرایط فرهنگی، جغرافیایی و توان اقتصادی است. در شرایط فرهنگی و جغرافیایی متفاوت، الگوهای مصرفی متفاوتی وجود دارد. الگوهای ساخت نیز از جمله عواملی است که در ترکیب با توان اقتصادی مصرف کنندگان در تعیین الگوی مصرف نهایی مصالح ساختمانی بسیار مؤثر است. در نهایت می‌توان گفت که جمعیت جوان کنونی تقاضای بالاتری را در سالهای آینده خواهند داشت که با تغییر در الگوی خانواده و نوع مسکن مناسب خانوار هسته‌ای، افزایش مضاعفی نیز در تقاضای مصالح ساختمانی حاصل خواهد شد. بدون شک پاسخ به این تقاضا نیازمند تمهیدات متنوعی در فرآیند تولید تا عرضه مصالح ساختمانی است. از جمله این تمهیدات، تدوین روشها و الگوهای مناسب برای عرضه است که خود نیازمند کنار برپهای فضایی کالبدی جدید در سطح شهرهاست.

الگوهای مختلف عرضه مصالح ساختمانی در ایران

در مورد الگوهای توزیع و عرضه مصالح ساختمانی شاید بتوان

مزاحمت‌های ایجاد شده از سوی هر واحد، معیاری است که چگونگی استقرار آنها را در سطح شهر تعیین می‌کند. بیشترین واحدهایی که در مجتمع مورد نظر جمع می‌شوند از نوع واحدهای مزاحم و واحدهای با تواتر مصرف ماهانه به بالا خواهد بود

سؤال اساسی این است که آیا با شرایط رشد و تحولات سریع جمعیت و نیز شهرنشینی در ایران، بویژه در شهرهای بزرگ، روش‌های سنتی عرضه مصالح ساختمانی برای برآوردن نیازهای کتولی آینده جوابگو خواهد بود یا نه؟

پارکها یا مجتمع‌های مصالح ساختمانی برای تجمیع و ساماندهی واحدهای فروش مصالح ساختمانی پراکنده طراحی می‌شوند. این نوع از مجتمع‌های مصالح ساختمانی در شهرهای بزرگ می‌تواند در سطح محله، ناحیه شهری، شهر و منطقه شهری طراحی شود تا دسترسی مصرف کنندگان رایج این نوع کالا و خدمات تسهیل نماید

صورت خودرو و شکل یافتن آن. برای مثال، حاشیه کناره جاده باغ قیض، خاوران و ساوه.

در الگوی عرضه بومین، شاهد پارکها یا مجتمع‌های مصالح ساختمانی هستیم که با طرح و برنامه‌ریزی قبلی طراحی و ساخته شده‌اند. این پارکها برای تجمیع و ساماندهی واحدهای فروش مصالح ساختمانی پراکنده - البته نه همه آنها - طراحی می‌شوند که آنها را به صورت متشکل در یک بازار گردیم می‌آورد. این نوع از مجتمع‌های مصالح ساختمانی در شهرهای بزرگ می‌تواند در سطح محله، ناحیه شهری، شهر و منطقه شهری طراحی شود تا دسترسی مصرف کنندگان رایج این نوع کالا و خدمات تسهیل نماید. در این نوع مجتمع‌ها، امکانات و تأسیسات لازم نیز برای این فعالیت پیش‌بینی شده است. مکان‌یابی و طراحی از پیش اندیشیده شده و همچنین پیش‌اندیشی گسترش‌های آینده، امکانات زیادی فراروی آنها می‌گذارد. از جمله مزایای دیگر این مجتمع‌ها می‌توان به قابل کنترل بودن قیمت مصالح، مزایای حاصل از همجواری خدمات فروش مصالح ساختمانی، داشتن قدرت انتخاب مصرف کنندگان، جلوگیری از آلودگی‌های محیطی، تنظیم کاربری‌های مزاحم شهری و بهبود ترافیک اشاره کرد. نمونه‌ای از این گونه مجتمع‌های مصالح ساختمانی در تهران ساخته شده است که در دستور بعد به آن خواهیم پرداخت.

اصول کلی مکان‌یابی و برنامه‌ریزی مجتمع‌های مصالح ساختمانی

هر فعالیتی در هر جایی از شهر امکان استقرار ندارد. ایجاد هر فعالیتی در فضا نیازمند شرایط و بستر ویژه‌ای است که بستگی تام به نوع فعالیت و سیستم شهری دارد. برای استقرار هر گونه کاربری و فعالیت در شهر مطالعات ویژه‌ای مورد نیاز است. مطالعات لازم در باره زمینه‌سبجی استقرار فعالیت و همچنین نیازمندیها و آثار زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی آن، ما را به اصول مکان‌یابی مناسب برای آن فعالیت و در نتیجه، مکان مناسب آن سوق خواهد داد. از جمله اصولی که در مکان‌یابی و برنامه‌ریزی این گونه مجتمع‌ها باید مورد توجه قرار گیرند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- محل پارک مصالح ساختمانی باید دارای دسترسی مناسب، سریع و آسان به سیستم حمل و نقل شامل شبکه راه‌آهن، بزرگراهها و راه‌های اصلی باشد.

۲- محل پارک مصالح ساختمانی باید زمین مناسب برای نیازهای کتولی و آینده به میزان کافی داشته باشد. این محل نباید دستخوش مسائل مربوط به نوع خاک - درازتباط با بی‌ریزی یا دفع فاضلاب - باشد.

۳- محل پارک مصالح ساختمانی باید با توجه به عرضه مواد اولیه، نیروی کار و بازار فروش مناسب باشد.

۴- محل پارک مصالح ساختمانی باید دارای آب، برق، تلفن، سیستم دفع زباله و فاضلاب و تأمین سوخت باشد.

۵- محل پارک مصالح ساختمانی باید دارای محدوده استحفاظی باشد تا از نفوذ آن به نواحی مسکونی و سایر کاربریها جلوگیری به عمل آید. به این منظور فضاهاى باز و سبز و دیوارهای سبز از عوامل مصنوعی و کوه، تپه و رودخانه که جزء عوامل طبیعی هستند می توانند با ایجاد حداقل معین بین محلات مسکونی و سایر کاربریهای زمین با پارک مصالح ساختمانی، هدف فوق را میسر سازند.

۶- محل مجتمع مصالح ساختمانی باید ضوری انتخاب شود که آثار منفی و ناخوشایند بر کاربریهای غیر صنعتی یا تجاری مجاور را به حداقل برساند.

۷- مجتمع مصالح ساختمانی را می توان به صورت سلسله مراتبی و در سطوح مختلف محله، ناحیه شهری، کل شهر یا منطقه شهری احداث نمود.

در برخورد با این مسئله یعنی مصالح فروشیهای پراکنده سطح شهرها، آیا باید همه آنها را از سطح محلات شهری خارج کرد و در مجموعههایی خاص متمرکز نمود؟ آیا این کار - خارج کردن همه واحدها - اصلاً لازم یا عملی است؟ آیا می توان تعدادی از آنها را ابقا و تعدادی را خارج کرد؟ معیارهای این کار چیست؟ آیا واحدهایی که در طول سالیان دراز در محله و مکان استقرار خود شناخته شده اند و خریداران زیادی را به خود جلب کرده اند به راحتی از این امتیاز دست می کشند؟ انجام این کار قبل از اینکه مشغلهای عمی و حرفه های باشد به عزم سیاسی نیرومندی نیاز دارد. در این قسمت صرفاً معیارهایی برای برخورد با واحدهای موجود ارائه می نسود تا در پرتو آن واحدهایی را که می توان از سطح محلات خارج کرد، مشخص شوند.

شناخت مشخصات کمی و کیفی و مکانی واحدهای موجود در عرضه مصالح ساختمانی از جمله فعالیتهایی است که باید در بدو امر صورت گیرد و این کار عملی نیست مگر اینکه واحدهای همگنی در این گروه به تدریج منطقی دسته بندی و گروه بندی شوند. در جهت ارائه پاسخی مطلوب می توان پاره ای از عناصر فوق را در خارج از شهر مجتمع نمود، اما پاره های دیگر را نمی توان از دسترس مصرف کنندگان خارج کرد. پس اولین ضابطه ای که به صورت کلی باید به آن توجه شود، رابطه خدمت با مصرف کننده است. در این زمینه برای اینکه چگونگی مکان هر کدام از واحدهای گروه فوق مشخص گردد، تواتر مصرف در سلسله مراتب مصرف روزانه، هفتگی، ماهانه و بالاتر باید در ارتباط با هر واحد مورد بررسی قرار گیرد.

بررسی فوق چگونگی ترکیب واحدها را در سطح محلات و در خارج آنها و بالاتر در خارج شهر معین می کند. از سوی دیگر، مزاحمتهای ایجاد شده از سوی هر واحد، معیار دیگری است که چگونگی استقرار آنها را در سطح شهر تعیین می کند. بیشترین واحدهایی که در مجتمع مورد نظر جمع می شوند از نوع واحدهای مزاحم و واحدهای با تواتر مصرف ماهانه به بالا خواهد بود. پس با تهیه ماتریس تواتر مصرف به روشنی مشخص می شود که اجزای مجتمع را چه واحدهایی تشکیل می دهند. در ادامه در رابطه با اجزای گروه فوق با تشخیص و تمایز خرده فروشیها و عمده فروشیها از یکدیگر، قطبهای معینی به دست می آید؛ به این ترتیب که عمده خرده فروشیها را (اگر مزاحم نباشند) می توان در سطوح مختلف و طبق ضوابط معینی در درون محدوده محلات و نواحی مجتمع کرده اما عمده فروشیها را به راحتی می توان به خارج بخشهای مسکونی و یا خارج شهر انتقال داد.

در وضع موجود مصرف کنندگان مصالح ساختمانی به منظور دسترسی به مصالح مورد نیاز مجبورند به مصالح فروشیهای بسیاری مراجعه کنند و چه بسا موفق به تهیه مصالح مورد نیاز واقعی خود نیز نشوند و یا با قیمتهای بسیار بالاتر از قیمت واقعی مصالح لازم را تهیه کنند.

از جمله مزایای دیگر این محتملها می توان به قابل کنترل بودن قیمت مصالح، مزایای حاصل از همجواری خدمات فروش مصالح ساختمانی، داشتن قدرت انتخاب مصرف کنندگان، جلوگیری از آلودگیهای محیطی، تنظیم کاربریهای مزاحم شهری و بهبود ترافیک اشاره کرد.

محل پارک مصالح ساختمانی باید دارای محدوده استحفاظی باشد تا از نفوذ آن به نواحی مسکونی و سایر کاربریها جلوگیری به عمل آید.



غرفه های بازار مصالح ساختمانی شهر

دارند. در این مجتمع، تنها ۶-۷ خط تلفن فعال وجود دارد. مکانی که قرار است به صورت بازاری بسیار بزرگ و فعال عمل نماید حداقل باید به امکانات مخابراتی تجهیز شده باشد. از سوی دیگر، نوع معماری این ساختمان به گونه‌ای است که غرفه‌های موجود فقط به صورت دفتر فروش عمل می‌کنند، نه محل فروش و عرضه مصالح ساختمانی.

به نظر می‌رسد که ساماندهی و تجمع واحدهای مصالح فروش می‌تواند سطح شهرها تنها با ساخت یک پارک مصالح ساختمانی میسر نخواهد شد؛ زیرا در شرایط موجود، این مجتمع هیچ‌گونه مزیتی بر واحدهای مستقر داخل محلات شهری ندارد. موفقیت در این اقدام ضروری و گریزناپذیر در عرصه مدیریت شهری، نیازمند رویکردی جامع و فراگیر به تمام ابعاد شهری، معماری و ساختمانی بوده و از سوی دیگر، به عزم جدی مدیران شهری نیاز دارد.

با حرکت از میدان بسیج به سمت جاده خاوران، بنای متفاوتی از محیط اطراف خود در شمال این مسیر به چشم می‌خورد. این بنا با تمایز ستگی سفید، تابلویی با عنوان «مجتمع مصالح ساختمانی تهران (خاوران)» در مرکز هندسی خود دارد که با تورفتگی خود در کنار جاده خاوران کاملاً قابل مشاهده است. اولین مشکلی که برای هر مشتری یا کسی که می‌خواهد از این مجتمع بازدید کند، وجود دارد، نحوه دسترسی به آن است. وقتی در کنار جنوبی جاده خاوران توقف کنید هیچ‌گونه دسترسی خاصی - سواره و پیاده - ویژه مجتمع وجود ندارد. این یعنی نبودن دسترسی مناسب سواره یا پیاده برای مرکز خریدی که قرار است در مقیاس شهر تهران عمل نماید! در داخل مجتمع هم فقط حدود کمتر از ۱۰ درصد از ۱۶۰ غرفه موجود در مجتمع فعال است!

غرفه‌داران معتقدند که این مجتمع هیچ‌گونه امتیازی برای واحدهای مستقر در داخل شهر ندارد. به عبارت دیگر، واحد مصالح‌فروشی داخل شهر هیچ‌گونه انگیزه و ضرورتی برای انتقال یا خرید غرفه در این مجتمع نمی‌بیند. نداشتن اسناد تفکیکی، مشکل دیگری در خرید و فروش غرفه‌های مجتمع است که برای متقاضیان بالقوه یک دایره محسوب می‌شود. برخی دیگر از غرفه‌داران از کمبود امکانات مخابراتی شکایت

- منابع
- ۱- شهرداری اصفهان کتاب: سیزدهم، چله دوم، کارپزی زمین شهری، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری، ۱۳۷۸
 - ۲- معاونت امور مسکن و عمران شهری، وزارت راه کشور، طرح احداث پارک مصالح ساختمانی شهرهای کشور، گزارش مرحله اول، خرداد ۱۳۷۴
 - ۳- وزارت کشور، بازنگری مصالح ساختمانی، الحاقیه شماره ۹، تهران، دفتر شهرداری، ۱۳۷۳، ۱۳۷۲، ۱۳۷۱

فن آوری اطلاعات و مدیریت توسعه شهری



درباره حجت الله قدیمی

حجت الله قدیمی، متولد ۱۳۲۲، در سال ۱۳۷۹ دوره کارشناسی معماری را در دانشگاه مینسنگان و در سال ۱۳۹۲ دوره دکتری برنامه ریزی شهری و منطقه این را در دانشگاه ایالتی ایلوی به پایان رساند. قدیمی، دروس کاربرد رایانه، روشهای کمی، برنامه ریزی، سیستمها و مدیریت توسعه پایدار را در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری تدریس می کند. در عرصه پژوهشی نیز تاکنون مسئولیت کمیته استاندارد سیستمهای اطلاعات جغرافیایی (وابسته به شورای عالی انفورماتیک) و مطرح مطالعاتی مرکز اطلاعات ساختمان و مسکن (وابسته به وزارت مسکن و شهرسازی) را به عهده داشته است. او هم اکنون استادیار دانشگاه شهید بهشتی است.

گفتگو با حجت الله قدیمی
ناصر برک پور

شهری ما را تشکیل می دهند؛ زیرا در این فرایند، بیشتر سرمایه، نیروی فکری و انسانی صرف گردآوری اطلاعات اشفته، پراکنده و ناهماهنگ برای شناخت وضع موجود شهرها می شود. بگذریم از نحوه به دست آوردن اطلاعات، که آن هم در جای خود داستانی دارد!

ببینید، در هر نوع مدیریت و برنامه ریزی در هر مقیاس علمی، حیطه های شهری و نگاه اقتصادی، با توجه به تعداد فراوان متغیرهایی که برای تصمیم گیری وجود دارد دیگر نمی توان مثل گذشته، صرفاً به نوآوری، خلاقیت و نوع فردی متکی بود. برای این کنار باید نظامی وجود داشته باشد؛ چون آن قدر تعداد متغیرها زیاد شده است که هر فرد، خلاق و باهوش باشد واقعاً امکان پردازش همزمان این همه اطلاعات مربوط به متغیرها برای تصمیم گیری اصولی وجود ندارد.

بنابراین، برنامه ریزی و مدیریت خوب، فقط در سایه وجود داده و اطلاعات خوب امکانپذیر است. منظور از داده و اطلاعات خوب هم، داده و اطلاعاتی است که قابل اعتماد، به هنگام و سازگار باشند. برای اینکه در کاربرد واژه ها و مفاهیم دقت کرده باشیم، خوب است در اینجا اشاراتی به تفاوت بین داده و اطلاعات بشود. داده، اطلاعات خام است و به عبارت دیگر، داده برداشتی از واقعیت

● «فن آوری اطلاعات» در مدیریت توسعه شهری، موضوعی جدید و نسبتاً ناشناخته است. از سوی دیگر، پدیده «اطلاع رسانی» نیز در حوزه بحث مدیریت نظامها قرار دارد. بنابراین برای پیشگیری از هرگونه اشتباه، بد نیست در آغاز در باره تفاوت این دو توضیحی بدهید.

«اطلاع رسانی» بیشتر به معنای نشر اطلاع است. مثلاً یکی از وظایف «روابط عمومی» ها، اطلاع رسانی و انتشار اطلاعات است. اما فن آوری اطلاعات پدیده های اساسی تر است و ارتباط تنگاتنگی با مباحثی که با عنوان انقلاب انفورماتیک از آن یاد می شود دارد. انقلاب انفورماتیک را خیلی کوتاه در دو کلمه می توان خلاصه کرد: رایانه و ارتباطات. یکی از اساتید دانشگاه هاروارد برای توضیح انقلاب انفورماتیک، واژه Communication مرکب از دو کلمه Computer و Communication را ساخته است.

البته با آمدن فن آوری اطلاعات، اطلاع رسانی هم متحول شده است. اما فن آوری اطلاعات به طور گسترده تر با تولید پردازش و توزیع اطلاعات سروکار دارد.

● همین موضوع، یعنی تولید، پردازش و توزیع اطلاعات، یکی از مشکلات اساسی برنامه ریزی و مدیریت توسعه

امروز واکنش ما به عنوان برنامه ریز،
شهرساز و معمار مسلمان و ایرانی
نسبت به این موجی که دارد می آید
چیست؟ باید این نگرش را پیدا کنیم که
از ابزار علمی و از فن آوریهای جدید برای
برنامه ریزی و مدیریت استفاده کنیم

تولید داده و اطلاعات، مسئله مهمی
است، اما مهمتر از آن، امکان تبادل و
دسترسی به آنها یعنی گردش داده و
اطلاعات است. تفاوت بزرگی که بین
کشورهای توسعه یافته اقتصادی و
کشورهای دیگر وجود دارد همین
موضوع گردش داده و اطلاعات است.
اگر داده و اطلاعات در جایی تولید بشود،
اما گردش نیابد و در دسترس استفاده
کنندگان قرار نگیرد فایده‌ای ندارد

صنعتی و تحولی که در جوامع به وجود آمد انرژی، نقش مهمتری
نسبت به ماده پیدا کرد نقطه اوج آن در پایان قرن ۱۹ و اوایل قرن
۲۰ بود که با گسترش صنعت و انرژی به عنوان موتور محرک
انقلاب صنعتی، دنیا غرب جهش یافت. حالا در اواخر قرن ۲۰ و
اوایل قرن ۲۱، اطلاعات است که منبع اصلی قدرت و ثروت را
تشکیل می‌دهد. در مقایسه این سه پدیده می‌گوییم بدون ماده
هیچ چیز وجود ندارد، بدون انرژی هیچ چیز به وجود نمی‌آید و
بدون اطلاعات، هیچ چیز معنا ندارد.

اینها، دوره‌های مهم تاریخ تحولات جوامع را تشکیل
می‌دهند؛ دوره‌هایی که با هم تفاوت‌های اساسی دارند. مثلاً تولید در
دوره قبل از صنعت به صورت استخراج از منابع طبیعی موجود بوده
است، در دوره صنعت به شکل ساخت در آمده و در دوره بعد از
صنعت، به صورت پردازش و باز چرخه است. با منابع استخراجی
که در دوره اول، ماده خام و منابع طبیعی بوده است، در دوره
صنعت، سرمایه بود و در دوره بعد از آن، دانش است. یعنی اگر در
عصر صنعت، کالا تولید انبوه می‌شود، در عصر فراصنعت، دانش
است که تولید انبوه می‌شود. همچنین زیرساخت‌های دوره قبل از
صنعت را کانال، دیوار و نظایر آن تشکیل می‌دهد، در دوره صنعت
به صورت جاده و راه‌آهن در می‌آید و در جامعه فراصنعتی،

است. وقتی که ماده داده را پردازش می‌کنیم، کاری روی آن انجام
می‌دهیم و آن را در ترکیب با داده‌های دیگر قرار می‌دهیم تبدیل به
اطلاعات می‌شود. اطلاعات است که به درد برنامه‌ریزی و
مدیریت می‌خورد.

● فن آوری اطلاعات در پردازش اطلاعات شهری و هدایت
توسعه شهری چه نقشی می‌تواند ایفا کند؟

در مورد نقش فن آوری اطلاعات در مدیریت شهری، نکته
مهمی وجود دارد و آن اینکه، اول باید دید این انقلاب جدید، یعنی
انقلاب انفورماتیک، چه تأثیراتی در شهر گذاشته و می‌گذارد و پس
از آن، تحولات شهری چه جهتی می‌یابد. در آن صورت، بحث
مدیریت توسعه شهری، پرسش‌های جدیدی را به وجود می‌آورد.
تأثیر این، اجازه بدهید در اینجا من موضوع کلی‌تری را مطرح کنم و
آن، آثار و پیامدهای انقلاب اطلاعات در جامعه شهری امروز است.
در یک نگاه تاریخی، منبع ثروت و قدرت را در دنیا ماده، انرژی
و اطلاعات تشکیل می‌دهد. در یک دوره منبع اصلی، ماده بود.
تلاش ملت‌ها و دولت‌ها این بود که دسترسی بیشتری به ماده پیدا
کنند، سرزمین بیشتری بگیرند و منابع زیرزمینی یا روزمینی
بیشتری به دست آورند. دوره طولانی استعمار کهن و جنگ‌ها و
برخورد‌ها بین ملت‌ها حول و حوش همین قضیه بود. با ظهور انقلاب

میساحتی همچون «کار از راه دور» Telework یا Telecommuting اساساً عرصه کار دارد عوض می شود؛ یعنی شما برای کار کردن، نیازی نیست از جایی به جای دیگر منتقل شوید. پشت رایانه نشسته اید، کارتان را انجام می دهید و محصول کار را که به صورت فایل هایی است از طریق شبکه های ارتباطی رایانه ها به جای دیگر انتقال می دهید بنابراین، جنبه جایی، معنایی دیگر پیدا کرده است؛ اصلاً مسئله عوض شده است و پاسخ دیگری می خواهد. این تحول باز بر شکل و کالبد شهر اثر خواهد گذاشت.

در هر عصری با شناخت اصولی روند های عمده و پتانسیل ها و محدودیتها باید راه حل بهینه خاص همان زمان را پیدا کرد مثلاً در دوره ای، معماران ما در شهر بزد که به دلیل کویری بودن، گرم و خشک، بود با فن آوری آن روز، واکنش مناسبی نشان دادند. آمدند بادگیرها را زدند تا با استفاده از گردش طبیعی هوا گرمای هوا را کاهش دهند یعنی در آن زمان، آنان بهترین واکنش را نشان دادند.

در سطح ملی باید ابتدا برای تدوین استانداردها و تهیه زیرساختهای اطلاعات، شکری بشود و بعد در سطح شهرها به سراغ نظم دادن تولید، پردازش و نشر داده و اطلاعات برویم

اما امروز واکنش ما به عنوان برنامه ریز، شهر ساز و معمار مسلمان و ایرانی نسبت به این مبحثی که دارد چیست؟ باید این نگرش را بیساز کنیم که از ابزار علمی و از فن آوریهای جدید برای برنامه ریزی و مدیریت استفاده کنیم.

● **ایسا زمینه های استفاده از فن آوری اطلاعات در مدیریت توسعه شهری ما وجود دارد و اساساً چه محدودیت هایی بر سر راه استفاده از آن هست؟**

ن: اصلاً بحث در این نیست که ما می خواهیم یا نمی خواهیم از فن آوری اطلاعات استفاده کنیم، چاره ای نداریم، این ضرورتی است که باید به آن توجه کنیم. سرمایه گذاری کنیم و در غیر این صورت با مشکلات زیادی رویه رو خواهیم شد. زبان تعامل و گفتگو یا دنیای بیرون، زبان دیجیتال شده است. اگر ما زمینه ها را فراهم نکنیم و فضای قضیه را یاد نگیریم، بعد از مدتی با دنیای بیرون زبانی مشترک نخواهیم داشت.

● **شما چه پیشنهاد مشخصی برای استفاده از فن آوری اطلاعات در برنامه ریزی و مدیریت توسعه شهری دارید؟ یا دست کم برای سامان دادن به آشننگی و ناسامانی که در استفاده از اطلاعات و مدیریت اطلاعات وجود دارد چه پیشنهاد می کنید؟**

ما هواریها، دیش های مخابراتی، ارتباطات از نور و فیبرهای نوری زیرساختهای شهرها را می سازند. از نظر فن آوری نیز دوره قبل از صنعت به صورت استاندارد سازی و کارهای دستی است. در دوره صنعت، فن آوری مسافین غالب می گند و در دوره قیرصنعت از فن آوری فکری و منبراقزله به عنوان فن آوری عصر جدید یاد می کنند.

این تحولات نشان می دهد که بحث داده و اطلاعات، تولید دانش و فن آوری اطلاعات، پانچ موضوعی مهم، تعیین کننده و تأثیر گذار بر جوامع امروزی است و به طور گسترده ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و کالبدی را در گون می سازد.

● **به نظر شما وظیفه برنامه ریزی و مدیریت شهری مادر قبل این تحولات شگرف چیست؟**

ن: به عقیده من، تاکنون ما توجه و حساسیت لازم برای تحلیل انقلاب اطلاعات و نحوه برخورد با آن نشان نداده ایم. باید

								
مسجد	سفر رها نه	هتل	مخابرات	موزه	ترمیثال بیرون شهری	خندار	آتش نشانی و امداد	فرهنگسرا
								
بانک	بانک	دفتر پستی	متر	دانشگاه	آژانس هوایی	متر	دفتر پستی	موبایل و تلوی
								
حسینیه	داروخانه	پارکینگ	استادیوم	بیمارستان	ورزشگاه	نیروی انتظامی	درمانگاه و کلینیک	کلیسا

این پدیده را ترک کنیم، آثار آن را بشناسیم و خودمان را آماده کنیم. در این صورت می توانیم بهتر تصمیم گیری کنیم. در واقع اگر نکته ای کلیدی در صحبت ما باشد، توجه به آثار و پیامدهای انقلاب اطلاعات در جامعه امروز ما است. به همین دلیل است که گفتیم ابتدا باید این کل را ببینیم، جنبه های مختلف آن را بشناسیم تا بعد بتوانیم در مورد مقیاس کوچکتر آن، مثلاً در مقیاس شهر، صحبت کنیم؛ چون بر اثر این انقلاب ارتباط بین انسانها، محیط کنار، آموزش و پرورش، رفت و آمد در شهر، همه در حال تحول است. باید تأثیر این تحولات را در شهر بشناسیم و برای آن، پاسخ مناسب پیدا کنیم.

مثلاً در دهه ۱۹۷۰ یکی از بحثهای معماران و شهرسازان امریکا، مسئله ترافیک و ارتباط آن با مسکن و محل کار بود. آنان می گفتند یکی از عوامل اصلی ترافیک این است که مردم در جایی کار می کنند و بعد برای استراحت و خواب به جایی دیگر می روند و همین رفت و آمد فراوان بین محل کار و مسکن، ترافیک را تشدید می کند. راه حل آنان این بود که بیاییم ساختمانهایی بسازیم که بعضی از طبقات آن، دفتر کار و فعالیت و بعضی از طبقات مسکونی باشند. این یک راه حل برای مسئله روز آن دوره بود که به هر حال بر شکل و کالبد شهر هم تأثیر می گذارد، اما امروزه با مطرح شدن

من فکر می‌کنم بهتر است بحث را در کلیات نگه داریم! چون نکته مهم، تشخیص این ضرورت است که باید به نحوه تولید و گردش داده و اطلاعات، نظم بدهیم. برای مثال می‌توان از تدوین استانداردها نام برد. استانداردهای تبادل داده و اطلاعات، یکی از زیربناهای ساختار اطلاعات را تشکیل می‌دهد. مثلاً فرض کنید در کشور ما از چند نوع نرم‌افزار واژه‌نگار برای نوشتن استفاده می‌شود. اگر جایی از نرم‌افزار Word برای نوشتن استفاده کند نمی‌تواند اطلاعات خود را به جایی که از زنگار استفاده می‌کند بفرستد. باید هر دو از یک نرم‌افزار استفاده کنند. این مثال ساده نشان می‌دهد و خود استانداردهایی برای تبادل اطلاعات متنی، ضروری است. شما این موضوع را به زمینه‌های دیگر مانند تولید و تبادل داده‌های فضایی، نقشه‌ها و نظایر آن بسط دهید. تولید داده و اطلاعات، مسئله مهمی است، اما مهم‌تر از آن، امکان تبادل و دسترسی به آنها یعنی گردش داده و اطلاعات است. تفاوت بزرگی

زیرساخت‌های اطلاعات، مانند استانداردها وجود نداشته باشد، تبادل داده و اطلاعات نمی‌تواند صورت گیرد. فرض کنید هر شهر اگر بخواهد برای خود سرمایه‌گذاری کند و مرکزی به وجود آورد، اولین و راحت‌ترین کار این است که رایانه، سخت‌افزار و سایر لوازم را بخرند و به تولید داده و اطلاعات بپردازند. اما اگر اینها قابل تبادل نباشند فایده‌ای ندارد.

بنابراین در سطح ملی باید ابتدا برای تدوین استانداردها و تهیه زیرساخت‌های اطلاعات، فکری بشود و بعد در سطح شهرها به سواخ نظم دادن تولید، پردازش و نشر داده و اطلاعات برویم. وقتی از فن‌آوری اطلاعات صحبت می‌کنیم باید ساختار، تشکیلات و فرآیند کاری را توأم با اطلاعات ببینیم. باید نظام موجود بازنگری شود. اگر کسی که کاری را به صورت دستی انجام می‌دهد بخواهد همان روال را با رایانه انجام دهد ممکن است انجام کار کندتر شود. ● چشم انداز آینده فن‌آوری اطلاعات را در ایران چگونه

چه بخواهیم و چه نخواهیم، این موج به ما رسیده است. اگر آماده باشیم و آگاهانه برخورد کنیم می‌توانیم به نحو احسن از آن استفاده کنیم و گرنه این موج ما را با خود می‌برد و شکاف ما با دنیایی که جلوتر از ماست بیشتر هم می‌شود

می‌بینید؟

از چند سال پیش میزان استفاده از رایانه و اینترنت در ایران هم مثل همه جای دنیا بسیار گسترده شده است. به هر حال، چه بخواهیم و چه نخواهیم، این موج به ما رسیده است. اگر آماده باشیم و آگاهانه برخورد کنیم می‌توانیم به نحو احسن از آن استفاده کنیم و گرنه این موج ما را با خود می‌برد و شکاف ما با دنیایی که جلوتر از ماست بیشتر هم می‌شود!

یکی از ویژگی‌های دنیای امروز این است که سرعت تحول خیلی بالاست. اگر عرصه‌زمانی تحولات در دورانی، قرن‌ها بود و در دورانی دهه‌ها و سالها و حتی روزها بود امروزه، لحظه‌هاست! این نکته بسیار اهمیت دارد که سرعت تحولات را درک کنیم. از طرف دیگر، در حوزه فن‌آوری اطلاعات، روز به روز هزینه تولید پردازش و ذخیره اطلاعات پایین می‌آید و توان، به صورت تصاعدی بالا می‌رود. روند آینده هم تقریباً همین است. بنابراین باید گام‌های اساسی برداریم و زیرساخت‌های اطلاعاتی مناسب را به وجود آوریم تا زمینه برای تبادل و تولید دانش فراهم شود. به این وسیله آمادگی برای ساختن جامعه و اقتصاد خرد - پایه را پیدا کنیم. ● با سپاس از شما.

که بین کشورهای توسعه یافته اقتصادی و کشورهای دیگر وجود دارد همین سوشوگ گردش داده و اطلاعات است. اگر داده و اطلاعات در جایی تولید بشود، ما گردش نیابد و در دسترس استفاده کنندگان قرار نگیرد فایده‌ای ندارد.

● چگونه می‌توان در هر شهر یا منطقه شهری، مرکزی برای تولید، پردازش و نشر اطلاعات مربوط به توسعه شهری ایجاد کرد؟ برای مثال در کشور سوئد که یکی از پیشگامان کاربرد رایانه در برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه شهری است از دهه ۱۹۷۰، فن‌آوری رایانه را در خدمت شهرسازی قرار داده‌اند و با ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی هماهنگ، تمامی اطلاعات فضایی و غیرفضایی مربوط به حوزه عملیات شهرداریها را در اختیار استفاده کنندگان قرار داده‌اند. آنان از این طریق، تمرکز تصمیم‌گیری را نیز از بین برده و با رایانه‌ای کردن نظام اطلاعات، به سازمان‌های محلی مسئولیت و اختیار بیشتری داده‌اند.

● ببینید، مواردی مثل تدوین استانداردها باید در سطح ملی و در مراکز نظیر شوراهای انقور باتیک انجام شود ویرا از نظر گستردگی کار، میزان سرمایه مورد نیاز، تخصص لازم و عوامل دیگر فقط در سطح ملی می‌توان این کار را انجام داد. اگر

از نگاه شهردار

شاهروود، ۱۷۰ سال در جستجوی کارکرد

گفتگو با رمضانعلی باقری - شهردار شاهروود
محمد سالاری راد



از این رو حتی دانشکده‌های هم‌سایر علوم معدنی تأسیس می‌شود. کابینه‌های کشاورزی و بوم‌زده باغداری نیز مزیتی برای ایجاد صنایع تبدیلی بخش کشاورزی همچون کارخانه‌های قند، کمپوت‌سازی، خشک‌کار و خوراک دام و پرندگان ایجاد کرد. علاوه بر این، در سالهای اخیر با تصمیم و باقتضای نماینده این شهر در مجلس، چند دانشگاه در این شهر مستقر شدند و ترکیب جمعیتی، اجتماعی و ساختار اقتصادی شهر را تغییر دادند. اکنون به نظر می‌رسد که ساختار شهر چند کارکردی با غلبه فعالیت‌های خدمات شهری عالی است.

شاهروود در سال ۱۳۷۵ حدود ۱۰۵ هزار نفر جمعیت داشت و پرجمعیت‌ترین شهر استان سمنان به شمار می‌آمد. وسعت محدوده خدماتی شهر مطابق با گزارش طرح جامع ۲۸۵۰ کیلومتر بود که ۲۵ درصد آن به کاربردهای خالص شهری و بقیه به کاربردهای غیرشهری همچون نظامی، باغ و سایر اختصاص یافته بود. با این سهم کاربردهای غیرشهری، نتیجه گسترش سریع و بی‌روسته شهر در سالهای پس از انقلاب است.

در گفتگویی که یستی روداروند، چگونگی گسترش شهر در شاهروود، رمضانعلی باقری، به نقش و کارکرد شهر و چگونگی ساز و کار شهرداری با مسائل و مشکلات شهر را می‌خوانیم.

● آقای شهردار، مختصری از ویژگی‌های شهر شاهروود بگویید؛ اقتصاد شهر بر چه پایه‌ای است و شما شهر را چگونه می‌بینید؟

() شاهروود تقریباً در میانه راه دو استان بزرگ کشور، یعنی تهران و خراسان قرار دارد. محدوده خدماتی شهر حدود ۳۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن حدود ۱۲۰ هزار نفر است. شهر دارای طرح جامع و تفصیلی است. شهرداری ما درجه ۸ است و استحقاق درجه ۱۰ را نیز داریم که در وزارت کشور قبول داده‌اند. به زودی این درجه را ارتقا دهند. تعداد کارکنان شهرداری ۲۸۶ نفر است و در ۳-۴ سال گذشته حدود ۷۶ نفر تعدیل نیرو داشته‌ایم.

شهرستان شاهروود دارای پیشینه فرهنگی قدرتمندی است. در این شهرستان، مجموعه بازید بسطامی و آرامگاه‌های شیخ ابوالحسن خرقانی، ابن عیین فریومدی و شیخ ابوالحسن جوری قرار دارد. این شهرستان همواره عرفا، شعرا و آیات عظام متعددی را پرورش داده است.

شهر شاهروود دارای اقتصاد صنعتی، همچون سمنان، نیست. اقتصاد کشاورزی قدرتمندی هم ندارد زیرا شرایط آب و هوایی

شهر شاهروود، مرکز شهر استان شاهروود شرقی‌ترین شهر استان سمنان، کرچه در بستی تاریخی با قدمتی چند هزار ساله شکل گرفته، اما خودداری قدمت چندانی نیست. حدود یک صد و ۷۰ سال پیش، شاهروود از دو قلعه قدیمی و یک مزرعه تشکیل شده بود. به گفته فریدون انگلیسی - که در سال ۱۳۲۸ ه. ق. (۱۲۸۸ ه. ش) وارد شهر شده - دیوار کشی آن تازه به اتمام رسیده بود. ۲۰ سال پیش از آن کرد کردن، جمعیت شهر را حدود ۵ هزار نفر اعلام کرده بود. هم‌اکنون با گشت و گذاری در بازار شهر، شاهروود را آینه‌ای عمده محصولات محلی مازندران و وزانات کالاهای روسی دیده بود که از راه گز و استر آباد (گرگان) توسط نمائندگان روسی یا شرکت‌های روسی وارد می‌شدند. او در بازار شاهروود قند روسی و چای کلکتی، پارچه‌های منجستر و بعضی و انگور شاهروود را یکجا در کنار هم دیده بود. به این ترتیب، شاهروود در میانه قرن سیزدهم ه. ش. دارای موقعیت ارتباطی مناسبی بوده که از گز، گاه کوهستانی، مجاور خود، کالاهای روسی را از شمال به جنوب و کالاهای انگلیسی و هندی را از جنوب به شمال عبور می‌داده است. شاید به دلیل همین موقعیت ارتباطی، بعدها اهمیت استراتژی نیز یافته است و در کنار آن، مراکز نظامی مستقر شدند. اما چرخ روزگار و حوادث بی‌دری سیاسی، شرایط را برای شاهروود تغییر داد. قطع ارتباط تجاری با سایر میهنهای آسیای میانه و قفقاز، پس از شکل گیری اتحاد جماهیر شوروی و گسترش راههای ارتباطی با مازندران و داشت گرگان از مسیرهای دیگر، اهمیت این نقطه را شدت کاهش داد و شاهروود را به شهری کشاورزی و به مرکز مبادلات کالاهای منطقه‌ای محدود تبدیل کرد. اما با وجود این، مراکز نظامی بر جای خود باقی ماندند. با گسترش راه‌آهن به سوی شرق، موقعیت ارتباطی شاهروود بهتر شد. با تأسیس توبالغن اصفهان و پیوستن نازی از معادن ذغال سنگ البرز شرقی به نظر می‌رسد که این شهر نقش جزیراتی یافته است.



میدان آفتاب شاهرود

○ به تعبیر درستی اشاره کردید و من باید در اینجا از مرحوم حسینی شاهرودی، نماینده شاهرود در مجلس شورای اسلامی، یاد کنم که چهره کنونی شهر مدیون با فشارها و اقدامات اوست. مرحوم حسینی سعی کرد چهره فرهنگی شهر را به طور یرمینی تغییر دهد و با آورش تعدادی از دانشگاهها همچون دانشگاههای شاهرود، پیام نور، آزاد، علوم قرآنی و دانشکدههای وابسته به دانشگاههای شاهرود و آزاد، اکنون حدود ۱۴ هزار دانشجو در شهر شاهرود مقیم و مشغول به تحصیل هستند. شاید حدود ۱۰ درصد آنها اهل شاهرود باشند، اما بقیه از سایر نقاط به شاهرود می آیند و به دلیل کمبود خوابگاه از خانههای اجارهای استفاده می کنند که این امر تأثیر منفی بر شرایط اقتصادی و اجتماعی شهر گذاشته است. البته سربازها هنوز هم در شهر هستند، اما جمعیت دانشجویی بر آنها غلبه کرده است. اقداماتی نیز برای انتقال لشکر ۵۸ و اقلتار از شهر انجام دادیم که امیدواریم با خارج شدن آن، چهره فرهنگی شهر تقویت شود و خود مرکز نظامی از نظر مسائل فرهنگی و اجتماعی به صلاح نیست و انتقال آنها، هم توقع مردم و هم نیاز شهر است.

● **لطفاً در باره منابع درآمدی و چگونگی هزینه گذاری شهرداری شاهرود توضیح بفرمایید.**

○ (ب) بیش از تصدی من در شهرداری شاهرود، هزینه های شهرداری بیشتر یا مساوی درآمد هایش بود، اما از ۶-۵ سال پیش به این طرف، درآمدهای شهرداری بیش از هزینه هایش شده؛ ضمن اینکه متوسط رشد سالانه درآمدها و هزینه ها حدود ۳۰ درصد است که این رشد به صورت اتفاقی و غیر مستمر، بلکه کاملاً مستمر و قانونمند رخ داده است. این درآمدها به طور عمده ناشی از عوارض بر ساختمانها، زمینها، از بیاطاعت و حمل و نقل و پروانه های فروش و کسب است. بخش دیگری از درآمدها نیز از محل فعالیت های عمرانی صورت گرفته است. مثلاً برای اجرای آماده سازی هایی که وزارت مسکن و شهر سازی تهیه کرده پیش قدم شده ایم. همچنین از اختیارات هزینه نشده شهرداری های کوچک شهرستان استفاده می کنیم و با کارمزد مناسب به آنها بر می گردانیم. با همین افزایش درآمدها است که گروهی از کارهای عمرانی همچون احیای پارک جنگلی آبشار، احداث جاده تندرستی حد فاصل پارک آبشار تا بلوار شاهرود، احداث میدانهای مختلف، پارکهای محله ای و... توانسته به اجرا برسد.

● **در شهر مشاهده کردم که کارگران شهرداری فعالیت خود را دیر آغاز می کنند. آیا این مسئله ناشی از کمبود درآمد شهرداری و بر اثر آن تعدیل نیروها، که اشاره فرمودید، نیست؟**

○ (ب) بله، ما طی این ۶-۵ سال حدود ۷۶ نفر تعدیل نیرو داشتیم. اکنون تعداد رفتگران ما ۵۹ نفر است؛ یعنی به ازای هر ۲ هزار نفر یک رفتگر در حالی که سرانه های وزارت کشور برای هر یک هزار نفر یک رفتگر اعلام کرده است. اما با وجود این، این قشر باز حملات سادفاته خود توانسته اند شرایط به نسبت بهتری را در شاهرود ایجاد کنند و ما هم سعی کرده ایم حق و حقوق آنان را به موقع پرداخت کنیم. کارکنان شهرداری دارای زمین بندی مختلفی هستند. مثلاً بخش خدمات، کار خود را از ساعت ۶ صبح آغاز می کند، فعالیت این بخش ابتدا از مرکز شهر شروع می شود و بعد از آن به نقاط دور دست و شهرک های روند. از ساعت ۶ تا ۱۱ صبح به

نیمه بیابانی آن، اجازه رشد کشاورزی را نمی دهد. مقدار محدودی محصولات باغی دارد. اقتصاد این شهر به طور عمده خدماتی است و به طور مشخص به درآمد ناشی از حضور کارمندان دولت و بخش عمومی متکی است. اما طی سالهای اخیر کوشیده ایم تا وجه گردشگری این شهر را تقویت کنیم. ما انتخاب می کنیم که به دلیل قرار گرفتن در مسیر زائران پارکگاه امام رضا (ع) پذیرای آنان باشیم و شهر را تا حدودی برای اقامت زائران آماده کرده ایم. اطراف شهر نواحی جنگلهای زیادی دارد که زائران و گردشگران می توانند از طبیعت زیبای آن استفاده کنند. همچنین در دامنه کوههای شمال غربی شهر، پارک جنگلی آبشار قرار دارد که درختان آن در حال خشک شدن بودند، اما با اقدامات شهرداری شاهرود، اکنون درختان آن احیا شده و مجموعه آبشار به پارکی زیبا با آبشار و استخرهای آب تبدیل شده است. آب این آبشار را از قناتهای منطقه تأمین کردیم و به صورت نقلی به آبشار انتقال دادیم. در این ۶-۵ سال تصدی اینجانب در شهرداری شاهرود حدود ۸۰ هکتار فقط به فضای سبز شهر اضافه کردیم که ۶۵ هکتار آن باغبار آبیاری می شود.

● **در زمینه جذب زائران و گردشگران به شهر موفقیتی هم داشته اید؟**

○ (ب) بله، تا حدودی. البته زائران به طور عمده مسیرهای دیگری را برای عبور انتخاب می کنند و وسایل نقلیه آنان هم به گونه ای است که توقف کمتری در این شهر دارد. اما امیدواریم با افزایش امکانات اقامتی، گردشگران بیشتری به شهر جذب کنیم و بدیهی است که با افزایش گردشگران درآمدهای شهر و از این طریق، درآمد شهرداری نیز افزایش خواهد یافت.

● **اما چهره ظاهری شهر نشان می دهد که این شهر، شهری دانشگاهی است؛ یعنی اگر حدود ۱۵-۱۰ سال پیش به شاهرود می آمدیم، این شهر را پر از سرباز می دیدیم، اما اکنون شهر پر از دانشجو شده است. آیا این تغییر، شرایط اقتصادی و اجتماعی شاهرود را تغییر نداده است؟**

مشاور حقوقی

دفتر حقوقی وزارت کشور

حسین احتشامی

مشاوره حقوقی این شماره به موضوعات متنوعی به این شرح پرداخته است: اعتبار مصوبات شوراهای، نحوه تشکیل کمیسیون ماده ۱۰۰ در شهرهای فاقد طرح هادی، دادگاه صالح مورد اشاره در ماده ۸۲ قانون شوراهای، حکم ماده ۲۲ این نامه مالی شهرداریها، اعتبار احکام تبصره ذیل ماده ۹۶ قانون شهرداری و مبحث آموزش در مورد افزایش دامنه حریم شهرها و محدودههای قانونی. پاسخ به سوالات یادشده به منزله دیدگاه دفتر حقوقی وزارت کشور است که توسط مشاور حقوقی ماهنامه تنظیم گردیده است.

که پروانه ساختمانی خود را قبل از تاریخ تصویب نقشه جامع شهر دریافت کرده‌اند، به اعتبار حکم تبصره ۹ ماده ۱۰۰ و به لحاظ حفظ رعایت حقوق مکتسبه، قابل به استثناء شده و آنان را از شمول حکم تبصره یک ماده ۱۰۰ خارج کرده است؛ صدور چنین حکمی به مفهوم تسری به سایر تبصره ماده ۱۰۰ نیست. بنابراین تشکیل کمیسیونها در شهرهایی که دارای طرح هادی هستند، منتهای حکم تبصره ۹ ماده ۱۰۰ در تمام زمینه‌ها جاری و ساری است.

● دادگاه صالح مورد اشاره در ماده ۸۲ قانون شوراهای چه مرجعی است؟ آیا دادگاه صالح می‌تواند دیوان عدالت اداری باشد یا خیر؟

ب) به نظر نمی‌رسد که دادگاه صالح در ماده ۸۲ قانون شوراهای دیوان عدالت اداری باشد؛ زیرا اساساً حدود صلاحیت و اختیارات دیوان عدالت اداری در ماده ۱۱ قانون تشکیل آن به صراحت و به نحو حصری بیان شده است. بند ۲ ماده ۱۱ قانون دیوان که به آراء و تصمیمات دادگاههای اداری اشعار داشته است، قابل تسری به آراء هیئتهای حل اختلاف شوراهایست؛ زیرا اعضای شورا کارمند دولت نیستند تا مصداق حکم مورد اشاره قرار گیرند. وانگهی چنانچه قانونگذار چنین قصدی نداشت به صراحت بیان می‌کرد و لزومی نداشت که از عنوان دادگاه صالح استفاده نماید. ضمن اینکه دیوان عدالت اداری را نمی‌توان دادگاه به مفهوم خاص کلمه نامید، بلکه مرجع نظامات اداری است که بر اساس قانون خاص تشکیل شده است. بنابراین دادگاه صالح موضوع ماده ۸۲ قانون شوراهای محاکم عمومی دادگستری است. چنانچه هدف صالح شناختن دیوان باشد، در این مورد نیاز به قانون خاص است.

● با توجه به اینکه در اجرای حکم ماده ۲۲ این نامه مالی شهرداریها، به هنگام تنظیم بودجه، تمامی موارد هزینه از جمله امور عمرانی در ردیفهای بودجه در نظر گرفته شده و نهایتاً به تصویب شورا رسیده است، آیا در زمان اجرای طرح مصوب که بودجه عملیاتی آن قبلاً در قالب بودجه تصویب گردیده ضرورتی برای تصویب هزینه‌های اجرایی طرح دارد یا خیر؟

ب) حکم ماده ۲۲ این نامه مالی شهرداریها ناظر به برآورد هزینه‌های اجرایی طرحهای عمرانی و خدماتی سال آینده شهرداری که در قالب بودجه شهرداری لحاظ شده و حسب وظیفه قانونی امر تصویب بر عهده شورای شهر محول گردیده است و این

● دستگاههای اجرایی چنانچه مصوبات شوراهای را مغایر با وظایف و اختیارات قانونی خود و یا قوانین عمومی کشور تشخیص دهند، می‌توانند به استناد ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشوری و انتخاب شهرداران (مصوب ۷۵/۳/۱) با ذکر مورد و به طور مستدل حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ مصوبه، اعتراض خود را به اطلاع شورا برسانند و درخواست تجدیدنظر نمایند. اما گاه مشاهده می‌شود که این مصوبات به موقع واصل نمی‌شود و یا به بخشدارها و فرماندارها ارسال می‌شوند که به لحاظ نداشتن کادر کارشناسی مجرب، احتمالاً تشخیص مغایرت مصوبات با وظایف و اختیارات قانونی شوراهای و قوانین عمومی کشور امکانپذیر نیست. با توجه به شرح مراتب، اعلام نمایم در مواردی که در مهلت مقرر (۱۰ روز) به مصوبه اعتراض نشود، ولی مصوبه مستنداً به ماده ۸۰ قانون دارای مغایرت باشد، چگونه باید عمل کرد؟

ب) با توجه به مفاد ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و مواد ۱۲، ۲۲ و ۲۵ این نامه‌های اجرایی تشکیلات، انتخابات داخلی و امور مالی شوراهای اسلامی شهر، شهرک، بخش و روستا، مصوبات شورا پس از گذشت مهلت ۱۰ روز مقرر، قطعی و لازماً اجرائی است و هیچ گونه اعتراضی پس از این مهلت قابل پذیرش نیست. نداشتن کادر کارشناسی برای بررسی مصوبات و یا دلایل دیگر، عذری موجه در مورد عدم اعتراض در مهلت مقرر تلقی نمی‌شود. از لحاظ منطقی نیز باید معتقد به عدم پذیرش اعتراض پس از مهلت مقرر باشیم؛ زیرا اگر غیر از این باشد هیچ گاه مصوبات شوراهای قطعی و لازم‌الاجرا نمی‌شود.

● با توجه به اینکه اغلب شهرهای کشور دارای طرح هادی هستند، راجع به نحوه تشکیل کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری در این گونه شهرها با توجه به مفاد تبصره ۹ ماده ۱۰۰ از حیث حقوقی اعلام نظر نمایم.

ب) تشکیل کمیسیونهای ماده ۱۰۰ قانون شهرداری بر اساس حکمی که در متن ماده ۱۰۰ و تبصره یک ذیل آن است، برای تمامی شهرداریها بدون در نظر گرفتن طرحهای جامع و هادی مقرر شده است، لکن در مورد نحوه برخورد با آن دسته از مالکان املاکی

اسر، مانع از انجام سایر مسئولیتها و وظایفی که شورا به موجب احکام قانونی بر عهده دارند نمی گردد؛ از این رو شهرداری در هزینه معاملاتی که تحقق آن به اجازه و تصویب شورا منوط است، اخذ منسوبه از شورا توسط شهرداری در این گونه موارد امری الزامی است.

● تبصره ذیل ماده ۹۶ قانون شهرداری، دارای احکام متفاوتی است. لکن به نظر می رسد که با توجه به سایر احکام قانونی اخیر تصویب به کیفیتی از درجه اعتبار ساقط شده است؛ ایضا سر اجماع به احکام قانونی جایگزین در زمینه های مورد نظر با توجه به اینکه تصریحاً احکام قبلی القای نگردیده، اقدام شهرداریها در این خصوص چگونه خواهد بود؟

۱) احکام ماده ۹۶ و تبصره ذیل آن تصریحاً یا تلویحاً توسط قوانین مؤخر به کیفیتی از درجه اعتبار خارج گردیده است؛ بنابراین حسب مورد باید به احکام جایگزین مراجعه نمود که به عنوان مثال می توان در این باره به احکامی از قانون نوسازی (ماده ۲۵) و لایحه قانونی نحوه خرید و تمسک اراضی مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب (ماده ۱۱) و قانون توزیع عادلانه آب (مواد ۱ و ۲) اشاره نمود.

نظر به اینکه راهکار افزایش دامنه حریم شهرها و محدوده های قانونی به موجب احکام تبصره ماده ۴ قانون تقسیمات و بند ۲ ماده ۹۹ قانون شهرداری، طی تشریفات قانونی و توسط مراجع ذی ربط معین و مقرر شده است؛ از این رو انتزاع بخشی از وظایف قانونی و تفویض آن به اشخاصی که هیچ گونه مداخلیتی در امر قانونی ندارند از جمله ایراداتی است که نهایتاً منجر به صدور دادنامه شماره ۱۹۲-۱۳۳۶/۶/۶۶ گردید بنابراین به اعتبار رای صادره تصمیماتی که در قالب بند ۲۷ بخشنامه تعرض عنه به مفوض توسط وزارت کشور تفویض گردیده بود، ابطال شد که ذیلاً متن کامل دادنامه درج می گردد.

شماره ۱۶۶/۶۸/۳۰ تاریخ ۱۳۳۶/۸/۳۰

تاریخ ۱۳۳۶/۶/۶۶ شماره دادنامه ۱۹۲ کلاسه پرونده ۱۹۹/۷۸

مرجع رسیدگی: هیات عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: شرکت سهامی خاص فرش البرز

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۲۷ بخشنامه شماره

۱/۳/۳۴/۲۴۸۲۰

مورخ ۱۳۳۸/۱۰/۱۷ وزارت کشور

مقدمه: شاکی طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، وزارت کشور طی بخشنامه شماره ۱/۳/۳۴/۲۴۸۲۰ مورخ ۱۳۳۸/۱۰/۱۷ و بند ۲۷ آن به استانداریها اعلام نموده اند که می توانند نسبت به تغییر محدوده قانونی شهرها و همچنین حریم شهرها اقدام و پیشنهادات خود را برای تصویب به وزارت کشور ارسال دارند این دستور العمل موجب شده است که شهرداریها موضوع حریم شهر را با محدوده قانونی شهرها مخلوط و برای اخذ عوارض یک درصد از فروش محصولات تولیدی کار خانجعات که در خارج از حوزه استحقاقی شهرها قرار دارد محدوده قانونی خود را بدون رعایت مجوزهای لازم (اخذ موافقت وزارت مسکن و شهرسازی) توسعه داده و با تهیه نقشه دناخواه آنرا به وزارت کشور ارسال دارد. وزارت کشور هم با تصویب نقشهها بدون رعایت تبصره یک ماده ۴ قانون تقسیمات کشوری آنها را جهت اجرا به شهرداریها ابلاغ نمودند این مصوبات موجب آشفته گی فراوان و

اعتراض کار خانجعات شده و در تمام شهرها ایجاد اشکال نموده است. اینک با تقدیم این دادخواست ابطال بند ۲۷ بخشنامه فوق الذکر را استدعا دارد. مدیر کل دفتر حقوقی وزارت کشور در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۳۳۴۹/۶۱ مورخ ۱۳۳۸/۷/۵ اعلام داشته اند، توسعه محدوده های قانونی و حریم شهرها به موجب تبصره یک ماده ۴ قانون تقسیمات و ماده ۹۹ قانون شهرداری، حسب ضرورت تشخیص و متناسب با نیاز شهرها و به منظور گسترش دامنه عملکرد متنوع امور شهری بر عهده وزارتین کشور و مسکن و شهرسازی و بعضاً انجمن شهر محول و واگذار گردیده است از آنجایی که شهرها همزمان با روند افزایش رو به تر اند جمعیت گسترش می یابند بالطبع با توجه به کمبود فضا موجبات توسعه فضاهای مختلف شهری از جمله تجاری اداری، مسکونی، خدماتی و مهم قضایی میسر... را به همراه می آورد. به همین اعتبار و به جهت تحقق بخشی از نیازهای ضروری شهری ناچاراً اعمال اهرمهای قانونی مورد اشاره را می طلبد و گریزی از این قاعده نمی باشد. وزارت کشور در راستای مسئولیتهای محوله و به لحاظ تنسيق و تنظیم امور و تدقیق در تصمیم گیریها، تواناً ضمن تفویض پاره ای از امور مرتبط با وزارت کشور بعضاً سواردی از وظایف انجمن شهر (ماده ۴۴) و شورای شهر که به موجب تبصره ماده ۵۲ قانون شوراها به وزیر کشور محول گردیده است را در قالب دستور العملی به آقایان استانداران به عنوان نماینده قانونی وزارت کشور در منطقه و قائم مقام شوراها ی اسلامی شهر در شهرهای استان تفویض و واگذار نموده است. در این مقوله بند ۲۷ بخشنامه با عنایت به انشاء حکم آن صرفاً برای آقایان استانداران جنبه پیشنهادی داشته و مراحل تصویب و تأیید به گونه ای که در احکام مواد ۹۹ و تبصره یک ماده ۴ قانون تقسیمات درج گردیده است، توسط مراجع مذکور صورت می پذیرد و آقایان استانداران نقش تصمیم گیری در مانحن فیه ندارند علی ایحال نظر به اینکه توسعه محدوده های شهری در زمان تصمیم گیریها و طبیعتاً در زمان حاکمیت احکام قانونی و بر اساس ضرورتهای اساسی شهرها انجام یافته است از این جهت اعتبار لازم قانونی را تحصیل نموده و برای شهرداریها و سایر دستگاههای آزاری و اجرایی کشور حسب مورد قابلیت اجرایی داشته و دارد و با عنایت به شرح مراتب رد خواسته شاکی و صدور رای بر ایشاء بند ۲۷ بخشنامه مابعد ذکر مورد تقاضا است. هیات عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام والمسلمین مقدسی فرد معاون قضایی دیوان و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤساء و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رای می نماید.

«رای هیات عمومی»

نظریه اینکه تکلیف تعیین محدوده جغرافیایی و مقامات و مراجع قانونی ذیصلاح در تصویب آن به حکم تبصره یک ماده ۴ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری تعیین و مشخص گردیده است، بند ۲۷ بخشنامه شماره ۱/۳/۳۴/۲۴۸۲۰ مورخ ۱۳۳۸/۱۰/۱۷ وزارت کشور که در این باب ترتیب دیگری را معین نموده است معایر قانون تشخیص داده می شود و به استناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان ابطال می گردد.

معاون قضایی هیات عمومی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد

مشاور اداری - مالی

مشاوره اداری - مالی این شماره ماهنامه، مسائل و موضوعات مختلف و مبتلا به شهرداریها را از قبیل بالاترین مقام اجرایی موضوع ماده ۲ لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک مورد نیاز طرحهای مقام مالک موضوع تبصره ۱۰ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری، قابل مطالبه بودن واحدهای تجاری، حق کسب و پیشه به استناد لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک با دیدگاهی جامع و مستدل، مورد بررسی قرار داده است. مطالب بیان شده به منزله دیدگاه مشاور اداری - مالی ماهنامه شهرداریهاست.

● بالاترین مقام اجرایی شهرداری در موضوع ماده ۲ لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک مورد نیاز طرحهای عمومی... (مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۲۷) کیست؟

۱- مالکیت از جمله حقوق خصوصی و قابل احترام انسانهاست که جزء اولین علائق انسانی محسوب می شود و تقریباً از بدو خلقت انسان و در طول تاریخ، وی را همراهی نموده است. اسلام نیز به مالکیت و آنچه در اثر سعی و تلاش انسان حاصل شده، احترام ویژه ای قائل است: «لیس للإنسان الا ما سعی» قاعده تسلط نیز به زیبایی و صراحت، مالکیت را وصف نموده است: «الانسان مسلطون علی اموالهم». اما با وجود احترام حقوق خصوصی و التزام اشخاص به رعایت آن، افزایش جمعیت، گسترش جوامع، پیشرفت علوم و رشد نیازها و ضرورت های اجتماعی، دولت را بر آن داشته تا به عنوان نماینده عموم و در جهت مصالح عامه به عنوان دولت خدمتگذار، نفوذ و نظارت بیشتری را در تمامی سطوح زندگی و حتی در حقوق خصوصی اعمال نماید. با اینکه قصد و رضای طرفین عقود و قرار دادها به تأیید قانون مدنی (ماده ۱۹۰ قانون مدنی) جزء شرایط اساسی صحت معاملات است، اما تملک اراضی و املاک اشخاص در جهت اجرای طرحهای عمومی، موجهی قانونی است که عمده تا با قصد و رضای مالک (بویژه رضایت وی) بر خورد داشته، ولی به جهت ترجیح مصلحت عمومی بر مصلحت فردی، قانوناً تجویز می گردد.

در حال حاضر لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک... (مصوب ۱۳۵۸) و قانون نحوه تقویم اراضی، ابنیه و املاک مورد نیاز شهرداریها (مصوب ۱۳۷۰) دو قانون معتبر و مستند شهرداریها در ارتباط با تملک اراضی و املاک هستند. اجرای طرحهای عمرانی شهرداریها حسب این مقررات قانونی، تابع شرایطی هستند که توجه به آن الزامی است. طبق ماده ۲ لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک... (مصوب ۱۳۵۸) اجرای طرحهای مورد نیاز قبلاً باید به تأیید بالاترین مقام دستگاه اجرایی برسد. صرف نظر از وزارتخانه ها، سازمانها و مؤسسات دولتی، تعیین بالاترین مقام اجرایی در شهرداریها همواره مورد سؤال بوده است.

قبل از اینکه به نحو اختصاصی تر به طرح این موضوع در ارتباط با شهرداریها بپردازیم، تعیین هدف قانونگذار در تنظیم این ساده قانونی الزامی به نظر می رسد با توجه به نظارت های مالی و

اداری مستمر در قوانین مرتبط برای وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی و همچنین نظارت های مشابه پیش بینی شده در قانون شهرداری و این نامه مالی شهرداریها برای این مؤسسات، تعبیر نظارت به یک نظارت صرف اداری و مالی و یا یک تأکید بدون هدف، تعبیری دور از واقع و غیر اصولی است. به نظر می رسد با توجه به این ماده، تلقی آن به عنوان آخرین تأیید و نظارت فنی دستگاه اجرایی مربوطه و تعیین تکلیف مسئولیت های ناشی از اجرای طرح به واقع نزدیکتر است.

از سوی دیگر، طبق ماده ۳ قانون شهرداری (مصوب ۱۳۳۴) شهرداری دارای شخصیت حقوقی مستقل است و به موجب قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیر دولتی (مصوب ۱۳۷۳/۵/۳) مؤسسات عمومی غیر دولتی طبق ماده ۵ قانون محاسبات عمومی (مصوب ۱۳۶۶) موسساتی هستند که جهت انجام امور عمومی به موجب قانون تشکیل می شوند.

با توجه به مقدمه فوق و ماده ۱ لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه های عمومی (مصوب ۱۳۵۸) که شهرداریها را در زمره دستگاههای اجرایی بر شمرده، توجه به نکات ذیل ضروری است:

۱- تعیین بالاترین مقام اجرایی شهرداریها در مجموعه وزارت کشور که گاه نظارت های خاص و قانونمند نسبت به برخی امور شهرداریها دارند با شخصیت حقوقی و استقلال شهرداریها برخورد دارد و با توجه به مقدمه فوق، نتیجه ای نامناسب است.

۲- طرح این مطلب که بالاترین مقام اجرایی شهرداری را باید در وجود شوراهای اسلامی شهرها جستجو نمود با ماهیت و خودی شورای اسلامی شهر که مرجعی تصمیم گیرنده و سیاستگذار بوده و فاقد قدرت و امکان اجرایی است و رکن اجرایی آن شهرداری است، در تعارض است. بنابراین شوراهای اسلامی شهر اساساً اجرایی نیستند تا بتوانند بالاترین مقام اجرایی شهرداری باشند.

به این ترتیب آنچه باقی می ماند شهرداری است که رکن و سازوی اجرایی شوراهای اسلامی شهر است و در این مجموعه، بدیهی است که شهردار بالاترین مقام اجرایی است که می تواند موضوع ماده ۲ لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک... (مصوب ۱۳۵۸) باشد. در نهایت باید تأکید نمود که اجرای ماده ۲ لایحه یادشده، مانع اجرای نظارت های قانونی شوراهای اسلامی شهر در معاملات و بودجه شهرداری نخواهد بود.

مشاور در اداداری

می گیرد و یا خاص بوده و قراردادهای راجع به مال معینی را شامل می شود.

قائم مقامی عام تنها منوجه و ارب است و پس از مرگ شخص به طور قهری به وراثت او منتقل می شود به این وسیله وراثت زندگی حقوقی صورت خود را ازاد می دهد. قائم مقام خاص زمانی محقق می شود که شخص عین معین یا حق خاصی را به دیگری انتقال می دهد که در آن صورت انتقال گیرنده راست به آن مال و حق، قائم مقام خاص انتقال دهنده می نامند پس خریدار در مورد ملک خریداری شده، مستاجر در باره منافع عین مستاجر در زمان اجاره و ... قائم مقام خاص و قانونی فروشنده و موجر و ... تلقی می شوند.

در پایان قابل تأکید است که طلبکار قائم مقام قانونی مالک تلقی نشده و صرفاً در مواردی که به موجب قانون می تواند به نمایندگی از طرف مالک به انجام اموری از قبیل اقامه دعوا اقدام نماید، نماینده و البته نه قائم مقام او تلقی می گردد (به عنوان مثال زمانی که طلبکار می تواند به نمایندگی از مدیون مع اقامه دعوا کند).

• آیا در حال حاضر، در صورت تملک واحدهای تجاری، حق کسب و پیشه به استناد لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک (مصوب ۱۳۵۸) قابل معالیه است؟

۱) طبق اصل ۱۷۳ قانون اساسی و بند الف - ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری (مصوب ۱۳۶۰)، مرجع رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به اقدامات و تصمیمات واحدهای دولتی و شهرداریها و ... دیوان عدالت اداری است.

در حال حاضر قوانین جاری مورد عمل جهت تملک اراضی و املاک مورد نیاز شهرداریها، لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه های عمومی، عمرانی و تفریحی دولت (مصوب ۱۳۵۸) و قانون نحوه تقویم ائمه، املاک و اراضی مورد نیاز شهرداریها (مصوب ۱۳۷۰) است که با توجه به تأخر قانون ۱۳۷۰، علی الاصول مقررات آن در مواردی که مغایر قانون ۱۳۵۸ باشد، ناسخ آن خواهد بود. این مفهوم در تبصره ۷ ماده واحد نحوه تقویم ائمه املاک و اراضی مورد نیاز شهرداریها (مصوب ۱۳۷۰) مورد تأکید قرار گرفته است. پس صرف نظر از مورد مطرح شده، سایر مواد و مقررات قانونی مندرج در لایحه قانونی ۱۳۵۹ در مورد چگونگی تملک به قوت و اعتبار خود باقی است. ذکر یک رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مفید و مؤید مطلب فوق است:

• چه کسانی می توانند قائم مقام مالک موضوع تبصره ۱۰ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری باشند؟

۱) یکی از وظایف شهرداریها نظارت بر ساختمان سازی در محدوده شهری به جهت رعایت اصول فنی، بهداشتی و شهرسازی است. ابزار قانونی شهرداری برای این نظارت، صدور پروانه ساختمانی و ضمانت اجرای شهرداری نیز کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداریهاست.

طبق تبصره ۱۰ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری، در مورد آرای صادره از کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری هرگاه شهرداری یا مالک یا قائم مقام او از تاریخ ابلاغ رأی طرف مدت ۱۰ روز نسبت به آن رأی اعتراض نماید، مرجع رسیدگی به این اعتراض، کمیسیون دیگر ... عبارت قائم مقام در تبصره یادشده بدون آشنایی با مفاهیم حقوقی، سؤال بر انگیز و مبهم است. این عبارت هر چند در قوانین مختلف مورد اشاره قرار گرفته، اما در هیچ یک از قوانین تعریف آن ارائه نشده است.

به موجب ماده ۲۳۱ قانون مدنی قرار داد فقط نسبت به طرفین قرار داد و قائم مقام قانونی آنان مؤثر است؛ یعنی اثر عقد نسبی و محدود به کسانی است که در تراستی دخالت داشته و نسبت به اشخاص ثالث هیچ حق یا دینی ایجاد نمی کند.

بررسی قائم مقام در ماده فوق می تواند ملموس تر و مبنا برای سایر قوانین باشد. در مواردی عقود و معاملات را وکیل، ولی، وصی، قیم، متولی و امین در طرف موکل، مولی علیه، موصی له، محجور و ... انجام می دهد، بدون اینکه اثر عقد متوجه او باشد. این گروه شخص ثالث تلقی نمی شوند. در این موارد عقد به نمایندگی منعقد شده و اثر یکایک در این موارد این است که در واقع موکل، مولی علیه و ... اصیل هستند و اثر عقد متوجه این افراد است. طبق قانون مدنی و ماده ۲۳۱ آن، کسی که طرف عقد یا قائم مقام قانونی او نباشد شخص ثالث است. قائم مقام جهت تبیین وضعیت شخص ثالث نیازمند تعریف است. اصولاً قائم مقام کسی است که به طور مستقیم یا از طریق نماینده خود در انعقاد قرار داد شرکت نداشته ولی به سبب انتقال حقی از دارایی یکی از دو طرف به او، از عقد متأثر می گردد. این تعریف با وجود مفید بودن با توجه به قسمت اخیر ماده ۱۹۶ قانون مدنی، مشعر بر امکان تعهد به نفع شخص ثالث ضمن انجام یک معامله، وجه تمایز مشخصی که آن را از شخص ثالث متمایز سازد ندارد. به هر جهت صرف نظر از نقد اخیر، قائم مقامی یا عام است و تمام حقوق و تعهدات را در بر

افت آقای عبدالمجید مجددی بطرفیت شهرداری اهواز، خواسته الزام شهرداری اهواز را به اجرای قوانین و مقررات معتبر در مورد پرداخت حق کسب و پیشه مطرح نموده است و شعبه یازدهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به خواسته فوق طی دادنامه شماره ۲۳۶-۱۳۷۲/۳/۲۵ چنین رأی صادر نموده است: نظر به اینکه مطابق ماده ۱۲ لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی برای اجزای ... کلیه قوانین و مقررات که تا این تاریخ در مورد لایحه نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجزای برنامه های عمومی عمرانی و نظامی دولت تصویب شده و با این قانون مغایرت دارد و از تاریخ تصویب این قانون سنی الاثر می باشد و نیز مطابق تبصره ۷ ماده واحده قانون نحوه تقویم ائینه املاک و اراضی مورد نیاز شهرداریها از تاریخ تصویب و لازماً اجرا شدن این قانون ماده ۴ و آن قسمت از ماده ۵ لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی ... که مربوط به نحوه تعیین قیمت عادلانه اراضی می باشد در مورد شهرداریها لغو گردیده است فلذا اقدام شهرداری اهواز مطابق مقررات قانون شهرداری و عمران شهری سال ۱۳۳۷ در مورد شکایت و چاهت قانونی نداشته بنا به مراتب شکایت نامبردگان دارد. تشخیص می شود و حکم بر الزام سازمان طرف شکایت به رعایت قوانین و مقررات جدید و معتبر در خصوص حق کسب و پیشه شکات صادر و اعلام می گردد این رأی تا ده روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر شکلی می باشد. هیأت تجدیدنظر دیوان در رسیدگی به تقاضای تجدیدنظر شهرداری اهواز نسبت به دادنامه فوق در پرونده کلاسه ۲۶/۷۲ طی دادنامه شماره ۳۰۷-۱۳۷۲/۹/۳ چنین رأی صادر نموده است: با توجه به مقررات لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب اسلامی در باب نحوه تعیین قیمت اراضی و املاک و حقوق متعلق به آنها از جمله حق کسب و پیشه و تجارت و قسح مقررات مغایر از جمله مقررات قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷ بشرح مندرج در ماده ۱۲ لایحه قانونی مذکور و اینکه تبصره ۷ ماده واحده قانون نحوه تقویم ائینه املاک و اراضی مورد نیاز شهرداریها منحصرأ در مقام الغا مواد ۳ و ۵ لایحه قانونی مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ از لحاظ قیمت عادلانه انشاء شده و باقی اعتبار عادتین اخیرالذکر از حیث ترتیب تعیین میزان حق کسب و پیشه و تجارت نیست لذا دادنامه شماره ۲۳۶-۱۳۷۲/۳/۲۵ صادره از شعبه یازدهم دیوان عدالت اداری قسح و حکم به تأیید ادعای شاکیان در حقوق و اعتبار لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب اسلامی در قصبه مطروحه صادر می شود.

ب) آقای عبدالمجید مجددی بطرفیت شهرداری منطقه یک اهواز، خواسته صدور حکم بر الزام شهرداری منطقه یک اهواز به رعایت قوانین و مقررات مؤخر بر قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷ را از جهت پرداخت حق کسب و پیشه مطرح و شعبه چهاردهم در پرونده کلاسه ۹۰۱/۷۲ طی دادنامه شماره ۱۳۳۵-۱۳۷۲/۷/۲۲ چنین رأی صادر نموده است: با توجه به مقررات قانون نحوه تقویم ائینه و املاک و اراضی مورد نیاز

شهرداریها مصوب سال ۱۳۷۰ و لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک و قانون نوسازی و عمران شهری و آئین نامه نحوه تعیین و تشخیص و پرداخت حق کسب و پیشه در ارتباط با شکایات و خواسته شاکی دائر بر احتیاج شهرداری در اجرای قوانین و مقررات مؤخر بر مقررات قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷ در مورد پرداخت حق کسب و پیشه استحقاقی به شکات و با عنایت به مقررات لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی ... مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب و لایحه قانونی نحوه تقویم اراضی و ائینه و ... مورد نیاز شهرداریها مصوب آذرماه ۱۳۷۰ و الزام شهرداری منطقه یک اهواز به رعایت دو فقره لوایح قانونی مزبور در مورد پرداخت حق کسب و پیشه شکات تخلفی از قوانین و مقررات و یا مخالفت با آنها مشهود نیست و بنا به مراتب فوق شکایت شاکی غیر وارد تشخیص و حکم به رد آن بشرح و به جهات فوق صادر و اعلام می گردد. همچنانکه ملاحظه می شود در دو پرونده و دو موضوع لو خواسته مشابه دیوان دو رأی متناقض صادر نموده است و طبق ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری هرگاه در موارد مشابه آراء متناقض از یک یا چند شعبه دیوان صادر شود رئیس کل مکلف است بمحض اینکه موضوع را در هیئت عمومی دیوان مطرح نماید برای تشکیل هیئت عمومی دیوان دستور حداقل سه - چهارم رؤسای شعب لازم است رأی اکثریت هیأت عمومی برای شعب دیوان و سایر سراجع مربوطه در موارد مشابه لازم الاتباع است. لذا موضوع آرای متناقض فوق الاشاره در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مطرح و هیأت طی رأی شماره ۲۱۷/۷۲ مورخ ۱۳۷۲/۶/۱۵ بشرح ذیل مبادرت به صدور رأی نمود: در لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجزای برنامه های عمومی عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب اسلامی نحوه تعیین بهای اراضی و املاک و حقوق متعلق به آنها از جمله حق کسب و پیشه موضوع تبصره ۷ ماده ۵ لایحه قانونی مذکور از طریق توافق یا کارشناسی مشخص شده و بشرح ماده ۱۲ آن لایحه قانونی مقررات مغایر نسخ گردیده است و چون مقررات قانون نحوه تقویم ائینه و املاک و اراضی مورد نیاز شهرداریها مصوب ۱۳۷۰/۸/۲۸ مجلس شورای اسلامی هم ناسخ لایحه قانونی مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب از حیث ترتیب تعیین حق کسب و پیشه نمی باشد دادنامه شماره ۳۰۷ مورخ ۱۳۷۲/۹/۳ هیأت تجدیدنظر در این خصوص موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می شود این رأی به استناد قسمت آخر ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۶۰/۱۱/۴ برای شعب دیوان و سایر سراجع مربوطه دو مورد مشابه لازم الاتباع است.

در پایان شایان ذکر است که حلق ماده ۲۱ قانون دیوان عدالت اداری واحدهای دولتی و شهرداریها و ... مکلفند احکام دیوان را در آن قسمت که مربوط به واحدهای یادشده است اجرا نمایند. در صورت استکفاف، مرتکب به حکم دیوان به انقضای از خدمت دولتی و قانونی محکوم می شود.

توان شوراها در گذر از ساختار اجتماعی - اقتصادی رانتی

فریاد مؤمنی

دکتر برنارد

اشار و نتایج خاصی در اقتصاد و توسعه ملی خواهد شد. این نتایج را به اجمال می توان به شرح زیر توضیح داد:

۱- دولت به عنوان مرکز توزیع رانت، در مرکز توجه شهروندان قرار می گیرد.

۲- دولت مرکز جذب شایسته ترین و توانمندترین نیروهای فکری و اجرایی کشور می شود.

۳- در ساختار پرو کرآتیک دولت، نیروهای توانمند بلااستفاده می مانند، بنابراین دولت کانون اتلاف منابع و سرمایه های انسانی نیز خواهد بود.

۴- از دیدگاه روانشناسی اجتماعی در یک ساختار رانتی، افراد بتدریج می فهمند که برای به دست آوردن دستاوردهای مادی سطح بالا نیازی به زحمت، کار، مطالعه، نوآوری و ابداع نیست؛ راهش این است که به نوعی به یکی از کانونهای توزیع رانت متصل شوند.

۵- باز تولید موارد بالا، ساخت مسلط اقتصاد را ساختی دلالی و واسطه ای می کند، نه مولد.

۶- باز تولید موارد بالا در روابط اجتماعی نیز باعث ایجاد فرهنگ دلالی می شود.

به این ترتیب ملاحظه می شود که جامعه در سبک معیوبی از روابط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی فرساز می گیرد، یکی از مهمترین اهداف زمانی انقلاب این بود که انقلابیون معتقد بودند ما باید فضایی به وجود آوریم که روابط رانتی، جای خود را به روابط متکی بر مردم و خواست و اراده مردم بدهد و تصور این بود که اگر تحولی در ساخت سیاسی اتفاق بیفتد، این تحول ساز و کارها و ترتیبات نهادی جدید را ایجاد خواهد کرد که مردم در آن نقش تعیین کننده ای پیدا می کنند و دولت و دولتمردان به مفهوم دقیق کلمه، نقش خدمتگزاران مردم را ایفا خواهند کرد.

یکی از تدابیر و تمهیدات نهادی بسیار مهم که در قانون اساسی پیش بینی شد این بود که برای عبور از شرایط ساختار رانتی

برای توضیح رفتارها در حوزه های سیاست و اقتصاد، کوششهای بسیاری صورت گرفته است. یکی از کوششهای نسبتاً کارآمدی که در این زمینه می توان مطرح کرد، تلاش برای تبیین تحولات و مسائل ایران از منظر اقتصاد رانتی است.

برای شروع بحث، بهتر است رانت را تعریف کنیم. کلمه انگلیسی رانت (Rent) را می توان در فارسی به «افزونه» ترجمه کرد و رانت طلبی را افزونه خواهی. در مفهوم اقتصادی، رانت وقتی رخ می دهد که یکی از عوامل تولید، سهمی فراتر از میزان عادلانه و منطقی نصیب برند. وقتی می گوئیم «دولت رانتی» یعنی دولتی که منبع اصلی درآمدش از محلی است که حاصل زحمات شهروندان و تعامل میان دولت و ملت نیست. دولت رانتی یعنی دولتی که صاحب رانتهاست و آنها را به دلخواه و به صورت غیرقانونمند توزیع می کند و در مقابل هیچکس هم پاسخگو نیست.

در یک ساختار رانتی، انجام وظایف دولت متکی بر مالیاتهای مردم نیست. دولت می تواند بدون اینکه از مردم مالیاتی بگیرد و باالطبع بدون اینکه ناچار باشد درباره نحوه هزینه کردن درآمدهای خود به کسی توضیح دهد، امور خود را سامان دهد.

چنین دولتی ضمن اینکه از طبقات اجتماعی جامعه مستقل است، می تواند طبقات اجتماعی وابسته به خود را نیز ایجاد کند. بعضی تلاشها که برای توضیح تحولات تاریخی ایران در ۱۰۰ سال گذشته صورت گرفته در این زمینه نکات جالب توجهی دارد؛ بویژه در دوره پهلوی که دولت کاملاً از مردم جدا بود. دولت در آن دوره از یک سو به مردم وابسته نبود و لزومی نمی دید که برای هزینه کردن منابع ملی به مردم توضیح دهد و از سوی دیگر نیز طیفی از دیوانسالاران و نظامیان را در کنار خود پرورش می داد و سعی می کرد گستره نفوذ این طبقات وابسته را افزایش دهد.

نکته مهم دیگر اینکه رانتی شدن دولت بتدریج منشأ رانتی شدن ملت می شود. رانتی شدن ملت همراه با تمایلات دولت باعث

شما هر رابطه‌ای که با شوراهای داشته باشید، ضرورتاً نیازمند همکاری مردم هستند. این همکاری و مشارکت مردمی می‌تواند هزینه‌های سیاسی و اجتماعی برنامه‌های شور را کاهش دهد و منجر به تسهیل مشکلات اجرایی شود. بدون مشارکت مردمی در امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... هزینه‌های دولت در سطح ملی و شوراهای محلی در سطوح پایین‌تر، بسیار بالا خواهد بود. از دیدگاه مدیریت، شما اگر نتوانید مشارکت مردم را جلب کنید، مجبور خواهید بود کنترل بیشتری در مورد برنامه‌های عمومی، دریافت مالیاتهای محلی و... اعمال کنید و باز اصلی اجرایی برنامه‌های شور را با برعهده اعضای منتخب قرار دهید که مسلماً از توان هر شورایی با هر درجه تخصصی خارج است. اطلاع‌رسانی، همکاری بین سازمانهای دولتی و نهادهای شورایی محلی، تلاش در جهت ایجاد فرهنگ مشارکتی و روابط عمومی فعال از جمله عوامل مؤثر در جلب مشارکت مردم است.

مهدی نیا، نایب‌رئیس هیئت مدیره شوراهای چاپ اول، پاییز ۱۳۷۸، تیریز، انتشارات آبرار.

در پاسخ به این سؤال باید گفت این امر حقیقتاً تهدیدی بسیار جدی است. اگر شوراهای هدف و مسیر خود را گم کنند سرتوشقی مانند بسیاری از نهادهایی پیدا خواهند کرد که با فلسفه‌های صحیح و عالی شکل گرفته، اما به نهادهایی غیرخوشنام تبدیل شدند.

برای جلوگیری از این مسئله باید کارکردهای شوراهای به درستی طراحی و تنظیم شود و سیستمهای کنترل و نظارت مناسبی تدارک شود. در واقع به همان اندازه که تلاشهای نظری برای روشن کردن فلسفه وجودی شوراهای ضرورت دارد، تمهید نظارت‌های مبنی بر عملکرد شوراهای هم یکی از واجبات است. همیشه این مسئله در مورد هر نهاد اجتماعی در ساختار رانته وجود دارد که اگر از شفافیت، پاسخگویی، نظارت و مشارکت‌جویی فاصله بگیرد، دچار آسیب‌پذیری جدی یعنی غلبیدن به دام فساد و از دست دادن مقبولیت اجتماعی خواهد شد.

فلسفه وجودی شوراهای تغییر قاعده بازی ساختار رانته است. با همین هدف، شوراهای باید بیش از هر چیز به وظیفه ایجاد احساس مشارکت مردم و جلب آنان عمل کنند و باید بتوانند به طور جدی سیستمهای کنترل و نظارتی را به وجود آورند که ساختار رانته نتواند منافات و الودگیهای خود را به وجود آورد. شوراهای نباید امکان به دست آوردن اختیاراتی را داشته باشند که برای آنها امکان توزیع رانت را فراهم آورد. حضور شوراهای می‌تواند در زمینه مهمی را شفاف کند. فرآیندهای تصمیم‌گیری و تخصیص منابع، از طریق شوراهای امکان نظارت اجتماعی بر این دو زمینه فراهم می‌شود. فراهم آوردن امکان مشارکت مردم در تصمیم‌گیریها و جلوگیری از رانته‌های خاص در تخصیص منابع، دو وظیفه خطیری است که شوراهای خاصین آگاهی نسبت به آن باید بتوانند آن را به خوبی به انجام برسانند.

وساز و کارهای تخصصی منابعی که وجود داشت، مشارکت فعال مردم هم دیده شد. به نظر می‌رسد که شوراهای یک‌مهره‌کنیدی عبور از ساختار رانته به ساختار مردم‌سالار است.

پس از انقلاب قرار بود شوراهای نقش مؤثر و جدی ایفا کنند، اما به دلایل گوناگون در بسیاری از عرصه‌ها شکل‌گیری شوراهای با وقفه روبه‌رو شد. در بعضی زمینه‌ها هم که شکل گرفت، از آنجا که به شوراها خاص جامعه ایرانی توجه نشد، همچنین از تجربیات دیگران استفاده نشد و کار فکری جدی هم در این باره صورت نگرفته بود. نتوانست در کوتاه‌مدت، دستوردهای قابل توجهی ارائه دهند. به همین خاطر هم در مورد ضرورت و مفید بودن آن تردیدهایی حاصل شد.

اما با همه این تجربیات نمی‌توان گفت ارزیابی کلی این است که برای عبور از یک ساختار تصمیم‌گیری رانته به سمت ساختاری با مضمون توسعه‌ای با اتکالی به مردم، ناگزیر به ایجاد نهادهایی هستیم. در تجربیات کشورهای مختلف دنیا یکی از مناسبترین و سودمندترین تجربیات نهادی شناخته شده، همین شوراهاست.

کشورمان اگر بخواهد از یک ساختار رانته و توسعه نیافته عبور کند، ناگزیر از اتکالی به چنین نهادهایی است و چون تمرین زیادی هم در حاصنه ایران در این باره وجود ندارد، طبیعتاً آسیب‌پذیری این نهادهای جدید شکل گرفته تیز زیاد خواهد بود.

در همین حوزه یک سؤال جدی مطرح است و آن اینکه در یک دولت رانته و در یک ساختار اجتماعی - اقتصادی رانته آیا ممکن نیست که شوراهای مرکزی برای توزیع و دریافت یا توزیع مجدد رانته‌ها باشند؟ و نه تنها مشکلی را حل نکنند، بلکه خود مرکزی در کنار یا درون دولت باشند؟



الفبای شهر

الفبای هر علمی شامل یک سری تعاریف پایه‌ای است. علم مدیریت شهری نیز چنین است. در این ستون از این پس شمارا با برخی اصطلاحات رایج در مدیریت شهری آشنا خواهیم کرد. هر چند ممکن است آنها را با برخی کار برده‌ها شبیه یا از زبان دیگران شنیده باشید. معروف است که هر علمی، همچون مدیریت شهری برای برخی مفاهیم هیچ تعریف قطعی که مورد اتفاق همگان باشد وجود ندارد. و به تعداد فکر شده و دیده‌گاههای مختلف، تعاریف گوناگون وجود دارد. از این رو در پایان این ستون، منابعی برای مطالعه کاملتر شما معرفی کرده‌ایم. منتظر حقیقات و نظرات شما هستیم.

در این شماره، دو اصطلاح «برنامه‌ریزی شهری» و «مدیریت شهری» را تعریف می‌کنیم:

برنامه‌ریزی شهری

برنامه‌ریزی شهری کوششی هدفمند است برای رفع نیازها و مشکلاتی که در شهر موجود است و یا پیش‌بینی می‌شود. در آینده به وجود آید یا استفاده از امکانات موجود و از طریق انتخاب و پیشنهاد راه‌حلهای بهتر و قابل اجرا از میان همه راه‌حلهای ممکن و تعیین چگونگی به اجرا در آمدن این پیشنهادها.

مدیریت شهری

مدیریت شهری نیز کوشش افراد و نهادهایی (شوراها و شهرداریها) است که تلاش می‌کنند اهداف و راه‌حلهای پیشنهادی در برنامه‌های شهری از طریق به کارگیری منابع موجود و با مشارکت مردم و یاری سایر دستگاههای اجرایی با حداقل هزینه و حداکثر کارایی در زمان مقرر تحقق یابد.

برای روشن شدن مفاهیم فوق و رابطه و همچنین تفاوت آنها با یکدیگر مثالی می‌زنیم. فرض کنید شورای شهری بر اساس گزارش مشاوران دانشگاهی خود متوجه شده است که جمعیت شهر طی ۱۰ سال آینده به میزان ۳۰ درصد افزایش خواهد یافت. اعضای شورا می‌دانند که اگر از هم‌اکنون به فکر نیازهای جمعیت آینده نباشند، شهر آنان با مشکلات زیادی مواجه خواهد شد. از این رو به یک گروه کارشناسان خبره مأموریت می‌دهند تا مسئله را بررسی کنند. گروه مورد نظر پس از یک مطالعه جامع، گزارشی را به شورای شهر می‌دهد که در آن، جمعیت آینده و امکانات مورد نیاز انسان در همه ابعاد پیش‌بینی شده است. این گروه در گزارش خود از میان راه‌حلهای مختلف، بهترین و قابل‌اجراترین

آنهارا برای توسعه شهر، تأمین تأسیسات و تجهیزات شهری، گسترش فضای سبز و شبکه معابر و... پیشنهاد می‌دهد.

شورای شهر گزارشی صادرشده را بررسی می‌کند و پس از نظرخواهی از مردم و با یارهای تغییرات این را تصویب می‌نماید تا این مرحله، کوششهای صورت گرفته، مصداق برنامه‌ریزی شهری است. در مرحله بعد، شورا به کمک شهرداری، کمیته‌های تخصصی را تشکیل می‌دهد تا پروژه‌هایی را بر اساس اهداف برنامه مصوب خود طراحی کنند. این پروژه‌ها را شهرداری یا بخش خصوصی، بنا نقاشی شورا یا اجراء می‌آورند. در صورت لزوم، شورا و شهرداری، همکاری سایر دستگاههای اجرایی را نیز جلب می‌کنند و در همه حال، مردم را به مشارکت می‌طلبند و در جریان اجراء قرار می‌دهند. تلاش شورا و شهرداری در این مرحله، مصداق مدیریت شهری است.

یک گام فراتر

برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد مفاهیم و اصطلاحات فوق به کتب زیر مراجعه نمایید:

۱- سعیدنیسا، احمد: مدیریت شهری، انتشارات مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهری وزارت کشور، جلد یازدهم مجموعه کتابهای سبز، ۱۳۷۹.

۲- مزنی، متوجهسر: بررسی ساختار مدیریت شهری در ایران، انتشارات مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهری وزارت کشور، ۱۳۷۸.

۳- مهدی‌نیا، نفی و حیدر: مدیریت در شوراها، انتشارات



اتحاد تبریز، ۱۳۷۸.

شهرداران افتخاری تربت حیدریه



شهر تربت حیدریه با ۷ نفر اعضای شورای شهر، یک شهردار و ۵۰ شهردار افتخاری دارد. ۵۰ شهردار افتخاری شهر تربت حیدریه آن قدر به مردم شهر نزدیک هستند و آن قدر در آشنایی مردم با مسائل شهری تلاش کرده‌اند که گویی شهر ۱۱۰ هزارنفری تربت حیدریه ۱۱۰ هزار شهروند و ۱۱۰ هزار شهردار دارد.

شهرداری تربت حیدریه که تا پیش از این، همانند تمامی شهرهای دیگر در یک سازوکار دولتی به شیوه کاملاً متمرکز و زیر نظر وزارت کشور عمل می‌کرد، امروز با کمک ۷ تن اعضای شورای شهر و ۵۰ شهردار افتخاری، برای انجام تمامی امور شهر از پشتیبانیه مردمی برخوردار است. شهرداران افتخاری، معتمدان هر محل هستند که از طرف مردم همان محل نیز انتخاب می‌شوند و طی حکمی از طرف شهردار به صورت افتخاری به این سمت منصوب می‌شوند و زیر نظر شورای شهر و شهرداری فعالیت می‌کنند.

شهرداران افتخاری نقش مؤثری در اجرای طرحهای شهری و شهرنشینی از جمله اجرای طرح جامع شهر - که تقریباً معوق مانده بود - و بازگشایی و تعریض معابر داشته‌اند. با توجه به اینکه شهر تربت حیدریه دارای بافت قدیمی است، اجرای بسیاری از پروژه‌های شهری نیاز به تخریب داشته است که این امر بدون رضایت و مشارکت مستقیم مردم هرگز امکانپذیر نمی‌شد. از آنجا

تربت حیدریه، شهر کوچکی در خراسان پیدناور است که مانند تمامی شهرهای دیگر نزدیک به ۲ سال است نظام مدیریت شورایی را تجربه می‌کند. شورای این شهر مانند تمامی شوراهای دیگر با همین قانون فعلی شورا و تقریباً تحت نظارت تعریف شده وزارت کشور فعالیت می‌کند، اما به گونه‌ای دیگر می‌اندیشد. شورای شهر تربت حیدریه می‌داند که برای سامان یافتن نظام مدیریت شورایی باید زنجیره شوراها را تکمیل کرد و می‌داند که کامل کردن حلقه‌های بالایی و تشکیل شورای شهرستان، استان و... نیاز به تمهیدات قانونی دارد. در عین حال، این شورا خوب می‌داند که برای تشکیل حلقه‌های پایین زنجیر و جلب مشارکت مردمی و بهسازی به رای و نظر مردم لازم نیست منتظر چیزی بماند. به همین دلیل، امروز شورای شهر تربت حیدریه بیشتر از بسیاری شهرها، ابتکار «شهرداری محله» و شهردار افتخاری را در کارنامه خود ثبت کرده است.

یکی از مهمترین محورهای کارخانه تولید و پخش است. جهت خود را بر سر آن
 مکتب شده و تلاش کرده بود بر امور استوار این هیئت اطلاع و دانش صحیح و
 برده نشسته و رفتی به ایجاد حساسیت بر آن هیئت و مسئول رفتی شهری
 می کشد خود را که همیشه در حرف استوار به طور صحیح است. کتابچه ای
 که مسئول بر آن هیئت شهری است. در کتابچه حرف می شنود و آن در
 دراز به مردم به یاد که در هیئت های مختلفی در شهر و استان هستند. به آن در
 واد که از هیئت های مختلف هستند. باشند و هیئت که بر آن داشتن یک رفتی
 معمولی به یاد هیئت است. در کتابچه ای اطلاع باشند. رفتی بر آن در
 بر هیئت به آن در

اصحاب شورای شهر بخیر با هم است. مردم هیئت است. اینکه هیئت بر این
 و از مردم که کشم و گرمیم شما هم نام بشود. در هیئت که رفتی رفتی
 هستند. که هیئت بر آن در هیئت است. هیئت که هیئت که هیئت که
 رفتی به مردم است. هیئت که هیئت که هیئت که هیئت که هیئت که
 شورای شهر رفتی که هیئت که هیئت که هیئت که هیئت که هیئت که
 باشند که هیئت که هیئت که هیئت که هیئت که هیئت که هیئت که



یک نگاه

که شهرداران افتخاری، خود را متعلق به شهر و شهر را متعلق به
 خود می دانند و ارد زنجیره مشارکتی شده اند و یادش زحمات خود را
 همین بس می دانند که بتوانند در سرنوشت شهر خویش سهیم
 باشند.

شهرداران افتخاری با استفاده از تخصصهای موجود در هر
 محله و برگزاری جلسات آموزشی و توجیهی، مردم را به مشارکت
 در امور عمرانی، بهداشتی و قضای سبز محل دعوت می کنند.
 شهرداری هر محل آمادگی کافی برای امتدادزسانی به اهل محل به
 هنگام وقوع حوادث غیر مترقبه را دارد. در شرح وظایف شهرداران
 افتخاری آمده است که در هر محل یکی از بانوان ساکن محل به
 عنوان رابط شهرداری و بانوان محل در امور مربوط به بانوان
 انتخاب و معرفی می شود.

به این ترتیب، شورای شهر تربت حیدریه ضمن اینکه در انتظار
 تشکیل حلقه های بالایی زنجیره شوراهاست، حلقه های پایینی
 زنجیر را محفول نگذاشته است. اعضای شورای شهر، انجام این کار
 را برای تمامی شهرهای متوسط و کوچک عملی می دانند و آن را
 ساز و کاری مطمئن برای جلب مشارکت مردمی و تقویت حس
 شهروندی معرفی می کنند. به امید اینکه در تمامی شهرها ضمن
 تلاش برای دستیابی به اهداف برتر، از آنچه امروز می توانیم انجام
 دهیم غافل نمائیم و پیش از اینکه در فکر باشیم بر ایمن کاری
 بکنند، با هر آنچه در دست داریم تمام تلاشمان را بکنیم.



اجرای مصوبات شوراها دغدغه‌های است که ذهن اعضای شوراهای رایبه خود مشغول کرده است. تصویب مصوبات، تصمیم گیری و برنامه ریزی راجع به مسائل شهری، بدون داشتن پشتوانه لازم برای اجرا و تحقق آنها از مشکلاتی است که شوراهای ابتدای آن دست به گریبان بوده اند و هنوز از عدم تمکین دستگاههای محری مصوبات شورا گنجه مندند!

ضمانت اجرایی در علم حقوق عبارت است از اینکه قابوبگذار حق یا تکلیفی را برای شخصی حقیقی یا حقوقی قائل شود که در صورت عدم رعایت دستور مقرر، عکس العملی برای آن پیش بینی شده باشد. در واقع، تصویب قوانین بدون داشتن ضمانت اجرایی به مانند در دست داشتن شمشیر کند و نابرایی است که همراه داشتن آن، تنها تحمل کشیدن باری است که حاصلی جز خستگی در بر ندارد. عدم ضمانت اجرایی مصوبات شوراهای از چند منظر می توان مورد بررسی قرار داد: اولین دیدگاه در مورد عدم ضمانت اجرایی را می توان ناشی از ضعف قانون شوراهای در این زمینه عنوان نمود. به اعتقاد بسیاری از حقوقدانان، قانون شوراها فاقد پشتوانه لازم و ضمانت اجرایی کافی در مورد مصوبات شوراها است.

محمود علیزاده طباطبائی، عضو شورای شهر تهران، براین باور است که قانون فعلی شوراهای قانونی است که برای اجرا تصویب شده است، وی می گوید: «کسانی که این قانون را نوشته و تصویب کردند، هرگز تصور نمی کردند که رئیس جمهوری بیاید و بخواهد این قانون را اجرا کند! به همین دلیل این قانون در اجرا با مشکلات عدیده ای روبروست».

حسین صالحی، حقوقدان، نیز معتقد است که قانون ضعف دارد ولی قانون را از وضع فعلی شوراهای قوی تر می ناند، وی می گوید: «خمیرمایه قانون شوراهای، قانون شهرداری مصوب سال ۱۳۳۴ است که این قانون با توجه به تحولات روز پیش نیامده و تغییر نکرده است، ولی همین قانون هم برای ما کافی است».

آنچه مسلم است، قانون فعلی شوراهای با عدم شفافیت، تردید متون قانونی و ابهامهای فراوانی روبروست. در این قانون، حدود و اختیارات شوراهای مبهم است، روابط شورا یا دستگاههای اجرایی دست انفرادی مدیرت شهری، تعریف نشده باقی مانده است و همین ابهام باعث شده تا مصوبات شوراهای از سوی این دستگاهها فاقد ضمانت اجرایی لازم باشد و دست شوراهای برای تصویب مواد لازم و برنامه ریزی جامع شهری همچنان بسته بماند.



چرا تضمینات شوراها ضامن اجرا ندارد؟

یک درپنده بگذرانند

قوانین اساسی کشور را در یک ماده ۶ بیان است که تشکیل و تصویب و اجرای این شوراهای شهر و دهستان بر اساس اصول و ضوابطی که در قانون اساسی با شورای عالی شهر تعیین می شود و در حین اجرای آن به تغییرات لازم می آید. این اساسی است که در اساس قانون اساسی و در قانون اساسی شهر و دهستان تعیین شده است. این اساسی است که در قانون اساسی و در قانون اساسی شهر و دهستان تعیین شده است. این اساسی است که در قانون اساسی و در قانون اساسی شهر و دهستان تعیین شده است.



مصوبات شورا فقط برای شهرداری الزام آور است

تقی مبینی، نایب رئیس شورای شهر شهر کرد، در همین مورد می‌گوید: «سعی کرده‌ایم در مواردی که حدود اختیارات شورا مبهم و یا قانون ساکت است، وارد شویم و تنها به مصوبات مربوط به امور شهرداری اکتفا کنیم و این طور به نظر می‌رسد که شأن شورای شهر در حد شورای شهرداری تنزل یافته است.»

صالحی نیز در همین زمینه چنین اظهار می‌دارد: «وظایف شورا در مورد شهرداری مشخص است، ولی راجع به سایر ادارات، وظیفه مشخصی ندارد و چون مشخص نیست، مصوبه شورا در مورد آن دستگاه نمی‌تواند الزام جدی به وجود آورد؛ چرا که اختیارات شوراها در مورد آنها مبهم و کلی است و نوع نظارت شورا بر این ادارات و دستگاهها نظارت استصوابی نیست، بلکه نظارت اطلاعاتی است؛ یعنی شوراها فقط نقش مشورتی دارند؛ این در حالی است که اصل یک صد و سوم قانون اساسی صراحتاً استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری را که از سوی دولت تعیین می‌شوند، ملزم به رعایت تصمیمات شوراها نموده است.»

شهرداری و تصمیمات شورای شهر

بر اساس آنچه گفتیم، به نظر می‌رسد آن دسته از تصمیمات شورا که مربوط به امور شهرداری است از ضمانت اجرایی نسبی برخوردار است و می‌توان وجود مکانیسم‌هایی از قبیل استیضاح شهردار، تصویب، تغییر و اصلاح بودجه شهرداری و حق نظارت شورا در امور شهرداری را از عوامل ضمانت اجرایی مصوبات شورا در این حیطه دانست.

علیزاده طباطبایی ابزار پیگیری مصوبات شورا را در ارتباط با شهرداری، ابزاری کافی می‌داند و می‌گوید: «به طور کلی در ارتباط با شهرداری مشکلی نیست و از اختیار کافی برخورداریم؛ شورا در هر زمان می‌تواند تصمیم بگیرد که طرحی اجرا بشود یا اجرا نشود و اگر پیشرفت فیزیکی طرح مناسب نیست می‌تواند تصمیم بگیرد که اعتبار طرح واگذار بشود یا نشود.»

عضو شورای شهر تهران ابزار بودجه را کارآمدتر از استیضاح شهردار می‌داند و از استیضاح به عنوان آخرین راه ممکن نام می‌برد و به اعتقاد وی ضرورتی برای استفاده از آن حس نمی‌شود.

مبینی دهکردی نیز از ابزار بودجه به عنوان ابزاری مناسب برای ضمانت اجرایی مصوبات شورا نام می‌برد، ولی مکانیسم‌های موجود در قانون را کافی نمی‌داند و اظهار می‌دارد: «ابزار استیضاح شهردار کارآمد نیست؛ چرا که هر دقیقه نمی‌توان شهردار را مورد سؤال و استیضاح قرار داد.»

تقویت ضمانت اجرا، اصلاح قانون

بر همین اساس عده‌ای بر این باورند که اصلاح قانون شوراها به منظور تأمین کمبودها و ضعفهای آن و همچنین رفع ابهام از نقاط مبهم قانون، امری ضروری است که باید هر چه زودتر صورت پذیرد.



و ظرافت شورا در مورد شهرداری مشخص است، ولی جامع به سایر ادارات و طبقه مشخص ندارد چون مشخص است، تصور بدشرا در مورد آن دستگاه نمی تواند فراهم جلدی به وجود آورد

اکنون بیش از ۲۰ مدیر در حوزه عمل مدیریت شهری تصمیم می گیرند بدون اینکه هیچ اثری به همکاری و هماهنگی با مدیریت شهر وجودی شهر داشته باشند

قطعا با اصلاح قانون باید ضمانت اجرای کافی برای تصمیمات شورا در نظر گرفته شود

آرا و نظرات دیگر را نسبت شدن پایه های اقتدار خود تلقی می کنیم. صالحی می گوید: «همه می خواهند قدرت مطلق باشند! مشکل ما همین است؛ روحیه ای که ما همه می خواهیم قدرت مطلق باشیم». این گونه است که مدیریت سنتی ما تعامل فکری در تصمیم گیری و تصمیم سازی را نمی پذیرد و به همین دلیل، فرهنگ شورا همچنان مهجور باقی مانده و مصوبات شورا بدون رسیدن به نتیجه ای مشخص تنها به صورت مصوبه و توصیه رها شده است!

حسین صالحی در همین زمینه می گوید: «ممکن است قانون هم نداشته باشیم ولی با روشهایی دیگر که منع قانونی هم ندارد مانند کدخداهایی و شیوه های دیگر، مشکلات را حل کنیم، اصلاً فلسفه شورا همین است، فلسفه شورا فلسفه های اجتماعی است؛ یعنی قرار نیست یک نفر حرف آخر را بزند، قرار است همه با هم فکر کنند و از فکر جمعی استفاده شود».

وی ابزارهای عرفی را ابزارهایی کارآمدتر از ضمانت اجرایی کیفری موجود در قانون می داند و می افزاید: «ابزارهایی که مربوط به حسن روابط بین افراد می شوند، کارسازترند و مشکل مردم با این ابزارها راحت تر حل می شود».

به نظر می رسد که رسیدن به ضمانت اجرای مناسب، نیازمند فراهم کردن زمینه هایی است، تا ابتدا شوراها جایگاه واقعی خود را بیابند، فلسفه شورا و نظام شورایی، فلسفه جاری و ساری در تصمیم گیریها شود، آن گاه قانون متناسب با حدود و اختیارات شوراها و با توجه به اهمیت شوراها تغییر باید و اصلاح شود.

برای رهایی از چنبره گنگی قوانین، ضعف قانون شوراها، قانون گریزی مسئولان، نبودن ذهنیت مشارکت و کار شورایی، اقتدارگرایی مفرط مدیران اجرایی و... باید تلاشی همه سویه کرد؛ چرا که پرداختن به یکی از این عوامل به تنهایی نمی تواند راهگشای شوراها باشد و مصوبات شورا همچنان فاقد ضمانت اجرا باقی می ماند.

باید شرایطی فراهم شود که هیچ مسئول اجرایی و هیچ دستگاهی عرفاً، اخلاقاً و قانوناً از کنار مصوبات شوراها نگذرد و خود را ملزم به اجرای صحیح تصمیم گیریهای شورا بداند.

علیزاده می گویند «شورای شهر تهران در صدد است سال آینده موارد مربوط به ضمانت اجرای لازم برای مصوبات شوراها را به شکل مشورتی از طریق مجلس یا دولت دنبال کند، وی با تأکید بر قدیمی بودن قانون فعلی شوراها ادامه می دهد: «قطعا با اصلاح قانون باید ضمانت اجرای کافی برای تصمیمات شورا در نظر گرفته شود».

علیزاده طباطبایی با اشاره به یکبار چه نبودن مدیریت شهری به عنوان یکی از معضلات بزرگ شوراهای شهر، چنین می گویند: «اکنون بیش از ۳۰ مدیر در حوزه عمل مدیریت شهری تصمیم می گیرند، بدون اینکه هیچ الزامی به همکاری و هماهنگی با مدیریت شهر و شورای شهر داشته باشند، که باید در اصلاح قانون، این معضل نیز منظور شود».

در مقابل این عده - که اصلاح و تفسیر قانون را چاره رفع مشکل عدم ضمانت اجرای مصوبات شورا می دانند - گروهی نیز بر این نکته بنای می فشارند که اصلاح قانون، راه صحیح و پسندیده ای نیست. حسین صالحی از کسانی است که با تغییر و اصلاح قانون موافق نیست، وی می گوید: «نسبت به اصلاح و تغییر قانون، خوش بین نیستم؛ هنوز یک دوره ۴ ساله از فعالیت شورا هم تمام نشده است، اگر همین قانون خوب اجرا شود، خیلی خوب است».

این حقوقدان ادامه می دهد: «ضمانت اجرایی کیفری به تنهایی چاره ساز نیست، اگر قرار باشد برای پیشبرد اهداف خود از ضمانتهای اجرایی کیفری و مجازات استفاده کنیم، باید هر روز همه علیه هم شکایت کنیم!».

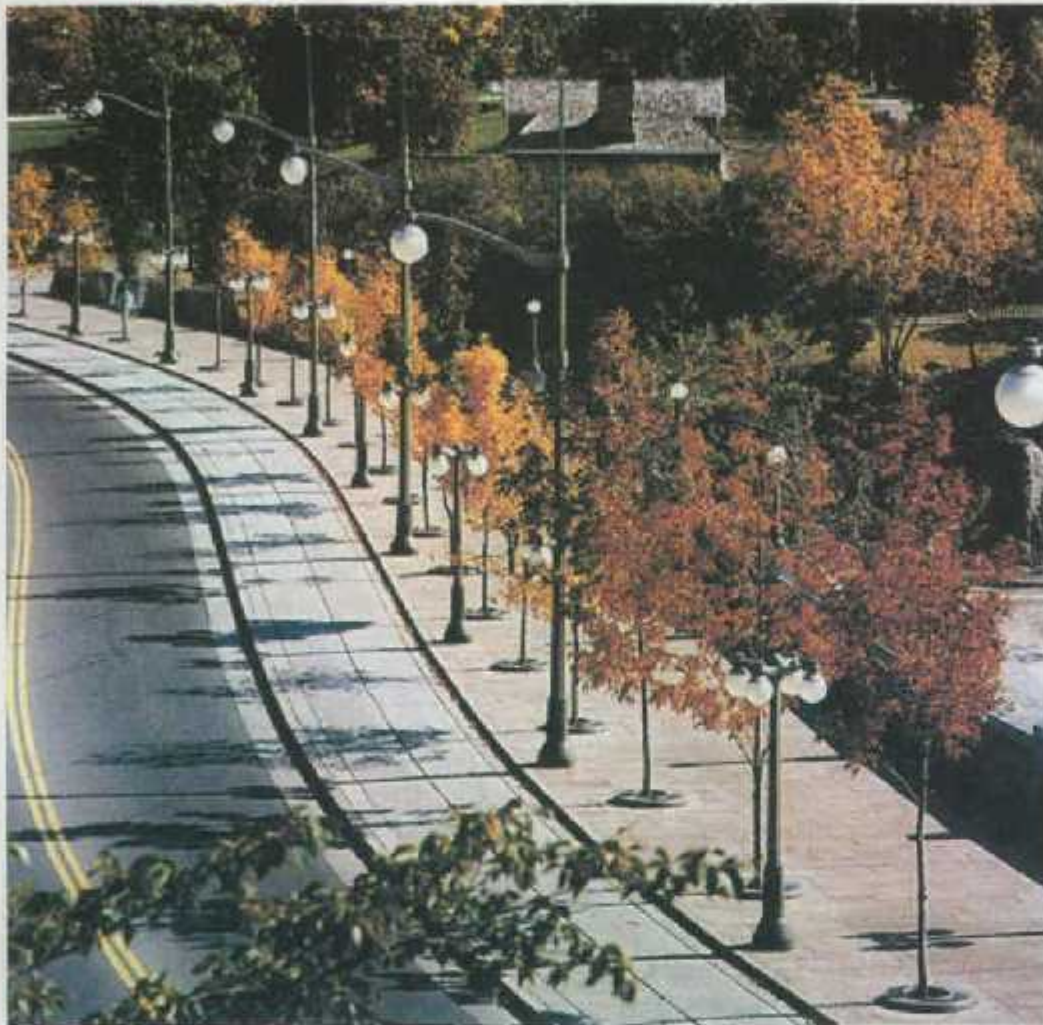
در واقع، وی مشکل را در جایی خراج از قانون شورا جستجو می کند و به عواملی دیگر غیر از ضعف قانون شورا اشاره دارد که این عوامل نیز در عدم ضمانت اجرایی تصمیمات شورا مؤثرند و آن چیزی نیست مگر نبودن فرهنگ شورا و نظام برنامه ریزی و تصمیم گیری شورایی؛ فرهنگی که بیگانگی با آن در کشور ما عاملی است که در تأثیر آن در عدم ضمانت اجرای مصوبات شورا، چیزی کمتر از ضعف قانون نیست. در کشوری که سابقه تاریخی از بیاطاعت مردم و حکومت، از بیاطاعتی بیخشمه ای و از سر لوامر ملوکانه و فرمان پذیری محض شکل گرفته است، تبیین جایگاه شورا و تصمیم گیری شورایی دشوار می نماید؛ بسیاری از ما اقتدار و خودرأیی را به یک معنا در نظر می گیریم و از این رهگذر، پذیرفتن

معاونان و نویسندگان صفحه شورای شهر
زهرا اشکری
میرجان ذکاوی
آرشی حسین نیا
جلال معصوم

برنامه ریزی برای عابر پیاده

الکساندر کاروین

ترجمه ابراهیم جمشیدزاده



کاتالیا - تفکیک مسیر سواره روی از پیاده در کاترزه پارک ملی اتارا

عجله برای تغییر علامت ترافیک شهری، قضاوت نادرست در باره اتومبیل، سروصدای زیاد، دود مونواکسید و مراکز کنترل ترافیک وجود نخواهد داشت.

هیچ شهری نمی تواند رؤیای دست نیافتنی گروئن را تحقق بخشد. اما شهرها می توانند با الگوبرداری از لیسان و با جلوگیری از ترافیک وسائط نقلیه در بعضی از مراکز شهری به ایجاد پیاده‌روهای مجزا، کارهای هنری، منظر سازی و مبلمان شهری بپردازند. البته هیچ دارایی خصوصی نباید به نفع عموم استفاده شود، هیچکس مجبور به القای در مکان خاصی نیست. همه می توانند در مراکز شهری رانندگی کنند، فقط در مقصدشان به مراکز شهرها باید به تمام مسائل محیط زیست اعم از سرو صدا، دود و ترافیک توجه شود.

حوزه‌های پیاده‌رو

محبلهای جدید پیاده‌رو به صورت گردشگاهی کامل یا نیمه گردشگاهی با راههای عبوری و دیوارهای بلند شکل گرفته است. مراکز خرید مستقر در پیاده‌روها یا گردشگاههای پیاده ترافیک

شهر روتردام اولین شهری است که امتیاز احیای شهری را با دور کردن خودرو از مراکز اصلی شهر به دست آورد. در سال ۱۹۶۰ لوئیت ولف مرکز روتردام را تخریب کرد و تسامی نخاله‌های ساختمانی را از شهر بیرون برد. دولت هلند تمی خواست شهری پر جمعیت با خیابانهای پر پیچ و خم ایجاد کند. در عوض در سال ۱۹۵۳، منطقه تجاری جدیدی با مراکز خرید فروشی به نام لیسان افتتاح کرد.

لیسان مرکز خرید وسیعی است که فقط برای پیاده‌ها ایجاد شده و به وسیله درختان، گلها، مناطق ویژه تفریحی، فضاهای باز و محسسه احیا گردیده است. این موفقیتی بود که برنامه‌ریزان در انتظار آن بودند.

در برنامه سال ۱۹۵۶، ویکتور گروئن، پیاده‌رو سازی را یک گام به جلو برد. او در این برنامه پیشنهاد کرد که وسائط نقلیه موتوری در طبقه زیرین منطقه تجاری، عبور کنند به طوری که خیابان به صورت یک پیاده‌رو گردشگاهی فاقد اتومبیل درآید. به این ترتیب نه تنها ترافیک در خیابانها از بین خواهد رفت بلکه نیازی هم به

ناسی از وسائط نقلیه را از بین برده‌اند. فقط وسائط نقلیه خدماتی و اورژانس مجاز به ورود به این محدوده هستند. پیاده‌روهای نیمه گردشگاهی در واقع محیط‌هایی هستند با پیاده‌روهای عریض و خیابانهای باریک. هدفشان ایجاد گردشگاه و محیطی جذاب برای خریداران است. راهبندی عبوری نیز وجود دارد که محیط خرید را با محیط حمل و نقل عمومی پیوند می‌دهند. در این مورد بخش بزرگی از ستر جاده‌های قدیمی به حمل و نقل عمومی اختصاص یافته است. دیوارهای بلند پیاده‌روها را از خیابانها و سایر مراکز جدید سیستم وسائط نقلیه ازاد هتلهای، رستورانها، ساختمانهای اداری، ساختمانهای مسکونی و گاراژها جدا می‌کنند.

در شهرهایی نظیر کالامازو و میشیگان، پیاده‌روسازی برای افزایش خرید فروشها نقش مهمی داشته است. در حکمونی، بیسی سی بی و سربوینس، رادایسند مانند بسیاری از شهرهای دیگر، پیاده‌روسازی به دلیل مخارج آن از بین رفته است. وقتی چنین سرویسهایی اجرا شوند، موفقیت آنها بیش از توجه به طوابع خارجی است.

پیاده‌روسازی در شهرهایی اجرا می‌شود که در آنها بخشی از

در حال کاهش بودند. دفاتر اداری و تجاری روز به روز گسترش می‌یافتند و تجار در حال مهاجرت به حومه شهرها بودند.

در سال ۱۹۵۷ بازار کانال کالامازو، شرکت ویکتور گرومن و شرکای او برای مشاوره در طرحی که هدف آن جلوگیری از کاهش خرید فروشها و افزایش دفاتر اداری بود به استخدام درآوردند. این طرح با سایر طرحهایی که گرومن برای بسیاری از شهرها تهیه کرده بود فرقی نداشت. طرح کالامازو (۱۹۸۰) در بزرگراهی واقع شده بود که شهر را احاطه کرده و شامل منطقه تجاری مرکزی و دارای امکانات پارکینگ در محدوده‌های خاصی بود و به مسیرهای ماشین‌رود دسترسی داشت.

کمسیون برنامه‌ریزی شهر در سال ۱۹۵۸ این طرح را تصویب کرد. اما بزودی دریافتند که پول کافی برای خرید زمین، تحریریه گنارهای ساخته شده در اطراف، ساخت پارکینگهای جدید و تغییر شکل خیابانهای مرکز شهر به گردشگاههایی زیبا را ندارند. در نتیجه بزرگراه به حلقه‌ای یک طرفه از خیابانهای موجود در شهر تبدیل شده و گاراژهای موجود نیز به شکل پارکینگ درآمدند.

جایی که ترافیک انوسیل وجود دارد، درخت، بوته، فواره،

حوزه‌های پیاده باید در ارتباط کامل با پارکینگها، حمل و نقل عمومی، مراکز ارتباطی، هتلهای، ساختمانهای اداری، فروشگاههای چند طبقه و مراکز خرید باشد

مجسمه و سبلان شهری نیز باید باشد. گردشگاه کالامازو ممکن است مثل گردشگاه نیسان چشمنگیر و جذاب نباشد، اما با توجه به مقیاس کوچک و هزینه کم، مشتریان جدیدی را از منطقه تجاری ۲۵ هزار نفری از هفت ایالت به سمت خود می‌کشاند.

بعد از گذشت ۲۰ سال از ساخت این گردشگاه، خرید فروشها سالانه حدود ۱۰ درصد افزایش یافتند. بسیاری از فروشگاهها حتی حدود ۱۵۰ درصد در جوان ۵ سال اول زیاد شدند. پیاده‌روسازی در سراسر مراکز شهری کالامازو ۲۰ درصد افزایش یافته است. این فعالیتها برای پوشش کافی و کامل شهر و حذف بعضی از نیازهای صورت گرفته است.

گردشگاههای پیاده کالامازو بخشی از برنامه سراسری برای بهبود دسترسی وسائط نقلیه، ایجاد پارکینگ و امکانات خرید مناسب است. تفاوت این فعالیتها باعث جذب خریداران بسیار شده به طوری که مسئولان شهری در صدد بهبود مراکز خرید شهری موجود هستند. وقتی اولین گردشگاه خرید افراد پیاده در امریکا ایجاد شد اهمیت مرکز خریدی، خالی از انوسیل را در احیای مراکز شهری نشان داد.

برنامه توسعه حوزه وسائط نقلیه در مراکز شهری است. در لوتیس ویل در قسمت بالای گردشگاه یک واحد تهویه هوا قرار داده شده است. مراکز نمایش هنری نیز در آن دیده شده‌اند. این امکانات باعث جذب مشتریهایی می‌شود که نمی‌خواهند به مراکز شهر وارد شوند. در سنور پایانه‌های انتقالی در حومه شهر ساخته شده که راه عبوری انوسیلها از یک طرف شهر به طرف دیگر است. این ترکیب، نیز افرادی را که از تراکم مسافر برای ورود به مراکز شهر گیرانند به خود جذب کرده است.

این موفقیت و کنارهای مشابه آن در پیاده‌روسازی و ترمیم خیابانهای مراکز شهری هزینه‌های اضافی را در بر خواهد داشت؛ چرا که این اقدامات بخش وسیعی از یک پروژه تجاری با عملکرد مرکزی، پارکینگها، سیستم حمل و نقل عبوری محلی و منطقه‌ای هستند و از نظر راهبردی نیز امکاناتی دارند که افراد زیادی از آن استفاده می‌کنند.

کالامازو و میشیگان

در امریکا اولین مرکز خرید گردشگاهی در سال ۱۹۵۹ در کالامازو، میشیگان گشایش یافت. مانند بیشتر گردشگاههای پیاده که بعدها ایجاد شد، هدف، احیای مراکز شهری بود، خرید فروشها

کالامازو و لوئیس ویل داشته مشکلاتی مانند کاهش مراکز خرید فروشی، کاهش دقت اداری و کاهش مالیات. راهبرد توجه به این مشکلات، همکاری بین واحدهای برنامه‌ریزی شهری و جامعه تجار بود.

پژوهش و برنامه‌ها، شناخت کاملی را از منطقه تجاری ایجاد می‌کنند تا سیستم حمل و نقل انبوه برای خدمات‌رسانی مستقیم به مناطق خرده‌فروشی؛ کاهش تراکم ترافیک، پارکینگ‌های کافی و پیاده‌روهای مراکز شهری مناسب را فراهم آورند. برای دسترسی به تکنیک بین پیاده‌رو و ترافیک اتومبیل، لازم است خیابان نیکالت به صورت یک راه عبوری درآید و با راهی هوایی و با اتصال دو خیابان به وسیله یک پل باعث ارتباط طبقه دهم ساختمانها با هم شود.

دومین بخش پیاده‌روسازی مینیوپولیس گردشگاه ۱۰ واحدی نیکالت است که در سال ۱۹۶۷ گشایش یافت. در طرح لورنس اتومبیل‌های شخصی و کامیونها وجود ندارند. پیاده‌روها عریض تر شده و درختان، گلها، بوته‌ها، سطوحهای زیاده، کیوسک‌ها، مجسمه‌ها، فواره‌ها و ایستگاههای اتوبوس به شکل خطی قرار گرفته‌اند.

وقتی گردشگاه پیاده نیکالت در سال ۱۹۶۷ افتتاح شد، فقط روزانه ۹ هزار فروشنده در مرکز شهر وجود داشت. ۶۰ سال بعد این تعداد به بیش از ۴۰ هزار نفر رسید. تعداد خرده‌فروشان نیز با ۱۴ درصد افزایش رو به‌رود بود و میلیونها متر مربع به فضای اداری - تجاری منطقه تخریب شده شد. در سال ۱۹۸۲، سیستم راه‌هوایی ۳۵ بلوک شهری، بیش از ۸۱ هزار شغل را به هم وصل می‌کرد. ۱۰ سال بعد این راه‌هوایی ۴۴ بلوک شهری که ۹۴ درصد فضای خرده‌فروشی مرکز شهر را در بر می‌گرفت، به هم وصل کرد. یعنی ۵۵ درصد فضای اداری قابل اجاره و ۷۰ درصد اتاقهای هتل و ۴۸ درصد فضای پارکینگ.

پورتلند اورگان

مرکز شهر پورتلند مثل مرکز شهر مینیوپولیس از سوی گردشگاه خرید حومه شمال شرقی شهر که در سال ۱۹۶۰ گشایش یافته بود، تهدید می‌شد. در مینیوپولیس این مشکل با ائتلاف مسئولان شهر و تجار حل شد. آنان یک دهه موفق بازآرایی‌سازی مرکز، احیای شهری و پروژه‌های بزرگ‌راهی را پشت سر گذاشتند. گردشگاه ۱۱ بلوک این شهر، در امتداد دو طرف خیابانهایی پنجم و ششم شهر ساخته شد. در این گردشگاه همچون گردشگاه نیکالت، درختان خیابانی جدید، گلها، مجسمه‌ها، فواره‌ها، تزیین آجری و ایستگاه‌های اتوبوس وجود دارد. در قسمت‌های مختلف راه‌های عبوری خدمات بسیاری ایجاد شده است. اتوبوسهایی که در این مسیر در حرکت‌اند به‌طور مستقیم با کل منطقه کلانشهر در ارتباط‌اند. جدول زمانی و مسیر حرکت اتوبوسها در مرکز کنترل از طریق موبایل‌های تلویزیونی نمایش داده می‌شوند. اختلاف اساسی بین آنچه در پورتلند و سایر راه‌های عبوری وجود دارد این است که در پورتلند راه‌ها با ۱۵ مایل چراغ‌های خیابانی و ۳۷ ایستگاه تجهیز شده‌اند. برنامه‌ریزی جامع برای چرخه پیاده‌روها و راه‌های عبوری قراوان، منطقه تجاری پورتلند را بسیار قابل دسترسی تر، راحت‌تر و جذاب‌تر ساخته است. زمانی که یک اتوبوس برای عبور از مرکز شهر صرف‌معمی کند از ۳۰ دقیقه به ۱۵ دقیقه کاهش یافته است. مهم‌تر اینکه، درصد افرادی که از راه‌های عبوری برای رسیدن به مرکز شهر استفاده می‌کنند از ۱۰ درصد در سال ۱۹۷۱ به ۲۵ درصد در سال ۱۹۷۸ رسید.

جایی که ترافیک اتومبیل وجود دارد، درخت، بوته، فواره، مجسمه و مبلمان شهری نیز باید باشد



لوئیس ویل کنتاکی

پیاده‌روسازی در لوئیس ویل مانند کالامازو، تلاش برای تنظیم تجارت در مرکز شهر بود. خیابان چهارم سالها قلب منطقه تجاری مرکز کی لوئیس ویل بود. در این خیابان هتلها، فروشگاهها و مغازه‌های بسیاری وجود داشت.

در دهه ۱۹۵۰ همچون بسیاری از مناطق خرده‌فروش شهری دیگر، در این منطقه، پیاده‌روسازی به قصد رقابت با مراکز خرید حومه شهری صورت گرفت. سینما تئاترها بسته شده بود و فروشگاه‌های خالی بسیار زیاد بود که این خود نوعی انحطاط شهری را به دنبال داشت.

تجار مرکز شهر، مسئولان شهری و ادارات رسمی دولتی تلاش می‌کنند تا راه‌هایی را برای اجرای طرح‌های پیاده‌روسازی در شهر بیابند. این طرح‌ها شامل تخریب خطوط قدیمی عبور خودرو، مرتبط کردن خطوط موجود، ارائه خدمات جدید، حذف کامل ترافیک از خیابان چهارم، بازسازی پیاده‌روها، منظرسازی، ایجاد فواره و مبلمان شهری است.

مینیوپولیس مینوتسیا

وقتی مسئولان سیاسی و تجار در مینیوپولیس شورای مرکز شهر را در سال ۱۹۵۵ بنا گذاشتند، این شهر مشکلاتی مانند

بالتوجه مشتریان خرده‌فروشی بسیاری وجود دارند تا در ارتباط کامل با امکانات جدیدی باشد که باعث جذب مشتریان بیشتر می‌شود. گساحی اوقات تمرکز به خودی خود و با دارایی مالکان به وجود می‌آید. در مینیاپولیس، ساختار مرکز خدمات باعث جذب مشتری می‌شود.

طراحی

محیط زیست پیاده باید دارای جذابیت باشد. البته نباید فراموش کرد که نگاه‌های خرید کالا مازو یک شاهکار معماری نیست. به این دلیل باعث جذب مشتری می‌شود که به راحتی قابل دسترسی بوده و به هم نزدیک است. به طوری که با پیاده روی می‌توان از یک سوی شهر به سوی دیگر آن رفت. جذابیت این مرکز دانشگاه به دلیل وجود چند فروشگاه آبار تعانی و یک فروشگاه چند منظوره است. وقتی که فروشگاه بسیار بزرگ است حتماً باید طوری برنامه‌ریزی شود که افراد بتوانند به تمام نقاط آن با پای پیاده دسترسی داشته باشند. اتوبوس‌های خطی در این زمینه می‌توانند کمک مؤثری بکنند. در لوییسیویل این جذابیتها در انتهای شمالی دانشگاه خیابان چهارم واقع شده است. اتوبوس‌های خطی نمی‌توانند در انتهای جنوبی خیابان واقع نیز باشند و در نتیجه نمی‌توانند حجم پایین فروش را افزایش دهند. در مینیاپولیس راه‌های عبوری هوایی هیچ موفقیتی ایجاد نکرده‌اند و در نتیجه نتوانسته‌اند بین فروشگاه‌های چند طبقه از لحاظ مؤثری برقرار کنند.

منابع مالی

افزایش منابع مالی تخصص یافتن برای پیاده‌سازی، دریافت عوارض را در این مورد از تجار مشکل خواهد کرد. بسیاری از نگاهها از نظر مالی در حقیقت هستند. حتی اگر این نگاهها با مشکل هم مواجه نبودند. دلایل برای سرمایه‌گذاری در بهبود گردشگاهها تنها اینست. سایر نگاهها هم تردید دارند که رونق تجارت، توجیه کننده هزینه‌ها و مخارج باشد. از این رو حکومت فدرال باید بخشی از هزینه‌ها را که تجار محلی قادر به پرداخت آن نیستند، تقبل کند.

پیاده‌سازی راهبردی در برنامه‌ریزی شهری

از زمان اختراع اتومبیل، شهرها با هدف تنظیم آمد و شد اتومبیلها بازسازی شدند. در آمریکا میلیاردها دلار برای برنامه‌ریزی بزرگراهها، اجرای سیستم ترافیک و احداث کاراوها هزینه می‌شود. ولی کمتر به پیاده‌سازی توجه شده است. با حضور اتومبیل، زمان بازسازی شهرها و شکل دادن به فعالیتها، شهری فرار سیده است؛ البته نه با ظواهر و تغییر دکوراسیون و آرایش بعضی از مراکز شهری، بلکه با ایجاد خیابانها، پیاده‌روها، بازارچه‌ها و راه‌هایی که بین مراکز خرید و مراکز تفریحی، هتلها، ساختمانهای اداری و تمامی اجزای منطقه تجاری ارتباط برقرار می‌کنند. تا به امروز برنامه‌ریزی حمل و نقل در دست مهندسان ترافیک و تیروهای دولتی بوده است. که نه از پروژه پیشنهادی نفس می‌بردند و نه هزینه‌های برای آن می‌پرداختند. آنان شرایط لازم را دارا نبودند. به تنهایی کار می‌کردند. طرحی برای پیاده‌روها نداشتند. به خرید مصرف کنندگان، راحتی و هزینه هتل‌ها بی‌توجه بودند و نسبت به تمام فعالیتهایی که در محدوده تجاری واقع بود بی‌تفاوت بودند. از این رو برای برنامه‌ریزی پیاده‌روها باید همکاری مشتری صورت گیرد که هم مأموران دولتی و هم تجار محلی در آن سهم داشته باشند.

پیاده‌رو سازی فقط باید در محدوده‌های ایجاد شود که به طور بالقوه مشتریان خرده‌فروشی بسیاری وجود دارند تا در ارتباط کامل با امکانات جدیدی باشد که باعث جذب مشتریان بیشتر می‌شود

دنور کلورادو

شهرهای زیادی در خیابانهای مرکزی شهر به پیاده‌سازی پرداخته‌اند اما در دنور پیاده‌سازی راه گسترش شهر تلقی گردیده است. در دهه ۱۹۵۰ شهر دنور دوره‌ای را آغاز کرد که بیش از ۳۰ سال بیشتر را در پی داشت.

در سال ۱۹۵۵ رهبران تجاری که می‌خواستند محیط تجاری را بهبود بخشند، مؤسسه مرکز شهر دنور را پنا گذاشتند. آنان در مطالعه خود از مؤسسه زمین شهری استفاده کردند و ایجاد شبکه آزاد راهی جدید، ترافیک یک طرفه در مرکز شهر، ساختار پارکینگ متفاوت و بهبود راه‌های عبوری از پیشنهادها آنان بود. در سال ۱۹۶۷، بعد از سالها مباحثه، برنامه احیای شهری ۲۷ بلوک مرکز شهر تصویب شد. در طی دهه ۱۹۷۰ اجزای از دست رفته شهر کم کم شکل گرفتند و به شکل طرح پیشنهادی گردشگاه پیاده برای ۹ بلوک در خیابان شانزدهم شروع شد.

عناصر موفقیت

نخستین عیب گردشگاههای خرید افراد پیاده خیابان چهارم لوییسیویل، راندن وسائط نقلیه از مراکز خرید شهری بود. موفقیت حوزه‌های پیاده باید تضمین شود و در ارتباط کامل با پارکینگ‌ها، حمل و نقل عمومی، مراکز ارتباطی، هتلها، ساختمانهای اداری، فروشگاههای چند طبقه و مراکز خرید باشد. این گونه امکانات باعث جذب مشتریان به مراکز شهر شده و خود به خود باعث خرید آنان با توجه به یکی بودن مسیر حرکتشان خواهد شد. مالکان نیز تشویق به هزینه کردن بیشتر شده و سرمایه‌گذاری بیشتری انجام می‌دهند که در نهایت باعث بهبود مراکز شهری خواهد شد.

بازار

تا وقتی منطقه‌ای فاقد امکانات است پیاده‌سازی قادر به جذب بازار نخواهد بود. همان طور که جنر جکینز می‌گوید: بدون مردم هیچ مرکز شهری شکل نخواهد گرفت. برای ایجاد مراکز انبوه شهری، مناطق پیاده‌رو سازی شده باید دارای معازهای فراوان باشند و این خود باعث تمرکز کلرگران بیشتر، آداب و رسوم، گردشگری و جمعیت انبوه خواهد شد. از سوی دیگر به اندازه کافی مشتری برای حمایت از فعالیت مطلوب خرده‌فروشان نیز وجود خواهد داشت.

پیاده‌رو سازی فقط باید در محدودهای ایجاد شود که به طور

منبع: Garvin, Alexander, The American City, What Works, What Doesn't, United States of America, McGraw-Hill Companies, 1986, P.P. 141-153.

عوارض،

منبع اصلی درآمد شهرداریها در هلند

وزارت تارایی هلند

ترجمه و تلخیص: محمدرضا معینی



هلند- نمایی از فضای شهری رانگ

رابطه مالی شهرداریها و دولت مرکزی در هلند به سال ۱۸۶۵ برمیگردد. تا این سال، مالیاتهای شهرداریها بر کالاهای مصرفی از منطقه‌ای به منطقه‌ای دیگر به صورت مضاعف بود. چنین روندی به ضرر تولید کنندگان و تجار بود؛ ضمن اینکه بر افزایش قیمت کالاها نیز تأثیر بسزایی داشت. بر این اساس، اصلاحی در نظام مالیاتی شهرداریها صورت گرفت. دولت کمکهای خاص بلاعوض را جایگزین افزایش مالیاتها کرد و شهرداریها را مورد حمایت قرار داد. لایحه تخصیص منابع مالی سال ۱۹۲۹ چند نوع مالیات شهری شهرداریها را لغو کرد و در عوض صندوق شهرداریها تأسیس شد که شهرداریها از محل آن کمکهای بلاعوض را به منظور تأمین هزینه‌های آموزشی، برقراری نظم و حمایت از فقرا دریافت می‌کردند. سپس مالیات صندوق شهرداری وضع شد که در نتیجه آن یکسانی و یکسواختی در مالیات شهری به وجود آمد. از آنجا که شهرداریهای هلند وظایف بسیار متنوع و متعددی از جمله سرگزاری تئاتر خیابانی، تأسیس مدارس و سایر امور فرهنگی و اجتماعی را بر عهده داشتند، درآمدهای آنها تأمین کننده اجرای وظایفشان نبود؛ از این رو لایحه‌ای در سال ۱۹۹۷ تنظیم شد که براساس آن دولت موظف گردید ارقام و میزان کمکهای خاص بلاعوض به شهرداریها را افزایش دهد.

هلند- نمایی از فضای شهری آمستروکین

شهرداریها به عنوان یک سازمان عمومی غیر دولتی در اکثر کشورها از منابع مالی و بودجه مستقل برخوردار هستند. بودجه مستقل و مکفی شهرداریها مبنای استقلال در تصمیم‌گیری و مدیریت آنها نیز به شمار می‌رود. بودجه مستقل، زمینه ایجاد شهری سالم، پررونق و متزخ را فراهم می‌سازد. پرمردگی و دلمردگی شایع در شهرها معلول نبودن و یا عدم تزریق منابع مالی و درآمدی از سوی مردم یا دولت است. بودجه مستقل شهرداریها باید از الگوی سه بعدی مشارکتهای مردمی، حمایت‌های دولتی و انطباق با وضعیت عمومی اقتصاد ملی تبعیت نماید. در بسیاری از کشورها این مبنای سه بعدی مفقود یا معیوب است؛ مردم رغبتی به حمایت از شهرداریها نشان نمی‌دهند، دولت شهرداریها را به حال خود رها ساخته است و اختیارات قانونی شهرداریها در کسب درآمد بسیار محدود بوده یا منطبق با وضعیت اقتصادی رایج نیست. بر این اساس، بودجه و منابع درآمد شهرداریها باید متنوع، متعدد و گسافی باشد تا شهرداریها بتوانند قابلیت برنامه ریزی و مدیریت شهر را به دست آورند. این مقاله چنین نگاهی به شهرداریها را با استفاده از تجربه هلند ارائه می‌دهد.

از جمله درآمدهای شهرداریهای هلند می توان به عوارض بر متقاضیان گذرنامه، مالیات بر مستغلات، هزینه خدمات و مالیاتهای محلی، مالیات بر نگهداری سگ، مالیات بر گردشگری، عوارض بر تولیدکنندگان آلودگی، عوارض بر فاضلاب، عوارض بر تولید زباله و عوارض بر خودداری از نگهداری صحیح زباله اشاره کرد

شهرداریهای هلند همه ساله بر اساس یک نظام تخصیص مشخص، کمکهای را از صندوق شهرداریها دریافت می کنند

اجتماعی مانند مراکز مراقبت و درمان از جمله این درآمدها است. مضاف بر اینها، شهرداریهای هلند شرکتهایی دارند که افراد برای استفاده از کالاهای و خدمات آنها باید مبالغی بپردازند. شرکتهای برق رسانی و سایر شرکتهای ارائه دهنده خدمات شهری از جمله این شرکتهای هستند. شهرداریهای هلند با استفاده از اراضی کشاورزی در مالکیت خود و همچنین چاپ اوراق بهادار به کسب درآمد می پردازند.

با وجود منابع متعدد درآمدی، شهرداریهای هلند همه ساله بر اساس یک نظام تخصیص مشخص، کمکهای را از صندوق شهرداریها دریافت می کنند. تخصیص کمک به شهرداریها بر اساس هزینه های آنها از یک طرف و ظرفیت بار مالی (توان بازپرداخت) از طرف دیگر صورت می پذیرد. اگرچه میزان کمک به شهرداریها را دولت تعیین می کند، اما شهرداریها می توانند مستقلاً تصمیم بگیرند که تولید و ارائه چه خدماتی را در اولویت قرار دهند و در هزینه کردن سهم کمکهای دولتی کاملاً آزادند. اگر شهرداری نتواند مخارج اصلی خود را تأمین کند می تواند تقاضای کمک بلاعوض اضافی نماید و این تقاضا به شرطی پذیرفته می شود که قبلاً انواع مالیاتها و عوارض به اندازه کافی جمع آوری شده باشد و کسری بودجه، معلول عواملی باشد که شهرداری نتواند بر آنها فائق آید.

کمکهای خاص دولت به شهرداریها هنوز مهمترین منبع درآمدی هستند. حجم این کمکها حتی از کمکهای صندوق شهرداریها و صندوق استانها نیز بیشتر است. انگیزه اصلی این کمکها، برقراری تأمین اجتماعی، ارائه خدمات آموزشی و ایجاد کارگاههای آموزشی است. ویژگی کمکهای خاص این است که

علاوه بر کمکهای دولتی، شهرداریهای هلند بر اساس قانون مجازند از طریق وضع مالیات و دریافت بهای خدمات، مستقلاً کسب درآمد کنند. حدود و تعوز این درآمدها را قانون تعیین می کند. میزان این درآمدها و هزینه های انجام شده ترازنی نسبتاً سنجیده

در هلند اگر شهرداری نتواند مخارج اصلی خود را تأمین کند می تواند تقاضای کمک بلاعوض اضافی نماید و این تقاضا به شرطی پذیرفته می شود که قبلاً انواع مالیاتها و عوارض به اندازه کافی جمع آوری شده باشد و کسری بودجه، معلول عواملی باشد که شهرداری نتواند بر آنها فائق آید

دولت از قبل میزان این کمکها را اعلام و موارد هزینه کردن آنها را نیز مشخص می کند. بنابراین، مقامات محلی از آزادی عمل چندانی برخوردار نیستند. در مواردی که هزینه های شهرداریها در مقایسه با بقیه سازمانها چشمگیرتر باشد، استفاده از این کمکها اجتناب ناپذیر است. با وجود این، با مقایسه کمکهای خاص دولت به شهرداریها طی سالهای ۱۹۸۳-۱۹۹۸ می توان به این نتیجه رسید که کمکهای خاص دولت از ۵۱۴ میلیارد گیلدر در سال ۱۹۸۳ به ۱۱۴ میلیارد گیلدر، یعنی رقمی معادل ۴۰۰ میلیارد گیلدر کاهش یافته است.

با وجود کاهش کمکهای دولت به شهرداریها، حمایتهای قانونی و منابع متنوع مالیاتی و عوارض به اندازه ای گسترده است که موجب استقلال مالی شهرداریهای هلند از دولت می شود.

وجود دارد. از جمله درآمدهای شهرداریهای هلند می توان به عوارض بر متقاضیان گذرنامه، مالیات بر مستغلات، هزینه خدمات و مالیاتهای محلی، مالیات بر نگهداری سگ، مالیات بر گردشگری، عوارض بر تولیدکنندگان آلودگی، عوارض بر فاضلاب، عوارض بر تولید زباله و عوارض بر خودداری از نگهداری صحیح زباله اشاره کرد. عوارض اخذ شده باید به طور مشخص صرف جبران هزینه های تولید کالا یا خدماتی شود که عوارض به آن تعلق می گیرد. میزان عوارض شهرداریهای هلند طی سالهای ۱۹۹۸-۱۹۹۹ به میزان دو برابر افزایش یافته است. در سال ۱۹۹۹ کل عوارض، مبلغی معادل ۵ میلیون و ۶۹۱ گیلدر (۱) بوده و این رقم در سال ۱۹۹۸ به ۱۰ میلیون و ۱۸۲ گیلدر افزایش یافته است.

علاوه بر مالیات و عوارض، شهرداریهای هلند درآمدهای دیگری هم دارند. بازدید از موزه ها، استفاده از مجموعه های ورزشی، اقامت در اقامتگاههای گردشگری، استفاده از خدمات

دوره نویسی
۱- هر گیلدر معادل ۰/۰۳۶ دلار آمریکا است.
www.Google/Municipalities in the
Netherlands



انگلستان شمالی از خیابان آکسفورد

تنوع و اثربخشی محیط شهری مقایسه دو مجتمع در آکسفورد

اندی کاپلاند

ترجمه فرح حسامیان

در این نمونه، تحقیق مشابهی در مورد دو پروژه در آکسفورد انجام شد: یکی در گلوچستر گرین در مرکز شهر و دیگری در سندفورد آن تیمز واقع در دو مایلی کمربندی شهر و در خارج از محدوده شهر.

پروژه گلوچستر گرین ترکیبی از مغازه‌ها، آپارتمان‌ها و دفاتر اداری است که در اطراف یک ایستگاه اتوبوسی و یک بازار روز احداث شده است. این پروژه با سرمایه یک شرکت بیمه (GRE) و با تبلیغاتی وسیع در زمینه «کاربری مختلط» احداث شد. آپارتمان‌ها در بالای مغازه‌ها و رستوران‌ها واقع شده است که برخی از آنها رویه بازار دارند و برخی دیگر، مشرف به ایستگاه اتوبوس هستند.

انتخاب پروژه سندفورد آن تیمز به این دلیل بود که پروژه مسکن اجرا شده در این منطقه خارج شهر، ماهیتی مشابه پروژه فوق دارد. مسکن در این پروژه - که در محل یک آسیاب قدیمی و در کنار رودخانه ساخته شده است - به صورت واحدهای مجزا و بر روی پارکینگ (پیلوتی) طراحی شده است. دوره ساخت و قیمت‌های فروش این واحدهای مسکونی تا حد زیادی قابل مقایسه با پروژه گلوچستر گرین بوده است.

فرقیسه اولیه این بود که ساکنان سندفورد به استفاده و تمکک وسیله نقلیه شخصی متکی هستند و همچنین ساکنان مرکز شهر نیز استفاده زیادی از وسیله نقلیه شخصی خواهند کرد. پارکینگ در طرح پیشنهادی مدنظر بوده است. از سوی دیگر، انتظار می‌رفت

امروزه در شرایطی به سر می‌بریم که پروژه صدرنیتسه در مورد توسعه شهری با تمام ادعاها و آرزوهایش تا حدود زیادی به بن‌بست رسیده است. رویکرد جدید در توسعه شهری، کالبد شهر را فارغ از محیط انسانی و سایر ویژگی‌های غیر کالبدی‌اش در نظر نمی‌گیرد. شهر مجموعه‌ای از گانیک و زنده محسوب می‌شود که فرم آن تأثیر قاطعی بر روحیه و رضایت بخشی ساکنان آن دارد. مقاله زیر، مقایسه‌ای از دو مجموعه حومه آکسفورد یعنی گلوچستر گرین در مرکز شهر و سندفورد آن تیمز در خارج از محدوده شهر ارائه می‌دهد. در این مقاله، مشخص می‌شود که مرکز شهر نقطه‌ای است که در آن همه نوع امکانات، تسهیلات و دسترس‌سیها وجود دارد و ساکنان شهر به دلیل همین ویژگی‌ها تمایل بیشتری به زندگی در مرکز شهر دارند.

**افرادی که در پی یک زندگی
اجتماعی فعال هستند و می خواهند
از طیف وسیعی از تسهیلات
استفاده کنند، طبعاً به دنبال مکانی
هستند که بیشترین امکان را از این
حیث برایشان فراهم آورد و این
جایی نیست جز مرکز شهر**

سهولت دسترسی به محل کار خود در بیمارستان و پارک علمی سخن می‌گفتند که هر دو برای رفتن به این مکانها از اتوموبیل شخصی استفاده می‌کردند.

عملاً اظهار نظر ساکنان سندفورد - چه در مورد موقعیت مکانی و یا در ارتباط با کیفیت مسکن خود - به قدرت ساکنان گلوچستر نبود. ۳ نفر از میان آنان به مشکلات استفاده از وسیله نقلیه شخصی برای مراجعه به برخی مکانها اشاره کردند. تعدادی از این ساکنان به مزایای زندگی در یک محیط روستایی و صمیمیت روابط اشاره می‌کردند، در حالی که برخی دیگر (بویژه اجاره‌نشینان) به فقدان محیطی دوستانه اشاره می‌کردند. با وجود این، همگی بر این نکته اتفاق نظر داشتند که فقدان مغازه و دوری از مرکز شهر از نقیصه این مجموعه به حساب می‌آید.

در گلوچستر گرین ساکنان، مجموعه را با توجه به مزایای آن از حیث سهولت دسترسی به محل کار (و یا دانشگاه) برگزیده بودند. طراحی این مجموعه - که شکوه خاصی را در اعتراف بازار روز به وجود آورده بود - به عنوان امتیاز آن در نظر گرفته می‌شود. با وجود اینکه برخی از پاسخگویان از میزان صداشکایت داشتند، ولی اکثر ساکنان سکونت مجموعه را به عنوان یکی از امتیازات آن بر شمردند (این تفاوت عمدتاً مربوط به مکانهای متفاوت قرارگیری آپارتمان در مجموعه است). در این مجموعه نیز مانند سندفورد، برخی از ساکنان، نزدیکی میان همسایگان را به عنوان یک مشکل می‌نگریستند. در هر دو مورد، ضعف عایقهای صوتی میان واحدهای مسکونی به عنوان یکی از نقایص مطرح شده است. در این مجموعه نیز مانند سندفورد برخی نظرات منتقدی بیان شد که از تجربیات شخصی ساکنان ناشی می‌شد. برخی از ساکنان نیز کیفیت ساختمانی مجموعه را ارج می‌نهادند، در حالی که برخی دیگر از «درهم ریختگی» کیفیت ساختمانی سخن می‌گفتند. در ارتباط با شرایط منطقه، ارزیابی ساکنان مثبت‌تر از سندفورد

خانوارهای ساکن مرکز شهر صاحب فرزند نباشند، ولی تعدادی از خانوارهای ساکن سندفورد داری فرزند باشند. مطالعات انجام شده در برگزیده ۲۳ آپارتمان از ۸۸ آپارتمان گلوچستر گرین و ۱۲ واحد از ۳۰ واحد سندفورد بوده است (واحدهای مسکونی بزرگ نیز در این مجموعه وجود داشت که مورد سنجش قرار نگرفت).

سرخ اشتغال بزرگسالان در هر دو مورد مشابه بوده است. برخلاف انتظار ۳ مورد کودکان شاغل (در ۳ خانوار) نیز در نمونه مرکز شهر وجود داشت که در مورد سندفورد به چشم نمی‌خورد. وضعیت متنی و اشتغال افراد در دو نمونه تقریباً مشابه بود. در هر دو مورد، دو خانوار بازنشسته وجود داشت. برخلاف انتظار در هر دو مورد نوع غالب تصرف مسکن، اجاره بخش خصوصی بود. تنها ۷ واحد از ۲۳ واحد مطالعه شده در گلوچستر گرین مسکن ملکی بود و اکثر واحدهای آن در اجاره دانشجویان (با اجاره نسبتاً بالا) قرار داشت. در سندفورد ۶ واحد از ۱۲ واحد در اجاره بودند. مالکان واحدهای مسکونی در این دو نمونه، اغلب بیش از ۵ سال در محل ساکن بودند (در زمان انجام مطالعه). اما مستأجران زمان اقامت به مراتب کمتری، در حد ۱ یا حداکثر ۲ سال داشتند.

هیچیک از ساکنان این دو مجموعه، مجموعه خود را به دلیل طرح آن انتخاب نکرده بودند، بلکه مهم‌ترین عامل در انتخاب آنان موقعیت مکانی این مجموعه‌ها بود. در یکی سهولت دسترسی‌ها و در مورد سندفورد امنیت منطقه، عامل این انتخاب بوده است. ساکنان این مجموعه‌ها هر یک به نوعی بر امتیازات موقعیت مکانی واحد خود ارزش می‌نهادند. امتیازات دسترسی در گلوچستر گرین ارزش بسیار بالایی در نزد ساکنان داشت. هر چند برخی از ساکنان سندفورد نیز به سهولت رفت و آمد در این منطقه اشاره می‌کردند که بیشتر مربوط به تسهیلات وقت و آمد به محل کار آنان در میدان هاد و دیدکات بود. ۳ نفر از ساکنان این منطقه از

**در سندفورد همه
خانوارها برای خرید
و استفاده از خدمات
تفریحی از وسیله
نقلیه شخصی
استفاده می کنند**

از نظر عضویت در باشگاهها وانجمنها و استفاده از تسهیلات منطقه، تفاوت میان دو مجموعه محسوس است. تقریباً تمام ساکنان گلوچستر گرین از تسهیلات منطقه استفاده می کنند که شامل سینما، تئاتر، مغازهها و رستوران هاست. نیمی از خانوارهای حالک و تعدادی از دانشجویان مستأجر عضو باشگاهها و سازمانهای اطراف - شامل کلیسا و باشگاه ورزشی - هستند. در سندفورد تنها تسهیلات عمومی، راه پیاده کنار رودخانه و یک کافه در نزدیکی مجموعه است. دو - سوم ساکنان در این مجموعه به صورت اتفاقی از کافه استفاده می کنند و یک نفر عضو کلیسا و یک نفر هم عضو یک باشگاه ماهیگیری و قایقرانی است.

پاسخ به سؤال مربوط به استفاده از وسائط حمل و نقل برای ملاقات دوستان، تفریحات یا مکانهای ورزشی نیز تفاوتی



انگلستان شمالی از خیابان اکسفورد

محسوسی را در این مجموعه نشان می دهد. تواتر سفرهای شهری برای مقاصد ذکر شده نیز در دو مورد فوق متفاوت بوده است. دو - سوم ساکنان گلوچستر گرین تقریباً به طور منظم از تسهیلات ورزشی و تفریحی استفاده می کنند. درصد بیشتری از ساکنان برای ملاقات دوستان یا خویشاوندان جابه جا می شدتند و حداقل در ۴ مورد دوستان ساکنان به مجموعه آمده بودند.

در مورد ساکنان سندفورد تقریباً در صد مشابهی از ساکنان به فعالیتهای ورزشی و تفریحی علاقه مند بودند که برای این منظور باید سه مرکز شهر سفر می کردند، ولی تواتر استفاده آنها از این خدمات کمتر از ساکنان گلوچستر گرین بوده است. به همین نسبت تعداد افرادی که به طور منظم به ملاقات دوستان خود می رفتند، در این مجموعه به مراتب کمتر بود.

مالکیت وسیله نقلیه و سفرها

یکی از مهمترین تفاوتها میان این دو مجموعه، میزان مالکیت و استفاده از وسیله نقلیه شخصی است. در گلوچستر گرین از میان

سود و از انواع تسهیلات و مزایای آن سخن می گفتند (تفریحات، نگهداری کودکان و مراکز خرید). در اکثر موارد، نکات مثبت بیان شده بسیار بیشتر از نقایص و نکات منفی بود. بسیاری از مشکلات به نحوه مدیریت مجموعه مربوط می شد که به نحو رضایت بخشی حل شده بود.

دوستان و زندگی اجتماعی

به طور کلی ساکنان این دو مجموعه، تنها معدودی از همسایگان خود را می شناختند و در این زمینه، تفاوت چشمگیری میان ساکنان و اجاره نشینان مشاهده نمی شود. با وجود این، الگوهای اجتماعی در این دو مجموعه تفاوتی با یکدیگر دارند: نیمی از خانوارهای ساکن گلوچستر گرین دوستانی داشتند که در قباله ۲۰ دقیقه ای (پیاده) از مجموعه آنان زندگی می کردند (تفاوتی میان دانشجویان و غیر دانشجویان در این مورد وجود نداشت). در حالی که در سندفورد فقط یک نفر از ساکنان چنین وضعیتی داشت.

**اکثر ساکنان
گلوچستر گرین پیاده به
سرکار می روند و
همچنین برای رفتن به
مرکز شهر برای
خدمات تفریحی و
خرید روزانه و هفتگی
نیز از ماشین استفاده
نمی کنند**

می کردند (این سرویس به نظر همه از کیفیت خوبی برخوردار بود).
یک - چهارم ساکنان گلوچستر گرین قبلاً مالک وسیله نقلیه
بودند که پس از نقل مکان به مجموعه، آن را فروختند. دلیل این
امر هم هزینه های بالای پارکینگ و نگهداری خودرو در این
مجموعه بوده است و هم عدم نیاز به خودروی شخصی. یکی از
ساکنان سندفورد پس از نقل مکان از مرکز شهر به این مجموعه،
مجبور به خرید وسیله نقلیه شده بود؛ چرا که بدون وسیله، زندگی در
این مجموعه غیرممکن به نظر می رسیده است. از ۶ خانوار صاحب
وسیله نقلیه شخصی در گلوچستر گرین تنها ۳ خانوار - آن هم در
موارد استثنایی - از اتومبیل شخصی استفاده می کردند.

نتیجه گیری

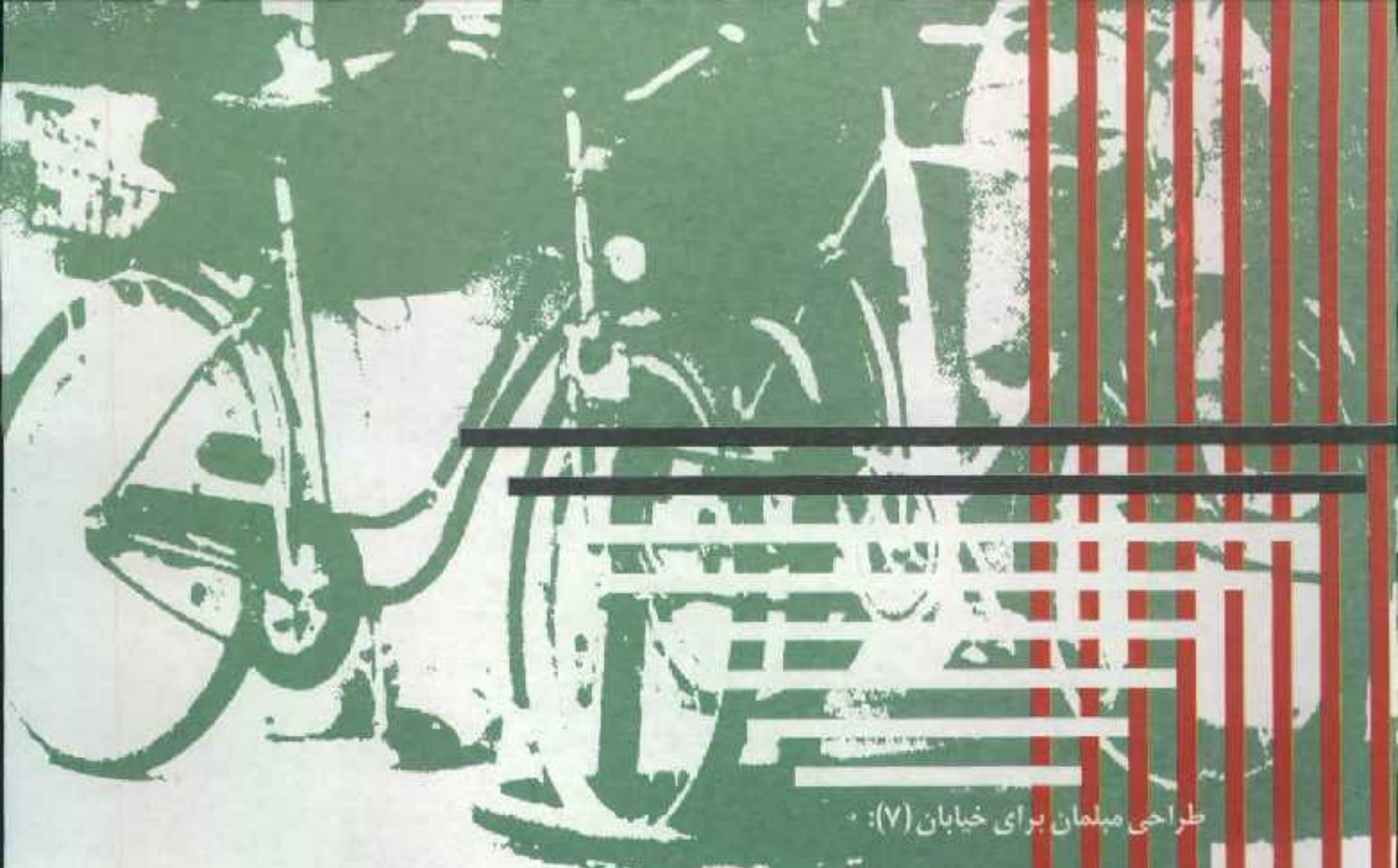
تفاوت های چشمگیری میان ساکنان این مجموعه به چشم
می خورد؛ تفاوت هایی که در ابتدا انتظار آن نمی رفت. استفاده از
اتومبیل و «پایداری» زندگی در این مجموعه تفاوت اساسی دارد و
از سوی دیگر، این تفاوت قابل پیش بینی بود؛ قطعاً در سندفورد آن
نیست. استفاده از تسهیلات عمومی و خدماتی مستلزم استفاده از
وسیله نقلیه شخصی است. ولی نسبت پایین مالکیت اتومبیل و
استفاده کم از اتومبیل در گلوچستر گرین غیرمعتاد بود. دلیل این
امر شاید تا حدی مربوط به در صد بالای دانشجویان در این
مجموعه و هزینه بالای نگهداری اتومبیل در این مجموعه است.
در مجموع، تعداد سفرهای انجام شده در مرکز شهر به مراتب بیش
از سفرهای انجام شده در مجموعه سندفورد آن تیمز است.

در ارتباط با برهنگاری، بر خورد ساکنان این دو مجموعه تا حدی
مقاومت بود. افرادی که مرکز شهر را برای اقامت انتخاب می کنند،
این منطقه را عملاً امن تر یا کمتر خطرناک ارزیابی می کنند و به
همین دلیل از زندگی در این منطقه راضی تر به نظر می رسند. از
سوی دیگر، اشخاصی که بیرون شهر را برای اقامت انتخاب
می کنند نیز این منطقه را امن می بینند و شاید امن تر از آنچه
واقعتهای آماری نشان می دهد. گروه مورد سنجش این مطالعه،
نماینده کل جامعه نیستند و به همین دلیل، اهمیت برهنگاری را
عملاً کمتر در کل جامعه ارزیابی می کنند. نتیجه کلی این است که
افرادی که در پی یک زندگی اجتماعی فعال هستند و می خواهند از
طیف وسیعی از تسهیلات استفاده کنند، طبقاً به دنبال مکانی
هستند که بیشترین امکان را از این حیث برایشان فراهم آورد و این
جایی نیست جز مرکز شهر.



۲۴ خانوار ۲۴ نفر بر رگسال وجود داشت و ۶ خانوار از آنان دارای ۷
خودرو شخصی و ۸ دوجوخه بودند. در سندفورد ۱۷ بزرگسال در ۱۴
خانوار وجود داشت که هر یک دارای خودروی شخصی بودند و ۵
خانوار نیز در مجموع ۶ دوجوخه داشتند.

اکثر ساکنان گلوچستر گرین پیاده به سرکار می روند و
همچنین برای رفتن به مرکز شهر برای خدمات تفریحی و خرید
روزانه و هفتگی نیز از ماشین استفاده نمی کنند. تنها ۳ خانوار برای
خرید از خودرو استفاده می کنند. در سندفورد همه خانوارها برای
خرید و استفاده از خدمات تفریحی از وسیله نقلیه شخصی استفاده
می کنند. یکی از ساکنان در خانه کار می کرد، یکی باز نشسته و یکی
دیگر از قطار برای رفت و آمد استفاده می کرد. سایر سفرها در این
مجموعه یا خودروی شخصی انجام می شود. بسیاری از ساکنان به
عزایان نزدیکی به ایستگاه اتوبوس بویزه برای سفر به لندن اشاره



طراحی مبلمان برای خیابان (۷):

نرده، حصار و جایگاه دوچرخه

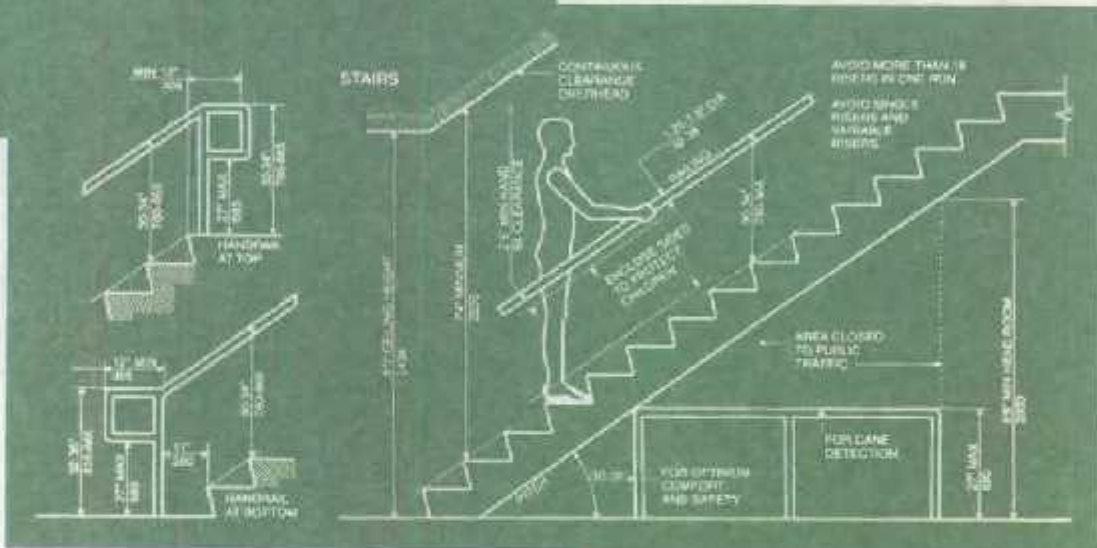
رضامرتضایی

نرده

انگیزه استفاده از نرده در ایمنی و حمایت از افراد در تعمیرات سطوح زمین است. نرده برای پله باید به طور معمول تا ارتفاع معادل ۹۰ سانتی متر از بالای لبه افقی آن را پوشش دهد. این در حالی است که نرده‌های ایمن تر معمولاً ۱۱۰ سانتی متر یا بیشتر هستند. در کتاب «ابعاد انسانی و فضاها» داخلی، (۱) این اندازه بین ۷۶/۲ تا ۸۶/۲ سانتی متر پیشنهاد شده است. در تصویر ۱ نیز اندازه ارتفاع نرده از لبه افقی پله حداقل ۷۶ و حداکثر ۸۶/۵ سانتی متر با در نظر گرفتن پوشاننده‌هایی میان این فاصله‌ها توصیه شده است. این پوششها بویژه برای کودکان و خردسالان ضروری است.

جایی که تعمیر سطوح زیاد و خطرناک وجود دارد، باید از خم شدن روی نرده جلوگیری شود. این کار با بر گرداندن ریل اصلی به سمت مسیر رفت و آمد یا ترکیب نرده و گیاه تا ارتفاع مورد نظر صورت می‌پذیرد. راه دیگر این است که مقطع نهایی نرده، توپر ساخته شود و داخل دیوار کوتاهی قرار بگیرد. امتداد نرده در طول مسیر مورد نظر، القای حس استواری، ایمنی و خوابت می‌کند. مقاطع دایره‌ای و لوله‌ای برای نرده به منظور گرفتن در دست بدون لبه تیز بسیار مناسب و راحت هستند. همچنین این امکان را می‌دهند تا دست، آرنج و پوستره در امتداد طول نرده حرکت کند. در گردشگاهها، ایشاوزه‌ها، پلهای عبور پیادگان در پارک و باغ، قسمت بالایی نرده باید کاملاً از گنومیک و راحت طراحی شود تا هنگام خم شدن و تکیه کردن برای تماشای مناظر، مشکلی حس نشود.

بنابر اطلاعات کتاب «ابعاد مردان و زنان» (۲) قطر پهنه چنگش نژاد مردان و زنان ۳۳ تا ۳۸ میلی‌متر و فاصله پهنه توده تا دیوار پشت ۵۰ میلی‌متر است. اشکال‌های اخیر نباید کمتر از ۳۸ میلی‌متر باشد (تصویر ۲). در این زمینه، معایسه دیگری را در تصویر ۳ می‌توان ملاحظه کرد.



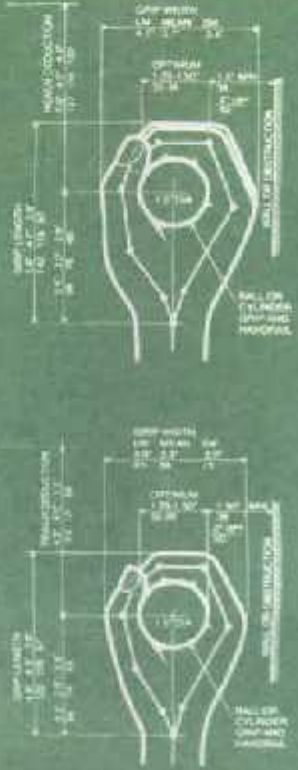
تصویر شماره ۲ - حداقل عرض چنگش و قطر پهنه چنگش از نظر ایمنی

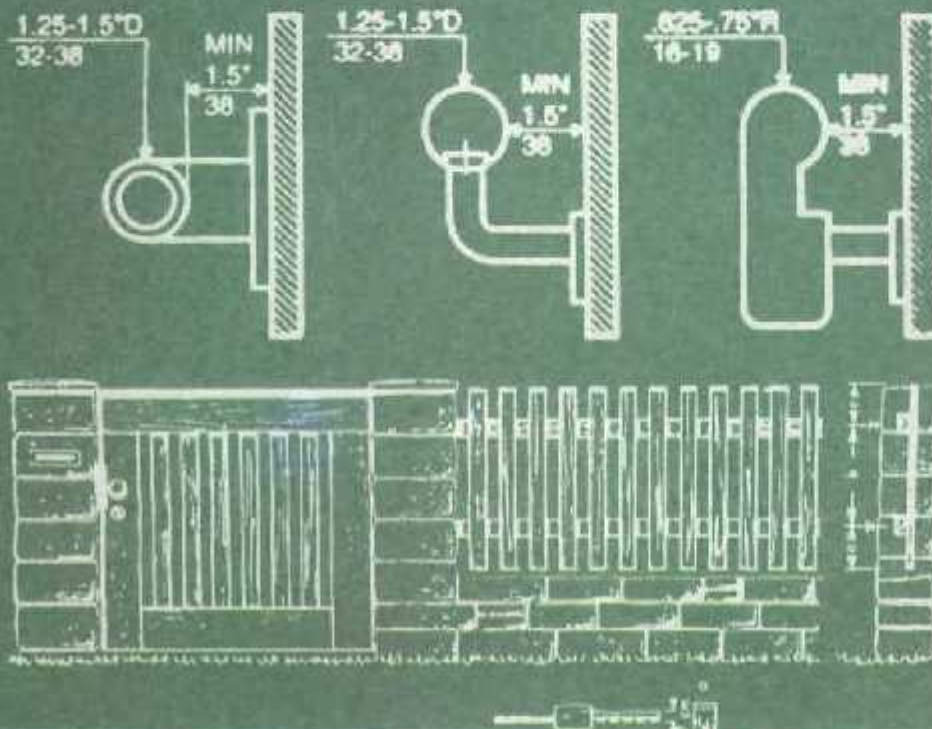
تصویر شماره ۳ - حداقل عرض چنگش و قطر پهنه چنگش از نظر ایمنی

اتصالات و ملحقات نرده‌ها امکان انعطاف آنها را به مجموعه‌های از فضاها در کاربردهای مختلف می‌دهد. اتصال به زمین، سنگفرش یا دیوار درست به اندازه یکبارچه کردن آنها با تیرهای برق، عناصر روشنایی و سایر اجزای میلمان شهری، کاربرد دارد. نرده‌ها را باید به طولهای کوچک تقسیم کرد تا هم اسکان جایی و نصب راحت‌تری داشته باشند و هم تغییرات تدریجی اختلاف سطح و شیب زمین را سبب شوند.

نرده‌های فلزی و چوبی متداول‌ترین‌ها هستند. هر دو قابلیت انعطاف زیاد با انواع محیط‌ها را دارند، هم رسمی و هم غیررسمی به حساب می‌آیند و در ترکیب با یکدیگر نیز به کار می‌روند. نرده‌های آهنی که گاه به شکل توری هم در می‌آیند، برحسب طرح‌های گوناگون در اشکال مختلف دیده می‌شوند. نرده‌های آهنی روی دیوارهای کوتاه توسط ستون‌هایی به هم وصل می‌شوند و دیواری حفاظتی پدید می‌آورند. استفاده از گیاهان رونده در کنار آنها مناظر بصری ایجاد می‌کند.

با وجود اینکه عمر و نوام چوب چندان زیاد نیست، ولی نرده‌های چوبی به دلیل حس هماهنگی با محیط، بسیار استفاده می‌شوند. این نرده‌ها را گاه از شاخه‌های درختان به صورت طبیعی و دست نخورده و گاه کاملاً صاف، صیقلی و خراشیده از سخت چوب‌ها می‌سازند. استفاده از این نرده‌ها بویژه در باغها و گردشگاهها رایج است.





تصویر شماره ۴ - نصب تارمی بر روی دیوارهای کوتاه و ارتفاع آن

تارمی و حصار (Railing, Fencing)

تارمی در لغت به معنای دیوار مشبک چوبی یا آهنی است که در اطراف باغ یا انوار می گذاشتند. حصار نیز تقریباً چنین مفهومی دارد. در شهرهای امروزی، تارمی و حصار بیشتر مولعی فیزیکی هستند که برای ایجاد امنیت و سد بصری استفاده می شوند. همچنین از این عناصر، برای نمایش حدود و شعور، ایجاد خلوت، تعریف فضایی خاص یا محافظت در برابر ورزش تندباد استفاده می گردد.

جایی که گلکاری و چمن کاری نیاز به محافظت در برابر تردد عابران دارد، حصارهایی کوتاه با ارتفاع حدود ۳۰ سانتی متر می توانست کیفیت رفت و آمد را آسان بخشد. تمامی مواد و اتصالاتی که برای این منظور استفاده می شوند باید مانند دیگر عناصر مبلمان شهری در برابر خوردگی محافظت شوند. از جمله مصالح قابل استفاده در تارمی و حصار عبارت اند از:

- چدن: سادهای رایج برای تارمی و حصار در عهد ویکتوریا که مقاومت و دوام فوق العاده ای در برابر خوردگی دارد، بویژه وقتی پای مقایسه با فولاد و آهن به میان می آید. فرمها و تزئینات پیچیده ای که بنا چدن حاصل می شوند در کار با بتن، فولاد و چوب به راحتی قابل حصول نیستند.

دیوارهایی کوتاه باردیفی از تارمی، ضمن ایجاد پایه های استوار و اثر تفکیک کنندگی کافی، فشار را بدون قرار دادن موانعی صلب و یک تکه به دو بخش تقسیم می کنند؛ نوعی جداکننده نیمه باز و نیمه بسته شهری

● فولاد و آلومینیوم! این مواد به عنوان بهترین، اقتصادی ترین و سبک ترین مصالحهای عصر حاضر به چدنهای کلاسیک گذشته عمل میکنند. فولاد در مناطق ساحلی باید از نوع ضد زنگ انتخاب شود، اگر چه قدری گرانتر تمام می شود.

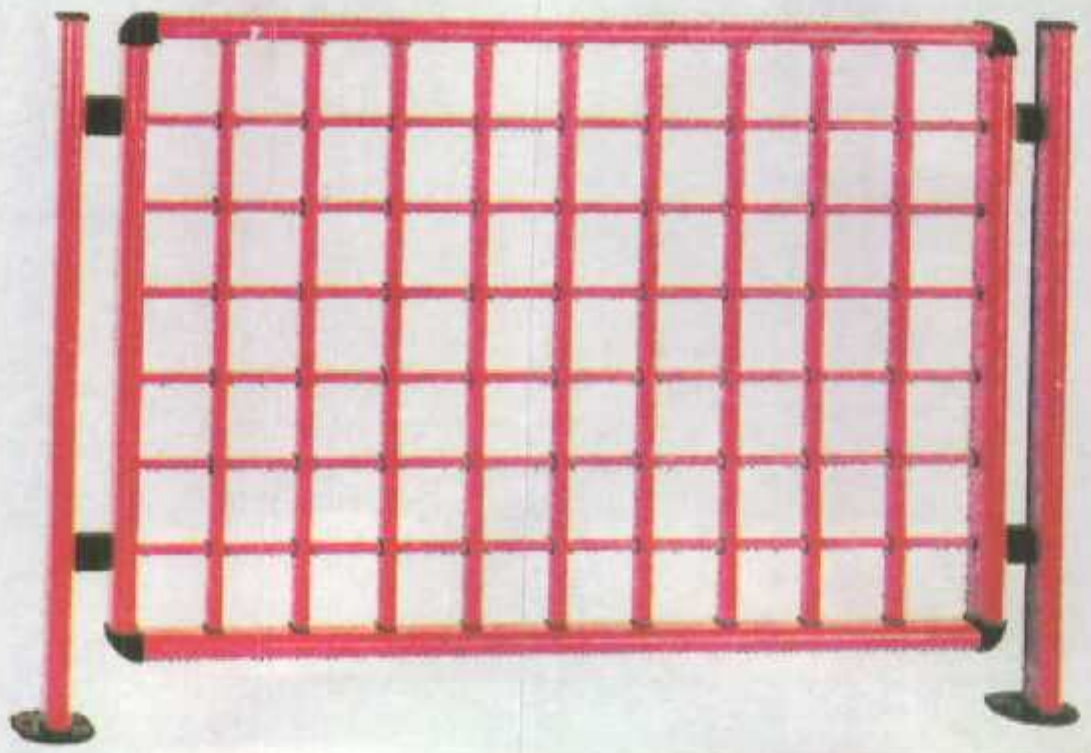


تصویر نشان ۴: نصب توری روی دیوارهای کوتاه و در ترکیب با تار

نرده های چوبی به دلیل حس هماهنگی با محیط، بسیار استفاده می شوند. این نرده ها را گاه از شاخه های درختان به صورت طبیعی و دست نخورده و گاه کاملاً صاف، صیقلی و خراطی شده از سخت چوبها می سازند. استفاده از این نرده ها بویژه در باغها و گردشگاهها رایج است

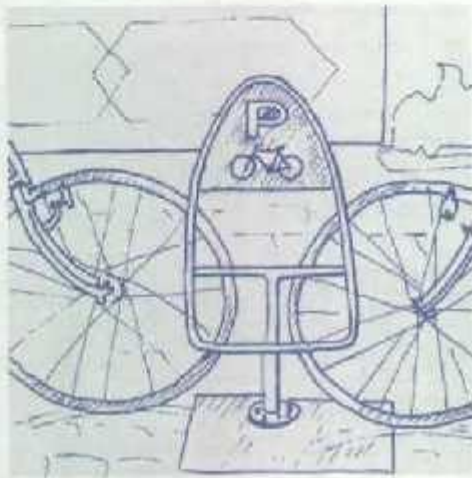
● السوارهای چوبی؛ تارسی و حصارهای چوبی، هم برای مقاصد رسمی و هم غیررسمی در اماکن عمومی، مناسب است. دوام و عمر آوارها به کیفیت و نوع چوب انتخابی و همچنین مراقبتهای معمول بستگی دارد.

بسیاری خلق فضاهای مثبت و منفی می توان تارسی ها را بر روی دیوارهای کوتاه نصب کرد و تجهیزات دیگری را با آنها یکپارچه نمود. (تصویر ۴) دیوارهایی کوتاه یا ردیفی از تارسی، ضمن ایجاد پایه های استوار و اثر تکنیک کنندگی گاهی، فضا را بدون قراردادن مسوابعی صلب و یک تکه به دو بخش تقسیم می کنند؛ نوعی جداکننده نیمه بار و نیمه بسته شهری.



طرح‌های تزیینی تارمی‌های عبور ملکه ویکتوریا با گذشت سال‌ها همچنان در انگلستان از کیفیت خوبی برخوردار است و بسیاری شهر را غما می‌بخشد. طراحی صحیح مبتنی بر اصول زیبایی‌شناسی همواره از بایزای زیادی در کنار مان برخوردار خواهد بود. انواع امروزی آنها با اولدهای استاندارد، بیشتر در سده اخیر گسترش و استفاده در سطح وسیعی از محیط‌ها هستند. به گونه‌ای که به‌اندک تغییری در جزئیات و اتصالات قابل استفاده شوند.

اصدا تارمی و حصار در ارتفاع چشم و سطح دید (حدود ۱۵۰ تا ۱۷۰ سانتی‌متر) باعث برهم خوردن آرامش بصری و مزاحمت دید می‌شود. معمولاً ارتفاع باید بر اساس نیاز حفاظتی و امنیت بصری مورد نظر تعیین شود. ایجاد سطحی بسته یا باز را می‌توان با حصار به دست آورد و این امر با تغییر در سازه اجزای سازنده حصار نسبت به سطح کل آن و انتخاب رنگ‌های خاص عملی است. رنگ تیره حصار، مظهر پشت آن را مشخص نمی‌سازد، در حالی که رنگ روشن خاصیت پیش‌بینی بیشتری دارد و تشخیص مناطق به‌طور دقیق از پشت آن چندان راحت نیست. تأثیرات بصری و خیال‌انگیزی را می‌توان به‌تعمیر در نیمه تکرار و ضخامت اجزای عمودی و افقی حصار و تارمی خلق کرد. ولی این امر باید با دقت و وسواس زیادی صورت بگیرد.

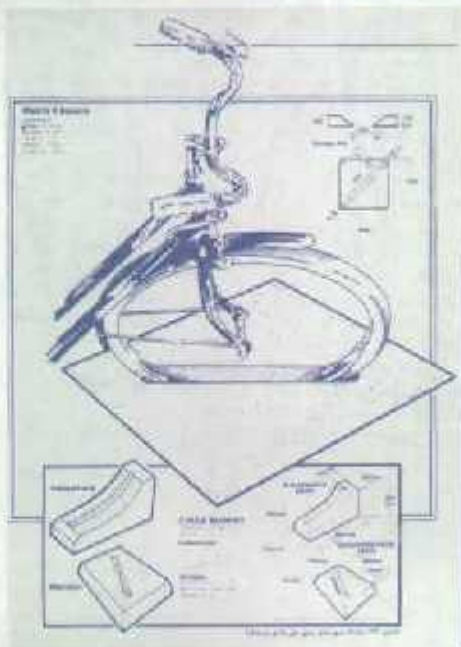


تصویر شماره ۵- انواع جایگاه دوچرخه

جایگاه دوچرخه

سازمان سریع و چشمگیر آگاهی‌های عمومی نسبت به محیط زیست و نیز توجه بسیار به وسایل نقلیه غیر آلاینده یوزده دوچرخه، نیاز به طراحی و در نظر گرفتن محلی ویژه برای جایگاه دوچرخه در سطح شهر و خیابان مشخص می‌شود. معمولاً جایگاه‌های دوچرخه در دو نوع اصلی دیده می‌شوند. اتصال به تنه، اتصال به چرخ جلو.

تصویر شماره ۶- جایگاه دوچرخه از جنس بتن



تصویر شماره ۷- انواع جایگاه دوچرخه





در نوع اول، بیشتر قسمت تنه باید نه جایگاه در تماس است و کابل یا زنجیر قفل کننده معمولاً تنه را در بر می گیرد. در نوع دوم، تنهها چرخ جلویی دوچرخه نگه داشته شده و قفل می شود. در هر دو سیستم طراحی سه گونه ای بخش بندی شده و پشت به پشت صورت می گیرد تا فضای پارک، یا محوطه مورد نظر در عین اشغال کمتر فضا، به دوچرخه های بیشتری خدمات دهد.



مواد و مصالح محکم و مقاوم در برابر خوردگی و تخریب گرایی عمومیت بیشتری دارند. قطعات بتنی پیش ساخته، لوله های فولادی سخت یا گالوانیزاسیون گرم و الوارهایی از جنس سخت چوبها از آن جمله هستند. این وسائل را که جزئی از میدان شهری به حساب می آیند می توان به دیوار، سطح یا اثر عمق زمین ثابت کرد. اتصال باید ابعادی کامل را فراهم آورد. در مجموعه تصاویر ۵ تا ۸ چند نمونه جایگاه مختلف دیده می شود.



تاریخ
1- Panero, Julius; Zeinik, Martin: Human Dimension & Interior Space, New York, Whitney Library of Design, 1970.
2- Tilley, Alvin H.: The Measure of Man & Woman, New York, Watson-guptill, 1963.

تربیم شیوه‌های آموزش رانندگی در غنا

غنا جهت توسعه و مدرنیزه کردن بخشهای حمل و نقل عمومی و ادارات راهنمایی و رانندگی خود از بانک جهانی درخواست کمک نموده و یک مؤسسه تحقیقاتی حمل و نقل و ترافیک سوئدی را به کمک طلبیده است.

گزارش محققان ترافیکی حکایت از این دارد که حضور در ترافیک غنا هفتاد مرتبه خطرناکتر از سوئد است و برای این موضوع، عال مختلف بیان شده است. به طور کلی میزان سواد در این کشور پایین است و بیش از نیمی از مردم بی‌سوادند. همچنین سالهاست که استاندارد رانندگی در غنا مورد بی توجهی قرار گرفته و این مسئله آثار منفی شدیدی بر امنیت رانندگی در غنا به جای گذاشته است. از جمله اینکه همه ساله تعداد زیادی از مردم کشته و زخمی شده‌اند. این موضوع در اقتصاد ملی نیز آثار سونی در ارتباط با مسائل پزشکی و ترافیکی به جای گذاشته است.

نکته قابل توجه در این زمینه اینکه یک و نیم میلیون نفر در این کشور

گواهینامه رانندگی دارند و تنها ۳۰۰ هزار وسیله نقلیه در کشور وجود دارد. اخذ گواهینامه در غنا معادل ۸۰۰ کرون سوئد هزینه دارد و این در حالی است که میانگین دستمزد در غنا حدود ۴۰۰ الی ۶۰۰ کرون است و این بدان معناست که تنها تعداد اندکی می‌توانند به آموزشگاه‌های رانندگی مراجعه کنند؛ چرا که توان پرداخت شهریه را ندارند و همین موضوع باعث ناآشنایی مردم با قواعد رانندگی شده است.

تاکنون از مونهای تئوری رانندگی در غنا به دلیل بی‌سوادی اکثر مردم به طور شفاهی انجام شده است. هم‌اکنون یک امتحان تئوری، شامل تعدادی سؤال در مورد معنای علائم ترافیکی برگزار می‌گردد و در امتحان عملی باید فاصله کوتاهی در یک جاده معمولی طی شود! قابل توجه اینکه یک مؤسسه تحقیقاتی سوئدی، برنامه آموزش رانندگی جدیدی را طراحی کرده است تا وضعیت ترافیک غنا ساماندهی شود.

در بخشی از این برنامه آموزش، آرشیبو بزرگی از تصاویر محیطهای ترافیکی غنا به منظور بیان تصویری امتحانات تئوری و تدوین کتابهای تست

آموزش رانندگی تهیه شده است.

همچنین دوره‌های آموزشی برای معنخبین رانندگی و مربیان آموزش رانندگی برگزار شده است و با استفاده از وسائل آموزشی جدید، بر مفاهیم و علائم ترافیکی تأکید بیشتری شده است. از دیگر روشها اینکه با استفاده از رادیو و تلویزیون نیز در لزوم رعایت قواعد رانندگی تأکید شده است.

از دیگر موارد برنامه یاد شده، طرحی برای از گسترش گواهینامه‌های نقلیه با صدور نوعی گواهینامه پلاستیکی است. همچنین به شرکتهایی که نیازمند استخدام راننده هستند، ابلاغ شده است تا به آنان آموزشهای لازم رانندگی و رعایت قواعد رانندگی ارائه شود.

به همین منظور، دولت غنا از بانک جهانی برای توسعه و مدرنیزه کردن بخشهای عمومی و ادارات راهنمایی و رانندگی خود درخواست وام نموده و همکاریهای گسترده‌ای را با شرکتهای مشاور در زمینه حمل و نقل آغاز کرده است.

ترجمه: پدیده خورشیدی

Nordic Road Transport Research
"Driver Training Programme in
Ghana", No 3, 2000, pp.22-23.

جدیدی ابداع شده است. برج مسکونی عظیم، سالن نمایشی شکل بورس، برج مخابراتی و بازار پرندگان در مرکز شهر، همگی بناهایی هستند که به تصورات عجیب شهروندان مصداق بخشیده‌اند.

این در حالی است که بناها و توش به کار رفته در شب و روز با زبان تصویر صحبت می‌کنند؛ زیرا فن‌آوریهای ارتباط تصویری و تبلیغاتی در شهر شانگهای بسیار هنرمندانه و استدلانه به کار رفته‌اند.

در حالی که تصاویر تبلیغاتی در شهر به راحتی و با جذابیت بسیار، توجه شهروندان را جلب می‌کنند، یک دستورالعمل ۵ طبقه که توسط نوعی سیستم‌روشنایی تزئین شده قابل توجه است.

همچنین در این شهر، پاناسهای تأسیس شده است که به وسیله تونلها و بزرگراههای موجود مرکز شهر را به دیگر نواحی متصل می‌کند و تا حد زیادی باعث کاهش ترافیک نیز شده است.

ترجمه: پدیده خورشیدی

L'Architecture D'aujourd'hui 39, Février
2000.



جدید محسوب می‌شود. همچنین نوسازی بنیادین برخی نواحی شهر، پروژه محله هانگسو و شمال شرق شهر که منطقه‌ای کاملاً صنعتی و مسافر آلوده است و بهبود کیفیت رود کوچک سوزهو و اطراف آن که مدت مدیدی به صورت کناب در آمده بود جزء پروژه‌های بزرگ زیباسازی شهر محسوب می‌شوند.

در شانگهای که مرکز بسیاری از فعالیتهای اقتصادی است، پدیده‌های

شانگهای چین بزرگترین شهر آسیا

شانگهای - بزرگترین شهر آسیا - طی ۱۰ سال تبدیل به کلانشهری شده که در تاریخ شهرهای دنیایی سابقه است.

تحولات حیرت‌آور شانگهای، بیشتر در زمینه معیارها و موازین ساخت و ساز ساختمانها و ایجاد راههای ارتباطی و حمل و نقل بوده است.

در این زمینه، برج جین ماوو با ارتفاع ۴۲۰ متر نماد بلندپروازیهای شانگهای

ژاپنی ها عوارض بزرگراهها را الکترونیکی می گیرند

به منظور کاهش ازدحام ترافیکی در برخی از بزرگراههای توکیو عوارض به صورت الکترونیکی جمع آوری می شود.

در این سیستم رانندگان می توانند با استفاده از یک فرستنده - گیرنده خود کار، عوارض را بر بانه های مخصوص واریز نمایند و دیگر مجبور نیستند برای دریافت برکه عبور یا پرداخت پول، توقف نمایند.



نحوه کار این سیستم به این صورت است که در این مجموعه، یک سیستم ارتباطی بی سیم متشکل از گیرنده های نصب شده در بانه های اخذ عوارض و فرستنده - گیرنده های خودکار کوچکی که حاوی اطلاعاتی در مورد تراشه های رایانه ای است و روی خودروها سوار می شود، وجود دارد. هنگامی که یک وسیله نقلیه از مقابل بانه پرداخت عوارض عبور می کند، زمان و محل ورود، به طور خودکار بر روی گیرنده ثبت می شود و هنگام خروج خودرو از بزرگراه میزان عوارض، محاسبه و از حساب بانکی راننده کسر می گردد. رانندگانی که از این سیستم استفاده می کنند باید خودشان فرستنده - گیرنده های مورد نیاز را خریداری کنند و تسویه کنندگان در تلاش اند سیستم یاد شده را با نازلترین قیمت به بازار عرضه کنند.

پیش بینی می شود که ۳۵ درصد ازدحام ترافیکی ناشی از صفوف انتظار در

بانه های پرداخت عوارض با استفاده از این سیستم کاهش یابد و از هزینه اداره بانه ها نیز کاسته شود.

کارشناسان وزارت مسکن و شهرسازی ژاپن معتقدند با استفاده فرگیر از این سیستم در تمام کشور، مدت زمان لازم برای عبور یک وسیله نقلیه از مقابل بانه ها ۱۰ ثانیه کمتر شود و این موضوع باعث می شود ۷۰۰ میلیارد یین (معادل ۴/۴ میلیارد دلار) صرفه جویی اقتصادی حاصل شود.

سیستم یاد شده تاکنون در بیش از ۱۰ کشور دیگر نیز به اجرا در آمده است و هر روز بر تقاضای این سیستم افزوده می شود. سیستم یاد شده که در قالب یک برنامه اقتصادی عرضه شده و به تصویب پارلمان نیز رسیده است، در عرض ۵ سال آینده در تمامی بزرگراههای ژاپن مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

ترجمه: محبت غازی
تصحیح: سعید

www.Google/Municipalities & Payments

در جنگلهای استوایی خانه های تفریحی بر روی درختان ساخته شد

در جنگلهای تواحی استوایی نوعی از خانه های تفریحی برای استفاده جهانگردان ساخته شده است که بر روی درختان جای می گیرد.

این خانه ها را یک شرکت فرانسوی ساخته و به شکل یک بان فلزی قابل حمل و نقل است که برای گردشهای توریستی در آب و هوای گرم در نظر گرفته شده و به این ترتیب، یک رؤیای مفرح تحقق یافته است.

خانه های یاد شده تا ارتفاع ۴ متری نیز قابل نصب است و تماشای گونه های

گیاه، حیوانات، مناظر و چشم اندازهای آبیانوس را از فراز ارتفاعات امکان پذیر می سازد.

همچنین معمار این طرح، خانه ای به شکل گره فلزی ساخته است که به آسانی در لابه لای شاخه های درختان جای می گیرد و ظرفیت دو جهانگرد را دارد. این گره با قطر ۳/۲ متر، حداقل فضای ممکن را اشغال می کند. گره این گونه از رشته های توری ضخیم ساخته شده و آنتیبه جهانگردان در قسمت دیواره قرار می گیرد. از ویژگیهای گره یاد شده این است که تمام قسمتهای آن جداشدنی است، تا به

راحتی قابل حمل باشند. علاوه بر این، عمل مونتاژ کردن قسمتهای مختلف آن نیز به آسانی انجام می گیرد.

از دیگر محاسن این خانه توریستی، کار بردهای علمی و پژوهشی است. به این صورت که این پذیرنده برای مطالعات زیست - محیطی مورد استفاده قرار می گیرد و به عنوان یک محل سکونت موقتی و نگهداری برخی وسایل خاص مطالعاتی کاربردی مؤثر دارد.

ترجمه: محبت غازی
تصحیح: سعید

L'Architecture D'Aujourd
Hui, 2001, 2000

نرخ گذاری ارزهای خارجی توسط شهرداری استانبول



مجلس ملی ترکیه، نرخ گذاری ارزهای خارجی را در محدوده شهر استانبول به شهرداری این شهر واگذار کرد.

در حقیقت، این نرخ گذاری یک طرح اقتصادی - اجتماعی مؤثری است که در استانبول به عنوان مرکز تجاری ترکیه اعمال می شود. طرح یاد شده می تواند موجب بهبود وضعیت مالی شهر گردد و باعث شود که در گردش نقدینگی شهر انعطاف به وجود آید و در امور مالی شهرداری تمرکز دایی شود.

شهرداری استانبول از سال ۱۹۹۳ به بعد هر ساله با بودجه مازاد مواجه بوده و این اضافه درآمد در سال ۱۹۹۹ به ۵۰۰

میلیون دلار بالغ شده است. درآمدهای شهرداری استانبول عمدتاً شامل مالیاتهای ملی، مالیاتهای مربوط به شهرداری، هزینه خدمات و خدمات مربوطه به وامهای خارجی است. به طور کلی هزینههای شهر استانبول به دو بخش هزینههای عملیاتی (۴۶ درصد) و هزینههای سرمایه‌ای (۵۸ درصد) تقسیم می‌شوند. سرمایه‌گذاری در بخشهای عمومی بویژه در سیستم حمل و نقل عمومی دو - سوم از هزینههای سرمایه‌ای را در بر می‌گیرد و این موضوع به توان مالی استانبول لطمه زیادی می‌زند. در یک تقسیم بندی دیگر، هزینههای

شهر به دو بخش هزینههای قانونی و اختیاری تقسیم می‌شوند. به این صورت که هزینههای قانونی شامل دستمزدها، مخارج عمومی و خدمات وامی است و هزینههای اختیاری را مخارج جاری در بر می‌گیرد و ۷۱ درصد از هزینههای شهرداری را تشکیل می‌دهد. شهرداری استانبول مجبور است دست کم ۵ درصد از درآمدهای سالانه خود را به صورت سرمایه ذخیره نگه‌داری کند تا بتواند افزایش هزینه پروژه‌ها را در طول سال جبران نماید. یکی از فواید نرخ گذاری ارز توسط شهرداری، کنترل درآمدهای است که از

وامها به دست می‌آید؛ چرا که بودجه سال ۱۹۹۹ شهرداری استانبول به واسطه خدمات وامی دولت مرکزی، ۹۷٫۷ برابر شد و این موضوع، نرخ ارز و سود حاصل از آن را بیش از پیش حائز اهمیت می‌سازد. سیستم نرخ گذاری استانبول با تعدادی از مؤسسات اقتصادی که به ساکنان محلی، خدماتی از قبیل گاز، مترو، اتوبوس دریایی و... ارائه می‌دهند، ارتباطی مستقیم دارد؛ چرا که این مؤسسات، به عنوان شرکتهای وابسته به شهرداری مورد حمایت مالی دولت مرکزی قرار می‌گیرند.

ترجمه علی عربی دانا

مخ

www.Google/MunicipalitiesofTurkey

آلودگی صوتی در آلمان



آلودگی صوتی در آلمان سالانه جان بسیاری از شهروندان را به خطر انداخته است.

به گزارش انجمن ترافیک آلمان، آلودگی صوتی دومین عامل مهم بروز سکنه قلبی است؛ چرا که استراحت بدن را در هنگام خواب مختل کرده و باعث بروز تغییرات ناخواسته نظیر افزایش فشار خون می‌شود.

در کشور آلمان روزانه ۱۰ میلیون نفر مجبورند ۶۵ درصد آلودگی صوتی را تحمل کنند و این در حالی است که وجود سروصدای بالاتر از ۵۵ درصد برای سلامتی خطرناک است. همچنین کودکان ساکن در مناطق پر سروصدا نسبت به سایر کودکان، نمره کویکتری دارند و پر خاشگر هستند.

تحقیقات پزشکی حاکی از این است که از هر ۶ شهروند آلمانی یک نفر در معرض سروصدای غیراستاندارد قرار دارد و سکنه قلبی او را تهدید می‌کند و ۷۰ درصد از شهروندان از وجود آلودگی صوتی توسط خودروها رنج می‌برند.

در مناطق نزدیک به فرودگاهها ۴۰ درصد مردم و در مناطق مجاور ریل راه آهن ۲۰ درصد ساکنان در معرض خطر قرار دارند. طبق آمار منتشره، هر ساله ۱۴ هزار خانوار به دلیل آلودگی صوتی، منازل خود را عوض می‌کنند؛ چرا که قادر به تحمل وضع موجود نیستند.

اگر چه باید در مناطق آلوده، اقداماتی

در جهت کاهش آلودگی صوتی انجام شود. اما عملاً حرکت مؤثری صورت نمی‌گیرد. به همین دلیل قرار است تا سال ۲۰۰۵ اتحادیه اروپا برای هر یک از اعضا فهرست اقدامات لازم علیه آلودگی صوتی را ارائه نماید.

همچنین انجمن ترافیک آلمان برنامه‌های ویژه‌ای را برای کاهش این نوع آلودگی تدارک دیده است و قدم اول شناسایی منابع ایجاد آلودگی است. در دومین مرحله، انجمن، مبارزه خود را در خیابانها و مناطق نزدیک فرودگاه متمرکز خواهد نمود.

این انجمن، سوازیین و معیارهایی حقوقی و قانونی را نیز برای مبارزه با آلودگی صوتی پیگیری می‌کند. به طوری که درصدد است از سرواز هواپیماها در فرودگاههای نزدیک شهرها جلوگیری و ورود کابینونهای سنگین و پرسروصدا را نیز به مناطق مسکونی ممنوع کند.

ترجمه داوود حطری

مخ

Falnsabr, No. 6, 2000

ساختمانیهای نوساز از طرف دولت و با در نظر گرفتن کشور کم درآمد تعیین شده است و از آنجا که این اجازه برای ملاکین سودآور نیست آنان اجازه بهای بالا مطالبه می‌کنند که از توان مستأجران خارج است. همچنین دولت برای حمایت از اقتضای کم درآمد از فسخ قرارداد مستأجران معافیت می‌کند و این مسئله باعث می‌شود صاحبان املاک، خانه‌های خود را خالی از سکنه نگه دارند.

یکی دیگر از عوامل بحران مسکن، کاهش کمکهای مالی دولت و عدم توزیع سوبسید به جامعه است. این موضوع

حد هزار خانه وجود دارد که خالی از سکنه است. کارشناسان امور شهری در قاهره، عمل چنین وضعیتی را عوامل زیر عنوان می‌کنند:

یکی از این عوامل، اجاره بهای ساختمانیهای قدیمی و کهنه است که روبه ویرانی نهاده‌اند؛ چرا که اجازه بهای این ساختمانیها از زمان ریاست جمهوری ناصر تاکنون تغییری نکرده است و به همان شکل تعیین می‌شود؛ بنابراین صاحبخانه‌ها به دلیل هزینه‌های بالا تمایلی برای ترمیم خانه‌های خود ندارند. از طرف دیگر، اجاره بهای

شهروندان قاهره با وجودی که تعداد زیادی خانه و سرپناه در شهر وجود دارد با بحران کمبود مسکن روبه‌رو هستند.

در قاهره، پایتخت مصر، مناطق بسیاری وجود دارند که غیراسولی ساخته شده‌اند و تمام تأسیسات زیربنایی آنها یا اشکال روبه‌روست و جمعیت زیادی نیز در این مناطق زندگی می‌کنند.

آمارها بیانگر این است که ۱۲ میلیون نفر در چنین مناطقی زندگی می‌کنند و اغلب، توان پرداخت کرایه‌های بالا را ندارند. این در حالی است که در قاهره یک

بازرسی مالیاتی شهروندان قاهره با بحران سرپناه مواجه‌اند

توجهی از سرمایه مردم در خانه‌های جدید خالی از سکنه باقی بماند و قاهره به شهری با خانه‌های بدون سکنه و ساکنان بدون خانه تبدیل شود.

این در حالی است که کارشناسان عقیده دارند به عنوان مهم‌ترین قدم برای بهبود وضعیت مسکن، باید اجاره بهای خانه‌ها با توجه به عرضه و تقاضا تعیین شود و اقتضای کم درآمدی تحت حمایت دولت قرار گیرند.

دولت قاهره روش‌های حمایتی نظیر ساخت خانه‌های دولتی و تعیین اجاره بهای پایین و همچنین تأمین هزینه ساخت خانه‌ها از طریق اخذ مالیات از مالکین منازل مجلل را مدنظر قرار داده است.

ترجمه: فرحناز نوبخت

منبع

Gunter Meyer, *Kairo, Geographische Rundschau, Februar 2/1990, PP. 97-103.*



نماید.

همچنین اجرای سیاست ناصحیح دولت در مورد تخریب ساختمان‌های قدیمی باعث شده است که بخش قابل

موجب شده است که بیشتر درآمد خانوارها صرف تهیه روزانه همچون غذا و سوخت شود و در مجموع، بودی بابت تهیه خانه اجاره‌ای بهتر و یا خرید مسکن باقی

همچنین اختیارات شورای شهر نیز از دو طریق قلمنامه و آیین نامه اعمال می‌شود. هر یک از این دو باید به تصویب اکثر اعضای حاضر در جلسات شورا برسد.

لازم به ذکر است که شهردار، رئیس شورای شهر است و به همین دلیل مهم‌ترین مقام اجرایی شهر نیز محسوب می‌شود. همچنین موقعیت شهردار یا موقعیت دیگر اعضای شورا متفاوت است؛ زیرا او وظایف ویژه‌ای دارد که به وسیله قانون بر عهده‌اش گذاشته شده و همچنین از اختیارات اجرایی جداگانه‌ای نیز برخوردار است که اعضای عادی شورا از آن بی‌بهره‌اند.

سرخس از اختیارات یاد شده عبارت‌اند از: نظارت بر اجرای قانون مربوط به بهبود وضعیت و حسن اداره شهر، ارائه اطلاعات به شورا به منظور تهیه آیین نامه‌ها، قلم‌نامه‌ها و لوایح، تأسیس کمیته‌های پژوهشی و معرفی اعضای شورا به کمیته‌ها، راهنمایی مقامات شهری و کارمندان در اجرای وظایفشان و نظارت بر انجام وظایف آنان و نهایت مدیریت امور و مشاغل شهری.

ترجمه: فرحناز نوبخت

منبع

www.Google/Municipalities of Canada

اختیاراتی که قانون به آنها واگذار می‌نماید برخوردارند.

به طور کلی شهر در هر دو هدف را برآورده می‌سازد؛ اول، اجرای وظایفی که به وسیله حکومت ایالتی تعیین می‌شود. دوم، برآورده کردن خواسته‌های ساکنان در حد اختیارات شورا.

در کانادا شورا و شهرداری از اختیارات و وظایف ویژه‌ای برخوردارند.

در این کشور شهردار یا شهردار به سطح حکومت محسوب می‌شوند. آنها به وسیله قانونی که به تصویب حکومت ایالتی می‌رسد تأسیس می‌شوند و فقط از

شورا و شهرداری در کانادا



استفاده از روش‌های نوین آبیاری، راهی برای حفظ و گسترش فضای سبز شهرها

زهرا خوش‌نمک



می‌گویند از وقتی شهرداری با عنوان بلدیه ایجاد شد، فضای سبز هم به عنوان یکی از جدی‌ترین مسائل مدیریت شهری درآمد. هرچند می‌توان با نگاهی دیگر گفت که از همان وقت، فضای سبز موجود رو به اتهدام رفت و جای خود را به انواع ساختمانها و تاسیسات داد که اکنون در برخی از مناطق، بویژه شهرهای بزرگ از جمله تهران برای جلوگیری از نابودی و افزایش آن به تکاپو افتاده‌اند.

بنابر گزارش‌های موجود، ایران با دارا بودن ۱۱ درصد از خشکیهای جهان تنها به ۳۴ درصد از آبهای موجود در خشکیهای زمین دسترسی دارد و در سال ۱۳۶۴ سرانه سالانه کشور ۶ هزار و ۲۰۳ متر مکعب آب شیرین تجدیدشونده بود که در بین ۱۰۰ کشور جهان در رتبه پنجاه و دوم جای می‌گرفت. این میزان در سال ۱۳۶۹ با سرانه سالانه ۲ هزار و ۲۵ متر مکعب به رتبه شصت و دوم تزل یافته و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۵ میلادی با سرانه سالانه ۸۱۶ متر مکعب در رتبه هفتاد و سوم قرار گیرد. با توجه به این موارد، مریز سرانه هزار متر مکعب در سال به عنوان سرور کم‌آبی و بحران آب تلقی می‌شود و حداکثر تا ۲۰ سال آینده با توجه به رشد جمعیت، کشور ایران از نظر منابع آبی با مشکل جدی روبه‌رو خواهد شد. همچنین کم‌آبی، خشکیهای اخیر،

تغییر وضعیت اقلیمی، افزایش جمعیت و بالا رفتن ساخت و سازها، فضای سبز شهری را کاهش داده‌اند. بنابر آمارهای ارائه شده، میزان سرانه فضای سبز در برخی شهرهای کشور تا کمتر از ۲/۵ متر

با توجه به شرایط آب و هوایی کشور ما ۱۵ تا ۲۵ متر برای هر نفر رقم قابل قبولی است. این در حالی است که رقم استاندارد جهانی در این مورد ۱۵ تا ۵۰ متر می‌باشد.

در مطالعات ایجاد شبکه آب خام باید توجه اقتصادی هزینه‌های مختلف از نظر بایرداری، جوامع و استمرار، چه از نظر حفر چاه و چه استفاده از منابع آبهای سطحی و یا هر منبع دیگری که در شهر موجود است مورد بررسی قرار گیرد.

هم می‌رسد، در حالی که به گفته مختاری، مدیرسازمان پارکها و فضای سبز شهر تهران، با توجه به شرایط آب و هوایی کشور، ما ۱۵ تا ۲۵ متر برای هر نفر رقم قابل قبولی است. این در حالی است که رقم استاندارد جهانی در این مورد ۱۵ تا ۵۰ متر می‌باشد. اما با توجه به آمار و ارقام رسیده از شهرهای مختلف می‌توان گفت فضای سبز شهری در کشور ما در وضعیت

مناسبی قرار نداشته و متناسب با جمعیت و سرانه‌های فضای سبز شهری نیست و باید توجه ویژه‌ای به آن بشود.

توسعه فضای سبز شهری از برنامه دوم شروع و در برنامه سوم توسعه ادامه پیدا کرد، به طوری که سرمایه‌های استراتژیک، خط‌مشیها و شاخصهای کمی در احداث و گسترش فضای سبز تدوین شده و یکی از مسائل اصلی در این زمینه که استفاده از آب خام و یا جداسازی شبکه آبیاری فضای سبز از شبکه آب آشامیدنی بود مطرح گردید.

این بحث در بودجه سال ۱۳۷۹ با عنوان «طرح عمرانی ملی احداث شبکه‌های آبیاری فضای سبز شهرهای کشور» مورد توجه قرار گرفت و قرار شد در برنامه سوم، طرحهای جدیدی برای مطالعه و اخذ موافقت‌نامه مطرح شود.

به گفته علی نوذری‌پور، مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی عمرانی وزارت کشور، دریافت موافقت‌نامه به دلیل مشکلات موجود تا به حال به تعویق افتاده است. اما حدود ۵ هزار و ۸۰۰ میلیون ریال اعتبار در سال ۱۳۷۹ به این منظور اختصاص داده شد و با توجه به آن اولویتها باید در نظر گرفتن شرایط جغرافیایی، مسئله کم‌آبی شهرها و مساحت قابل‌زیمنه آنها مشخص شدند و بر مبنای آن، احداث شبکه آبیاری این شهرها که از قبل مطالعات خود را در این زمینه آغاز کرده بودند، شروع شد. این شهرها عبارتند از: زاهدان، آبدان، کاشان، قم، بندرعباس، یزد، سبزوار و کرمان.

وی با اشاره به اعتبار مورد نیاز شرح مذکور می‌گوید: با توجه به زمان تلف شده و به طول انجامیدن زمان دریافت موافقت‌نامه، برای جذب صدر سه اعتبار، نیاز به حرکت سریع شهرداریان کشور در این زمینه است تا بتوان اعتبار مورد نیاز شهرهای دیگر را که در بودجه سال ۱۳۸۰، ۸۳۲ میلیون ریال پیش‌بینی شده است، اخذ نمود. شهرهایی که به عنوان اولویت دوم برای این طرح ملی انتخاب شدند عبارتند از: اردبیل، ارومیه، مشهد، شاهرود، ایلام، کرمانشاه، بوشهر، شیراز، قزوین، کرج و اهواز که در صورت به پایان رساندن مطالعات اولیه احداث شبکه‌های آبیاری، در مرحله موافقت‌نامه با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی نسبت به سال گذشته مشکل کمتری داشته و حداکثر تا پایان اردیبهشت و اوایل خردادماه موافقت‌نامه مبادله خواهد شد.

محمد اسلامی، معاون مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی عمرانی، در گردهمایی مسئولان فضای سبز شهرداریهای کشور از تخصیص ردیف اعتباری خاص، برای ایجاد شبکه‌های مناسب آبرسانی برای فضای سبز خبر داد و پیش‌بینی کرد این سر فصل، سرآغازی برای توسعه اساسی فضای سبز شهرهای کشور می‌باشد. وی در این گردهمایی گفت: بیش از نیم قرن پیش شهرها و روستاهای مابوژه در کویبری ترین مناطق ایران دارای باغها و فضاهای سبز بسیار زیبایی بودند که هنوز بقایا و آثار این فضاها را در مناطق مختلف



ایران از جمله طس گلشن، بزد و کرمان می‌بینیم، بنابر این بهترین شیوه‌های ایجاد و نگهداری فضای سبز را در گذشته‌های دور داشته‌ایم، اما متأسفانه اکنون به دلایل مختلف آن را از دست داده‌ایم. از سوی دیگر، فن آوری جدید و متناسب با شرایط موجود شهرها را هم انتخاب نکردیم به همین علت در حال حاضر اکثر شهرهای ما فضای سبز کافی و متناسب با نیاز جامعه شهری ندارند. علاوه بر این، ایجاد فضاهای سبز جدید و نگهداری فضاهای سبز موجود نیز با هزینه‌های بالا روبروست.

آب خام جایگزینی حتمی

در مطالعات ایجاد شبکه آب خام باید توجه اقتصادی گزینه‌های مختلف از نظر پایداری، دوام و استمراری، چه از نظر خفر چاه و چه استفاده از منابع آبهای سطحی و یا هر منبع دیگری که در شهر موجود است مورد بررسی قرار گیرد. در حقیقت باید

میزان آبدهی آبهای زیرزمینی و سطحی و زمان آن مشخص باشد. با توجه به محدودیت اعتباری موجود، گسترش فضای سبز و تأمین منابع آب این فضاها در حالی که بیشترین میزان آبیاری آنها از شبکه آب آشامیدنی شهرها تأمین می‌شود در اولویت اول قرار دارد. در مراحل بعدی طبیعی است که پارکهای کوچکتر و حتی فضاهای سبز طولی و خطی معابر و خیابانها را می‌توان به این شبکه‌ها ارتباط داد. در این زمینه باید با شرکت‌های آب و فاضلاب یا تشکیلات وزارت نیرو و سازمانهایی که در استان و شهر، تأمین و توزیع منابع آب را بر عهده دارند ارتباط برقرار شود تا شبکه، مسیر آن، طول خطوط شبکه، منابع تأمین آب و منابع ذخیره آن مشخص شود. و نباید بدون هماهنگی با این سازمانها برنامه‌ریزی کرد.

یکی از مشکلات تأمین آب برای فضای سبز از سوی شهرداریها، مقرراتی است که سازمان آب و فاضلاب برای صدور مجوز حفر چاه و تأمین هزینه‌های آب دارند. در برخی از شهرها این مشکلات رفع شده است، اما بعضی از شهرهای دیگر به شدت با آن روبرو هستند. در این زمینه، منطقه ۳ شهرداری تهران برای آبیاری حدود ۷۲ پارک بزرگ و حدود ۱۰۰۰ پارک محلی و فضای سبز خود، ۸۰ درصد از آبهای سطحی منطقه را به شیوه آبیاری تحت فشار و به صورت لوله‌ای مورد استفاده قرار می‌دهد و ۲۰ درصد دیگر توسط تانکر آبیاری می‌شود. اما برای آبیاری بسیاری از پارکها هنوز با کمبود آب روبرو هستند مثل بسیاری از مناطق تهران که هنوز برای آبیاری فضای سبز از آب شرب استفاده می‌کنند.

حسن مقیمی، مسئول فضای سبز این منطقه می‌گوید: متأسفانه در سال ۱۳۷۹ برای تأمین آب در خواست مجوز حفر چاه رایج وزارت نیرو داده‌ایم، اما هنوز ترتیب اثر داده نشده است و آب مورد لزوم را از چاهها و قناتهایی که داریم تأمین می‌کنیم.

دفتر تأمین و توزیع آب شهری استان تهران ادعای می‌کند که ۵۵۰ لیتر آب در ثانیه در غرب تهران برای جنگل کاریها و ۱۵۰ تا ۲۰۰ لیتر در ثانیه برای پارک لویزان استفاده می‌شود؛ ضمن اینکه تعدادی از چاهها یا قرار داد در اختیار شهرداری تهران قرار

گرفته که آب معادل ۱۵۰۰ لیتر در ثانیه را تأمین می‌کند.

این در حالی است که اکنون در تمام سطح داخلی محدوده ۲۵ ساله شهر تهران آنجا که شهرداریها نمی‌توانند از آب قناتها استفاده کنند از شبکه آب شهری استفاده می‌شود.

حسن مهربانی، مدیر اجرایی طرحهای تأمین و توزیع آب شهری استان تهران، در مورد عدم صدور مجوز چاهها می‌گوید: به دلیل محدود بودن منابع زیرزمینی و اولویت در تأمین آب شرب برای شهروندان، در برخی نقاط مجوز حفر چاه برای استفاده غیر شرب ممنوع است. دلیل این امر، این است که در تمام نقاط، آب وجود ندارد و برداشتن آن به منطقه حوزة آبریز و وجود رودخانه‌ای که آب زیرزمینی را تأمین کند بستگی دارد؛ زیرا اگر برداشتن زیاد باشد سطح آب پایین رفته و ایجاد مشکل می‌کند. برداشتها باید مطابق با ورودی آب به سفره‌های زیرزمینی باشد. اگر بیشتر برداشت شود سفره خراب شده و مشکلاتی حاشیه‌ای مانند رانش زمین به بار می‌آورد. بنابراین نمی‌شود در هر نقطه‌ای حفاری کرد و آب برداشت نمود. البته ایخوان داری در دستور کار سازمان آب منطقه‌ای قرار دارد.

وی اضافه می‌کند: روزانه ۲۲۲ میلیون متر مکعب آب در طول سال به دلیل آشامیدن، شستشو و مصارف خانگی وارد سفره می‌شود، اما فاضلاب آب سفره را با آبی می‌پوشانند. بنابراین این آب باید مدتها بعداً تا بهداشتی شده و قابل استفاده برای مصارف کشاورزی شود که البته قابل شرب نیست و کیفیت خوبی هم ندارد. آبی که شهرداری از چاهها می‌گیرد شاید بشوین برای شرب هم استفاده کرده، اما آبهای قنات هیچ کدام قابل شرب نیستند. وی می‌افزاید: ما برای حل مشکل آب فضای سبز با شهرداری همکاری می‌کنیم، به طور مثال در حال حاضر از پساب تصفیه خانه محلاتی به شهرداری منطقه ۴ آب می‌دهیم و چاههای عمیق قابل شرب رایج مناطق ۵ و ۶ داده‌ایم.

او متأسفانه است در موردی که شهرداریها برای آبیاری فضای سبز از آبرسانی تحت فشار (پراتی و قطرهای) استفاده کنند و روش سنتی آبیاری را کنار بگذارند، حدود ۶۰ درصد در مصرف آب صرفه‌جویی خواهد شد.

شهرداری تهران چندین پیش

کمیته‌ای را به نام «کاما» تشکیل داد. هدف از تشکیل این کمیته، شناسایی بناهای کهنایی بود که با آب شرب آبیاری می‌شوند و تبدیل آبیاری آنها به آب خام ضروری است. یکی از مصوبات این کمیته این بود که مناطق که مشکل کم‌آبی دارند با همکاری «آبفا» چاه حفر کنند و تا حد ممکن آبهای آشامیدنی درون پارکها را به حداقل برسانند و اگر کنار پارک منازل مسکونی وجود داشت در آنها شیر آب آشامیدنی قرار ندهند.

به همین منظور آبفا با حفر چندین حلقه چاه در مناطق مختلف موافقت کرد و با همکاریهای اولیه سازمان آب و فاضلاب استان تهران و شهرداریهای مناطق ۵، ۲ و ۶ حدود ۳۳۰ هزار مترمکعب آب خام، جایگزین آب شرب گردید.

به گفته سختری، سوانه فضای سبز برای هر نفر در تهران حدود ۱۷ مترمربع است که قرار است این میزان تا پایان برنامه سوم و برنامه پنجساله شهرداری تهران به ۲۵ متر نیز افزایش یابد. وی می‌گوید: برای آبیاری این فضاها با آب خام از ۸ سال پیش طرح جامع آب خام فضای سبز شهر تهران در دستور کار سازمان قرار گرفته است. مرحله اول عملیات آن نیز انجام شده و فاز دوم آن به اعتبار هنگفتی نیاز دارد. در این فاز همه چاهها، قنوات، آبهای جاری، هرز آبها... مورد بررسی قرار می‌گیرند. در حال حاضر ۸۵ تا ۹۰ درصد از فضای سبز تهران از آب قنوات، چاهها و آبهای جاری در قالب آبیاری قطره‌ای و تحت فشار تأمین می‌شود، اما در برخی مناطق به دلیل فقدان چاه مجبور به استفاده از آب شرب هستیم؛ همین‌طور که بسیاری از منازل از آب شرب برای آبیاری فضای سبز خود استفاده می‌کنند و باید سازمان آب و فاضلاب طرح جامعی برای جداسازی شبکه آب‌رسانی تهیه کند. در حال حاضر تعداد زیادی پساب هرز می‌رود، در حالی که می‌توان با برنامه‌ریزی صحیح از آن استفاده کرد.

در خصوص آبیاری فضای سبز با آب خام، شهرداری منطقه ۱۴ تهران فضای سبز منطقه خود را به خانه‌ها نیز کشانده است و با برنامه‌های قره‌نگی مختلف، مشارکت مردمی را در این مورد افزایش داده است. شهرداری منطقه ۱۴ تهران برای آبیاری فضای سبز منطقه و حتی منازل به منظور کامل از آب خامی که از چاهها به دست می‌آورد استفاده می‌کند و به همین دلیل به عنوان یکی از فعالترین

مناطق در حوزه فضای سبز شناخته شده است.

تجربه شهرداری کرج

روشن اردکانی، شهردار (موقت) کرج، معتقد است حفر هر حلقه چاه حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون ریال هزینه در بر دارد و چنانچه امتیاز چاهها از سازمان آب گرفته شود، این هزینه به ۴۰ تا ۷۰ میلیون ریال کاهش می‌یابد. این در حالی است که هزینه هر هکتار آبیاری تحت فشار حدود ۲۰ میلیون ریال است. بنابراین برای توسعه فضای سبز باید برای هر متر چندین میلیون ریال سرمایه‌گذاری کرد تا به نتیجه مطلوب رسید.

سوی دیگر، آبیاری قطره‌ای با آبی که در صد شوری آن زیاد است، بعد از ۱۰ سال باعث شور شدن خاک می‌شود و خاک را غیرقابل استفاده می‌کند. به حدی که امکان وجود فضای سبز را در آن منطقه از بین می‌برد. بنابراین ایجاد فضای سبز، استفاده از گونه‌های گیاهی مختلف و روشهای آبیاری نیاز به مطالعه و استفاده از نظرات کارشناسان خبره دارد و ارائه الگویی واحد برای مناطق مختلف بسیار با به‌جا و بی‌توجهی است.

شهردار آبادان در این زمینه بیان می‌دارد: تنها به گفته شهردار کرج، یک - سوم لیتر در هکتار به آب نیاز است. در حالی



که فضای سبز در شهرهای جنوبی و مناطق گرمسیری، یک - پنجم لیتر در ثانیه نیاز آبی دارند؛ یعنی دقیقاً ۵ برابر نیاز آبی شهر کرج. بنابراین در تخصیص اعتبارات برای مناطق گرمسیری باید این فاکتورها مورد توجه قرار گیرند. وی در مورد استفاده از سیستم‌ها گفت: سیستم آبیاری قطره‌ای یا بارانی برای خوزستان نتایج منفی به همراه دارد. تبخیر ۲ هزار و ۵۰۰ میلی‌متر آب در سال اجازه نمی‌دهد آب قطره‌ای به درخت برسد و فقط شوری خاک را به دنبال خواهد داشت. ضمن اینکه آبهای که املاح سنگین دارند اصلاً قابل استفاده در طرحهای قطره‌ای نیستند. از سوی دیگر، مشکلی که در سال جاری برای ما به وجود آمده کمبود بارش باران و کاهش آب‌دهی رودخانه کارون است که شهر را با بحران عظیمی روبرو کرده است. به طوری که E.C آب مورد نیاز ما تا ۲۰

شهردار کرج درباره تجربه اجرا شده در این شهر در مواقع خرابی چاهها می‌گوید: حدود ۱۱ حلقه چاه در نقاط مختلف شهر به یکدیگر متصل شده‌اند تا در صورت ایجاد اشکال در هر چاه بتوان از دیگر چاهها استفاده نمود. از سوی دیگر با آبیاری قطره‌ای و تحت فشار، میزان هرز آب به مقدار زیادی کاهش یافته است.

اما کارشناسان معتقدند که استفاده از یک سیستم در شهرهای دیگر ممکن است همان کارایی را نداشته باشد. آنان می‌پرسند آیا در شرایط آب و هوایی خشک به دلیل شدت تبخیر، سیستم آبیاری قطره‌ای پاسخگو خواهد بود؟ بنابراین بر آورد نیاز آبی گیاه نیاز به مطالعه دارد، محاسبه تبخیر و تعرق گیاه، نیاز آبی آنها و شرایط اقلیمی از مسائلی است که باید به آن توجه شود. علاوه بر اینکه استفاده از گونه‌های خاص مناطق مختلف باید مورد توجه قرار گیرد. از

هزار بالا رفت و هیچ جاننداری نمی توانست از آن استفاده کند؛ به همین دلیل بخش زیادی از فضای سبز شهر از بین رفته.

به گفته شهردار بندرعباس سرانه فضای سبز این شهر از ۲ متر در سال ۱۳۷۶ به ۶ متر در حال حاضر رسیده است، در حالی که رقم سرانه فضای سبز در پایان برنامه سوم ۱۶ تا ۱۷ متر پیش بینی شده

در تائید در این شهر وجود دارد که از این طریق حدود ۶۰ درصد از آب خام مورد نیاز فضای سبز از آب تصفیه شده شهری جدا شده است.

شهرهای بزرگ و سبز هم برای گسترش فضای سبز خود با مشکلاتی از نوع دیگر روبرو هستند. جواد، مدیرعامل سازمان پارکهای شهر اردبیل می گوید: اگر شهرهای جنوبی مشکل

شهرداری منطقه ۱۴ تهران برای آبیاری فضای سبز منطقه و حتی منازل به طور کامل از آب خامی که از جاهها به دست می آورد استفاده می کند و به همین دلیل به عنوان یکی از فعالترین مناطق در حوزه فضای سبز شناخته شده است



آبیاری قطره ای یا آبی که درصد شوری آن زیاد است، بعد از ۱۰ سال باعث شور شدن خاک می شود و خاک را غیر قابل استفاده می کند، به حدی که امکان وجود فضای سبز را در آن منطقه از بین می برد. بنابراین ایجاد فضای سبز، استفاده از گونه های گیاهی مختلف و رویشهای آبیاری نیاز به مطالعه و استفاده از نظر کارشناسان خبره دارد

است. به طور کلی شهرداران شهرهای ساحلی، مشکل اصلی خود را شدت E.C آب عنوان کرده و معتقدند چاههای عمیق هم جوابگوی نیاز فضای سبز شهر نخواهند بود.

شهرداری بندرعباس برای حل این معضل، استفاده از آبهای سطحی را در دستور کار خود قرار داده و بنا ایجاد سیزر ایزوله برای چهار آبهای سطحی به صورت زه در سطح زمین در ارتفاع حداکثر ۴ متری اقدام کرده است.

اما یزد برای حل مشکل کم آبی، آب را از سرچشمه های زاینده رود به منطقه خود منتقل کرد که هزینه سنگینی برای آنان در برداشته. آنان طرح شبکه آب خام خود را از سال گذشته به اجرا در آوردند. ۱۰ چاه عمیق با آبدهی متوسط ۱۸۰ تا ۲۰۰ لیتر

E.C دارند، مشکل ما سرمایه است. دوره رشد گیاهان در اردبیل حدود ۵ تا ۶ ماه است. که باید اعتبارات لازم به موقع به ما داده شود تا شبکه گذاری و احداث توله های آبیاری را ایجاد کنیم. ما از نظر تأمین منابع آب هیچ گونه مشکلی نداریم. ۱۷ حلقه چاه داریم که همه قابل استفاده هستند، ولی با توجه به وضعیت شهرداری هیچ منبع درآمدی نداریم. بنابراین فقط توانستیم از ۵ حلقه استفاده کنیم و در حال حاضر به ۲ هزار و ۵۰۰ میلیون ریال برای فضای سبز موجود و طرحهای شبکه نیاز داریم.

مسئول فضای سبز شاهرود نیز می گوید: قبوضی را سازمان آب و فاضلاب با عنوان مصرف آب فضای شهری برای شهرداریها می فرستد که اگر شهرداریها بخواهند آن را بپردازند، رقمی معادل یک

سوم بودجه ساتیانه آنها می شود. وزارت کشور باید در این زمینه تدبیری بیندیشد. ۷۰ درصد اعتبار سیستم آبیاری باید از محل درآمد شهرداری و ۳۰ درصد از وزارت کشور از محل درآمد عمومی به این امر اختصاص یابد.

سخن آخر

شکی نیست که با توجه به افزایش روزافزون آلودگی هوا، بیماریهای روانی ویزه جوامع شهری و نیاز به آرامش بصری در جوامع بصری گسترش فضای سبز از مواردی است که شهرها باید به طور جدی به آن بپردازند. اما فقدان طرح جامع توسعه فضای سبز، بی توجهی به پارکسازی و گونه های متناسب با ویژگیهای اقلیمی، طبیعی، معماری و شهرسازی، عدم استفاده از نظر کارشناسان خبره، نبود مطالعات جامع و منطقه ای در این زمینه، کمبود آب و خشکسالیهای اخیر، وجود دستگاههای گوناگون دخیل در این امر مثل سازمان جنگلها و منابع طبیعی و وجود قبوضین دست و پاگیر و از همه مهمتر، فقدان امکانات، تجهیزات و بودجه مناسب، این امر مهم را با معضل جدی در کشور روبرو کرده است. علاوه بر این، کاربریهای مسکونی و اداری با ساختمانها و تأسیسات فراوان، سطح وسیعی از زمینهای شهری را به خود اختصاص داده و نه تنها امکان ایجاد فضای سبز را محدود می کنند، بلکه فضاهای سبز موجود را نیز از بین می برند.

در این زمینه، جلب مشارکت همه جانبه مردمی در حفظ و گسترش فضای سبز، ایجاد شبکه آبیاری مستقل به این منظور با بازنگری در لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز، آموزش و بویژه همکاری سازمانهای آب و فاضلاب می تواند در این مورد نقشی اساسی در تلفیق هوای شهر اماند.

سازمان شهرداریها بازویی قوی برای شهرداران کشور است



دستگاههای اجرایی لازم الاجراست. وزیر کشور، با تأکید بر تفکیک حوزه نظارت از اجرا ابراز داشت: شوراها زمانی جایگاه واقعی و افتخار سرمیشسان حفظ می شود که در حوزه تصمیم گیری و نظارت فعال گردند و از بخش اجرایی به عنوان مظهر اراده مردم، انجام وظیفه بخواهند و بر انجام وظیفه، نظارت نمایند. اگر شوراها به جای فعالیت در حوزه تصمیم گیری و نظارت وارد حوزه اجرا شوند، نه شورا و نه بخش اجرایی هیچ یک نمی توانند به وظایف خود عمل کنند.

موسوی لاری در تمبر این جمله که مظهر اراده و خواست مردم، شوراها هستند گفت: باید نسبت به مردم به عنوان صاحبان این مملکت پاسخگو باشیم. شهرداران باید خود را مکلف به اجرای تصمیمات شوراها بدانند. نظارت شوراها را بپذیرند و با شوراها همکاری کنند. در واقع با کمک شهرداریها بتوان کارشناسی شوراها ارتقا می یابد و در تصمیم گیریها، خطای کمتری اتفاق می افتد. وزیر کشور در ادامه افزود: متأسفانه خطامشی هایی که قانون برای تعیین مسئولیتها و وظایف ایجاد می کند مخدوش بوده و مقررات موجود، چگونگی نگاه بلند و عینی که قانون اساسی به مسئله حاکمیت مردم دار، نیست.

عصو شورا یعنی معماری و شهر سازی کشور به تاسیس سازمان شهرداریها اشاره کرد و افزود: در مورد سازمان شهرداریها باید بر این نکته تأکید کرد که بخشی از وظایف این سازمان این است که زمینه های فراهم نماید تا شهرداریها از تجربیات و اندیشه هایی که دیگران برای اداره شهرها داشته اند بهره مند شوند، همچنین در حوزه پژوهش، اهتمام بیشتری نمایند و با کشاورزان سابقه های شخصی، کارها را عملی تر و در چارچوبی معین قرار دهند تا از دوباره کاریها جلوگیری شود.

موسوی لاری بحث عوارض را نکته ای قابل توجه و بررسی در سازمان شهرداریها دانست و افزود: امروزه همه بخشهای صنعتی و تولیدی کشور، عوارض را به عنوان متشکن عمده تولید عنوان می کنند و این موضوع در مجموعه ای از دولت و مجلس نیز، مانع تحرک در بخش تولید عنوان می شود. اما از طرف دیگر، باید به فکر درآمد شهرداریها نیز بود و تلاش نمود تا دست شهرداریها برای تأمین منابع درآمدیشان باز شود و راههای بیشتری برای کسب درآمد بیابند. برای این منظور

محل می شود و چه حد از اختیارات ملی را باید از مدیران محلی سلب و به مدیران ملی واگذار نمود.

موسوی لاری یکی از موانع تمرکززدایی را قانون اساسی عنوان کرد و افزود: مشکل قانون اساسی در تمرکززدایی، چگونگی مسئولیت وزرا در مقابل دولت و مجلس است؛ زیرا هر یک از وزرا باید در حوزه مسئولیتشان در مقابل دولت و مجلس پاسخگو باشند. بنابراین قانون اساسی به دلیل اینکه تمرکززدایی باعث سلب بخشی از اختیارات وزرا می شود، اجازه چنین مسئله ای را نمی دهد. حال چنانچه به سمتی حرکت کنیم که طبق قوانین و مقررات، امور قابل واگذاری را از وزرا سلب و به افراد دیگری واگذار کنیم؛ این عمل به معنای سلب اختیار از وزرا نیست، بلکه این حکم قانونی جدید خواهد بود و می توان مشکل قانون اساسی را از طریق قوانین عادی حل نمود. در صورت حل این مشکل و گسترش تمرکززدایی، جایگاه حوزه مدیریت شهری نیز تقویت می شود.

وی تأسیس شوراهای اسلامی را اختیاری برای دولت دانست و گفت: دولت، شوراهای اسلامی را با نگاهی واقع بینانه به قانون اساسی و دریافتی صحیح از اصول قانونی، فعال نمود. شوراهای اسلامی مرجع تصمیم گیری و نظارت هستند و تمامی امور مربوط به مدیریت شهری از طریق تصمیمات شورا به بخش اجرایی منتقل می شود که طبق قانون برای

وزیر کشور در همایش شهرداران شهرهای با جمعیت بالای ۱۰۰ هزار نفر گفت: سازمان شهرداریها بازویی قوی و مناسب برای شهرداران است و به عنوان یک مؤسسه اعتباری قوی قادر است تسهیلاتی را به عنوان پشتوانه در اختیار شهرداریها قرار دهد.

به گزارش خبرنگار ماه وزیر کشور، خاطر نشان کرد: عموماً قوانین و مقررات شهرداریها از بند تأسیس واحدی به نام بلدیته تا به امروز، مقررات پراکنده ای بوده است که حکایت از مسیر تاریخی این مجموعه خدماتی دارد.

وی افزود: آنچه که در مورد مسئله مدیریت شهری، باید مورد توجه قرار گیرد این است که حوزه شمول کار شهرداریها مشخص شود؛ چرا که ما در دهه اخیر شاهد تحولاتی در مجموعه فعالیت های شهرداریها و اهتمام این واحد مدیریت شهری در حوزه های اجتماعی-فرهنگی و زیست محیطی بوده ایم که لزوم نگرش جدید به مسئله مدیریت شهری را بیش از پیش گوشزد می کند.

وزیر کشور در ادامه، خواستار تفکیک مسائل ملی از مسائل محلی در حوزه مدیریت شهری شد و اظهار داشت، اولین قدم در راه بهبود مدیریت شهری، متمرکز شدن تمام تشکیلات تحت نظر یک مدیریت است و این مدیریت یا ملی است یا محلی، اما تر این زمینه باید دید که مدیریت ملی تا چه اندازه درگیر مسائل

خود پرداختند.

در بیانیه کمیسیون برنامه‌ریزی عمرانی و خدمات شهری که توسط جعفری، شهردار قزوین، قرائت شد آمده است:

- به منظور استفاده برنامه‌ریزان و مدیران شهری و دست‌اندرکاران امور فصل عمران شهری، لازم است مرکز آمار ایران با همکاری وزارت کشور و وزارت مسکن و شهرسازی، سیستم جمع‌آوری و ثبت اطلاعات مربوط به عمران شهری را به صورت مستمر تهیه کند و در اختیار نظام برنامه‌ریزی ملی و محلی قرار دهد.

- لازم است سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در اصلاح ساختار برنامه‌ریزی ملی از همان‌کمون تا زمان تهیه برنامه پنج‌ساله چهارم ترتیبی اتخاذ کند تا ارتباط بین برنامه‌ریزی ملی و محلی به نحوی شایسته برقرار شود.

- با توجه به ماده ۷۰ قانون سوم توسعه، استنادات باید ترتیبی اتخاذ کنند که شهرداران به نحوی مناسب در شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان عضویت داشته باشند.

- لازم است استنادات بر ترتیبی اتخاذ کنند تا شهردار و رئیس شورای اسلامی مرکز استان به عضویت شورای شهرسازی استان در آیند.

- لازم است که موضوعات مطرح در کمیسیون ماده ۵ صرفاً شهرداری ارائه کند.

- لزوم بازنگری در قوانین به نحوی که شهرداریها به عنوان کارفرمای تهیه تمامی طرح‌های محلی (جامع، هادی، تفصیلی) تعیین گردند.

- لزوم تجدیدنظر در نظامها و روشهای تهیه طرحهای شهری با تدوین شرح خدمات مناسب به وسیله وزارت مسکن و شهرسازی و وزارت کشور، به طوری که طرحهای توسعه پاسخگوی نیاز شهرهای کشور باشد.

- لازم است که در تهیه طرحهای توسعه شهری به روشهای تأمین منابع مالی توجه ویژه شود و تراز مالی - فیزیکی طرحها نیز قبل از تصویب، طرح به اعضای شهردار و شورای شهر برسد.

- ضروری است که با تدوین قانون و آیین‌نامه استفاده از رانت حاصل از اجزای طرحهای توسعه شهری به شهرداریها اختصاص یابد.

- واگذاری مدیریت زمین شهری به



از نشاط اجتماع، سرزنده بودن مردم و ذوق و سلیقه شهرداران است. البته در یک بررسی دریاقتیم که بخشی از مشکلات اجتماعی مربوط به افسردگی و یأس در شهرها از صورت ظاهری شهر نشأت گرفته است. بنابراین هر چه محیط شهر سرزنده‌تر باشد، نشاط اجتماعی نیز بیشتر شده و در پی آن، خلاقیتها و استعدادهای بیشتری بروز می‌کند و رونق کار و حیات انسانی به اوج می‌رسد.

قبل از سخنان وزیر کشور، احمد حرم، معاون هماهنگی امور عمرانی وزیر، طی گزارشی به تشریح روند برگزاری همایش پرداخت و گفت: سال ۱۳۷۹ نقطه عطفی در تاریخ مدیریت شهری در ایران محسوب می‌شود چرا که در این سال پس از ۴۵ سال توقف فعالیت سازمان شهرداریها شاهد فعالیت دوباره آن هستیم. همچنین قبل از تشکیل سازمان شهرداریها، شورای آموزش و پژوهش کار خود را آغاز کرد و پایه بسیار مناسبی برای برنامه‌ریزی آموزشی در سطح کشور بنا گذاشته شده است.

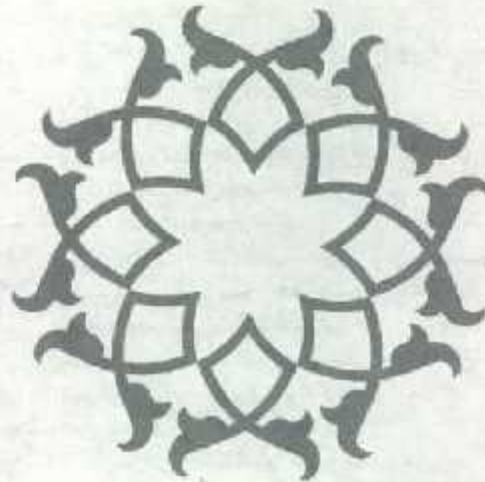
ارائه بیانیه کمیسیونها

همچنین در این همایش، هریک از کمیسیونهای پنج‌گانه برنامه‌ریزی عمرانی و خدمات شهری، مالی و درآمدی، اداری و تشکیلات، آموزش، پژوهش و اطلاع‌رسانی و قوانین و مقررات که قبل از همایش، مشکلات شهرداریها را جمع‌بندی کرده بودند به ارائه بیانیه‌های

برآینم که به جای تعیین مبلغ عوارض، درصد آن را مشخص کنیم؛ زیرا این عمل ماندگاری بیشتری داشته و نوسانات قیمت را نشان خواهد داد. وزیر کشور با اشاره به لزوم تهیه منابع درآمد برای شهرداریها گفت: اگر یک مؤسسه اعتباری متعلق به خود شهرداریها بتواند بر اساس ضوابطی اعتبارات کوتاه‌مدت در اختیار آنها قرار دهد تا گردش مالی منطقی گردد، مشکلات بسیاری از شهرداریها برطرف می‌شود. همچنین این مؤسسه می‌تواند به سرمایه‌گذاریهای درآمدزای شهرداریها کمک کند تا آنها با منبع درآمدی خود و کمک این مؤسسه، بتوانند به سراغ ایجاد منابع درآمدی جدیدی بروند. در این صورت بر مردم نیز فشار زیادی وارد نخواهد شد.

موسوی لاری بر فعال شدن بخش خصوصی تأکید کرد و بیان داشت: باید به شرکتهای و مؤسسات خصوصی و شهرداریها که مؤسسه‌ای عمومی هستند تسهیلات، وام و تخفیفهایی ارائه داد تا فعالتر شوند. از سوی دیگر، به جای ایجاد شرکتهای عریض و طویل دولتی، شهرداریها می‌توانند در حوزه ساخت و ساز، بهتر عمل نمایند و علاوه بر رعایت اصول ساخت و ساز شهری به منابع جدید درآمدی نیز دست یابند.

وزیر کشور وضع ظاهری شهرها را نشانگر فرهنگ حاکم بر دستگاه اجرایی دانست و یادآور شد: پاکیزگی شهر، نمادی



همایش شهرداران کشور

شهردار به عنوان مجری اصلی طرحهای توسعه شهری، با اصلاح قوانین ضروری است.

- لازم است نظارت بر اجرای طرحهای توسعه شهری با هدف تضمین نتایج اجرایی طرح به وسیله شوراهای اسلامی و با استفاده از مشاوران و کارشناسان متخصص صورت پذیرد.

- ضروری است که تدوین برنامه پنجساله شهرداریها به وسیله خود شهرداریها و با استفاده از مشاوران و کارشناسان متخصص (برای آنهايي که توان تخصصی ندارند) انجام گیرد.

- اهتمام شوراهای اسلامی شهرها به امر برنامه ریزی و پیگیری ارائه پیشنهادها و تصویب برنامه میان مدت در زمان مقرر ضروری است.

- جلب مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها با فرهنگ سازی مناسب و اطلاع رسانی صحیح از طرق مختلف از سوی وزارت کشور برای فراهم آوردن بسترهای اداری ضروری است.

- فراهم کردن زمینههای قانونی و سیاسی برای تسهیل سرمایه گذاری داخلی و خارجی در پروژه های مختلف عمران شهری به وسیله مجلس شورای اسلامی ضروری است.

بیانیه کمیسیون مالی و درآمدی

در بیانیه کمیسیون مالی و درآمدی که توسط نوزدهمین شهردار مشهد ارائه گردید آمده است: شهرداریهای کشور با توجه به قدمت نزدیک به یکصد ساله خود و

برای شهرداریها در دستور کار وزارت کشور قرار گیرد. به این منظور کمیسیون مالی و درآمدی با جلسات متعددی که تشکیل داد در زمینه حل مسائل و مشکلات مالی شهرداریها در دو محور «بهبود شرایط موجود» و «دسترسی به منابع جدید درآمدی» وظایف زیر را برای شهرداریها و وزارت کشور مشخص کرد:

- ضرورت شناخت منابع جدید درآمدی برای شهرداریها.

- ضرورت بهبود نحوه وصول درآمد و عوارض شهرداریها.

- لزوم شفاف سازی درآمدها و خدمات شهرداریها به سایر نهادها.

- لزوم ارائه لوایح قانونی به منظور جلوگیری از کاهش درآمدهای شهرداریها.

- ضرورت مکانیزه کردن سیستم وصول عوارض شهرداریها.

- ضرورت تشکیل بانک اطلاعات منابع مالی و هزینه شهرداریها.

- لزوم تحلیل هزینه و درآمدهای شهرداریها به منظور ارائه زبانی مشترک در مورد شناسایی موقعیت شهرداریها و اهمیت و جایگاه آن.

- ضرورت تأسیس بانک یا مؤسسه مالی شهرداریها.

- اصلاح سیستم بودجه نویسی و حسابداری شهرداریها و به کارگیری سیستم یکپارچه حسابداری در آنها.

- وصول مطالبات شهرداریها از دستگاههای دولتی، نظامی و انتظامی از طریق اصلاح قانون و لغو ماده ۹ قانون محاسبات عمومی.

- ضرورت آموزش کارکنان مالی شهرداریها و شهرداران.

- فراهم کردن شرایط مناسب در مورد وصول عوارض شهرداریها و تضمین لازم (جریمه دیرکرد یا تأخیر) برای عدم پرداخت عوارض مربوطه به این نهاد.

- بیانیه کمیسیون ساختار اداری و تشکیلات که توسط کمیسیون شهردار گرگان، ارائه شد حاوی موارد زیر است:

- ضرورت تسریع در اجرای مفاد ماده ۱۳۶ قانون برنامه سوم و آیین نامه اجرایی آن در مورد واگذاری وظایف به شهرداریها در زمینه تحقق مدیریت واحد شهری از سوی وزارت کشور و سازمان مدیریت و برنامه ریزی.

- ضرورت تسریع در تشکیل سازمان شهرداریهای کشور و شعبه های آن در

اولین قدم در راه بهبود مدیریت شهری،

تمرکز شدن تمام تشکیلات، تحت نظر یک مدیریت است و این مدیریت یا ملی است یا محلی. اما در این زمینه باید دید که مدیریت ملی تا چه اندازه درگیر مسائل محلی می شود و چه حد از اختیارات ملی را باید از مدیران محلی سلب و به مدیران ملی واگذار نمود

همچنین رشد روزافزون جمعیت با مشکلات عدیده ای مواجهند که از آن مین می توان به افزایش هزینه ها و کاهش درآمدهای شهرداریها اشاره کرد. افزایش روزافزون هزینه های شهرداریها ناشی از رشد شهرنشینی و لزوم خدمات رسانی به مردم و وظایف گسترده شهرداریهاست. مشکلات مالی که اکثر شهرداریهای کشور با آن مواجهند و افزایش انتقادات مردم از شهرداریها برای ارائه خدمات به موقع باعث شده تا اندیشه ساماندهی و راهکارهای دسترسی به منابع جدید درآمد

استانها به منظور سیاستگذاری کلان برای شهرداریها از سوی وزارت کشور.

- ضرورت اصلاح شرایط انتخاب شهردار و احراز تصدی سمت شهرداری یا تاکید بر انتخاب مستقیم شهردار به وسیله مردم (شرایط نامزدی شهردار) در زمینه تکمیل و تقویت جایگاه شهرداران در سطح شهرها یا همکاری مجلس شورای اسلامی.

- ضرورت اصلاح ساختار فعلی تشکیلات شهرداریها، متناسب با وظایف جدید قابل واگذاری با هدف: الف- کاهش تصدی امور شهری تا حد امکان. ب- تقویت مدیریت و برنامه ریزی امور شهری از سوی وزارت کشور.

- ضرورت پویایی و انعطاف پذیری در ساختار تشکیلاتی شهرداریها با در نظر گرفتن موقعیتهای متغیرهای خاص هر شهرداری از قبیل: گردشگری، میراث فرهنگی، زیارتی، نظافت شهری، بازرگانی و... از سوی وزارت کشور.

- ضرورت استفاده و حداکثر بهره گیری شهرداریها از پتانسیل بخش خصوصی، تعاونی و مردمی (NGO) در جهت کاهش امر تصدی شهرداریها.

- ضرورت اصلاح آیین نامه استخدامی شهرداریها و تجدیدنظر در حقوق پرسنل آنها از سوی وزارت کشور.

بیانیه کمیسیون آموزش و پژوهش

بیانیه کمیسیون آموزش و پژوهش نیز که توسط سرریزی، شهردار زاهدان، ارائه گردید حاوی موارد زیر است:

الف- لازم است که وزارت کشور در زمینه آموزش شهرداران، اقدامات زیر را انجام دهد:

- برنامه ریزی برای انجام بازدیدهای داخلی و خارجی شهرداران از تجارب موفق سایر شهرداریها.

- برگزاری دوره های آموزش مکاتباتی، حضوری (کوتاه مدت و میان مدت)، همایش، سخنرانیهای آموزشی و ...

- بررسی راهکارهای فعال سازی بهره گیری از اینترنت و اینترنت.

- بررسی راهکارهای انتخاب شهرداری نمونه به منظور آموزش و ترویج الگوهای موفق شهرداریها.

ب- لازم است وزارت کشور در مورد آموزش پرسنل شهرداریها اقدامات زیر را

انجام دهد:

- ایجاد رشته های تربیتی در مراکز آموزشی و همچنین آموزش مکانیک ای و دورهای کوتاه مدت، بر اساس طرح آموزش کارکنان، با همکاری وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری.

- ایجاد هماهنگیها با وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری و سایر مراکز آموزشی - پژوهشی در مورد آموزش پرسنل شهرداریها (آموزشهای قبل از خدمت و حین خدمت).

- بررسی راهکارهای گسترش آموزش شهیا و مهارتهای انفورمانیک در

اگر شهروانها به جای فعالیت در حوزه

تعمیر گیری و نگارند وارد حوزه اجرا شوند، نه شهروان نه بخش اجرایی هیچ یک نمی توانند به وظایف خود عمل کنند

و بررسی راهکارهای آموزش شهروندان.

- بررسی راهکارهای جلب مشارکتهای مردمی در امر آموزش شهروندان و تهیه طرحهای اجرایی آن. در سازمان مدیریت و برنامه ریزی موظف است یک ردیف ویژه بودجه را برای آموزش در شهرداریها اختصاص دهد.

ج- لازم است که وزارت کشور در امر اطلاع رسانی، اقدامات زیر را به انجام رساند:

- کمک به ایجاد مراکز اطلاع رسانی شهرداریها.

- ایجاد بانک اطلاعاتی شهری در سطوح ملی، استانی و ملی.

- کمک به تجهیز تقریبی بخش سخت افزاری شهرداریها.

- تسریع در زمینه صدور مجوز نشر خبرنگار سبک، روزنامه و هفته نامه به وسیله شهرداریها با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

و- وزارت کشور موظف است با همکاری استانها، تشکیلاتی را با عنوان پژوهش در شهرداریها ایجاد کند. سازمان مدیریت و برنامه ریزی موظف است یک ردیف بودجه برای امر پژوهش در شهرداریها اختصاص دهد.

بیانیه کمیسیون قوانین و مقررات

در بیانیه کمیسیون قوانین و مقررات که توسط بهاروند، شهردار خرم آباد، قرائت شد آمده است:

ضروری است که وزارت کشور نسبت به اصلاح و بازنگری در قانون شهرداریها با دیدگاههای زیر اقدام کند:

- ششاخت نسبت به آن دسته از قوانینی که با وضعیت فعلی شهرها متناسب نیستند.

- ششاخت خلأهای قانونی در وظایف شهرداریها به منظور دستیابی به راهکارهای مناسب.

- پیشنهاد تدوین قوانین و مقررات جدید در اموری که فاقد قوانین است.

- اهتمام در رفع ابهامات و مناقش از قوانین و مقررات.

- ایجاد هماهنگی در قوانین و مقررات.

- ایجاد هماهنگی در قوانین و مقررات شهرداریها با سایر دستگاهها.

- اتخاذ راهکارهای مناسب به منظور اجرای دقیق قوانین و مقررات.

مطالعه و بررسی تجارب کشورهای پیشرفته و تطبیق قوانین با کمسیونهای بین المللی در موارد ضروری.

تعیین جایگاه دقیق شهرداریها در سلسله مراتب نظام حکومتی.

تدوین قوانین، متناسب با مقتضیات، درجات و اندازه شهرداریها.

تعیین وظایف شهرداریها و دستگاههای ذی ربط در اداره امور شهر و ارائه راه حلها، رفع تداخل در زمینه اجرای ماده ۱۳۶ قانون برنامه سوم توسعه.

انطباق قانون با کنوانسیونها و اصول و قواعد بین المللی.

بهبود روشهای اجرایی و قانون شهرداری و قوانین مرتبط.

تعیین، تکنیک و تمیز وظایف شهرداریها و شوراها و تشریح موارد ابهام.

ایجاد یکپارچگی در قوانین مربوط به شهرداریها.

تعیین و تنظیم حقوق و تکالیف شهروندان و شهرداریها نسبت به یکدیگر.

قطعاتنامه

همچنین در پایان این همایش، قطعاتنامه‌ای با ۲۰ ماده به این شرح ارائه گردید:

۱- با توجه به نقش آمار و اطلاعات در برنامه ریزی و اداره امور شهرها ضروری است تا در سطح کلان، مرکز آمار ایران با همکاری وزارتخانه‌ها و سازمانهای ذی ربط اطلاعات لازم را در قالب طرح جامع اطلاعات مدیریت شهری کشور جمع آوری و در اختیار نظام برنامه ریزی و مدیریت کلان شهری کشور قرار دهد و در سطح محلی شهرداریها موظف به ایجاد نظام ثبت آمار و اطلاعات در تشکیلات خود باشند.

۲- نظریه مسئولیت شهرداریها در اجرای برنامه‌های توسعه شهری لازم است که شهرداران به نحو مناسبی در تمامی شوراها و کمیته‌های برنامه ریزی استانی و ملی عضویت یابند.

۳- با توجه به اهمیت طرحهای توسعه شهری، ضروری است که شهرداریها در فرآیند تهیه، تدوین، اجرا، نظارت و بهره‌برداری از منابع حاصل از این طرحها نقش مؤثری داشته و در نظامات اجرایی طرحهای توسعه شهری از سوی وزارت کشور و وزارت مسکن و شهرسازی تجدیدنظرهای لازم انجام گیرد.

۴- نظریه ضرورت اقدام شهرداریهای کشور در تهیه و تدوین

چنانچه به سمتی حرکت کنیم که طبق قوانین و مقررات، امور قابل واگذاری را از وزرا سلب و به افراد دیگری واگذار کنیم؛ این عمل به معنای سلب اختیار از وزرا نیست، بلکه این حکم قانونی جدید خواهد بود و من توان مشکل قانون اساسی را از طریق قوانین عادی حل نمود. در صورت حل این مشکل و گسترش تمرکز داری، جایگاه حوزه مدیریت شهری نیز تقویت می شود

برنامه‌های پنجساله لازم است با استفاده از مشاوران و کارشناسان متخصص، این برنامه‌ها تهیه و نسبت به اجرای آن اهتمام کامل به عمل آید.

۵- با توجه به اهمیت ارزیابی عملکرد شهرداریها ضروری است تا سازو کارهای مناسب بر پایه تحقیقات علمی در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی با مشارکت شهروندان تهیه و اجرا شود.

۶- با توجه به ابلاغ اساسنامه سازمان شهرداریهای کشور از سوی سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ضروری است که وزارت کشور در اسرع وقت نسبت به تأسیس این سازمان و مؤسسات وابسته، بویژه مؤسسه اعتباری شهرداریها و شعبه استانی، حداکثر تا پایان سال ۱۳۸۰ اقدامات لازم را انجام دهد.

۷- با توجه به مسئولیت شهرداریها در اجرای طرحهای توسعه شهری ضروری است که تمامی نهادهای مرتبط، اعم از دولتی و غیردولتی، هماهنگی و تبعیت

لازم را با مفاد این طرحها بنمایند.

۸- به منظور انعطاف پذیری ساختار تشکیلاتی شهرداریها - بویژه در زمینه آموزش و پژوهش - برای انجام وظایف لازم است که اختیار طراحی ساختار تشکیلاتی شهرداریها، در چارچوب سیاستهای کلان کشور به شهرداریها واگذار گردد و در این جهت ضروری است که شهرداریها به منظور اجرای شایسته وظایف خود از مشمول قانون نظام هماهنگ پرداخت خارج گردند.

۹- با توجه به جایگاه محلی و منطقه‌ای برخی از فعالتهای عمرانی، خدماتی و رفاهی شهرداریها و به منظور جبران بخشی از هزینه‌های مربوطه بویژه فعالتهای آموزشی و پژوهشی لازم است دولت محترم کمکهای مالی مناسبی برای شهرداریها در بودجه سنواتی خود پیش‌بینی نماید.

۱۰- به منظور شناسایی منابع جدید درآمدی و بهبود نحوه وصول درآمدها و عوارض شهرداریها لازم است وزارت کشور با همکاری دستگاههای ذی ربط اقساماتی را مانند انجام مطالعات و تحقیقات، طراحی نظام مکانیزه عوارض و حسابداری یکپارچه و اصلاح نظام فعلی بودجه نویسی شهرداریها انجام دهد.

۱۱- به منظور تعیین و شناسایی خدمات شهرداریها به سایر دستگاهها و نهادهای پیش‌بینی ساز و کار مناسب وصول بیهای این خدمات لازم است وزارت کشور با همکاری شهرداریها مطالعات و اقدامات اجرایی لازم را انجام دهد.

۱۲- ضروری است که وزارت کشور نسبت به بازنگری و اصلاح در قانون شهرداریها و شوراها اقدام نماید؛ دیدگاههای زیر اقدام نماید:

الف - شناخت نسبت به آن دسته از قوانین که با وضعیت فعلی شهرها متناسب نیست و اهتمام در رفع ابهامات و نقایص از قوانین و مقررات و تقویت ضمانتهای اجرایی قوانین مرتبط با شهرداریها.

ب - تعیین جایگاه دقیق شهرداریها در سلسله مراتب حکومتی.

ج - ضرورت انتخاب مستقیم شهردار از سوی مردم و تبیین شرایط نامزدی شهردار.

د - کاهش امر تصدی در خدمات شهری و افزایش نقش مدیریت شهرداریها در نظام مدیریت شهری.

ه - تبیین و تنظیم حقوق و تکالیف

۱۶- پیشنهاد می شود وزارت کشور با همکاری سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور ردیف بودجه خاصی برای آموزش و پژوهش در شهردارها اختصاص دهد.

۱۷- لازم است وزارت کشور با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نسبت به ایجاد مراکز اطلاع رسانی در شهردارها تسریع و در زمینه صدور مجوز نشر خبرنامه های محلی، روزنامه ها و هفته نامه ها توسط شهردارها اقدامات لازم را انجام دهد.

۱۸- با توجه به اهمیت مشارکت های مردمی در اداره امور شهرها و بهره گیری از توان سازماتهای غیردولتی لازم است شهردارها در این زمینه راهکارهای اجرایی لازم را با همکاری وزارت کشور تهیه و اجرا نمایند.

۱۹- به منظور تبادل نظر در زمینه مسائل و مشکلات شهردارها لازم است وزارت کشور و استاندارها همایشهای مرتبط را با همکاری شهردارها در سطوح ملی و منطقه ای برگزار نمایند. به این منظور ضروری است دبیرخانه دائمی همایش شهرداران کشور در سازمان شهردارها یا کشورهای اتحاد و نسبت به برگزاری مقاد فیلدنامه حمایتها اقدامات لازم را انجام دهند.

۲۰- از دولت محترم مصرانه درخواست می شود نسبت به منطقی کردن سهم بخشهای مختلف درآمد شهردارها از قبیل زمین و ساختمان، عوارض مصرف کننده از تولیدات صنعتی و کشاورزی، حمل و نقل، فرآورده های نفتی و گاز، خدمات عمومی شهری از قبیل مختابرات، آب و فاضلاب، برق و... شوراها و شهردارهای کشور را یاری دهند.

شایان ذکر است به منظور تعیین ۳ نفر از شهرداران به عنوان اعضای شورای سازمان شهردارهای کشور و ۲ عضو شورای آموزش معاونت هماهنگی امور عمران وزارت کشور، آقایان گومی، شهر دار امیدیه فتح الهی، شهر دار تبریز و جواد، شهر دار اصفهان، به عضویت شورای سازمان شهردارها و ریاحی، شهر دار تربت حیدر به و شاکری، شهر دار سنندج، به عضویت شورای آموزش برگزیده شدند.

باید به فکر در آمد شهردارها نیز بود و تلاش نمود تا دست شهردارها برای تأمین منابع درآمدیشان باز شود و راههای بیشتری برای کسب در آمد بیابند. برای این منظور برنامه که به جای تعیین مبلغ عوارض، در صد آن را مشخص کنیم، زیرا این عمل ماندگاری بیشتری داشته و نوسانات قیمت را نشان خواهد داد.

چ- بررسی راهکارهای انتخاب شهرداری نمونه به منظور آموزش و ترویج الگوهای موفق شهردارها.

۱۲- لازم است وزارت کشور در مورد آموزش کارکنان شهردارها نسبت به ایجاد رشته های ذی ربط در مراکز آموزشی و همچنین آموزش مکانیکی و دوره های کوتاه مدت بر اساس طرح آموزش کارکنان، با همکاری وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری اقدام نماید.

۱۵- لازم است وزارت کشور با همکاری دستگاههای مرتبط و شهردارها در زمینه آموزش شهروندان با هدف ارتقای سطح آگاهیهای عمومی اقدامات بر را انجام دهد.

الف- بررسی شیوه های استفاده شهردارها از رسانه های گروهی جهت آموزش شهروندان و ایجاد باکس تلویزیونی شهردارها با همکاری سازمان صدا و سیما.

ب- بررسی و سنجش نیازهای آموزشی شهروندان در حوزه مسائل شهرنشینی از سوی شهردارها و بررسی راهکارهای آموزش شهروندان، بویژه گنجاندن مطالب آموزش شهرنشینی در کتب درسی.

ج- بررسی راهکارهای جلب مشارکت های مردمی در امر آموزش شهروندان و تهیه طرح اجرایی آن.

شهروندان و شهردارها نسبت به یکدیگر.

و- اجازه تعیین مقررات متناسب با مقتضیات، درجات و اندازه شهردارها به شورای اسلامی شهرها.

ز- بررسی تجارب کشورهای پیشرفته و تطبیق قوانین با کنوانسیون ها و اصول و قواعد بین المللی در موارد ضروری.

ح- ایجاد هماهنگی در قوانین و مقررات شهردارها با سایر دستگاهها.

ط- اصلاح قوانین به نحوی که شهردارها به عنوان کارفرما تهیه تمامی طرح های محلی (جامع، تفصیلی و هادی) تعیین گردند.

ی- اصلاح قانون لغو ماده ۹۰ قانون محاسبات عمومی جهت وصول مطالبات شهردارها از دستگاههای دولتی، نظامی و انتظامی.

۱۲- لازم است که وزارت کشور در خصوص آموزش شهرداران اقدامات زیر را به انجام رساند:

الف- برنامه ریزی برای انجام بازدیدهای داخلی و خارجی شهرداران از تجارب موفق سایر شهردارها.

ب- برگزاری دوره های آموزش مکانیکی، حضوری (کوتاه مدت و میان مدت)، همایشها، سخنرانیهای آموزشی و

در همایش طرح منابع
حالی یکسان آتش نشانیها
طرح شد

اساسنامه سازمانهای آتش نشانی اصلاح می شود

همایش بررسی طرح منابع
حالی یکسان آتش نشانیهای
کشور با حضور مدیران عامل
سازمانهای آتش نشانی و رؤسای
شوراهای اسلامی شهرهای
مراکز استان در تهران برگزار شد
و موضوعاتی از جمله برنامه های
آینده وزارت کشور در زمینه
مسائل ایمنی و آتش نشانی، نقش
شوراهای و مشارکت مردمی در
تامین ایمنی شهر، مراحل تهیه و
تدوین این نامه مالی و درآمدی
یکسان آتش نشانیها و اصلاح
اساسنامه سازمانهای
آتش نشانی مورد بحث و بررسی
قرار گرفت.

در این همایش علی بنوفور، مدیرکل
دفتر برنامه ریزی عمرانی، به بیان عملکرد و
برنامه های آینده وزارت کشور در زمینه مسائل



ایمنی و آتش نشانی پرداخت و گفت برای
نخستین بار، دوره های آموزش مقدماتی
یکسان برای پرسنل سازمانهای آتش نشانی
برگزار شد که ۱۵۰ تن از آتش نشانان شهرهای
مختلف، این دوره را با موفقیت پشت سر
گذازیدند. همچنین با توجه به وظایف
سازمانهای آتش نشانی و اهمیت آمادگی
جسمانی در نیروهای آتش نشانی، افسال نیز
تخصصی آمادگی عملیاتی - ورزشی
آتش نشانان کشور در شیراز برگزار شد.
برگزاری هر ساله این مسابقات، موجب تشویق
پرسنل آتش نشانی به ورزش و ایجاد آمادگی
جسمانی در آنان خواهد شد.
وی ادامه داد: با تصویب شورای فرهنگ
موسمی کشور مقرر شده است که هر ساله روز

هفتم مهرماه به عنوان روز آتش نشانی و ایمنی
در تقویم کشور فرج کردند. براین اساس تا
اکنون در روز هفتم مهرماه سال ۱۳۸۰
برنامه ای ویژه جهت آموزش شهروندان و
شناساندن این حرفه برگزار نمایم. همچنین
برای کاهش خسارات مالی و تلفات جانی
ناشی از ناآگاهی شهروندان قرار است یک
بخش ویژه تلویزیونی جهت آموزش
شهروندان و ترویج فرهنگ ایمنی اختصاص
یابد و یک سریال تلویزیونی نیز در همین زمینه
در دست تهیه است.

تأیید رئیس ستاد هماهنگی امور ایمنی و
آتش نشانی کشور در مورد برنامه های آینده
وزارت کشور در باره مسائل ایمنی و
آتش نشانی بیان داشتند در نظر است. اولین
همایش جهنمدی ایمنی و پیشگیری از
آتش سوزی در اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۰ با
همکاری دانشگاهها و جامعه علمی و
متخصصان کشور برگزار گردد و تا به حال ۳۰
مقاله علمی در این زمینه به دبیرخانه همایش
ارسال شده است. در مورد منابع آموزش نیز نو
کتاب با عناوین مالی آتش نشانی و بررسی
علل حریق توسط دبیرخانه ستاد هماهنگی
امور ایمنی و آتش نشانی کشور تألیف و منتشر
شده و تا پایان سال جاری ۴ کتاب دیگر نیز در
زمینه ضوابط ایمنی و مسائل آتش نشانی
منتشر خواهد شد.

نوفور با اشاره به ایجاد رغبت و جلب
مشارکت متخصصان ایمنی و ارتقای دانش
علمی مربوط به ایمنی شهرها به تشریح
بروزهای مطالعاتی دفتر برنامه ریزی عمرانی
پرداخت و تصریح کرد: اولین پروژه مطالعاتی
که در حال انجام است، پروژه ای است تحت
عنوان بررسی وضعیت حوادث شهری ناشی از
آتش سوزی و ارائه طرح جامع آموزش
شهروندان. همچنین از آنجا که طراحی
ایستگاههای آتش نشانی و احداث آنها در
شهرهای کشور از ضوابط و مشخصات
یکسانی پیروی نمی کند، پروژه های مطالعاتی
طراحی و تهیه نقشه های تپ ایستگاههای
آتش نشانی و ارائه مدل و ضوابط مکان یابی
ایستگاههای آتش نشانی در حال انجام است تا
در مکان یابی و طراحی ایستگاهها نیز ضوابط
مشخصی تعیین و در اختیار آتش نشانیها قرار
گیرد.

مدیرکل دفتر برنامه ریزی عمرانی ادامه
داد: برای تهیه لباس فرم یکسان آتش نشانان،
قراردادی با یکی از دانشگاهها منعقد گردید و
تاکنون حدود ۴ طرح مشخص توسط دانشگاه
پارسیته ارائه شده است که پس از بررسی در
کمیته تخصصی، یک طرح انتخاب می شود و
جهت تصویب به مراجع ذی ربط ارسال

می گردد.

نوفور با اشاره به کمبود نیرو در
آتش نشانیهای کشور ابراز داشت: با موافقت
قرباندهای معظم کل قوا جهت استفاده از
نیروهای وظیفه در آتش نشانی ۲۳ نفر از این
نیروها در سال جاری جذب آتش نشانی تهران
شدند و در نظر است این سهمیه را تا سقف
۵۸۰ نفر نیروی دیپلم و ۸۰ نفر نیروی سنیاسی
افزایش دهیم. همچنین این نیروها می توانند
پس از طی دوره خدمت خود در صورت رضایت
مدیرانتهای مربوطه، به استخدام سازمانهای
آتش نشانی و ایمنی شهرهای کشور نیز در
آیند.

وی با ذکر طرح منابع درآمد یکسان ادامه
داد: طرح منابع درآمدی یکسان کمک خواهد
کرد تعرفه های یکسانی برای اخذ درآمد در بین
آتش نشانیها در نظر گرفته شود تا
آتش نشانیهایی که با کمبود منابع در آمدی
روبه رو هستند بتوانند بخش کوچکی از
مشکلات درآمدی خود را جبران نمایند.

وی با اشاره به مشکلات ناشی از نبودن
قوانین ایمنی در روستاها افزود: تنها اقدامی که
در مورد آتش نشانی روستایی صورت گرفته،
تخصیص اعتباری در سال ۱۳۷۹، بالغ بر ۲۴۳
میلیون تومان برای احداث تنها ۸ پایگاه
آتش نشانی بوده است. این اقدام در طول برنامه
سوم توسعه نیز ادامه خواهد داشت.

شورا و ایمنی شهر

محمد اسلامی، معاون دفتر برنامه ریزی
عمرانی، در تبیین نقش شوراهای و مشارکت
مردمی در تامین ایمنی شهر گفت: اصولاً
فلسفه شکل گیری شوراها ایجاد تشکلهای
مردمی مختلف و نظرخواهی جهت اداره بهتر
امور شهر بوده است. شوراها - که نمایندگان
واقعی مردم هستند - وظیفه دارند ارتباطی
مستمر و مستقیم با مردم شهر برقرار نمایند و
به دنبال اجرای خواسته های آنان باشند.

وی با اشاره به شکل گیری تشکلهای
مردمی در سال ۱۳۷۳ میلادی در جهان ادامه
داد: از آنجا که حفظ بهداشت محیط شهر، حفظ
ایمنی و حرارت شهر در مقابل آتش سوزی و
حوادث، ارائه خدماتی چون نگهداری فضای
سبز و توسعه پایدار شهری، صرفاً با
توانمندیهای دستگاههای دولتی و فدرالی
امکان پذیر نیستند بنابراین باید به دنبال
مشارکتهای مردمی بود و در این صورت با
عضویت نیروهای مردمی در این تشکلهای آنان
از کسرات شناسایی، شرح وظایف و آموزشهای
لازم برخوردار خواهند شد.

معاون دفتر برنامه ریزی عمرانی با طرح
این مسئله که در رأس تشکلات مردمی چه
کسانی قرار خواهند گرفت، گفت: آتش نشانان

بازننشسته و یا شاغل، از بهترین هسته‌های اولیه برای ایجاد تشکلات مردمی جهت حفظ شهر در مقابل آتش سوزی هستند، از آنجا که آتش نشانان بازنشسته، عملاً با ۳۰ سال تجربه مفید و مؤثر بلااستفاده می‌مانند، در صورت قرار گرفتن در رأس تشکلهای مردمی، می‌توانند تشکل مردمی کارآمدی ایجاد کنند. همچنین استفاده از نظامیان بازنشسته، دانشجویان و دانش آموزان نیز باید فراموش نشود.

اسلامی، نقش نیروهای داوطلب را در اثر از املهای حریق دست واقتزود، بهترین قدرای که می‌توانند در شناسایی و شناخت عوامل آتش‌پذیر و خطرها کمک نمایند، تشکلهای مردمی هستند، آنان با شناخت و معرفی مراکز خطر آفرین و مراکزی که باید تحت حفاظتهای خاص در مقابل آتش سوزی قرار بگیرند، از بروز حادثه جلوگیری می‌نمایند، همچنین به علت عدم امکان آموزش همه مردم، نیروهای داوطلب می‌توانند پس از کسب آموزشهای لازم، آن را در اختیار مردم قرار دهند.

تدوین آیین نامه مالی؛ یکسانی شاخصهای درآمدی

در ادامه همایش مجید عبدالهی، دبیر ستاد هماهنگی امور ایمنی و آتش نشانی کشور، در زمینه مراحل تهیه و تدوین آیین نامه‌های مالی و درآمدی آتش نشانیهای کشور گفته هدف از تدوین آیین نامه مالی، یکسان کردن شاخصهای درآمدی و کسب درآمد در سطح سازمانهای آتش نشانی کشور است.

وی در توضیح بیشتر گفت: در این زمینه یک موضوع، منابع درآمدی است که سازمانهای آتش نشانی می‌توانند از طریق آن کسب درآمد کنند، برای هر یک از این منابع درآمدی، گد خدمات، تعریف شده است و هر گد پس از طبقه بندی در قالب ۶ رتبه که شامل اطفای حریق و نجات، خدمات پیشگیری، خدمات آموزشی، خدمات پژوهشی - تخصصی، خدمات بازرگانی و خدمات پشتیبانی است نرخ تعرفه‌های نیز مشخص شده و این نرخ، تلفیق است از برزیلهای کارشناسی و نرخ تعرفه‌هایی که در سازمانهای آتش نشانی، ممالک عمل قرار می‌گیرد.

دبیر ستاد هماهنگی امور ایمنی و آتش نشانی کشور در زمینه ساختار آیین نامه یادشده گفت آنچه را که در ساختار آیین نامه مدنظر داشتیم، بحت خدمات آموزشی و پژوهشی بود که در بخشهای آموزش عمومی و تخصصی کارکنان و خدمات کمک

آموزشی معین شده است. همچنین پیشگیری و خدمات کارشناسی، اجرایی و جانی را نیز مدنظر دادیم.

وی افزود: گد خدماتی که برای خدمات تخصصی و پژوهشی در نظر گرفته شده بررسی کیفی و انجام فعالیتهای کارشناسی به منظور بررسی کیفیت تجهیزات و مواد مصرفی و خدمات مشاوره‌ای در زمینه مسائل آموزشی، پیشگیری و تحقیقات ایمنی است. همچنین در بحث خدمات بازرگانی، فروش تجهیزات و ملزومات آتش نشانی، سرویس و نگهداری، شارژ خاموش کننده‌ها، شارژ دستگاههای تنفسی و تعمیرات آنها مدنظر است و در بخش خدمات پشتیبانی، یعنی

آتش نشانان بازنشسته و

یا شاغل، از بهترین هسته‌های اولیه برای ایجاد تشکلات مردمی جهت حفظ شهر در مقابل آتش سوزی هستند، از آنجا که آتش نشانان بازنشسته، عملاً با ۳۰ سال تجربه مفید و مؤثر بلااستفاده می‌مانند، در صورت قرار گرفتن در رأس تشکلهای مردمی، می‌توانند تشکل مردمی کارآمدی ایجاد کنند

هدف از تدوین آیین نامه

مالی، یکسان کردن شاخصهای درآمدی و کسب درآمد در سطح سازمانهای آتش نشانی کشور است

اجاره مسائین آلات مختلف موجود در آتش نشانی و بناهایی که می‌توانند به صورت عمومی مورد استفاده قرار گیرند مانند استخر، مدنظر قرار گرفته است، نهایتاً در این طرح، خدمات در ۳۶ رتبه تفکیک شده و نرخ تعرفه‌های درآمدی آنها نیز مشخص شده است.

لزوم اصلاح اساسنامه سازمانهای آتش نشانی متناسب با ساختار سازمانی آنها و تعیین کمیته اصلاح اساسنامه، توسط مقامی، دبیر کمیته منابع مالی و درآمدی، مطرح شد، وی در این باره گفت: اساسنامه فوق که دارای ۳۸ ماده، ۲۷ تبصره و ۴ فصل است، در سال ۱۳۷۸ به شهرهای بالای

یکصد هزار نفر جمعیت ارسال شد.

وی افزود: در نظر بود با هماهنگی شوراهای شهر و ارسال نکات مورد نظر آنها، پس از تصویب برای مراحل بعدی به وزارت کشور ارسال شود، این اقدام تا کنون تنها از سوی ۲۹ شهر انجام شده است.

وی ادامه داد: به همین منظور، کمیته‌ای به نام کمیته اصلاح اساسنامه که شامل مدیران و کارشناسان متخصص مربوطه در ۵ شهر بزرگ می‌شود، تشکیل می‌گردد و تا پایان سال جاری، مسائل و پیشنهادهایی که در زمینه اصلاح اساسنامه ارائه می‌شود، به اداره کل شهرداریها از چاب خود خواهند.

در پایان همایش، دبیر ستاد هماهنگی امور ایمنی و آتش نشانی کشور در جلسه پرسش و پاسخ در مورد کمک وزارت کشور به نقاظ محروم گفت: برای نخستین بار در تاریخ برافه مردمی کشور، اقتضای برای احداث ایستگاههای آتش نشانی، تجهیز آنها و نصب نیروهای آتش نشانی در شبکه ابرسانی شهرها اختصاص یافت و تعداد ۲۲۲ ایستگاه آتش نشانی در طول برنامه سوم توسعه احداث گردید، همچنین در طول برنامه سوم توسعه در ۶۵ روستای کشور پایگاه آتش نشانی احداث خواهد شد.

وی در پاسخ به سؤالی درباره تهیه راهکاری مناسب در زمینه منابع مالی شهرداریها و یا کاهش هزینه‌ها افزود: به جز عمده ۲۰-۸۰ درصد از برآمدهای شهرداری به درآمدهای حاصل از مسکن متکی است، از سوی دیگر، تمامی خدماتی که برای اطفای حریق ارائه می‌شوند رایگان بوده و هزینه‌های از شهروندان در این زمینه اخذ نمی‌شود، بنابراین سعی ما بر این است تا برای برخی از خدمات جانی و تأمین ایمنی بیشتر و ارائه خدمات احتیاطی اطفای حریق و امداد و نجات درآمدی در نظر گرفته شود.

اسلامی، معاون دفتر برنامه‌ریزی عصرانی، نیز در جمع بندی مسائل مطرحه ابراز داشته در برخی شهرها درآمدی بابت ارائه بعضی خدمات جانی توسط سازمانهای آتش نشانی اخذ می‌شود، ولی این درآمدها قانونمند نبوده و براساس تعرفه‌های مشخص صورت نمی‌گیرد، از این رو هدف این است که این درآمدها هدفمند شوند و در قالب خاصی وصول گردند، البته باید توجه داشت که این نوع درآمدها بخت بسیار اندکی از بودجه سازمان آتش نشانی را پوشش خواهند داد و نمی‌توانند به معنای خودکفایی سازمان آتش نشانی تلقی شوند.

ترمیم فضای سبز مرودشت

شهرداری مرودشت در استانه فصل رویش گیاهان، فضای سبز این شهر را ترمیم کرد.

مهرداد تفتین، شهردار مرودشت، در حاشیه همایش شهرداران شهرهای بالای یک صد هزار نفر در تهران به خبرنگار ما گفت: از آنجا که گونه‌های به کار رفته در فضای سبز شهر مرودشت با آب و هوای شهر سازگاری نداشته، شهرداری بر آن شد تا از گونه‌های متناسب با شرایط اقلیمی استفاده کند.

وی افزود: فضای سبز مرودشت عمدتاً پوشیده از درختان اکالیپتوس بود. این گونه گیاهی به دلیل مقاومت پایین و ناستواری به هنگام بروز حوادث طبیعی همچون باد و باران قطع می‌شد و مشکلاتی را نظیر تخریب امقالت، قطع برف، مسدود کردن راه‌های ارتباطی و...

به وجود می‌آورد. تدین ادامه داد: پس از مطالعات کارشناسی بر روی انواع گیاهان منطقه، دو نوع درخت نارنج و چنار، متناسب با شرایط اقلیمی شناخته شد و جایگزینی آنها با اکالیپتوس آغاز گردید.

شهردار مرودشت در باره دیگر اقدامات شهرداری در زمینه فضای سبز منطقه خاطر نشان کرد: به منظور گسترش فضای سبز منطقه و گسترش فرهنگ درختکاری، شهرداری اقدام به برگزاری جشن درختکاری و احداث پارک در مناطق محروم شهر نموده است. همچنین شهرداری درخت رایانه مدارس پرده است تا دانش آموزان، خود به غرس نهال بپردازند و با این عمل، احساس مسئولیت در مقابل حفظ فضای سبز از خردسالی در آنان تعمیق یابد.



رادیواکتیو که در عکسبرداری و پرتو درمانی مورد استفاده قرار می‌گیرند، زیاده‌های شیمیایی (اشکال مختلفی از مواد زاید از مایشکاهها)، زیاده‌های عفونی که قادرند حداقل یک بیماری عفونی را منتقل سازند، زیاده‌های دارویی شامل داروهای تاریخ مصرف گذشته، ظروف تحت فشاری که برای اهداف آموزشی و درمانی استفاده می‌شوند و وسائل نوک تیز و برنده.

با توجه به برخورداری زیاده‌های یاد شده از انواع و اقسام عوامل بیماری‌زا و آلوده کننده محیط زیست از قبیل پس ماند‌های تیزریقات، ماسکها، آلبه، نمونه‌های خون، مخچه‌های گشت و... تهدیدی جدی برای سلامت جامعه محسوب می‌شوند.

اما با وجود ابلاغ دستورالعمل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، موارد یاد شده در برخی از شهرستانها رعایت نمی‌شود و این زیاده‌ها به صورت آلودگی در خازن شهرها جمع می‌شوند و اقراود سود جو، اقدام به جمع‌آوری و باز یافت آنها می‌کنند!

بنابراین شهرداریها ملزم هستند با درک حساسیت این موضوع، نسبت به تقن بهداشتی زیاده‌های یاد شده اقدامات لازم را به عمل آورند.



اقراود سود جو، این زیاده‌ها را جمع‌آوری و به کارگاههای غیربهداشتی باز یافت منتقل می‌کنند تا به ظروف یک بار مصرف و پلاستیکی تبدیل شوند!

لازم به ذکر است که عمده‌ترین زیاده‌های خطرناک بیمارستانی عبارتند از: زیاده‌های پاتولوژیک (این زیاده‌ها بالقوه امکان ایجاد بیماری داشته و عوامل بیماری‌زا در آنها زیاد است)، زیاده‌های رادیواکتیو شامل زیاده‌های جامد، مایع و گازی آلوده به مواد

شهرداریها مراقب زیاده‌های بیمارستانی باشند

شهرداریهای سراسر کشور بر اساس بخشنامه معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور، ملزم به جلوگیری از هر گونه باز یافت مواد زاید جامد بیمارستانی هستند.

زیاده‌های بیمارستانی اعم از کسه‌های خون، کسه‌های سرم، سرنگه، وسائل محیط گشت آزمایشگاه و... آلوده به میکروبهای مختلف و انتقال دهنده بیماریهای مسری هستند. گاه

تشکیل سازمان اتوبوسرانی در شهرهای ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفری

کرمانشاه - سعبنده نوری

در شهرهای با جمعیت ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر، سازمان اتوبوسرانی تشکیل می‌شود. احمد خرم، معاون هماهنگی امور عمرانی وزیر کشور، در جلسه شهرداران و اعضای شوراهای اسلامی شهرهای استان کرمانشاه گفت: با تشکیل سازمان اتوبوسرانی در شهرهای با جمعیت ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر، حرکت جدیدی در حمل و نقل عمومی ایجاد می‌شود.

وی با اشاره به وضعیت تاکسیرانی‌ها افزود: شهرها باید از وضعیت فعلی تاکسیرانی خارج شوند و از خودروهای دیگری غیر از یکدان جهت تاکسی استفاده شوند؛ چرا که تاکسی‌های یکدان، چهره شهرها را به هم زداند. علاوه بر این، باید پذیرفت که به دلیل امتهلاک بالای یک تاکسی نباید بیش از ۵ سال در سطح شهر تردد نماید.

خرم با اشاره به راه‌اندازی قطار شهری گفت: هم اکنون شهرهای مشهد، اصفهان، شیراز، تبریز و اراک در صدد راه‌اندازی قطار شهری هستند و در آینده کرمانشاه و قم نیز - که جمعیتی بالای ۷۰۰ هزار نفر دارند - دارای قطار شهری می‌شوند.

معاون وزیر کشور به تشکیل سازمان شهرداریها اشاره کرد و گفت: از جمله وظایفی که بر عهده سازمان شهرداریهاست، تشکیل اتحادیه سازمانهای تحت پوشش شهرداریهاست. لذا تجربیات مدیریت شهری را به شهرداران منتقل کند و از آنان پشتیبانی

نمایند. خرم ادامه داد: ما در صدد هستیم تا تماس انجمنی را که امروزه در تصدی شهرداریهاست، از طریق این سازمان واگذار کنیم و توان تصمیم‌گیری و سطح اختیارات را در سازمانهای محلی گسترش دهیم. وی در مورد کمک به شهرداریها

به زودی اصلاح شود. در واقع دهیاری، سازمانی مانند شهرداری است که با قوانین و اختیارات کامل در روستاها عمل خواهد نمود.

وی همچنین یکی از مشکلات شهرداریها را میزان اختیار نشان عنوان کرد و افزود: هم اکنون بسیاری از امور شهر و روستا در اختیار دولت است؛ در حالی که



آن امور جزء وظایف شورای شهر و دهیارهاست و شورای شهر و شهرداری باید بر آن امور نظارت کنند. خرم یکی از مشکلات شوراها را عدم ارتباط آنها با دولت عنوان کرد و افزود: شوراها فاقد حلقه ارتباطی با دولت هستند که این موضوع باعث بروز برخی مشکلات و سوء تفاهات می‌گردد.

گفته در سال ۱۳۷۷، ۱۸/۶ میلیارد تومان اعتبار به شهرداریها اختصاص یافته بود که این اعتبار در سالهای ۲۹-۱۳۷۸، ۲/۶ درصد افزایش یافت و در سال آینده به ۱۰۰ میلیارد تومان نیز خواهد رسید. خرم همچنین به تنظیم اساسنامه دهیارها توسط معاونت هماهنگی امور عمرانی اشاره کرد و گفت: این اساسنامه ۱۲ ماه پیش تنظیم شده است و امیدواریم

تصمیم‌گیری کنند. آنان درس واقعی زندگی را از طریق مشارکت و فعالیت در مدرسه کسب می‌کنند.

وی با اشاره به زمان و شیوه اجرای این طرح اظهار کرد: در روزهای ۲۲ و ۲۵ آبان ماه سال آینده به ترتیب در مدارس دخترانه و پسرانه اهواز انتخابات شورا و شهرداریهای مدارس همزمان با ۲۱۵ مدرسه راهنمایی در تهران آغاز می‌شود. مجری طرح شهردار مدرسه در اهواز افزود: در این طرح در هر مدرسه راهنمایی ۵ نفره عنوان اعضای شورای شهر، یک نفر شهردار و ۶ نفر معاونان شهردار در امور مختلف فرهنگی، ایمنی، اجتماعی، بهداشت و محیط زیست، ورزشی و تفریحی با رأی مستقیم دانش آموزان همان مدرسه انتخاب می‌شوند.

وی درباره نحوه نظارت بر اجرای مطلوب این طرح گفت: در هر مدرسه از میان مدیر یا معاون، یک نفر به عنوان مجری طرح انتخاب می‌شود و به همراه دو نفر کارشناسان رابط از شهرداری و آموزش و پرورش، ستاد منطقه را تشکیل می‌دهند.

شایان ذکر است این طرح - که به صورت آزمایشی و پس از تصویب شورای شهر برای اولین بار در اهواز برگزار می‌شود - با همکاری و همفکری معاونت پرورشی اداره کل آموزش و پرورش و با پشتیبانی شهرداری اهواز به اجرا در می‌آید. افزون بر این، از هفتم آبان ماه، نصب و بخش اطلاعیه‌ها و آگهی‌های تبلیغاتی و انتخاباتی نیز آغاز می‌شود و تا هفدهم آبان ماه ادامه می‌یابد.

اجرای طرح شهردار مدرسه در اهواز

شهرداری اهواز، طرح شهردار مدرسه را برای اولین بار در استان خوزستان اجرا می‌کند.

به گزارش روابط عمومی شهرداری اهواز، این طرح به منظور بالا بردن روحیه مشارکت نوجوانان و شخصیت‌بخشیدن به آنان، ایجاد مهارت‌های شخصی، شناخت شهر و مدرسه و ایجاد رابط‌های عاطفی و مسئولانه نسبت به محیط زندگی در ۱۰ مدرسه راهنمایی مناطق پنج گانه اهواز به اجرا در می‌آید.

مجری طرح شهردار مدرسه، در مورد اجرای این طرح گفت: از طریق این طرح، دانش آموزان می‌آموزند که چگونه

در ملایر

چهارمین همایش شهرداران استان همدان برگزار شد

همدان - ابراهیم پوینده

چهارمین همایش شهرداران استان همدان، در ملایر برگزار شد.

در این همایش - که معاون امور عمرانی استانداری، شهرداران و کارشناسان دفتر امور شهری و روستایی حضور داشتند - بازووند، معاون امور عمرانی استانداری همدان، ضمن تشریح وظایف حوزه معاونت امور عمرانی به تشکیل شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان اشاره کرد و گفت: این شورا ۱۸ کمیته فرعی خواهد داشت و نظریات کارشناسی این کمیته‌ها به شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان ارائه خواهد شد.

وی افزود: از جمله کمیته‌های این شورا می‌توان به کمیته فن، عمران شهری و روستایی، امور زیربنایی، گردشگری، آمایش و سرمایه‌گذاری و حوادث اشاره کرد.

بازووند همچنین با اشاره به تدوین اساسنامه سازمان شهرداریها، ضرورت حفظ اداره میراث فرهنگی در شهرها را مورد تأکید قرار داد و گفت: در مورد نحوه توزیع اعتبارات، تغییراتی ایجاد شده و تخصیص بودجه به خشکسالی و جداسازی آب شرب از آب فضای سبز در اولویت قرار گرفته است.

همچنین در این همایش، شهرداران استان همدان نکاتی را در زمینه التزام پرداخت کسورات قانونی توسط شهرداری و عدم همکاری سایر دستگاههای دولتی، چارت سازسانی، مشکلات پایانه مسافری، دریافت وام جهت خرید ماشین آلات آتش‌نشانی، جلب مشارکت مردمی، مشکل عدم پرداخت خسارت حقاری توسط شرکت گاز و... عنوان کردند.

از دیگر مسائلی مطرح شده توسط شهرداران این استان می‌توان به این موارد اشاره کرد: عدم وصول مطالبات شهرداری از دستگاههای دولتی، درخواست هزینه تغییر کاربری زمین برای دفن بهداشتی زباله، تصویب طرح هادی، تقسیم عادلانه اعتبارات و تخصیص بودجه به شهرداریهای کوچک.

مسئول دبیرخانه ستاد حوادث غیرمترقبه استانداری نیز در این همایش با اشاره به ضرورت جداسازی آب شرب از آب فضای سبز گفت: در این زمینه می‌توان مانند طرحی که در زنجان اجرا شده است، آب‌بندهایی ایجاد کرد و یا اقدام به حفر چاه و آزادسازی حریم و بستر رودخانه‌های منطقه نمود.

همچنین سرپرست فرمانداری ملایر مشکلات موجود در شهرداریها را چنین عنوان کرد: مسئله تملک اراضی و مستحقات واقع در کاربریه‌ها، از نقای فرسنگ عمومی برای پرداخت عوارض،

استانداری ارسال کنند.

وی در باره بحث مشارکتهای مردمی گفت: مطرح جهانی که در این زمینه از شهرداریها رسیده، در آینده به اجرا در می‌آید. شهرداریها برای وصول مطالبات از دستگاههای دولتی نیز باید سریعاً اقدام و لیست مربوطه را به دفتر امور شهری و روستایی ارائه کنند تا از طریق بیگیریهای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی اقدامات لازم انجام شود.

مدیرکل دفتر امور شهری و روستایی افزود: امیدواریم با تشکیل سازمان شهرداریهای کشور مشکل فقدان متولی مشخص برای شهرداریها حل شود. همچنین از آنجا که برای شهرداریهای کوچک، نیروهای خدماتی مناسب در نظر گرفته نشده و چارت سازمانی آنها نامین‌کننده نیازهای شهری نیست، باید اصلاحات لازم در تشکیلات این شهرداریها صورت پذیرد.

وی در ادامه گفت: براساس مصوبه



وزارت کشور، شهرهایی که جمعیت آنها زیر یک صد هزار نفر است، می‌توانند سازمان مینی‌میسراتی داشته باشند همچنین شهرداریها باید با سازمان تأمین اجتماعی همکاری نمایند و نسبت به پرداخت به موقع کسورات خود اقدام کنند تا از یک طرف کنار کسان آنها با مشکل مواجه نشوند و از طرف دیگر، از مزایای توافق‌نامه وزارت کشور با سازمان تأمین اجتماعی برخوردار شوند.

شایان ذکر است که در پایان این همایش، معاون امور عمرانی استانداری سخنانی ایراد کرد.

قانونی شهرداریها، ساماندهی ساخت و ساز در شهرها و... از جمله مشکلات شهرداریهاست.

در ادامه این همایش، مدیرکل دفتر امور شهری و روستایی استانداری همدان به سئوالات مطرح شده از سوی شهرداران پاسخ گفت.

وی مشکلات ایجاد شده در مورد دریافت پهنای خدمات را ناشی از خلأ قانونی در این نامه عالی شهرداریها عنوان کرد و ادامه داد: در مورد عوارض صنفی، شهرداریها می‌توانند پیشنهادهای خود را پس از تصویب در شورای اسلامی شهر به



International Union of Local Authorities
 Unión Internacional de Autoridades Locales
 Union Internationale des Villes et Pouvoirs Locaux

اخبار IULA (اتحادیه بین‌المللی حکومت‌های محلی) در سال ۲۰۰۰ میلادی

مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری

سازمان ملل (UNACTA) حرکتی رویه جاسو داشته است. شهردارها و رؤسای سازمان‌های حکومت محلی، حاضران این کمیسیون بودند که در ارائه تصویر مثبت و نوینی از شهرهای آینده، همکاری در تعریف و اجرای کنفرانس جهانی هیئتات (IT) و همچنین ایجاد تعامل با (UNCHS)، کمیسیون مقدماتی اجلاس استانبول ۵+ و سایر اعضای دولتی سازمان ملل برای تقویت گفتگوی جهانی بین دولتهای مرکزی و محلی، ایفای نقش کرده‌اند. با توجه به دستور جهانی حکومت محلی خود مختار و برنامه تهیه شده برای آن در جلسه ویژه مجمع عمومی سازمان ملل (استانبول ۵) برخی موانع غیرمنتظره نیز به وجود آمده است.

بانک جهانی

تقویت ارتباطات آیولا با نمایندگان بانک جهانی در زمینه خط‌مشی‌ها و گسترش ظرفیت‌ها بوده است. در چارچوب این روابط، آیولا به عنوان عضوی از گروه مشورتی، نقش کلیدی و فعالی را در زمینه اتحاد و ائتلاف شهرها توسط UNCHS ایفا کرده است.

اطلاعات بیشتر در این زمینه از طریق آدرس زیر امکان‌پذیر است:

www.citiesalliance.org

یونیسف

در سال ۱۹۹۹، همکاری نزدیکی با سازمان یونیسف در زمینه‌های مختلف انجام شده است. برای نمونه در کمیسیون یکن ۴۵ یونیسف قضایی برای تشکیل سمینار ویژه حکومت محلی در نیویورک فراهم ساخت. همچنین قرار شد که در آغاز سال ۲۰۰۱، نشریه مشترکی نیز در زمینه مشارکت به منظور ایجاد شهرهای مورد علاقه برای بچه‌ها مشتمل بر نمونه‌هایی از ابتکارات اعضای آیولا، منتشر و به طور گسترده‌ای توزیع شود.

مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری وزارت کشور، کمتر از ۲ سال است که عضو اتحادیه بین‌المللی حکومت‌های محلی (IULA) است. این اتحادیه در زمینه اداره امور محلی شهرها با توجه به دستور کار ۲۱ سازمان ملل متحد (هیئتات) در سطح جهان، دارای تبعیباتی است و هر سال با انجام نشستها، گردهمایی و جلسات گوناگون، دستور کار فوق و چگونگی انجام آن را پیگیری می‌نماید. مانیفست آیولا در برگیرنده دموکراسی محلی، دولت خود مختار محلی، حکومت‌های مشارکتی، کارایی، توسعه پایدار انسانی، تساوی حقوق، همبستگی و... است. آیولا در راه ارتقای وظایف خود با سایر سازمان‌های جهانی چون UNCHS، UNICEF و بانک جهانی نیز همکاری دارد. در زیر ترجمه خلاصه شده‌ای از آخرین خبرنامه IULA در پایان سال ۲۰۰۰ میلادی و نیز وقایع مهم سال گذشته این اتحادیه ارائه شده است.

نشست وکسکام - فرایبورگ

و اعضای آن مشارکت نموده‌اند. کمیته ویژه‌ای نیز برای مشخص کردن نحوه اعطای جایزه تشکیل می‌شود

دستور کار گردهمایی ریو (۲)

۳-۶ ماه مه ۲۰۰۱

یکی از مهمترین سواژه دستور کار گردهمایی آیولا، تلفیق آیولا و FMGV است. بر اساس برنامه کار این گردهمایی در روز نخست، یعنی سوم ماه مه، میزان مشارکت حکومت‌های محلی و انجمن‌های ذی‌ربط مشخص می‌گردد. دستور کار انجمن در روز دوم، ایجاد ارتباط بین حکومت‌های محلی، مؤسسات بین‌المللی و اجلاس‌های اخیر سازمان ملل است. این برنامه نشان می‌دهد که حکومت‌های محلی بر پایه تجارب مشخص و نقطه نظرات، فنی، نکات جالبی برای بیان کردن دارند.

سازمان‌های بین‌المللی طرف

همکاری آیولا در سال ۲۰۰۰

در سال ۲۰۰۰ حکومت‌های محلی به منظور گفتگو با اعضای سازمان ملل از طریق کمیته مشورتی حکومت‌های محلی

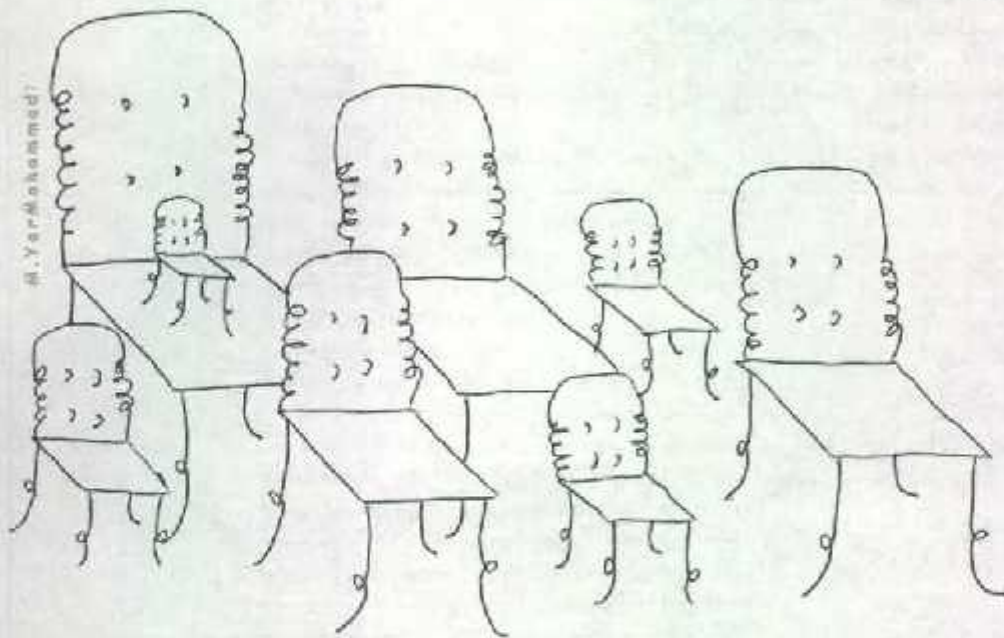
نشست وکسکام در اکتبر سال ۲۰۰۰ (مهر ۷۹) در شهر فرایبورگ آلمان برگزار شد. در این نشست به‌بود و گسترش راه‌های همکاری اعضا با انجمن برای تثبیت سیاست‌های رسمی، مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

بحث دیگر این نشست، پیشنهاد برداشتن گام‌های اولیه برای ایجاد یک سازمان جدید با ادغام آیولا و یونو بود. مقدر گردید که این پیشنهاد در جلسات اجرایی مشترک بین مسئولان دو سازمان در فاصله ماه‌های مه ۲۰۰۱ تا ۳-۲۰۰۱ به منظور برنامه‌ریزی برای اتحاد مؤثر آنها بررسی شود. کمیته مذاکرات مشترک در دسامبر سال ۲۰۰۰ در بارسلون درباره این موضوع به بحث می‌پردازد.

در همین نشست، اعطای جایزه آیولا با نام جایزه دولت محلی امیل وینکا (۱) مورد موافقت قرار گرفت. این جایزه به اعضای تعلق می‌گیرد که در پیشبرد روشی برای تقویت همکاری بین اتحادیه

ابهامات حقوقی در قانون شهرداری

شاپور نظرپور - نادر پور ارشد



۲- حق استفاده از نمایندگان حقوقی در محاکم.

۴- نحوه توقیف اموال دولتی و شهرداریها.

اما آنچه را که شایسته است مقنن در ادامه راه و در آینده به آن توجه کند و بر اساس منطقی که مصوبات فوق را تصویب نموده آنها را نیز به تصویب برساند و از این طریق به بلا تکلیفی مجریان و مردم پایان دهد به شرح زیر است:

۱- تعیین ماهیت دقیق حقوقی شهرداریها و جایگاه آنها برای خروج از برزخ دولتی یا غیردولتی بودن آنها همچنین پایان دادن به بیسببهای انتزاعی و نظری محض در مورد این مسئله و پرداختن به واقعیات موجود جامعه. در این زمینه مقنن می تواند از نظرات کارشناسان خبره در زمینه تحلیل مبانی شهر و شهرنشینی و نحوه مدیریت آن با توجه به شرایط موجود استفاده نماید.

۲- حمایت از شهرداریهای مناطق محروم با اعطای امتیازاتی چون:

الف- معافیت از هزینه دادرسی در محاکم.

ب- تعدیل قانون کار به نحوی که امکان استفاده بهتر از نیروی کار را به شهرداری در مقام کارفرما بدهد.

ج- معافیت از هزینه های دفتری در مراجع قضایی.

د- تعدیل قانون تسامین اجتماعی از جهت نحوه و وسول مطالبات از شهرداریها در مورد حق بیمه کارگران.

ه- پیش بینی اعتبارات حمایتی لازم در قانون بودجه.

و- ایجادار تسامات ضروری و منطقی بین شهرداریهای کلانشهرها و شهرهای محروم هر حوزه برای جلب حمایتهای لازم.

استقرار در قوانین موسوسعه کشوری مؤید این نظر است که شهرداریها اگر چه غیر دولتی اند اما از آنجا که عمومی هستند با ادارات، نهادها و ارگانهای دولتی شباهت دارند؛ چرا که دولتی بودن مستلزم عمومی بودن هم هست. قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی (مصوب ۱۹ تیرماه ۱۳۷۳) در بند اول خود شهرداریها و شرکتهای تابعه آنها را در زمره نهادهای عمومی غیردولتی دانسته است و حکم به شمول شهرداریها در حیطه قواعد و مقررات حاکم بر این دسته از اشخاص حقوقی نموده است. براین اساس، قوه مقننه به عنوان رکن قانونگذاری کشور شعوره آنچه را که در مورد ادارات، نهادها و ارگانهای دولتی تصویب نموده، شهرداریها را نیز شمول حکم آن قرار داده است. این روند آثار گوناگونی دارد که می توان آنها را از زوایای مختلف مورد بررسی و مذاکره قرار داد. البته هنوز خلأهایی وجود دارد که به دلیل پیچیده شدن روابط اجتماعی و اقتصادی جامعه در تطبیق قواعد حقوقی موجود بر وقایع عینی، دشواریهایی را ایجاد نموده و گاه حقوق و منافع عمومی و خصوصی را دستاویز تفسیر شخصی نیز قرار داده است. عملکرد مقنن در امتداد دایره شمول مصوبات خود به شهرداریها - بویژه با وظایف عذیمای که امروز پیدا کرده اند - در موارد زیر پسندیده و نیکوست و نشانه دقت نظر مقنن است:

۱- تسهیل به کارکنان شهرداریها هم عرض توهین به کارکنان دولت است.

۲- نحوه تملک اراضی اشخاص واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها (مصوب ۱۳۶۷).

شخصیت حقوقی شهردارها

شهردارها از تشکیلات و مؤسسات عمومی غیردولتی و بلدی محسوب می‌شوند به لحاظ همین خصوصیت، این تشکیلات نیاز به ثبت و طایف مقررات مربوطه ندارند (ماده ۵۷۸ قانون تجارت). شهرداری بولایر قانون شهردارها (مصوب ۱۱ تیرماه ۱۳۳۳) مؤسسه مستقلی است که دارای شخصیت حقوقی است (ماده ۳ قانون شهردارها) و استقلال مالی و اداری دارد. دارایی و تکالیف این شخصیت حقوقی از دولت جداست.

شخصیت حقوقی به طرق زیر تشکیل می‌شود:

- ۱- شخصیت حقوقی صرفاً مجموعه‌ای از اموال است، مثل وقف و شهرداری.
 - ۲- شخصیت حقوقی صرفاً مجموعه‌ای از افراد است، مثل مؤسسات غیرتجاری و انجمنهای ادبی.
 - ۳- شخصیت حقوقی مجموعه‌ای از افراد و اموال است که افراد در اموال نیز ذی‌نفع‌اند.
- ماده ۳ قانون شهرداری (مصوب ۱۳۳۳) مقرر می‌دارد که شهرداری دارای شخصیت حقوقی است بنابراین، به محض تشکیل، مطابق مفاد این ماده دارای حقوق و امتیازات ناشی از این وصف اعطایی می‌شود این امتیازی است که قانونگذار برای این دسته از مؤسسات عمومی غیردولتی در نظر گرفته است و در هر حال باید محترم شمرده شود.

مقررات استخدای شهردارها

دقت در ماهیت استخدای کارکنان شهردارها حکایت از این دارد که بسیاری از مستخدمان رسمی دولت در شهردارها مأموریت یافته‌اند و به همین دلیل کارمند رسمی دولت محسوب می‌شوند. اما از سوی دیگر در شهردارها که مؤسسات غیردولتی هستند کار می‌کنند بحث این است که آیا این مأموریت، تلقی اشخاص ثالث و بویژه مراجع قضایی را از ماهیت استخدای کارمندان بیاد شده تغییر می‌دهد یا بایلان همچنان کارمند دولت محسوب می‌شوند. بر هر کدام از این برداشتها آثار مهمی مترتب است. به عنوان مثال کارمندان رسمی دولت می‌توانند از معاضدت قضایی نمایندگان حقوقی ادارات متبوع خود در دعوی مربوط به خودشان که ناشی از کار یا به سبب انجام وظیفه است در دادگاهها استفاده کنند. بحث این است که آیا کارمند رسمی وزارت کشور که در شهرداری کار می‌کند می‌تواند از مفاد مصوبه قانون حمایت قضایی از کارکنان دولت و پرسنل نیروهای مسلح (مصوب ۷۶۷/۲۹) استفاده کند یا خیر؟ مطابق تعاریفی که از کارمند دولت وجود دارد به این نحو که «منظور از کارکنان دولت کارکنانی است که تابع قانون استخدام کشوری هستند» به نظر می‌رسد شهرداری یا هر کس دیگری که کارمند وزارت کشور باشد و در شهرداری مأمور باشد، کارمند دولت تلقی می‌شود زیرا مفهوم موسع کارمند دولت اعم از این است که مستقیماً و بلاواسطه برای دولت کار کند یا اینکه از سوی دولت مأموریت انجام کاری را داشته باشد که ارتباط مستقیم با خود دولت نداشته باشد. بنابراین می‌تواند از مزایای قانون حمایت قضایی استفاده نماید.

اموال شهردارها

طبق نص صریح قوانین و مقررات شهردارها و استقراهایی که در قوانین مرتبط با شهردارها صورت گرفته، اموال اختصاصی شهردارها با توجه به بعضی معیارها اموال عمومی تلقی می‌شوند؛ مانند اموالی که مطابق ماده ۴۵ آیین‌نامه مالی شهردارها اموال عمومی محسوب می‌شوند. اما عملکرد حقوقی شهردارها حکایت از این دارد که در این مقوله نیز جز مبدی منطبق استراعی آمیخته به تفاسیر شخصی - که ریشه و منشأ آنها ابهام در مفاهیم قوانین موجود است - حاکم شده و حقوق و منافع عمومی را دچار تعرضاتی

نموده است؛ در حالی که لازم بود مقنن در این موضوع خاص - که حقوق مالی مردم مطرح است - با وسواس و توجرد بیشتری عمل می‌کرد و قواعد مربوطه به موضوع را به صراحت بیان می‌نمود.

غرض از بیان این مقدمه این است که بسیاری از شهردارهای کشور، در مراحل قضایی، مواردی را که موضوع آنها اموال شهرداری است در خارج از دادگاه عملاً به مصالحه و سازش می‌کشاند و این امر مخالف اصل ۱۲۹ قانون اساسی است لازم است شهردارها منطوق و مفهوم اصل ۱۲۹ قانون اساسی را در ارتباط با مصالحه دعوی مطالعه کنند و محدودیتهای قانونی مصالحه در مورد صلح بعضی یا پاره‌ای از دعوی دقیقاً مشخص گردد. گفته می‌شود که مبنای این اصل قانون اساسی در حقوق عمومی همان احتیاط و پرهیز از اتهام در ماده ۱۲۴۲ قانون مدنی است. البته برخی از حقوقدانان اعتقاد دارند که چنانچه صلح دعوی به طریق انجام گیرد که حقوق و منافع دولت حفظ شود، از آنجا که در این مورد صلح به معنای واقعی کلمه تحقق نیافته است و در واقع حل و فصل دعوی به گونه‌ای صورت گرفته که تمام حقوق دولت استغنا شده است؛ بنابراین لزومی به صدور حکم ترفعی نیست و

شهردارها از تشکیلات و مؤسسات عمومی غیردولتی و بلدی محسوب می‌شوند. به لحاظ همین خصوصیت، این تشکیلات نیاز به ثبت و طایف مقررات مربوطه ندارند

می‌شود بنا سازش و مذاکره مسئله را خاتمه داد. اما برخی دیگر اعتقاد دارند که در هر حال باید به مفاد اصل ۱۳۹ پای بند بود و مجوز نبود حکم را دریافت نمود. به نظر می‌رسد نظریه گروه اول بیشتر مقبول به صحت باشد زیرا همان طور که بیان شد هدف اساسی وضع این اصل حفاظت از حقوق و منافع دولت است و چنانچه بتوان این منافع را به طریق غیر از صدور حکم قضایی حفظ و استغنا نمود ضرورتی به طی مراحل شکلی نخواهد بود. اما در تأیید عمومی بودن اموال اختصاصی شهردارها رویه‌های قضایی وجود دارد که تنبیه اموال اختصاصی شهرداری را توسط کارمندان آن مشمول حکم ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی قرار داده و از این جهت اموال شهرداری حتی نوع اختصاصی آن را همچون اموال عمومی و دولتی دانسته است. تکالیف و وظایفی که در مواد ۶۷ و ۶۸ آیین‌نامه مالی شهردارها برای شهرداری و وزارت کشور مقرر شده نیز مؤید عمومی بودن اموال اختصاصی شهرداری است. تکالیف شهرداری به ثبت اسلاک اختصاصی متعلق به شهرداری و حفظ و نگهداری اموال مطابق دستورالعمل مصوب دولت و وجود رویه‌های قضایی که تعدی و تفریط در این زمینه را مشمول مجازات قرار داده‌اند حاکی از وصف عمومی بودن است. منطوق حقوقی و عدالت اجتماعی نیز حکم می‌کند که شهرداریها در

از تسلط یا این دسته از اموال، مسوطالید نیاشد؛ بنابراین به نظر می‌رسد چنانچه برخی از شهرداریها ماده ۴۵ این نامه مالی را مستند صحت دعاوی مربوط به اموال قرار دهند، وجاهت قانونی ندارد و این ماده خلاف اصل قانون اساسی است.

در یک دسته بندی کلی نیز اموال دولت و شهرداریها دو نوع است: نوع اول اموالی است که مورد استفاده عموم مردم است، مانند راهها، مبادین، گردشگاهها، قبرستانها، پلها و... نوع دوم اموالی است که مورد استفاده عمومی نیست، مانند اراضی مزروعی و ساختمانهای اداری و یا مسکونی.

در نوع اول تقاضای ثبت پذیرفته نمی‌شود، ولی در نوع دوم تقاضای ثبت الزامی است. به تعبیر دیگر اموال عمومی دولت و شهرداری به ثبت نمی‌رسند، ولی اموال خصوصی آنها مانند سایر افراد ملت باید به ثبت برسند. اما در برخی از شهرداریهای کشور حتی اموال دسته اول مثل خیابانها، میدانها و... نیز به ثبت می‌رسند.

سوالی که در اینجا مطرح است این است که چرا چنین اموالی نیز به وسیله برخی از شهرداریها به ثبت می‌رسند و چنین ثبتی چه

تکلیف شهرداری به ثبت املاک اختصاصی متعلق به شهرداری و حفظ و نگهداری اموال مطابق دستور العمل مصوب دولت و وجود رویه‌های قضایی که تعدی و تفریط در این زمینه را مشمول مجازات قرار داده‌اند حاکی از وصف عمومی بودن است.

آثار و عوارضی دارد؟ این موضوع نیاز به تحقیق بیشتری دارد، اما قانون راجع به منع توقیف اموال منقول و غیر منقول متعلق به شهرداریها (مصوب ۱۴ اردیبهشت ۱۳۶۱) مقرر می‌دارد: «اموال منقول و غیر منقول متعلق به شهرداری و یا نزد اشخاص ثالث و یا بصورت ضمانتنامه در صورتیکه بنام شهرداری باشد قبل از صدور حکم قطعی قابل تأمین و توقیف و برداشت نمی‌باشد». این حکم بیانگر عمومی بودن اموال اختصاصی شهرداریها نیز هست. همچنین این مصوبه مقرر می‌دارد: «شهرداریها مکلفند وجوه مربوط به محکوم به احکام قطعی صادره از دادگاهها و یا اوراق اجرائی ثبتی یا اجزای دادگاه و مراجع قانونی دیگر را در حدود مقصورات مالی خود از محل اعتبار بودجه سال مورد عمل و یا در خود بدون احتساب تأخیر تأدیه به محکومه پرداخت نمایند در غیر این صورت ذی نفع می‌تواند برابر مقررات نسبت به استیفای طلب خود از اموال شهرداری تأمین و یا توقیف یا برداشت نماید». تبصوه: «چنانچه ثابت شود که شهرداری با داشتن امکانات لازم از پرداختن دین خود استتکاف نموده است شهرداری بعدت یکسال از خدمت منفصل خواهد شد». این مقرر نیز با ضمانت اجرایی که در نظر گرفته است بر عمومی بودن اموال اختصاصی شهرداریها تأکید دارد.

صدور پروانه ساختمان

طبق قسمت الف ماده ۲ مصوبه شورایی اداری در مورد هماهنگ نمودن صدور پروانه گواهی عدم خلاف و گواهی پایان ساختمان در سطح شهرداریهای کشور مقرر می‌دارد که شناسنامه ساختمان شامل پروانه، گواهی عدم خلاف و گواهی پایان ساختمان است و پس از ۷ روز از تقاضای متقاضی باید پروانه صادر شود؛ همچنین پس از ۲ روز از تقاضای متقاضی و جمع بودن شرایط باید پایان کار و گواهی عدم خلاف صادر گردد. مدارک لازم برای صدور پروانه ساختمان عبارتند از: ۱- درخواست صدور پروانه. ۲- نقشه محل وقوع ملک. ۳- کپی مدارک مالکیت رسمی. ۴- کپی شناسنامه مالک. با توجه به ماده ۴۸ قانون ثبت، ارائه سند مالکیت رسمی برای اخذ پروانه کار لازم است اما رویه بعضی از شهرداریها حاکی از صدور پروانه با سند عادی است. اقدام این دسته از شهرداریها نقض قاعده امری مقرر در مواد ۴۶ و ۴۸ قانون ثبت است. اخیراً دیوان عدالت اداری در یکی از آرای خود صدور پروانه ساختمان را بر اساس سند عادی ممنوع اعلام کرده و اخذ پروانه را منوط به حضور سند رسمی از مراجع ذیصلاح دانسته است. اما سؤال این است که این مراجع ذیصلاح کدامند؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت به نظر می‌رسد دادگاههای دادگستری به عنوان مراجع قضایی و ادارات ثبت اسناد و املاک محل وقوع ملک مورد تقاضای ثبت و دفاتر اسناد رسمی مراجع ذیصلاح موضوع حکم دیوان عدالت اداری هستند. بنابراین شهرداریهای کشور باید متقاضیان صدور پروانه ساختمان را که دارای سند عادی هستند به محاکم قضایی ذیصلاح یا سایر مقامات ذیصلاح باه شده معرفی کنند تا پس از کسب اجازه لازم و ارائه آن به شهرداری نسبت به صدور پروانه ساختمان برای آنها اقدام شود. چنین اقدامی بی شک تأثیر بسزایی در حاکم کردن نظم منطقی و مبنی بر معیارهای حقوقی در این زمینه دارد. از این طریق می‌توان به بی ثباتی و نبودن رویه ثابت و متحدالشکل در این زمینه پایان داد و تشتت و پراکندگی رویه‌ها را تابع رویه‌ای واحد نمود. اکنون انتظار می‌رود که شهرداریهای سراسر کشور با الهام از این نظریه - که به تفسیرهای مبتنی بر نظر به‌های ذهنی پایان می‌دهد - موضوع را تابع نظم واحد نمایند.

در بسیاری از مقوله‌های دیگر نیز چنین تشتت و نازامی وجود دارد که عمدتاً از کهنگی قانون و عدم کناری آن در پاسخ به نیازهایی که در نتیجه تحولات اجتماعی ایجاد شده ناشی می‌شود. بنابراین قانون و آرایش آن به زور روز درمان قطعی در این زمینه است.

تعدد علیه کارکنان شهرداری

جرم تعدد بر اساس قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵) فقط علیه کارکنان دولت امکانپذیر است. بنابراین مطابق ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی هر گونه حمله یا مقومتی که با علم و آگاهی نسبت به مأموران دولت در حین انجام وظیفه آنان به عمل آید، تعدد محسوب می‌شود و دارای مجازات خاص خود است. از مفهوم و منطق این ماده می‌توان وجود چند شرط را برای صحت عنوان مجرم تعدد نسبت به مأموران دولت استخراج کرد. از مهمترین این شرایط کارمند دولت بودن بزه دیده است. اما از آنجا که کارکنان شهرداری کارکنان دولت محسوب نمی‌شوند؛ بنابراین این ماده شامل حال آنان نمی‌شود. در حالی که در تحلیل نهایی کارکنان شهرداری به چند دسته تقسیم می‌شوند:

الف - کارکنانی که بر اساس قرارداد در شهرداری هستند.

ب - کارکنانی که در استخدام وزارت کشورند.

ج - نیروی انتظامی که در اختیار شهرداری است.

د - کارکنانی که استخدام رسمی دولتی اند ولی به طور

پسار هوقت در شهرداری کنار می کنند.

بنابر این حکم عمام شوق با این دسته بندی تخصیص می خورد و در مورد هر کدام از دسته های فوق حکم قضیه متفاوت است. با این شرایط به نظر می رسد که جرم تهر در هر گاه علیه کسی که از کار کثان دولت است و در حال انجام همان وظیفه ای است که مقتضای استخدام دولتی اوست؛ تعرض نسبت به وی در حال انجام وظیفه، تهر در علیه کار کثان دولت تلقی می شود و مصداق ماده ۶-۷ قانون مجازات خواهد بود، پس نمی توان حکم ماده ۶-۷ را به طور



صدور پروانه کسب

در زمانی که قانون مجمع امور صنفی هنوز تصویب نشده و به اجرا نیامده بود، صدور پروانه کسب بر عهده شهرداری بود و همستر از این موضوع، عدم صدور پروانه کسب یا عدم تجدید آن و حتی بطلان آن نیز از جمله اختیارات و وظایف شهرداری به حساب می آمد. اما امروزه با تصویب و به اجرا آمدن قانون مربوط به مجمع امور صنفی، نقش و جایگاه شهرداری در این زمینه نیز در حاله ای از ابهام است؛ بویژه پاسخ به این پرسش اساسی که آیا قدرت شهرداری در ابطال پروانه کسب همچنان به قوت خود باقی است یا خیر؟

با بررسی قوانین به نظر می رسد بحث عدم تجدید مدت پروانه کسب از سوی شهرداری صنفی باشد؛ چون اصولاً شهرداری مرجع صدور پروانه کسب نیست، پس فرض عدم تجدید پروانه کسب نیز از سوی شهرداری، سالیانه به انتفاع موضوع خواهد بود. سلب این اختیار از شهرداری دارای آثار مثبت و منفی است. بحث قدرت ابطال پروانه کسب و عدم تجدید آن از سوی شهرداری از این نظر جالب توجه و مفید است که شهرداری می تواند از آن به عنوان یک اهرم علیه مؤدیان بد حساب استفاده کند.

بهداشت روانی جامعه

طبق قانون امور حسبی، شهرداریها موظفند چنانچه از وجود محجوری مطلع شدند آن را به دادستان اعلام نمایند. چنین الزامی با توجه به بند ۲۳ ماده ۵۵ قانون شهرداری صورت می گیرد و ناظر بر وظایف فرهنگی و بهداشت و سلامت روانی جامعه است؛ چرا که وظایف شهرداریها صرفاً در ارائه خدمات بهداشتی و زیست محیطی خلاصه نمی شود، گرچه برخی از حقوقدانان اعتقاد دارند که چنین الزامی جنبه نظری داشته و هرگز در قلمرو عمل وارد نشده است. ولی به نظر می رسد در نظر گرفتن چنین وظیفه ای برای شهرداری در جهت وظایف و اختیارات آن است. اگر در عمل به چنین مقرره ای اعتنا نشده است - به هر دلیلی که باشد - قابل توجه و دفاع نیست. گرچه در این قلمرو نیز حدود مفاهیم حقوقی به خوبی مشخص نشده و تنها مسئولیت اعلام به دادستان قید شده است. موج گسترده متکدیان و افرادی سرپرستی که امروزه در سطح شهرهای کشور پراکنده اند، گواه عدم شناخت شهرداری از مسئولیت خود و بی اعتنایی به قواعد حقوقی موجود است. در عین حال ضرورت دارد در سیاست تصفیه قوانین و مقررات شهرداری - که با هدف شفاف سازی و مختصر سازی قوانین و تعیین حدود و دایره اختیارات و مسئولیتها صورت می گیرد - تکلیف این ماده نیز مشخص شود و حد مفاهیم حقوقی مترجم در آن معین گردد. اگر این امر مهم بر عهده شهرداری است به نحو صریح و شفاف، دایره وظایف این نهاد مشخص گردد و الزام ناشی از آن یا ضمانت اجرای قسوی تضمین شود و چنانچه خارج از حدود اختیارات آن است نیز معین گردد.

در مجموع به نظر می رسد که قوانین و مقررات حاکم بر حقوق شهرداریها - که اسطخاک جدی نیز با حقوق و منافع مردم دارد - باید به درستی صورت و بوالایش شود. این کار نه تنها به مدتها سردرگمی و تشتت در این مقوله پایان خواهد داد، بلکه حقوق و منافع جامعه و شهروندان را نیز حفظ خواهد نمود. پایان دادن به تفاسیر شخصی و استبدالایهای مبتنی بر منافع جزئی دستاورد چنین بازنگری است.

مطلق محسوب کرد و تمامی کار کثان شهرداری را از شمول آن خارج دانست. به نظر می رسد قاضی رسیدگی کننده به این گونه موارد باید با توجه به نوع رابطه استخدامی شخص با دولت و تاریخ از بحث غیردولتی بودن شهرداریها قاعده حقوقی را بر واقعه عینی تطبیق نماید. در واقع عنصر ارتباط و دلیل منطقی برای اعمال قاعده حقوقی جزا در این مورد رابطه استخدامی شخص با دولت است. نه مؤسسه یا ارگانی که در آن مشغول به کار است.

دادگاه صالح برای رسیدگی به جرم شهردار

جرائم انتسابی به شهرداران مرکز شهرستان طبق ماده ۲ قانون تشکیل دیوان کیفر (مصوب ۱۳۵۵) و تبصره ۲ ماده ۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی (مصوب ۱۳۵۵) با دادگاه مرکز استان است نه دادگاه محل وقوع جرم. مقنن با این اقدام، شهردار را در کنار رؤسای سایر ادارات دولتی قرار داده است؛ چرا که رسیدگی به شکایتهای علیه رؤسای ادارات نیز در دادگاههای عمومی مرکز استانها به عهده می آید. در حالی که بر اساس قانون رسیدگی به جرائم غیرماتراران و استانداران در دادگاههای عمومی تهران صورت می گیرد. البته شهرداران غیر مراکز شهرستانها مشمول حکم قانون مصوب ۱۳۵۸ قرار نمی گیرند و به جرائم آنان همچنان در دادگاه محل وقوع جرم رسیدگی خواهد شد. از سوی دیگر، معلوم نیست که چرا مقنن آنها رسیدگی به جرائم شهرداران مراکز شهرستانها را در صلاحیت دادگاه مرکز استان قرار داده و حکم را این گونه تخصیص داده است. به هر حال چنانچه فلسفه و هدف وضع قاعده به خاطر نشان و جایگاه شهردار و سمتی باشد که وی تصدی نموده است، نباید میان شهردار مرکز شهرستان و غیر آنان تفاوتی وجود داشته باشد. در صورتی که مدعی خلاف این قرض باشیم یکی از عناصر اصلی قانون که عدالت و تساوی در اجرا نسبت به اشخاص مختلف است زیر سؤال خواهد رفت. تفسیر مضیق قوانین جزایی باعث شده که هیئت عمومی دیوان عالی کشور در رای وحدت رویه خود در مورد رسیدگی به اتهام شهردار وقت «با درود و نعلتن» به دلیل مرکز شهرستان نبودن این شهر حکم به صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم صادر نماید. به هر حال قواعد حاکم در این زمینه نیز خالی از ابهام و ایراد نیست و نیاز به بازنگری و اتخاذ رویه ای واحد و اصولی دارد. اینکه مقنن رسیدگی به جرائم شهردار را به دلیل اینکه از مقامات محلی است در صلاحیت دادگاه مرکز استان دانسته، پسندیده است و نشان از دادن وزن و اعتبار به این مؤسسات دارد. اما تخصیص حکم قانون به شهرداران مرکز شهرستان ایراد حقوقی دارد که لازم است در پروسه بالایش و باز یافت قوانین به آن نیز توجه خاص مبذول گردد.

موجودیتی انسانی دارد و دارای صفات ذاتی و انسانی است. در این مرحله، دو راهکار برای شناختن صفات وی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. اول صفات درونی و دوم صفات بیرونی. لازم است ساختار شخصیت پنهانی فردی که باید در عالیترین مقام مجموعه شهرداری قرار گیرد، شناسایی شود و میزان اعتقاد، تفاه، ایمان، عشق، تعهد و دیگر محصولات درونی او کشف گردد.

به لحاظ صفات بیرونی نیز شهردار باید مدیری توانا، مدبری خلاق، مبتکری فعال، متخصص دلسوز، مسلحی دارای نظم و انضاط حکیمانه و دیگر دانشیهای بیرونی باشد (نمودار شماره ۲).

مرحله دوم: تشخیص هویت و تفسیر شخصیت مسئولانه فرد، بعد از احراز مقام؛ زیرا که او موجودیتی فراتر از هویت یک فرد عادی و معمولی دارد و عهددار مسئولیتی بزرگ در اجتماع است. از جمله ملاک و معیارهای مربوط به تعیین شهردار نمونه که باید در این مرحله جستجو کرد عبارتند از:

۱- شهردار نمونه مردمی، شخصی است که مجموعه افراد یک شهر را در چارچوب مسئولیت خویش هدایت نماید. موقعیت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی شهر خود را بشناسد و نحوه استفاده پهنه از آنها را به کار اندازد.

۲- اعتماد مردم را در مسیر خدمات صادقانه خویش همراه سازد، گزارشهای عملکرد و اقیبت گویانه سازمان شهری خود را به اطلاع مردم برساند و شرایط گفتگوان را برای پرسش و پاسخ و ایجاد تفاه مهیا سازد.

۳- شهر نمونه و شهروند نمونه را معیارهای سنجش موفقیت خود بداند، انتظارات و مطالبات مردم را در اولویت برنامه‌های خود بگنجد و زمینه گسترش مشارکت مردم را در سرتوشت جامعه شهری، مدنظر قرار دهد.

۴- مشروعیت اختیارات به دست آمده از آرای مردم را پاس بدارد و به دنبال کشف استعدادها یا تقوه منابع انسانی باشد تا از طریق به کارگیری نیروهای مستعد انسانی و جذب سرمایه‌های فکری در راه توسعه جامعه شهری، گامهایی مؤثر بردارد.

۵- علوم انسانی را پشتوانه هدایت سازمان، شهر و شهروندان قرار دهد، قدرت حاصله از حمایت مردم را برای کنترل جامعه به کار گیرد و عشق و ایمان

گزینه اول: انتصاب شهردار یا امر حکومتی که تگانه‌ای از بالا به پایین و به منظور حراست و اداره جامعه شهری است اتخاذ می‌شود تا شرایط مربوط به حاکمیت را که از پیش ترسیم و تدوین شده است به اجرا درآورد. در این گزینه، ملاک و معیار انتخاب شهردار نمونه حکومتی یا دولتمردان است تا ملق موازین پیش بینی شده، شهردار را برگزینند.

گزینه دوم: انتخاب شهردار از طریق همه پرسی (انتخابات) است و آرای مردم، و جاهت قانونی آن را تضمین می‌کند.

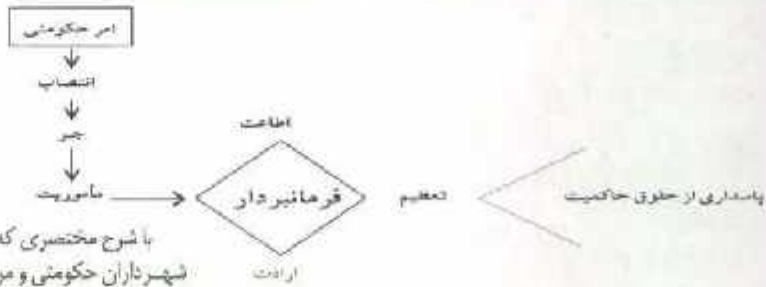
برای انتخاب ویژگیهای شهردار نمونه لازم است ابتدا تشریحی به اختصار در باره گزینش شهردار ارائه دهیم و عوامل تعیین و تأیید آن را بشناسیم تا آن گاه بتوانیم مراحل به دست آوردن بالاترین مقام شهرداری را مورد نقد و بررسی قرار دهیم. پس از تشخیص این جایگاه، شهردار می‌تواند امتیازات ویژه انتخاب شهردار نمونه را مشخص کند.

معمولاً در میان گزینه‌های متواتر برای کسب ریاست شهرداری و عنوان شهردار بودن، دو گزینه مهم زیر قابل بررسی است:

نمودار زیر نشانگر روند گزینش شهردار در دو گزینه یاد شده است.



گزینش شهردار از پایین به بالا



گزینش شهردار از بالا به پایین

با شرح مختصری که در مورد گزینش شهرداران حکومتی و مردمی بیان شد، به ویژگیهای شهردار نمونه مردمی می‌پردازیم. دو جهت معرفی فردی برای احراز مقام شهردار، دو مرحله زیر باید مورد تشخیص و تفسیر قرار گیرد:

مرحله اول: تشخیص هویت و تفسیر شخصیت فرد، قبل از احراز مقام؛ زیرا که او

مستمر را در اندرون خود برای انجام وظایف تقویت نماید.

۶- شهردار نمونه مردمی، شخصی است که از مردم، با مردم، در مردم و برای مردم باشد. در میان گرفتاریهای مردم حضوری فعال و تأثیر گذار داشته باشد. عقاید و نظرات صاحبان تفکر را در تصمیم گیریها جای دهد. مشاوران حاذق و ماهری برگزیند و تصمیمات اجرا شده را در معرض نقد و قضاوت عمومی قرار دهد.

۷- وظایف پرسنل سازمان مربوطه را به تناسب تجربه، تخصص و مهارتهای فنی تقسیم بندی نماید. ارتباطات تنگاتنگ و صمیمی با دیگر مسئولان شهری برقرار کند. روح مشارکت متولیان و مسئولان را در جامعه به تحرک و پویایی بکشانند و همه احاد جامعه شهری را در مجموعه وفاق مردمی، گرد هم آورد.

۸- از گرایشهای سیاسی - که امکانات مجموعه شهرداری را در خدمت گروه قشر و با فرد خاصی قرار می دهد - پرهیزد. بی طرفی خود را در مناقشات سیاستمداران - که برای به دست آوردن قدرت می ستیزند - حفظ کند و تمایلات ذرونی خود را به صورت یک فرد عادی به حساب آورد.

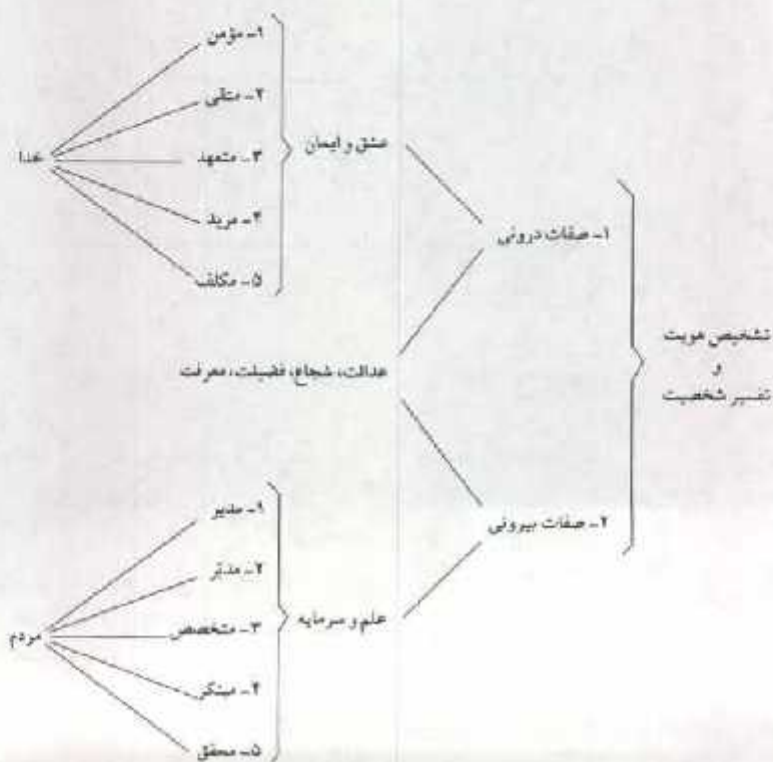
۹- تجربه شهرداران گذشته را در مسیر انتخاب کار با زبانی نماید. نقاط قوت انسان را برگزیند. ضعف و مستی آنان را به دور اندازد و طرح و برنامه جای ریز و کلان مورد احتیاج شهری را به صورت مدون در اختیار افکار عمومی قرار دهد.

۱۰- به تناسب شرایط اقلیمی، جغرافیایی و زیست محیطی، حیثیه مسئولیت خود را به علم زمان مسلح کند. اصول شهرسازی را بر مبنای استانداردهای جهانی - که به خلاقیتهای انسانی در مسیر شکوفایی و سازندگی، نقشی محوری و تعیین کننده می دهد - مدنظر قرار دهد. تجربیات ملل مختلف را در جهت تحقق آرمانهای متعالی به کار گیرد. تحول، تطور و تغییرات جامعه شهری را با حفظ ارزشهای فرهنگ دینی منطبق سازد. چهره شهر را در قالب نوگرایی و نوسازی به تصویر کشاند و بیکر بناهای شهر را در مصادیق زیباشناسی بشناساند.

تلاش برای حفظ بهداشت محیط گسترش فضای سبز، فراهم نمودن امکانات فرهنگی، هنری، ورزشی و تفریحی، اعطای کمکهای خاص، حسن همکاری با سازمانها، مؤسسات، بنیادها و

تشکلهای مردمی، توجه به ساختارها و جلوههای ویژه، حفظ و حراست از میراث فرهنگی، ایجاد بناهای نمادین، حضور فعال در تمام فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، پاسداری از ارزشهای فرهنگی ملی و دینی، احیا و ایجاد مشاغل سنتی و جدید، ایجاد پایگاههای مردمی برای حوادث غیر متوقع، حمایت همه جانبه از مینگران، صنعتگران و هنرمندان بومی، داشتن شناسنامه تاریخی، ایجاد رسانه خسری، راهاندازی سرویسهای عمومی، برپایی همایشهای علمی، فرهنگی و هنری برای ایجاد همکاریهای فرا شهری، ایجاد مؤسسات و مراکز تحقیقی و استفاده بهینه از تجارب و اندیشه های پیشرفته، از جمله وظایف شهردار است.

شهردار شماره ۲- ویژگیهای فزونی و بیرونی مورد نظر در انتخاب شهردار



مشخصات آماری پروانه‌های ساختمانی صادره در نقاط شهری کشور - سال ۱۳۷۷

طرح جمع‌آوری اطلاعات پروانه‌های ساختمانی صادره توسط شهرداریهای کشور، با هدف تعیین میزان و مشخصات ساخت و ساز در نقاط شهری کشور از سال ۱۳۵۸ توسط مرکز آمار ایران به اجرا درآمد. جدیدترین آمار منتشره در این زمینه، مربوط به سال ۱۳۷۷ است. جدول زیر حاوی برخی از اطلاعات استخراج و پردازش شده از این منبع است. از جمله نکات عمده و قابل توجه در این جدول

تصحیح و بزرگ
در آمار شهر، شماره ۲۱ دو صوره اشکال جای وجود داشت که به شرح زیر تصحیح می‌شود:
۱- سرالسه بوده شهرهای ایلیان، اذربایجان غربی (ردیف ۲ جدول) ۷۱۰ هزار ریال درج شده بود که ۷۱ هزار ریال صحیح است.
۲- متوسط درآمد سرانه شهرداریهای کل کشور، یک میلیون و ۳۳۱ هزار ریال درج شده بود که یک صد و ۷۳ هزار و ۱۰۰ ریال صحیح است.

عبارت‌انداز:

- کمترین درصد ساختمانهای یک طبقه به ترتیب مربوط به قم، شهر تهران و همدان است و بالاترین آن به بوشهر، ایلام و خوزستان اختصاص دارد.
- بالاترین درصد ساختمانهای سه طبقه بیشتر مربوط به شهر تهران، استان تهران و سازه‌سازان است (ضمن اینکه ۵۹/۴ درصد پروانه‌های ساختمانی شهر تهران برای ساختمانهای بالای ۳ طبقه صادر شده است).
- کمترین تراکمهای ساختمانی (نسبت زیر بنا به زمین) مربوط به بوشهر، همدان و

سیستان و بلوچستان و بالاترین آن مربوط به شهر تهران، اصفهان و همدان است. متوسط این رقم برای کل کشور فقط ۷۰/۱۶ درصد است.

- کمترین مقدار زمین به ازای هر واحد مسکونی به ترتیب به شهر تهران، قزوین و همدان اختصاص یافته است و بیشترین آن مربوط به زنجان، خوزستان و سیستان و بلوچستان است.

- بالاترین میانگین زیربنای واحد های مسکونی مربوط به قم، یزد و زنجان و کمترین آن به قزوین، کرمانشاه و گیلان مربوط می‌شود. میانگین زیربنای هر واحد مسکونی در کل کشور ۱۵۷/۷ مترمربع است که هنوز بسیار بالاست.

مشخصات آماری پروانه‌های ساختمانی صادره در نقاط شهری کشور - سال ۱۳۷۷

استان	تعداد کل پروانه‌های صادره	درصد ساختمانهای یک طبقه	درصد ساختمانهای دو طبقه	درصد ساختمانهای سه طبقه و بالاتر	مساحت کل زمین (هزار متر مربع)	نسبت زیر بنا به زمین (درصد)	درصد پروانه‌های ساختمانی از کل	تعداد واحد مسکونی	میانگین مساحت زمین به ازای هر واحد مسکونی (متر مربع)	میانگین زیربنای هر واحد مسکونی (متر مربع)
مرکزی	۲۶۰۲	۵۱/۸	۳۴/۹	۱۳/۱	۸۵۰	۷۰	۹۱	۲۱۵۷	۲۰۳	۱۲۲
گیلان	۲۲۱۲	۲۱/۵	۳۶/۸	۷۱/۶	۱۹۰	۸۲	۹۲	۸۲۸	۱۵۷	۱۱۹
مازندران	۲۶۹۳	۲۹/۱	۲۵/۳	۲۵/۴	۱۵۳۰	۸۸/۵	۸۸	۸۵۳۷	۱۷۹	۱۵۹
آذربایجان شرقی	۷۴۴۴	۳۶/۵	۲۲/۱	۲۱/۳	۲۷۵۰	۸۲/۵	۸۲	۱۴۵۳۶	۱۸۹	۱۵۶
آذربایجان غربی	۶۷۰۴	۲۹/۲	۲۱/۷	۸/۹	۲۰۰	۶۸	۸۹	۷۲۸۴	۲۷۶	۱۸۷
کرمانشاه	۲۵۹۶	۶۳/۸	۲۹/۷	۶/۳	۶۳۰	۸۲/۵	۹۳	۴۵۳۳	۱۳۹	۱۱۵
خوزستان	۷۹۰۱	۸۰/۴	۱۲/۶	۶/۸	۳۰۷۰	۲۵/۳	۸۳	۸۶۵۲	۳۵۵	۱۶۱
فارس	۱۱۱۳۴	۷۱/۶	۱۹/۷	۵/۶	۴۴۰	۶۷/۷	۹۶	۱۷۱۹۹	۲۵۷	۱۷۴
کرمان	۶۵۳۷	۶۶/۹	۲۴/۳	۸/۷	۸۹۷۰	۶/۵	۸۶	۸۵۱۷	۱۰۵۳	۱۱۳
خراسان	۱۰۰۲۳	۴۸/۸	۳۳/۸	۱۷/۲	۳۵۰۰	۶۲/۵	۸۷	۱۳۲۸۸	۲۵۹	۱۴۲
اصفهان	۱۹۹۵۳	۲۸/۷	۴۸/۶	۲۲/۶	۵۳۱۰	۱۰۱	۸۷	۳۱۹۳۷	۱۶۹	۱۷۱
سیستان و بلوچستان	۳۲۰۵	۸۶/۲	۱۰/۳	۳/۴	۱۶۰	۲۲/۵	۸۶	۴۵۵۶	۳۵۵	۱۵۸
کردستان	۲۸۸۹	۴۱/۸	۲۷/۴	۱۰/۷	۵۶۰	۹۳	۹۳	۳۳۸۵	۱۵۲	۱۳۳
همدان	۲۰۶۹	۲۴/۶	۵۲/۹	۲۲/۳	۵۲۰	۱۰۱	۸۷	۳۸۳۹	۱۴۲	۱۲۳
چهارمحال و بختیاری	۳۳۱۳	۵۰/۴	۴۳/۶	۵/۹	۵۹۰	۷۶	۸۱	۳۳۶۵	۲۵۱	۱۹۲
لرستان	۳۳۱۵	۵۳/۶	۲۱/۲	۵	۸۱۰	۷۴	۷۹	۳۷۹۸	۲۱۵	۱۵۹
ایلام	۱۴۰۳	۸۸/۵	۱۰/۳	۱	۳۸۰	۶۱	۸۷	۱۸۵۳	۲۰۸	۱۲۷
کهگیلویه و بویراحمد	۱۵۸۸	۷۸/۵	۲۰/۶	-/۸	۵۷۰	۶۸	۸۷	۱۸۷۴	۳۰۲	۱۲۶
بوشهر	۲۲۹۸	۹۱/۴	۶	۲/۵	۸۶۰	۹۲	۹۱	۳۳۷۵	۳۶۲	۱۵۳
زنجان	۲۶۰۵	۴۸/۷	۲۱/۵	۹/۸	۱۰۵۰	۴۶	۸۵	۴۴۰۳	۴۳۵	۲۰۲
سمنان	۲۳۳۸	۳۵/۴	۵۲/۹	۹/۵	۱۱۳۰	۴۲	۸۹	۲۹۰۷	۳۹۰	۱۷۴
یزد	۳۳۰۹	۲۰/۴	۳۶/۳	۲۳/۱	۱۰۸۰	۸۷	۹۱	۴۰۸۵	۲۶۶	۲۳۱
هرمزگان	۱۶۹۴	۷۵/۱	۱۹/۸	۲/۹	۷۸۰	۶۷	۸۹	۲۵۸۱	۳۰۳	۱۲۴
تهران (بجز شهر تهران)	۷۸۳۴	۲۶	۲۹/۸	۴۹/۱	۲۷۹۰	۸۴	۹۲	۱۶۳۸۷	۱۶۷	۱۴۴
شهر تهران	۸۲۰۹	۱۰	۷/۹	۸۲/۱	۳۶۷۰	۱۵۹/۱	۱۵۹/۱	۵۰۱۵۱	۹۳	۱۲۸
اردبیل	۳۵۰۰	۵۲/۵	۳۲/۳	۱۵/۱	۷۸۰	۸۵	۸۷	۵۰۱۷	۱۵۶	۱۳۳
قم	۲۹۰۰	۸/۱	۷۷/۶	۱۴/۱	۱۳۳۰	۸۰	۸۷	۳۹۸۸	۳۳۳	۲۶۸
قزوین	۲۰۶۳	۴۹/۲	۲۶/۴	۲۴	۷۲۰	۷۸	۸۹	۵۱۸۹	۱۳۹	۱۰۹
گلستان	۲۷۷۶	۵۱/۲	۴۴/۲	۱۴/۲	۸۹۰	۶۸	۸۹	۴۲۲	۲۱۱	۱۲۴
کل کشور	۱۳۲۲۹۱	۴۷/۴	۲۳/۲	۱۹/۴	۵۵۵۸۰	۷۰/۶	-	۲۲۸۶۰۲	۲۲۳	۱۵۷/۷

مأخذ اصلی: اطلاعات پروانه‌های ساختمانی صادر شده توسط شهرداریها برای احداث ساختمان در شهرهای کشور - مرکز آمار ایران، مرداد ۱۳۷۹.

فنون مدیریت

شغل خود را بشناسید

ماهر و شاه حسینی

یکی از عواملی که سبب موفقیت مدیران در انجام وظایف خود می شود شناخت دقیق آنها فرساده شغل خود است. مدیر نیز مانند هر کارمند دیگری نیاز به این دارد که ماهیت شغل خود را به خوبی بشناسد و مهارت‌های مورد نیاز را برای انجام آن کسب نماید. در اینجا برخی از شیوه‌های شناخت شغل مدیران ارائه می شود:

۱- آیا عنوانی برای شغل شما انتخاب شده است؟ در صورتی که پاسخ منفی باشد، حتماً با رئیس خود در این مورد گفتگو کنید و از او بخواهید تا عنوان دقیق شغل شما را

مشخص کند. عنوان اگر چه ممکن است چند کلمه ساده باشد، اما نشانگر حوزه مسئولیت‌های شما به عنوان مدیر است.

۲- آیا می دانید هدف شغل شما چیست؟ هدف مانند چراغ راهنمایی است که مسیر افراد را در انجام امور خود مشخص می کند. اگر به عنوان مدیر به طور دقیق از هدف شغل خود مطلع نباشید، قادر به شناخت و به کارگیری ابزارهای لازم برای رسیدن به آن نخواهید بود. مثلاً اگر هدف شغلی شما افزایش بهره‌وری کارکنان باشد، می دانید که برگزاری دوره‌های آموزشی مورد نیاز، شعار را در رسیدن به این هدف کمک خواهد کرد. از آنجا که دستیابی به اهداف، شاخص ارزیابی عملکرد شما به عنوان مدیر خواهد بود، ضروری است که در مورد اهداف شغلی خود با رئیس یا رؤسای خود به تفاهم برسید.

۳- آیا شغل شما «شرح شغل» که وظایف و مسئولیت‌های شما را مشخص می کند، دارد؟ به عنوان یک مدیر باید شرح وظایف یا شرح شغل داشته باشید. اگر نسخه‌ای از شرح شغل خود را ندارید، حتماً آن را از رئیس خود بخواهید. شرح شغل خود را با دقت بخوانید و تلاش کنید تا تضامین به کنار رفته در آن را فراموش نکنید. در صورت وجود مشکل می‌توانید با رئیس یا مدیران هم‌تراز خود مشورت کنید. دقت کنید که شرح شغل شما صحیح و به هنگام باشد. با توجه به سرعت تغییرات در زندگی کنونی، ممکن است واقعیهایی که شرح شغلی شما بر اساس آنها تنظیم شده ذکر گه‌گه شده باشند. شرح شغلی خود را با کمک رئیس خود به هنگام کنید. نکته دیگری که در این زمینه می‌تواند به شما کمک کند این است که از مدیران قبلی که شغل شما را داشته‌اند، درخواست کنید تا جویید که چگونه وظایف و مسئولیت‌های خود را بر اساس شرح شغلی انجام می‌دادند. یک شرح شغل صحیح، دقیق و به هنگام، از بسیاری سوءتفاهم‌ها میان شما، رؤسا و

معاونان شما جلوگیری می‌کند.

۴- آیا می‌دانید کار آری شما بر اساس چه معیارهایی ارزیابی می‌شود؟

ارزیابی عملکرد مدیران در نظام‌های اداری، کاری پیچیده و دشوار است. اما اگر شما به عنوان مدیر و رؤسای شما به عنوان افراد بالاتر از شما، درک مشترکی از اهداف شغلی، مسئولیت‌ها، وظایف، اختیارات، ابزارها و امکانات شما داشته باشند، تا اندازه زیادی ارزیابی عملکرد شما منصفانه و واقع‌بینانه خواهد بود. توجه داشته باشید که شما در هر صورت (با وجود نظام ارزیابی یا عدم آن) وظیفه دارید رئیس خود را از عملکرد و انجام وظایفتان مطلع سازید. اگر موافق سبب شده که به برخی از اهداف دست نیابید و گام‌هایی در کارتان پدید آمده حتماً آنها را نیز با رئیس خود در میان بگذارید و از او چاره‌جویی کنید.

۵- آیا از دانش و مهارت لازم برای انجام وظایف شغلی خود بهره‌مند هستید؟

مدیریت، شغلی است که در کنار مهارت‌های تخصصی، نیازمند توانایی‌هایی برای برقراری ارتباط و تفاهم با دیگران - اعم از کارمندان زیردست و رؤسا، خدمت‌گوران و در مواقعی مردم عادی - است. بر اساس شرح شغلی و وظایفی که بر عهده شماست، بررسی کنید که چه مهارت‌هایی دارید و در کدام مهارت‌ها نیازمند آموزش هستید. به طور خلاصه مهارت‌های لازم برای انجام شغل مدیریت بویژه فردی که در عرصه خدمات شهری مدیریت می‌کند عبارت‌اند از: تجربه کار مدیریتی، برآس‌سازی، سازماندهی، مذاکره، انگیزش، بودجه‌ریزی، بودجه‌بندی، انجام سخنرانی‌های عمومی، حل مسئله و توانایی تصمیم‌گیری سریع.

تألیف
۱- دکتر ماهر و شاه حسینی، مکتب‌پژوهان و مدیران موفق
۲- دکتر شاه حسینی، مدیران موفق و مشاوران
۳- دکتر ماهر و شاه حسینی، مدیران موفق و مشاوران
۴- دکتر ماهر و شاه حسینی، مدیران موفق و مشاوران
۵- دکتر ماهر و شاه حسینی، مدیران موفق و مشاوران

اصلاحیه شهرداری منطقه یک

در پی درج گزارش خبری تحت عنوان «شهردار شب تهران» شهردار اورژانس است، در شماره ۲۶، اصلاحیه‌ای از سوی شهرداری منطقه یک تهران به دفتر ماهنامه ارسال شده است. در این اصلاحیه از قول محسن امین، معاون امور شهری و فضای سبز شهردار منطقه یک آمده است: «باید روی این قضیه کار بیشتری شود و اختیارات تعریف شوند. آیا در مواقع ضروری، شهردار شب می‌تواند در هر منطقه‌ای، شهردار مریضه را از حوادث مطلع کند»



طراحی فضای شهری نگرشی بر فرآیندی اجتماعی و مکانی / علی مدنی پور / ترجمه فرهاد مرتضایی / شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری / چاپ اول ۱۳۷۹ / ۳۳۰ صفحه.

بسر طبق گفته سازمان ملل متحد، آغاز سده بیست و یکم میلادی، همزمان است با تکوین انقلابهای شهری نویی در جهان. برای نخستین بار در تاریخ شهر، بیش از نیمی از مردم دنیا در شهرها زندگی می‌کنند و تا ۲۰ سال آینده، تعداد شهرنشینان جهان دو برابر روستا نشینان خواهد شد. در گذشته چنین رشدی غالباً مایه ترس و نگرانی دست‌اندرکاران شهری و مملکتی می‌شد. اما امروزه کارشناسان، شهرها را به عنوان نقاط عطف توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌شناسند و معتقدند که معضلات شهری را می‌توان با اداره و ساماندهی صحیح حل کرد.

در این زمینه طراحی شهری اهمیت ویژه‌ای می‌یابد؛ چرا که تأثیری مستقیم بر کیفیت محیط زیست شهری دارد. طراحی شهری به فضای شهر سامان می‌دهد و در نتیجه، زندگی فردی و اجتماعی شهرنشینان را دگرگون می‌سازد. به همین دلیل شهرسازان باید آگاهی عمیقی از ابعاد مختلف کالبد شهر، ماهیت طراحی شهری و عواقب تغییر شکل شهر برای شهروندان داشته باشند. کتاب حاضر یکی از نمونه‌های معدود درباره طراحی شهری است که به زبان فارسی انتشار یافته است. نویسنده کتاب، فارغ‌التحصیل دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی (ملی) است که تحصیلات خود را در زمینه توسعه طراحی شهری در انگلستان ادامه داده و اکنون در کنار کارهای تحقیقی

خود در دانشگاه نیوکامبل به تدریس مشغول است.

آشنایی کامل نویسنده با شهرها و اوضاع اجتماعی ایران به عنوان یک ایرانی و مطالعات تحقیقی که در زمینه شهر در محیط بین‌المللی و بویژه در کشورهای در حال توسعه انجام داده است، مطالب کتاب را برای محققان ایرانی بسیار مفید ساخته است. کتاب شامل دو بخش اصلی است که دیدگاههای مختلف درباره فضای شهری و ایجاد فضاهای شهری را در بر می‌گیرد و به هشت فصل به شرح زیر تقسیم می‌شود:

- ۱- درک فضای شهری.
- ۲- چارچوبهای ساختاری فضای شهری.
- ۳- مردم در شهر.
- ۴- فرآیند طراحی شهری.
- ۵- تولید فضای مصنوع.
- ۶- شاخصها، ساختن شکل شهر.
- ۷- تصاویر کمال
- ۸- طراحی فضای شهری.

همان‌طور که از مباحث ارائه شده می‌توان استنباط کرد، این کتاب سعی در بر کردن فاصله موجود بین دو رویکرد رایج در طراحی شهری را داشته است. طراحی فضای شهری به روشی متسجم، هر دو بعد فیزیکی و اجتماعی محیط مصنوع را در بر دارد. نویسنده، تحلیلی قدرتمند از روند طراحی فضای شهری و محصور آن یعنی فضای شهری ارائه می‌کند، همچنین موضوعات متناقض شهری را کنار هم می‌گذارد و به روشی متقاعدکننده استدلال می‌کند که برای داشتن درکی بهتر و کاملتر از طراحی شهری و فضای شهری باید بر فصل مشترک، روند توسعه و ساخت و ساز شهری و زندگی روزمره تمرکز کرد.

این کتاب - که می‌توان آن را در سطح مفاهیم میان‌رشته‌ای تلقی نمود - همراه با مثالهای فراوان از ساختاری مناسب و متنی روشن بر خوردار است و بایه کارگیری منابع متعدد از سراسر جهان، نکات موجود در جغرافیای انسانی، جامعه‌شناسی شهری، معماری و برنامه‌ریزی شهری را به یکدیگر پیوند داده است.

در ویرایش این کتاب مسائلی به چشم می‌خورد که لازم است مورد توجه قرار گیرد: اول اینکه بخش کتابنامه حذف شده است و دوم اینکه در ترجمه متن نیز گاه برای کلمات از معادلهای متناسبی استفاده شده است. به طوری مثال واژه Spatial یک جا به معنای فضایی و در جای دیگر، مکانی و مورد دیگر، محیطی ترجمه شده است!



گزارش نویسی علل حریق - راهنمای تنظیم گزارش کارشناسی حریق / حسن ابراهیمی و هوشنگ شریف زاده / سازمان شهرداریهای کشور / چاپ اول ۱۳۷۹ / ۱۲۴ صفحه.

آتش سوزی پدیده فرگیر است که در هر زمان و مکانی احتمال وقوع دارد و اغلب سوجب به بار آمدن خسارتهای سنگین می‌شود. در بسیاری از موارد به هنگام بروز حریق و حادثه، اشخاص حقوقی از قبیل نیروهای انتظامی، قضات دادگستری، ادارات بیمه و با اشخاص حقیقی، به دلایل متفاوت، خواستار آگاهی از علل بروز حریق و حادثه می‌شوند؛ از این رو اعلام نظر از طرف کارشناسان آتش‌نشانیهای کشور بسیار حساس و حائز اهمیت بوده و می‌تواند در مواردی باعث محکومیت و یا آزادی شخص متهم و جلوگیری از تضییع حقوق افراد و سازمانها نیز بشود.

علت‌یابی حریق و گزارش نویسی علل حریق، تاکنون در کشور ما براساس تجربیات غیرمکتوبی صورت گرفته است که ضمن سلیقه‌ای بودن روند بررسی و تنظیم گزارش، انتقال تجربیات به کارشناسان جوان و توسعه فنون کشف علل حریق را نیز با کندی مواجه می‌کرده است. رشد شتابان شهرنشینی، افزایش پیچیدگیهای زندگی شهری و توسعه منابع احتمالی و تنوع حریق، امکان تهیه گزارشهای سنتی کرده است و نیاز به آموزش روشهای سیستماتیک و علمی را برای بررسی و ثبت چگونگی و علل حریق، قطعی کرده است.

کتاب مورد بحث در جهت اهداف یاد شده، حاصل تلاش مؤلفان و اقتباس از منابع

خارجی در این زمینه است که در ۱۰ فصل تنظیم شده است. فاکتورهای اصلی انجام کار کارشناسی در زمینه علت‌یابی حریق در فصل اول کتاب مورد بحث قرار گرفته است. در فصل دوم مباحثی در مورد ویژگی‌های کارشناس ثبت حریق مطرح شده و لزوم اتکای کارشناس به بررسی‌های محیطی (بیش از تجربه شخصی) مورد تأکید قرار گرفته است.

این و روش گزارش نویسی، عنوان فصل دوم کتاب است که در باره دلایل اهمیت گزارش، بحث می‌کند. گزارش از یک سو ثبت دائمی حقایق موجود در صحنه حریق محسوب می‌گردد و می‌تواند به عنوان یک سند در موارد مختلف مورد استناد واقع شود و از سوی دیگر، برداشتی ابتدایی و بی‌طرفانه از اکتسابات گزارش‌گر از علل وقوع حادثه تلقی می‌شود.

یادداشت برداری از صحنه حریق و خصوصیات لوح کاری بررسی صحنه حریق با استناد به نظر کارشناسان به نام در این زمینه در فصول بعد مورد اشاره واقع شده است. یک لوح کاری بررسی حریق بهتر است از روس و ضامن زیر برخوردار باشد:

- از تباط و نزدیکی اطلاعات.
- تشریح کتبی حقایق به طور صحیح.
- ثبت مستند اطلاعات.
- باورپذیری و بررسی از صحنه حریق از خارج به داخلی.

- چک لیست تجهیزات.
- اجازه موافقت برای ورود به محل.
- کاغذ مناسب برای رسم کروکی.
- آلبوم عکسهای گرفته شده از صحنه حریق.

- کارت شناسایی صحنه حریق.
- جمع آوری دلایل و مدارک.
- پرکه مصاحبه یا شهود.

در فصل پنجم لوح کاری پیشنهادی برای بررسی صحنه حریق به تفصیل و با ارائه جزئیات مطرح شده است. این فصل حدود یک - سهوم حجم کتاب را به خود اختصاص داده و خصوصیات کاربردی بیشتری نسبت به بقیه مطالب کتاب دارد.

اهمیت و میزان کاربرد لوح کاری بررسی صحنه حریق در تنظیم گزارش حریق و نکات اساسی که از لوح کاری در گزاره‌های حریق مورد استفاده قرار می‌گیرد در فصل ششم و هفتم کتاب بررسی شده است.

در فصل هشتم و نهم نسوج و چگونگی ضامن و گزاره‌های مکمل شامل کروکی

مربوط به اتاق کانون حریق، کروکی کامل از ساختمان، کروکی‌های خاص محیطی، آیت‌های ویژه، علائم پیشنهادی، آلبوم عکس و قیومت و شکل گزارش مکمل ارائه شده است.

در فصل آخر کتاب نیز سبک و شیوه نگارش گزاره‌های حریق، غلطی‌های رایج و راه‌های پیشنهادی تصحیح آنها به منظور تهیه گزارشی روشن و قابل استفاده از حریق مورد بررسی قرار گرفته است.



مدیریت شهری (کتاب سبز شهرداری، جلد یازدهم) / احمد سعیدتیا / سازمان شهرداری‌ها و کشور / ۱۳۷۹ / ۱۷۰ صفحه.

هر فعالیت اجتماعی بدون وجود مدیریت سازمان یافته‌ای که اهداف و ابزار رسیدن به آنها را مشخص کند و فعالیتها را هماهنگ نماید از هم خواهد پاشید و به بی‌نظمی خواهد گزاید. شهرها نیز به عنوان یک سامانه از این قاعده مستثنی نیستند. کتاب مدیریت شهری از مجموعه کتابهای سبز شهرداری - که به همت مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری انتشار یافته است - در صدد طرح مباحث مدیریت شهری به شیوه‌ای علمی و کاربردی در یک مجلد و به صورت خلاصه است و به منظور آشنایی مسئولان اجرایی کشور با مباحث و مفاهیم شهرسازی و مدیریت شهری انتشار یافته است.

کتاب مشتمل بر ۱۰ فصل است. در فصل اول مفهوم، اهداف و وظایف مدیریت یک سامانه به صورت عام تشریح شده است؛ همچنین شمول این مفاهیم در حوزه اداره یک شهر مورد بحث قرار گرفته و تعریف حکومت‌های محلی و شهرداری‌ها به عنوان سردیترین سازمانهای مسئول اداره امور

شهرها نیز ارائه شده است.

در فصل دوم وظایف مدیریت شهری مورد بررسی قرار گرفته است. برنامه‌ریزی شهری، تأمین بهداشت شهری، اقدامات عمرانی و خدماتی، خدمات اجتماعی، تأمین ایمنی و تأمین فضاهای فرهنگی به عنوان وظایف عام کتونی شهرداری‌ها در جهان در این فصل مطرح شده و وظایف مدیریت شهری در ایران براساس قانون شهرداری‌ها (مصوب ۱۳۳۴) در چهار عنوان کلی خلاصه گردیده است: وظایف عمرانی، وظایف خدماتی، وظایف نظارتی و تأمین رفاه اجتماعی.

همچنین در این فصل، مدیریت و بهبود سرمایه‌گذاریهای زیربنایی، ارائه توزیع خدمات اجتماعی، ارتقای رشد اقتصادی و بهبود شرایط زندگی مردم و برنامه‌ریزی استراتژیک به عنوان وظایف جدید مدیریت شهری در جهان مطرح شده و در انتهای فصل، وظایف مدیریت شهری در کلانشهرها نیز به صورت خلاصه مورد بحث قرار گرفته است.

در فصل سوم اهداف مدیریت شهری در ایران بر مبنای اهداف برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور، طرحهای شهری و قانون شهرداری‌ها بررسی شده است.

در فصل چهارم انواع مدیریت شهری براساس نظامهای سیاسی متمرکز و نامتمرکز بررسی شده و معایب و مزایای هر کدام از آنها مورد بحث قرار گرفته است.

سطوح مدیریت شهری در ایران از سطح کلان (وزارت کشور) تا سطح منطقه‌ای (استانداری) و محلی (شهرداری، فرمانداری و شوراهای شهر) در فصل پنجم بررسی شده است.

در فصل ششم وظایف شهردار به عنوان مدیر شهر در قالب وظایف عمومی یک مدیر شامل برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی، کنترل، نظارت، هدایت و رهبری مورد بررسی قرار گرفته است.

در فصل هفتم و هشتم کتاب، اصول اساسی مدیریت مالی و اداری شهرداری‌ها به عنوان تورکن اصلی شهرداری‌ها مورد مناقشه قرار گرفته و در فصل نهم و دهم کتاب مسیر تحول مدیریت شهری در ایران و جهان به صورت خلاصه بررسی شده است.

وظایف قانونی شهرداری‌ها و شوراهای اسلامی شهر در ایران نیز به عنوان دو پیوست در انتهای کتاب گنجانده شده است.

جمع آوری زباله و نخاله می بردازند. قبلاً ۲۳ ایستگاه موقت داشتیم که آنها را به ۳ ایستگاه کاهش دادیم. بعد از ساعت ۲ بعد از ظهر - که ادارات تعطیل می شوند - به نوعی، ساعت استراحت مردم است - کنار کنار خدمات شهری به صورت گروهی وارد محله ها می شوند و به پاکسازی می پردازند.

● در باره چگونگی ارتباط شما با مردم و نحوه مشارکت مردم در زندگی شهری توضیح بفرمایید.

() ما با مردم به دو گونه ارتباط برقرار می کنیم: یک نوع ارتباط به صورت ملاقات عمومی شهردار است که مردم می توانند در روزهای خاصی به ملاقات شهردار بیایند و مسائل و مشکلات خود را بگویند بعضی از این مشکلات را همان جا حل می کنیم و بعضی به بررسی کارشناسی موکول می شوند. نوع دیگر ارتباط، مراجعه ما به مردم است که با اعلام قبلی به محله ها مراجعه می کنیم. این ملاقاتها زمان بخصوصی ندارد و گاه به صورت اتفاقی در معیت نماینده شهر و به اتفاق اعضای شورای شهر و کارشناسان شهرداری صورت می گیرد. در این گردشها ما مسائل و مشکلات شهرداریها و مردم به طور متقابل مطرح می شوند. به یمن همین اقدامات است که مثلاً برای تمام مردم جا افتاده که ۲۰ درصد هزینه اقدامات عمرانی محلی باید از سوی اهالی گردآوری شود. من از این اقدامات واقعاً نتیجه گرفته ام؛ چون وقتی مردم بفهمند که شهرداری هیچ اعتبار و کمک دولتی در اختیار ندارد و باید برای جمع آوری زباله و سرپا نگهداشتن کارکنانش ماهانه ۴۶ میلیون تومان حقوق بدهد، توقع کمتری خواهند داشت.

● مهمترین مشکلات شهر تان را به ترتیب اهمیت بفرمایید.

() ایستگاه دفن زباله یکی از این مشکلات است. ایستگاهی که شهرداری از ۳۰ سال قبل پیش بینی کرده بود، اکنون به دلیل رشد شهر به سمت آن، مشکل آفرین شده است. برای جایه جایی این ایستگاه باید ۵۰۰ میلیون تومان هزینه کنیم، اما قادر به انجام آن نیستیم. اکنون فرودگاه در حال احداث، پاسگاه پلیس و چند کارخانه در نزدیکی این ایستگاه دفن زباله قرار گرفته اند. مشکل دیگر، کشتارگاه است که ۲۵ سال قبل ساخته شده و بارشد شهر به طرف آن، مشکلات ناشی از آلودگی برای مناطق مسکونی اطراف آن ایجاد می کند. هزینه ایجاد یک کشتارگاه نیمه صنعتی در ۳۰-۲۰ کیلومتری شهر حدود ۳ میلیارد تومان است که همه آنها به مشکلات اقتصادی شهر برمی گردد.

● شما به مشکلات فوق و همچنین مشکلات ناشی از شرایط اقتصادی شهر اشاره کردید. به نظر شما آیا بنیاد این مشکلات، وسعت بیش از اندازه شهر نیست؟

() بله، همین طور است. بعد از انقلاب علاوه بر سیاستهای جمعیتی که سبب رشد بیش از اندازه جمعیت شد؛ متأسفانه ما شهر شاهرود نیز برخورد مناسبی نشد. کسی که اینجا مسئول بود، فکر می کرد هر چه بتواند شهر که اضافه کند و به وسعت شهر بیفزاید، قدرت و اقتدار شهر را بالا می برد! اکنون ۱۳ شهرک جدا از هم داریم که در وسعت ۳۰ کیلومتری پراکنده اند و تراکم جمعیتی حدود ۴۰ نفر در هکتار را ایجاد کرده است؛ در حالی که تراکم استاندارد برای این شهر حدود ۱۵۰ نفر در هکتار است. همین امر باعث بالا رفتن هزینه های شهر و در هم ریختگی تصمیم گیریها و برنامه های قبلی شده است. سازمانهای اداره کننده شهر همچون شهرداری، نیروی انتظامی، مخازن آب و سایر سازمانها مشکلات زیادی در خدمات رسانی پیدا کرده اند. اکنون ۵-۶ سال

هست که از محدوده قانونی شهر بشدت حفاظت می کنیم و از کمیسیون ماده ۵ محوز افزایش تراکم برای برخی مناطق گرفته ایم. بقدری از مشکلات ما ناشی از فشارهای تعاونی ها بود که با آنها مدارا کرده ایم. گروهی از آزادگان، جانبازان و رزمندگان هم هستند که خارج از محدوده قانونی شهر زمینی را گرفته اند و ۵-۶ سال است که هم خودشان را گرفتار کرده اند و هم شهرداری را. اما ما محکم ایستاده ایم و گفته ایم که ارزشها سر جای خودش، اما اجازه رشد بی ضابطه شهر را نمی دهیم. حتی حاضر شدیم معوض زمین را در داخل شهر بدهیم، اما به خارج از محدوده یا نگذاریم.

● می دانید که حدود ۱۰ سال از تصویب طرح جامع می گذرد؛ تاکنون چقدر در اجرای این طرح پیشرفت کرده اید. آیا این طرح، مشکلات شهر را کاهش داده است؟

() متأسفانه در موقع تصویب طرح جامع، به اعتراف مسئولان استان، شرایط سیاسی بین شاهرود و سمنان طوری بود که طرح به صورت تیخته و در جو خاصی تأیید شد. اما در این ۵-۶ سال با برخورد منطقی ما با مسائل شهر و متقاعد کردن کمیسیون ماده ۵، ضرورت بازنگری در طرح را جانداختیم. مسائلی همچون تراکمهای ساختمانی، جلوگیری از حرکت در سطح و گرایش به ارتفاع، تغییر کاربری باغهایی که عملاً باغ نبودند و... در بازنگری طرح مطرح شدند. این اصلاحات که در طرح تفصیلی نیز انعکاس یافت، باعث رضایت نسبی مردم و تسهیل در کار شهرداری شده است.

در مسائلی پس از انقلاب، آنچه بیش از هر چیز در سر نوشت شاهرود دخالت داشته، تصمیم گیری مسئولان شهر، بدون در نظر گرفتن رأی و نظر مردم بوده است. همه تصمیمها از روی خیرخواهی بوده که گاه به ضرر ایمن ترتری منجر شده (همچون گسیل دانشگاههای شهر به گاه متراکم ناساختنی و آرام زده است) همچون گسترش بی رویه شهر، حتی این سالها حضور مردم در تعیین سر نوشت شهر مثل، کورنگ بوده است. الجاهم که حضور یافته اند، به شکل توده های و سازه های بی پایه و مستی بر ضلع کوتاه مدت آن بوده است.

انتظار این است که از این پس، تصمیمها و برنامه ها با حضور سازه های پایه مردم و مبتنی بر استعدادهای و سازو کارهای ترویجی شهر شکل گیرد و به پیش رود.

● رضایتی بالقوی، شهردار شاهرود، متولد شهر بسطام، ۲۱ سال مسئولیت شهر داریدی مختلف همچون بسطام، مهدی شهر، دامغان، خراسان، ملایر و همدان را بر عهده داشته است و اکنون به مدت ۶ سال و نیم است که شهردار شاهرود است.

● آقای شهردار، از اینکه وقتتان را به این گفتگو اختصاص دادید، متشکرم.

تجهیزات آب نما

طرح - اجراء - فروش

پس از مشاهده کلیات در صنعت آب بهترین
۷۵ واحدات عرضه میگردند

شماره ۷۵۲۶۲۲۶ ۷۵۲۶۹۵۱
شماره پستی ۱۵۶۵۵۳۲۱۱ کد پستی ۱۵۶۱۲



تهران
شرکت پیمبا

تهران
تهران

* License Holder: Interior Ministry - Organization of Municipalities
 * Managing Director: Ahmad Khorram
 * Editor-in-Chief: Ali Nozarpoor

Contents

Editor's Note	4
Special Report	
Municipal Taxes; Approach and Challenges: J. Masoum	5
Idea & Research	
Some Experiences in the Urban Sustainable Development Management: M. Ibrahim Mojarad	17
A Necessity:	
Organizing the Construction Materials Supply Centers: I. Asadi	23
Dialogue	
Information Technology and the Urban Development Management: Interview with H. Ghadimi	27
Mayor's View	
Shahrood, 170 Years in Search of Function: Interview with R. Bagheri, the Mayor of Shahrood	29
Legal Counsellor	31
The Legal Bureau of Interior Ministry	
Administration & Financial Counsellor	33
City Council	35
The Council's Ability for Transforming the Rent Socio-Economic Structure: F. Momeni	
The ABC of City	
New Initiative/ The Neighbourhood Mayors in Torbat-e-Heidarieh	
Why the Council's Decisions Do Not Have Sanction?	
World's Experiences	
Planning for Pedestrian: A. Garvin	46
Local Taxes, The Main Source of Municipal Revenues in Netherland: Financial Ministry of Netherland	48
The Diversity and Effectiveness of Urban Environment - The Comparison of Two Region in the Oxford:	
A. Coupland	52
Instruction	
Design of Furniture for Street (7): Fence, Handrail and Bike Rack: R. Mortezaei	55
World's Cities & Municipalities	62
News Reports : A. Kalantari	74
Brief News	76
Research News: Research Center of Urban Planning	78
Urban Law	
Legal Ambiguity in the Municipal Law: Sh. Nazarpour-N. Pour Arshad	
Letters	
Point of View	
Criteria for the Mayor from your Viewpoint/ City Council of Bandar Anzoli	84
Urban Statistics	85
Management Techniques	85
Books Review	88
Special on Urban Design	

Urban Design Editors: A. Jafari
 • The Perception - Behavioral Order in Urban Space
 • The Production, Perception and Application of Urban Space - From Housing to Educating
 • A Topical Emergency: The Application of Colour in City
 • The Application of Nature's Colors in Townscaping
 • Local Reports: Past and Present
 • The Vertical Green Space in the Urban Building Facade
 • The Critique of an Urban Space: Faramazeh T. Jiroden in Tehran
 • The Critique of an Urban Space: Waterfall City Center



فرارسیدن سال نو و نوروز باستانی را

به همه هموطنان عزیز تبریک و تهنیت می گوئیم.



کاراب صنعت آسیا (با مسئولیت محدود)

طراحی، مشاوره و ساخت انواع
بوسترپمپهای آبرسانی، آتشنشانی

Boosting Unit

Design, Consulting and Product
Water Supply & Fire Fighting

نماینده رسمی موتوژن تبریز



Design: Halvat, 8746393

UP TO DATE



No. 4 & 6, (Bahar) Godarzi Ave., Saadi South St.
Tel : +98 - 21 - 3116059 - 3927373 - 3920667 - 3915057
Fax: +98 - 21- 3931068
E-mail: karabsanat@Pardisco.com

خیابان سعدی جنوبی، کوچه (بهار) شهید کوردزی، پلاک ۲ و ۴
تلفن: ۳۹۱۵۰۵۷ - ۳۹۲۰۶۶۷ - ۳۹۲۷۳۷۳ - ۳۱۱۶۰۵۹
فاکس: ۳۹۳۱۰۶۸
پست الکترونیکی: karabsanat@Pardisco.com

23

Monthly Journal of Management, Education and Research
in Urban Management and Planning
Number 23 \ April 2001

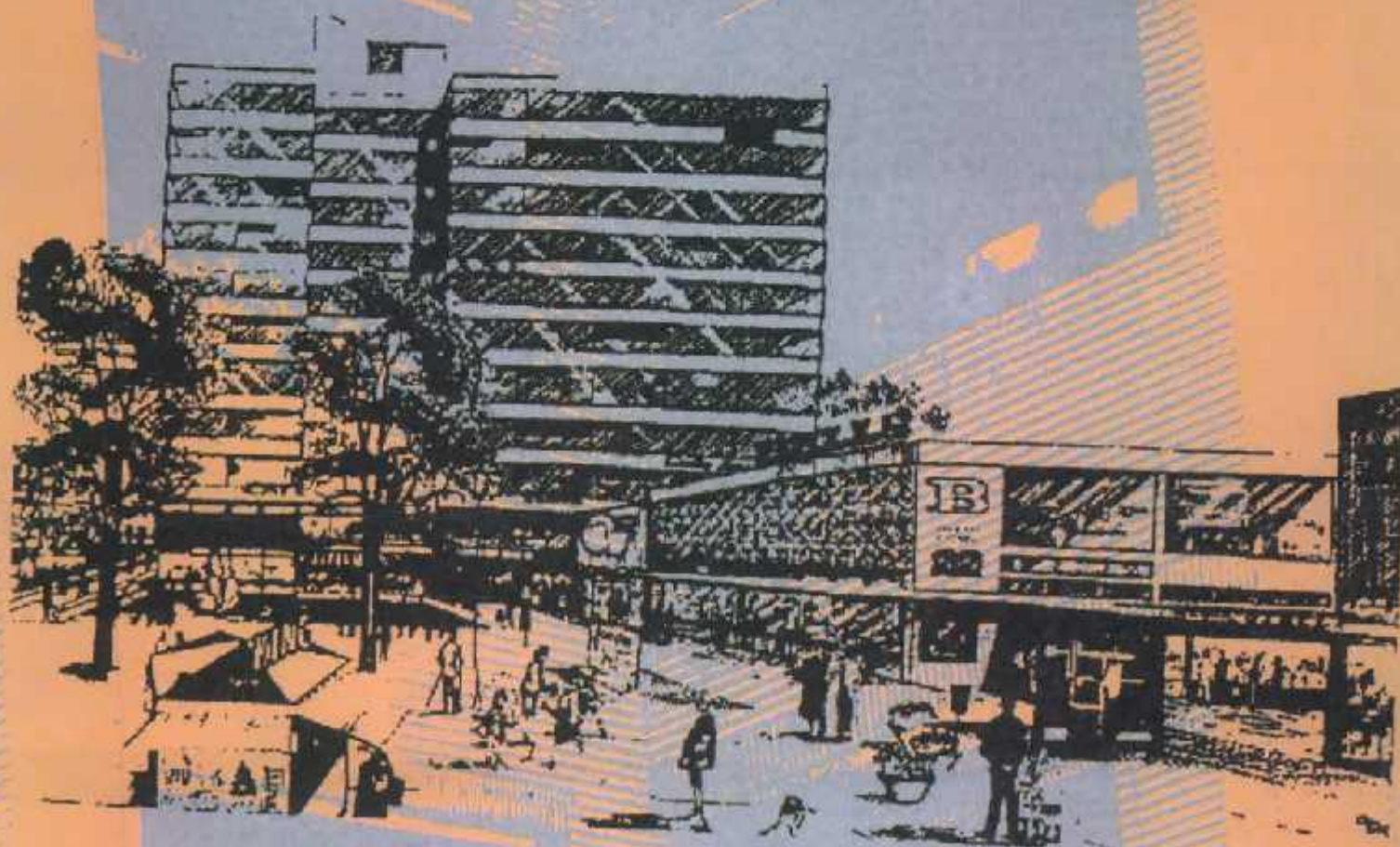
Shahrdariba

- Municipal Taxes, Approaches & Challenges
- Information Technology & the Urban Development
 - The Council's Ability for Transforming the Rent Socio-Economic Structure
 - Why The Council's Decision Do not Have Sanction?
- Local Taxes, the Main Source of Municipal Revenues in Netherland
 - The Diversity and Effectiveness of Urban Environment, The Comparison Of Two Region in The Oxford
 - Legal Ambiguity in the Municipal Law
 - Special on Urban Design
 - Urban Design, Exigency or Luxury?
 - Colour in City
 - Local Square: Past & Present



شماره ۲۲
ویژه نامه شماره ۵

طراحی شهری



ضرورت یا تجمل؟ طراحی شهری

جهانگام پانزدهم
رکنار در طراحی شهری
عضو هیئت علمی دانشکده معماری و
شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی

چند صباحی است که موجودی به نام طراحی شهری در بین مدیران شهری به دنبال جایگاه واقعی خود می گردد. ولی به دلیل تازگی این بحث در جامعه ما هر کس به فراخور شناخت و تجربه شخصی خود، تعبیر و تفسیر متمایزی از آن دارد و این امر موجب ناهماهنگی و عدم اتفاق نظر راجع به مفهوم واقعی این مقوله گردیده است.

این پدیده چیست که هر شهردار و مدیر شهری به دنبال این است که حداقل یک پروژه از آن را در شهر خود اجرا نماید؟ برخی میدانی را جهت طراحی شهری سفارش می دهند و بسیاری دیگر بدنه سازی یک خیابان را در دستور کار قرار داده اند. برخی به دنبال معماران صاحب نامی هستند که گوشه ای از زندگی حرفه ای پر مشغله خود را برای طراحی شهری فضایی در شهرشان خالی نگه دارند و برخی دیگر به دنبال «شهرسازی» هستند که با «پر خوردی جامع» تمامی مسائل فضای شهری مورد نظر را سامان بخشد.

به راستی طراحی شهری چیست؟

- (۱) آیا یک معماری کلان است، یا یک پروژه شهرسازی؟
 - (۲) آیا عملی، تفننی و یا روی تجمل پرستی است، یا فعالیتی است ضروری و مورد نیاز مردم امروز جامعه؟
 - (۳) چرا تا به حال کمتر کسی طالب آن بوده، ولی ناگهان مورد استقبال شدید قرار گرفته است؟
 - (۴) چه رویدادهای اجتماعی - اقتصادی باعث استقبال از طراحی شهری شده است؟
 - (۵) آیا تقارن این رویدادها با طراحی شهری تصادفی است، یا رویدادها زمینه ساز تقاضا برای طراحی شهری است؟
- به عنوان یک طراح شهری و یک شهروند، مشاهدات خود را درباره علل استقبال از طراحی شهری در چند سال اخیر جهت فتح باب بحث مطرح می کنم.

پیش از ۴ دهه از حضور جدی دانش طراحی شهری در نظام برنامه ریزی شهرهای جهان نمی گذرد. ورود و مطرح شدن آن در ایران به استثنای ترجمه یک کتاب و مقالاتی درباره فرم کالبدی شهر تهران - که آن هم توسط متخصصان خارجی در قیل از انقلاب اسلامی انجام پذیرفت - سترون باقی ماند.

سالهای اول انقلاب، سالهای تثبیت و تحکیم انقلاب بود و دفاع در مقابل دشمنان خارجی، گامتپهای ناشی از محاصره اقتصادی و هجوم نظامی، فرصتی را برای اندیشیدن به موضوع طراحی شهری به دولتمردان و مدیران نمی داد. مهاجرت سیل آسای روستاییان و مهاجران جنگی به شهرها نیز مزید بر علت شده، مدیریت شهری را سرگرم خدمات رسانی به ساکنان و تازه واردان به شهرهایشان نموده بود. مدیران ما نیز جوان و کم تجربه بودند. مشکلات و مسائل روزمره، امکان دوراندیشی و نکته سنجی را به آنان نمی داد.

با خاتمه جنگ و شروع دوره سازندگی، رشد اقتصادی و توسعه کفی در دستور کار قرار گرفت. کمبودها و محدودیتهای رفاهی ناشی از جنگ باید جبران می شد. زمان نشان دادن رشد اقتصادی بود و نمایش لیاقت و قدرت مدیریت. ملموس ترین نیازها، مانند مشکل مسکن، توسعه شبکه ترافیک، برق رسانی، مخابرات، آب و گاز و... باید با دستورالعمل یا کفایت مردانی بزرگ در لباس مدیر برآورده می گردید که تا حد زیادی انجام پذیرفت. این موفقیتها متأسفانه پیامدهای ناهنجاری نیز داشت:

- (۱) کمیت بر اذهان مدیران و کارشناسان سیطره یافت.

- (۲) وفور مسائل و کمبود نیروی کارشناسی، منجر به تصمیمات عجولانه ای شد که پیامدهای آن برای مدیر قابل پیش بینی نبود.

- (۳) نیاز به تصمیم گیریهای سریع و تفکیک وظایف سازمانها، باعث خودمحوری مدیر یا سازمان وی گردید. کمتر مدیر و



سازمانی حاضر به همکاری و هماهنگی با دیگر سازمانهای دست‌اندر کار مسائل شهری می‌شد. افزایش اختیارات و امکانات مالی باعث نوعی غرور و خود بزرگ‌بینی گردیده در حدی که حتی مدیران خود را بی‌نیاز از مشارکت مردم می‌پنداشتند، در صورتی که برای تحقق طرحهای بلند پروازانه خود نیاز به سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و مشارکت مالی مردم داشتند. به همین خاطر اگر مشارکتی انجام می‌گرفت، مشارکت با سرمایه مردم بود و نه فکر و نیروی آنان. موفقیت‌های کمی بیشمار و پیامدهای مثبت و منفی آن باعث گردید که توسعه کمی، فقط به عنوان شرطی لازم ولی ناکافی مطرح گردد.

نظام و جامعه دیگر به رشد کمی بسنده نکرد و ارتقای کیفی را نیز در دستور کار خود قرار داد. اکنون مساحتی چون تأکید بیشتر بر کرامت انسانی، قانونمداری، مشارکت، گفت‌وگو، شهروند و بالاخره جامعه مدنی، به بحث و چالش گذاشته شده‌اند. این مساحت نیاز به ماهه‌ای قضایی نیز دارند. ارتقای کیفیت در سطح جامعه، ارتقای کیفی محیط را نیز می‌طلبد.

مدیران و شهروندان به تجربه دریافته‌اند که با توجه به بارشد شدید کمی شهرهایشان، کیفیتهای زیادی از دست رفته، بدون اینکه کیفیتهای جدیدی پدید آید. نه طرحهای جامع و تفصیلی توانسته‌اند موفقیتی حاصل نمایند و نه در صورت تحقق، جوابگوی توقعات و انتظارات آنان از یک محیط با کیفیت بوده‌اند. در واقع، نه طرحها به معنای واقعی جامع‌اند و نه طرحهای تفصیلی تحقق‌پذیر و جوابگوی کیفیت محیط، آنچه بر جای مانده، شهری است ناهماهنگ، بی‌هویت و غیرانسانی و در یک کلام، دور از شان شهروند و جامعه مدنی.

اکنون مساحتی چون تأکید بیشتر بر کرامت انسانی، قانونمداری، مشارکت، گفت‌وگو، شهروند و بالاخره جامعه مدنی، به بحث و چالش گذاشته شده‌اند. این مساحت نیاز به ماهه‌ای قضایی نیز دارند. ارتقای کیفیت در سطح جامعه، ارتقای کیفی محیط را نیز می‌طلبد.

سؤال جدیدی به این صورت مطرح گردید که اگر شهرها برای انسانها و توسط انسانها ساخته شده‌اند، پس چرا تا این حد غیرانسانی‌اند؟ چه باید کرد؟ برخی از مدیران به فکر نجات فضاهای باززش شهرهایشان افتادند و برخی به دنبال مهربت و احیای بافتهایی از محل مدیریت خود، پروژه‌هایی تعریف شد که به خاطر وسعت و پیچیدگی، اجرای آنها از توان مالی، حقوقی و مدیریتی آنان خارج بود. نه شهروندان را راضی می‌کرد و نه مورد استقبال نهادها و سازمانهای دیگر در شهر قرار می‌گرفت. آنچه باقی مانده بود طرحهایی بود در حالت تعلیق و مالکانی بی‌تکلیف، زیبا سازی شهر، رنگ آمیزی برده‌ها و گرگرها، آذین‌بندی و... نیز نیازمند مسئولی خالص خود در شهرداری است. با الگوبرداری از تهران، گلاسگو، نیویورک، سان فرانسیسکو، لندن، پاریس و... نیز نیازمند کمترین مشورتی که با این سازمانها تجربه انجام می‌گرفت، متوجه ناکارایی این اسم و عیب بودن آن رسم، در حال حاضر، می‌شدند. آشنایی هر چند مختصر با این سازمان و مدیریت آن نشان می‌داد که سالهاست آرایش و پیرایش سطحی فضاهای شهری به گونه فراموشی سپرده شده است و این سازمان به دنبال حل ریشه‌ای تر معضلات و مسائل کیفی است. مطالعات و فعالیتهای چند سال اخیر این سازمان شاهدهی است بر این مدعا.

چرا نباید از تجربیات یک سازمان که یکپارچه و تنها شمعک طراحی شهری را (حتی در دوره سازندگی) برای چنین روزی روشن نگاه می‌داشت، استفاده نمود؟

حال که به فکر ارتقای کیفیت زندگی و شهر خود افتاده‌ایم، باید از دانش طراحی شهری نیز در کنار سایر رشته‌ها استفاده لازم را ببریم. درست است که طراحی شهری، خود را مسئولی ارتقای کیفیت محیط شهری می‌داند، ولی باقی وظیفه رشته‌های دیگر در حفظ، نگهداری و ارتقای کیفیت محیطی نیست.

هر برنامه‌ریز حمل و نقل می‌داند که هر دستوری که برای طرح تعریف خیابانها داده است تا چه حد فضاهای آشنا و پرحاطره شهر را خدشه‌دار کرده است.

چرا معماری که برای خوشایند کارفرما و خود سادرت به طرح تخریب میادین شهری موجود و جایگزینی آن با میدانی عظیم، تشریفاتی و مجلل می کنند، بر خلاف وظیفه حرفه ای خود که خلق مکان است عمل کرده و می کنند؟

مهندسان فعال مکانیک و برق در برنامه ریزی و طراحی تأسیسات شهری می دانند که طراحی و اجرای شبکه برای ارتقای کیفیت زندگی است، محل قرار گیری مناسب تابلوها، علمک ها و کابل ها نیز می تواند بر منظر شهری و کیفیت محیط تأثیر گذارد.

هر طراح شهری نیز می داند که وظیفه اش طراحی فضاهای مجلل، یا زدن رنگ و لعاب روی نماها و کف معابر نیست. او موظف است در همدلی و همکاری کامل با سایر رشته ها، هماهنگی لازم را در محیط شهری از یک فضای شهری گرفته تا کل شهر و حوزه نفوذ آن ایجاد نماید.

دانش طراحی شهری در سطح جهان به مرحله ای از رشد رسیده است که همگام با رشته های دیگر، بویژه برنامه ریزی شهری و مدیریت شهری، خود را پایبند به اصولی می داند که اعلام آن جهت هر گونه تصمیم و اقدام مقتضی توسط مدیران شهری سودمند است.

۱- طراح شهری به شهر و فضاهای آن، دیگر به عنوان پدیده ای که به آن نگاه می کنیم نمی نگرد، بلکه آن را مکانی می داند که در آن زندگی می کنیم. او به خوبی می داند که تفکیک فعالیت های انسانی به سکونت، کار، تردد و استراحت چه به روز شهرها آورده است.

۲- این مکان فقط محدود به محیط مصنوع نیست، بلکه مرکب از محیط طبیعی و مصنوع است. برای او فضاهای شهری و بناها به همان اندازه اهمیت دارند که دردها، رودخانه ها و باغها در شهر واحد اهمیت آید.

۳- طراح شهری فقط به صورت ظاهر فضاها نمی پردازد، بلکه دلمشغولی وی کیفیت های محیطی است؛ خواه قابل رؤیت باشند، یا با حواس دیگر ادراک شوند، یا به صورت ارزش و هنجار در حافظه و خاطره شهروند جای گرفته باشند.

۴- بنا بر این، حوزه فعالیت طراح شهری فقط جوابگوی نیازهای زیبایی شناختی مخاطب خود نیست، بلکه پاسخ به تمامی نیازهای انسانی را هدف خود قرار داده است. چه این نیازها مادی باشند، یا روحی - روانی، البته نیازهایی که با تمهیدات طراحانه و برنامه ریزانه قابل حصول باشد.

۵- به همین خاطر، خود را دخیل در تمامی مقیاسها و سطوح تصمیم سازی و برنامه ریزی شهری می داند و نه فقط طراحی یک میدان یا خیابان. هر چند طراحی این فضاها نیز از وظایف طراح شهری است و نه معمار یا برنامه ریز، ولی محدود کردن وظیفه طراح شهری به آن بدون همکاری با سایر رشته ها، محصولی را ارائه می دهد که نقشه ها و تصاویر آن فقط برای تزئین دفاتر و ادارات شایسته است تا اجرا و بهره برداری.

۶- از آنجا که خود را نیازمند همکاری و همفکری سایر رشته ها در پاسخگویی به کیفیت محیط می داند، حتی در کوچکترین مقیاس طراحی شهری - که فضاهای شهری هستند - نمی تواند بی نیاز از یک فعالیت میان حرفه ای عمل نماید.

۷- بنا بر این، طرح، یک محصول کشف و شهودی ناشی از خلاقیت یک هنرمند ماهر نیست، بلکه فعالیتی است جمعی در جهت حل مسئله.

۸- مسئله ای که نه بر مبنای سلیقه یک طراح و نخیه، که بر پایه ارزشهای استفاده کنندگان یعنی شهروندان استوار است.

۹- بدیهی است که چنین امر خطیری نمی تواند حاصل چالش یک فرد یا سازمان منفرد باشد، بلکه نیاز به مشارکتی همگانی میان نهادها، کارشناسان و شهروندان دارد.

۱۰- مشارکت فوق الذکر و وسعت و پیچیدگی موضوع باعث می گردد که به جای پاسخگویی به منافع مشتری یا کارفرما، لزوم توجه به منافع عام و مصلحت عموم صد چندان گردد.

۱۱- از آنجا که دستاوردهای چالش هماهنگ، دفعتاً ساخته نمی شود، بلکه در طول زمان شکل می گیرد، دیگر در حد چند نقشه و پرسبکتیو باقی نمانده، فرایندی را تدوین می نماید که در آن، نحوه رسیدن به جواب، تحلیقی پذیری، اجرا و حفظ و نگهداری آن را نیز تبیین می نماید؛ فرایندی که نقش هر عامل، از نهاد و ارگان گرفته تا تک تک شهروندان و جمع آنان را در تمرین مردمسالاری و تعیین سرنویشت مشخص می گرداند.

بنابر این می توان گفت طراحی شهری ضرورتی است برای ارتقای کیفیت زندگی شهروندان و بهبود مدیریت شهری؛ ضرورتی که باید با تمام مراحل فعالیت شهرسازی همراه باشد و نه به عنوان اقدامی منفک از ضرورت های روز و مربوط به ابتدای نامعلوم.

هر طراح شهری می داند که وظیفه اش طراحی فضاهای مجلل، یا زدن رنگ و لعاب روی نماها و کف معابر نیست. او موظف است در همدلی و همکاری کامل با سایر رشته ها، هماهنگی لازم را در محیط شهری از یک فضای شهری گرفته تا کل شهر و حوزه نفوذ آن ایجاد نماید.

طراح شهری فقط به صورت ظاهر فضاها نمی پردازد، بلکه دلمشغولی وی کیفیت های محیطی است؛ خواه قابل رؤیت باشند، یا با حواس دیگر ادراک شوند، یا به صورت ارزش و هنجار در حافظه و خاطره شهروند جای گرفته باشند.

بحران ادراکی - رفتاری در فضای شهری

رئیس‌جمهور اراد
نگار در طراحی شهری
مجلس هیأت علمی دانشگاه معماری و شهرسازی
دانشگاه علم و صنعت ایران



مقاله «بحران ادراکی - رفتاری در فضای شهری» برگرفته از سخنرانی نگارنده با همین عنوان در مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری وزارت کشور است. به لحاظ ارتباط موضوع و ضرورت جلب نظر دست‌اندرکاران امور شهری و شهرداری‌ها به ارتباط میان مشخصات فضاهای شهری و نحوه ادراک و رفتار شهروندان و نقش طراحی شهری در هدایت این ارتباط، این مقاله برای چاپ در ویژه‌نامه طراحی شهری ماهنامه شهرداری‌ها برگزیده شده است.

مقدمه

در این نوشتار، بحران ادراکی - رفتاری موجود در فضای شهری از دیدگاه ارتباط انسان و محیط، مورد بررسی قرار گرفته و نحوه شکل‌گیری هویت فردی، پدیده هویت مکانی و رابطه آن با محیط شهری بررسی شده است. واکنش‌های رفتاری افراد در محیط‌های غیرپاسخگو به نیازهای آنان، به اشکال گوناگون همچون انطباق، تنش و برش امکان‌پذیر دارد که این موارد در این مقاله تشریح شده است. در انتها پیشنهادی راهبردی نیز برای انجام مطالعات کاربردی برنامه‌ریزی و طراحی محیط شهری و انطباق آن با نیازهای شهروندان ارائه گردیده است.

هویت مکانی و پیامدها

بخشی از شخصیت وجودی هر انسان که هویت فردی (۱) او را می‌سازد مکانی است که خود را با آن می‌شناسد و به دیگران می‌شناساند. هنگامی که راجع به خود فکر می‌کند، خود را متصل به آن مکان می‌داند و آن مکان را بخشی از خود می‌شمارد. میان شما و آن مکان رابطه‌ای عمیق وجود دارد؛ رابطه‌ای عمیق‌تر از جبر بودن یا تجربه کردن آن مکان این رابطه را می‌توان به «خودهمانی با فضا» تعبیر نمود.

پروشانسکی نخستین بار (۱۹۷۸) به طرح مسئله رابطه شهر و شخصیت پرداخت و سپس با جمعی از همکارانش (۱۹۸۳) نظریه هویت مکانی (۲) را طرح نمود. طبق این نظریه فضاهای تجربه‌شده بخشی از هویت فردی و جنبه‌ای از وجود انسانی تلقی می‌گردد. پروشانسکی و همکاران تعریف روشنی از هویت مکانی به دست می‌دهند:



بازار شانگهای، چین / عبدالرحمن

«هویت مکانی بخشی از زیرساخت هویت فردی انسان و حاصل شناخته‌های عمومی او در باره جهان فیزیکی است که انسان در آن زندگی می‌کند. این شناخته‌ها شامل خاطرات، ایده‌ها، احساسات، دیدگاه‌ها، ارزشها، ترجیحات، مفاهیم، ایده‌آلهای رفتاری و تجربی انسان در رابطه با محیط‌های متنوع و پیچیده فیزیکی است که فضای تجربی انسان اعم از ادراک و رفتار را به وجود می‌آورد.»

مارک کولالی (۱۹۸۸) جنبه خاص تری از هویت مکانی را تعریف کرده و با توجه به انسان شهرنشین، آن را هویت مرتبط با شهر (۳) نامیده است. به عقیده او هویت مرتبط با شهر، حاصل پیوند عمیق میان فرد و محیط شهری اوست. در این روند، شهر تصادفی جزآنچه تجربه‌های شخصی فرد است که هم تداوم زمانی فرد را تضمین می‌کند و هم احساس خاص بودن را برای وی فراهم می‌آورد. به عقیده لالی، هویت مرتبط با شهر تأثیری مثبت بر توانایی و اتکا به نفس شهروندان دارد و شهروندان یک شهر را از غیر شهروندان آن متمایز می‌سازد.

تفاوت هویت مکانی و هویت مکان

باید بین هویت مکانی و هویت مکان تفاوت قائل شد. هویت مکانی به عنوان بخشی از هویت فرد مطرح است، اما هویت مکان به ویژگیهای قابل تشخیص مکان بیرونی اشاره دارد. هویت مکانی فرد می‌تواند متبعت از مکانی بی هویت یا با هویت باشد، باید توجه داشت که هویت مکان بر کیفیت هویت مکانی اثر می‌گذارد، اما خود مفهومی جداگانه است.

در شکل گیری هویت مکانی دو مرحله وجود دارد: در مرحله نخست، فرد محیط را شناسایی می‌کند که هویت مکان نامیده می‌شود. در مرحله دوم فرآیند پیوند روانی با مکان صورت می‌گیرد و به شکل هویت مکانی تداوم می‌یابد. در مطالعات و بررسیهای انجام گرفته، مشخص شده است که ارزشی مثبت از محیط و کیفیت شهر بر عمق شناسایی شخص از محیط و هویت مکانی او اثر می‌گذارد. به طور مشخص می‌توان گفت کسانی که دارای هویت مکانی قویتری هستند، یا به عبارت دیگر خود را با شهر خود بیشتر هم پیوند می‌دانند، در واقع ارزشی مثبت تری از کیفیت محیط شهر خود دارند. هم پیوندی به معنی تعلق مکانی است و هویت مکانی قویتری از وجوه آن است.

نمونه‌ای از اهمیت و تبلور هویت مکانی در فرهنگ ایرانی، فرآیند زیاد نامهای خانوادگی مرتبط با مکان است. نامهایی چون تهرانی، یزدی و کاشانی نشان می‌دهد که هویت مکانی و بویژه هویت شهری در زندگی اجتماعی مردم نقش مهمی داشته است. به طوری که مردم مایل اند که از طریق نام، هویت مکانی خود را به دیگران معرفی کنند و با آن شناخته شوند.

بحران هویت و مسئله جهانی شدن

اسروزه بحران هویت یک بحران جهانی است. یک بعد این مسئله به فقدان هویت خاص مکانها و یکسان و یکنواخت شدن

بخشی از شخصیت وجودی هر انسان که هویت فردی او را می‌سازد مکانی است که خود را با آن می‌شناسد و به دیگران می‌شناساند میان شما و آن مکان رابطه‌ای عمیق وجود دارد رابطه‌ای عمیقتر از صرف بودن یا تجربه کردن آن مکان. این رابطه را می‌توان به خودمانی یا فضای تعبیر نمود

همه مکانها مربوط است؛ از این رو طراحان بر ایجاد محیطهای با هویت خاص تأکید می‌ورزند تا در مقابل جهانی شدن بایستند. هر چند معمولاً بحران هویت به بی‌هویتی مکان تعبیر می‌شود، ولی بُعد دیگری را نیز در درجه اول باید در نظر داشت و آن مسئله آگاهی از دیگر مکانهاست. در گذشته انسانها در هر جا که زندگی می‌کردند، احساس ریشه دار بودن و وابسته بودن به مکان در آنان وجود داشته امروزه آگاهی از دیگر مکانها و امکان نقل و انتقال و مسافرت با مهاجرت، احساس ریشه دار بودن (۴) در مکان را از میان برده و به جای آن نوعی آگاهی مکانی (۵) به وجود آورده است. همین امر اهمیت ارزیابی مکان را از گذشته بیشتر کرده است.

تعلق مکانی

یکی از مهمترین اثرات و تبعات محیط، مسئله تعلق مکانی (۶) است که تا حدود زیادی با هویت مکانی ارتباطی تنگاتنگ دارد. تعلق مکانی در واقع رابطه هم‌بودنی است که میان انسان و محیط برقرار شده است. در اثر این رابطه، محیط به آنکر گاهی روانی بدل می‌شود. گاه این تعلق مکانی از سطح تجربه‌های احساسی - شناختی فردی می‌گذرد و با احساس مشترک جمعی در محدوده فضایی وسیع‌تر تا سطح یک کشور و برای یک ملت نیز گسترده می‌شود.

عوامل و فرایندهای مختلفی باعث این تعلق مکانی می‌شوند. آموزش و تجربه‌های یادگیری یکی از این عوامل است. ارزیابی مثبت نیز در ایجاد تعلق مکانی مؤثر است.

محیط و بازسازی روحی (۷)

یکی از مشخصه‌های زندگی امروز شهری، تمرکز و تنش زیاد آن است که می‌تواند باعث ایجاد احساس فشار، اضطراب و حتی حساس پرتی گردد. هر چند محیطهای طبیعی همواره بستری برای احیای سلامت روانی بوده‌اند، اما امروزه مشخص شده محیطهای مصنوعی که مطلوب و خوشایند باشند نیز می‌توانند، تأثیری مشابه داشته باشند، البته ویژگیهایی چون پیچیدگی نسبتاً کم و تمرکز بصری می‌تواند تأثیر مثبت داشته باشد. تحقیقات تجربی اخیر نشان داده که تجربه حضور در مکانهای مطلوب چهار ویژگی احساسی را به دنبال دارد: احساس دور بودن (۸)، شیفتگی (۹)، همگونی (۱۰) و سازگاری (۱۱). همه این ویژگیها در کاهش فشار و بازسازی روحی مؤثر است. ایجاد این احساسها ریشه در ارزیابی فرد از محیط مصنوع خود دارد و با ارزیابی زیباشناسانه او از آن محیط ارتباطی نزدیک دارد.

ارزیابی محیط

همان‌طور که گفتیم ارزیابی مثبت احساسی از یک مکان در احیای روانی یا بازسازی روحی تأثیر دارد. به‌طور عام ارزیابی مثبت زیباشناختی به ارزیابی مثبت احساسی منتهی می‌شود. به همین علت، دو جنبه زیباشناسی و احساس در هم تنیده شده و

هویت مکانی بخشی از زیرساخت هویت فرهنگی انسان و حاصل شناختهای عمومی او درباره جهان فیزیکی است که انسان در آن زندگی می‌کند

مشکلهای بازسازی و زیرساخت فرهنگی



معمولاً به عنوان بعدی از ابعاد محیط مصنوع به آن اشاره شده است.

در تحقیقات انسانی - محیطی معمولاً از جحاطه معیار ارزیابی زیباشناسانه است. به عبارت دیگر، احساسها و شناختها به طور موازی مطرح اند و به همین دلیل است که از ارزیابی زیباشناختی - احساسی (۱۲) صحبت می کنیم. البته جنبه احساسی بیشتر متوجه خوشایندی (۱۳) است و جنبه زیباشناختی نیز بیشتر به انگیزش محیطی (۱۴) یا به عبارت دیگر جلب نظر کردن محیط اشاره دارد.

محیط غیر پاسخگو و تأثیر آن بر ادراک و رفتار

پروشناسکی به اهمیت رابطه متعادل بین هویت مکانی فرد و ویژگیهای محیط بیرونی تأکید می کند. انسان طی زمان برای خود هویتی مکانی قائل می شود، این هویت مکانی خود تصویری مستقل در ذهن فرد می شود. اگر شرایط بیرونی که فرد در ارتباط با آن قرار می گیرد و تصور ذهنی وی که در واقع، سطح انتظار او را نشان می دهد یکسان نباشد، تلاش می کند از راههای مختلف، این انطباق را به وجود آورد و سیستم ذهن خود و فضای بیرون را به تعادل برساند. این امر، هم در مورد مسائل ادراکی و هم رفتاری صادق است.

برای رسیدن به این تعادل، هال، سه راه حل متداول را شناسایی می کند: نخستین راه حل، حل انطباق محیط یا به عبارت دیگر، تغییر محیط و رساندن آن به سطح کیفی هویت مکانی ذهن شخص است. تفاوت عمده ای که در فضای مسکن ایرانی یا محیط شهری آن به چشم می خورد، حاصل همین تلاش است. راه حل دوم، انطباق خود یا به عبارت دیگر، تغییر دادن خود است. این امر مستلزم پایین آوردن سطح انتظار و در واقع، پذیرفتن هویت مکانی جدید است. این امر هر چند سخت تر و دیرتر انجام می شود، اما انجام پذیر است.

سومین راه حل، در واقع عکس العملی است که منجر به تنش در شخص یا برش از محیط می گردد. در صورتی که شخص، نه بتواند محیط را مطابق میل خود تغییر دهد و نه بتواند تصویر ذهنی خویش را تغییر دهد، این عدم تطابق از آستانه تحمل شخص گذشته و ورا به شرایط عکس العملی وارد می کند.

در شرایط عکس العملی، یا برش از محیط حاصل می شود و یا اگر امکان برش و یا به دلایل مختلف تمایل به برش نبود، تنش به حد بحرانی رسیده و مشکلات روانی جدی برای شخص ایجاد می کند. پدیده مهاجرت یا فرم مقطعی آن یعنی مسافرت، نمونه هایی از بروز عکس العمل برش از محیط است.

حاصل عکس العمل از نوع دوم یعنی تنش یا محیط، انواع افسردگیها و پر خاشگریمایی است که در جامعه شهری ایران به وفور شاهد آن هستیم و در رفتار شهری مردم بروز علنی آن را می بینیم. افسردگی می تواند تا سرحد خودکشی یا دست زدن به اعمال خطرناک و کارهای خارق العاده نیز پیش رود. همچنین پر خاشگری می تواند تا سرحد دیگرکشی و یا دست زدن به خطر آفرینی ها و از جمله رانندگیهای پرخطر برای دیگران پیش رود.

اطلاعات و آمار غیر رسمی حاکی از این است که فقط در شهر تهران سالانه ۱۲ هزار نفر در اثر تصادفات رانندگی جان باختند. این رقم به معنی ۴۰ مورد مرگ در اثر تصادفات شهری به طور متوسط در روز است و زنگ خطری از وضعیت روانی شهروندان است. سؤال این است که تا چه حد کیفیت کالبدی شهر می تواند در بروز و تبلور این شرایط روانی مؤثر باشد.

تأثیر محیط بر انسان

رابطه بحرانی انسان و محیط را دیدیم، اما در شرایط عادی تا چه حد محیط بر انسان اثر می گذارد، سه دیدگاه اصلی در این زمینه وجود دارد. این دیدگاهها عبارتند از: دیدگاه تعیین کنندگی محیط (۱۵)، دیدگاه امکان دهندگی محیط (۱۶) و دیدگاه احتمال دهندگی محیط (۱۷).

دیدگاه تعیین کنندگی محیط: این دیدگاه در اوایل قرن بیستم مطرح شد. هم معماری مدرن و هم شهرسازی سنتی ما که در اوائل همین قرن شکل گرفت نیز تا حدود زیادی از این دیدگاه متأثر است. در این دیدگاه، محیط نقش تعیین کننده در رفتار، ادراک و احساس انسان دارد. همچنین در این دیدگاه هر محرکی پاسخی خاص را ایجاد نموده و نقش آگاهی و آزاده فردی در ایجاد پاسخ نادیده گرفته می شود.

بر اساس این دیدگاه است که معماری مدرن، رفتار انسان را دیکته می کند و شهرسازی سنتی نیز محل مناسبه انواع کنار برپه را مشخص می نماید و انتظار دارد که مردم طبق طرح کالبدی طراح احل و خواست و پیش بینی آنان در محیط عمل کنند.

دیدگاه امکان دهندگی: این دیدگاه محیط فیزیکی را بستری می داند که امکانات و محدودیتهایی را برای رفتار به وجود

محیط رفتار را تعیین نمی کند، بلکه صرفاً امکان بروز آن را فراهم می آورد و ویژگیهای فرهنگی مردم نیز احتمال بروز رفتارهایی خاص را نسبت به سایر رفتارها بالا می برد



می آورد، اما محیط تعیین کننده رفتار نیست، بلکه مردم بر اساس سایر معیارها، رفتارهایی خاص را انتخاب می کنند. به عبارت دیگر محیط، تعیین کننده رفتار نیست، بلکه صرفاً امکان بروز برخی رفتارها را فراهم می کند و یا محدودیتهایی را برای بروز برخی دیگر از رفتارها به وجود می آورد. اما در نهایت معیارهای فرهنگی، تعیین کننده رفتارهای مردم در محیط است.

دیدگاه احتمال دهنده: این دیدگاه معتقد است ضمن اینکه مردم می توانند رفتارهای مختلفی را در یک محیط از خود بروز دهند، و ویژگیهای طراحی و عوامل محیط مصنوعی می تواند احتمال بروز رفتارهایی خاص را افزایش دهد. به این ترتیب محیط، رفتاری خاص را حمایت می کند و احتمال بروز آن را بالا می برد، اما تعیین کننده بروز رفتاری خاص در محیط نیست.

همین امر در عرصه ادراکی و دریافت ذهنی نیز مطرح است. ممکن است معانی در محیط نهفته باشد، اما ادراک و دریافت این معانی قطعی نیست. محیط امکان این ادراک را فراهم می آورد، اما در نهایت بر اساس توان و قابلیتهای شخصی و سوابق اجتماعی - فرهنگی احتمال درک معنی خاص در بین استفاده کننده ها بیشتر است.

برای مثال دو مسیر از خانه به مدرسه وجود دارد، اما کیفیت این مسیرها متفاوت است. وجود سبزه و درخت و تناسب بیشتر مسیر با حرکت پیاده تضمین کننده استفاده قطعی از این مسیر نیست، اما این امکان را فراهم می کند که از چنین مسیر مناسبی جهت پیامد روی استفاده شود. استفاده کننده نیز بر اساس نیازهای فیزیکی و روانی، احتمال بیشتری دارد که از این مسیر استفاده کنند. حال ممکن است استفاده کننده ساکن کشورهای اروپایی باشد و در جستجوی آفتاب دوست داشته باشد از مسیر بی سایه ای عبور کند.

به این ترتیب محیط رفتار را تعیین نمی کند، بلکه صرفاً امکان بروز آن را فراهم می آورد و ویژگیهای فرهنگی مردم نیز احتمال بروز رفتارهایی خاص را نسبت به سایر رفتارها بالا می برد. در اینجا ضمن بررسی علوم و حرفه هایی که در ارتباط با محیط به مطالعه و بازار کار آنها می پردازند، الگویی را جهت به کارگیری بهینه در ساماندهی تحقیقات ارائه می کنیم.

علوم فعال در مسائل انسانی - محیطی

علوم که با مسائل محیطی شهرها سروکار دارند به طور سنتی دو گروه اند: در یک گروه علوم اجتماعی و در گروه دیگر هنرها قرار دارند. در گروه سنتی هنر، حرفه هایی مانند معماری و طراحی وجود دارد و در گروه سنتی علوم اجتماعی، بارزترین شاخه، علم روانشناسی محیطی است (این رشته هنوز به طور رسمی وارد ایران نشده است). هنر راه حلها را بر اساس نظر شخصی و بدون پایه علم تجربی طرح می کند. برعکس، علوم اجتماعی سخت درگیر تحقیقات و در پی پیشبرد پایه های علمی و تئوریک است و کمتر درگیر مسائل مبتلا به جامعه شده و کمتر پاسخهای عینی - کاربردی به مسائل و مشکلات می دهند.

پسور نیوس بر اساس دو معیار اصلی، علوم مرتبط با مسائل محیطی را به چهار گروه تقسیم کرده است. این معیارها عبارتند از: ۱- میزان مرتبط بودن مسائل مورد بررسی این علوم - حرف با مسائل و مشکلات اجتماعی (۱۸)، ۲- میزان علمی بودن و دقت روش شناختی (۱۹). بر همین اساس چهار گروه اصلی فعال در مسائل انسانی - محیطی شناسایی شده است که عبارتند از:

گروه‌های فعال اجتماعی (۲۰)، انسان‌گراها (۲۱)، تجربه‌گراها (۲۲) و برنامه‌ریزان (۲۳).



انسان‌گراها بیشتر ارزش‌گرا هستند و به حیات فرهنگی جامعه توجه دارند. روش‌های آنان اساساً پدیدارشناختی (۲۴) و غیرتجربی - غیر اثباتی بوده و بر اساس تجربه‌های شخصی و الهام استوار است. معمولاً هدف آنان شناخت رابطه انسان و محیط‌زیست، بی‌اینکه در پی ایجاد تغییر در آن نباشند. مهمترین ایرادی که به انسان‌گرایان گرفته می‌شود این است که درگیر مسائل جاری جامعه نیستند. آنان به واقعیات جاری جامعه و محیط توجه نکرده و تنها در پی رسیدن به آینده‌های ذهنی خود در محیط کالبدی بی‌ارزون هستند، بی‌اینکه به

راهکارهای عملی آن فکر کنند. روشنفکران در این دسته قرار می‌گیرند. در مقابل، گروه‌های فعال اجتماعی، بیشتر درگیر مسائل مبتلا به جامعه بوده و تمایل دارند برای معضلات اجتماعی راه حل ارائه دهند و معمولاً به راهکارها اهمیت زیادی نمی‌دهند. عموماً سیاستمداران در این دسته قرار می‌گیرند. در مقابل، روش تجربه‌گراها اساساً آزمون و مشاهده به منظور نظریه‌پردازی است. این گروه بیشتر در پی حل مسائل تنوع‌یك خود است تا حل مسائل مبتلا به جامعه. روانشناسان محیطی و جامعه‌شناسان در این گروه قرار می‌گیرند.

الگوی پیشنهادی برای تحقیقات شهری

پیشرفت در زمینه مسائل انسانی - محیطی بستگی به همکاری نزدیک بین گروه‌های چهارگانه علوم و حرفه‌ها دارد. برخلاف دیدگاه‌هایی که تخصص بین حرفه‌ها را دامن زده و تمام تلاش آنها اثبات حدومرز هر یک از آنهاست، در ایجاد دیدگاه همکاری نزدیک بین حرفه‌ها برای ایجاد زمینه مناسب حل مسائل انسانی - محیطی پیشنهاد می‌گردد. طراحی شهری در این میان نقش رابط را ایفا می‌کند. طراحان شهری در سراسر دنیا جز در ایران، به‌طور عام برنامه‌ریزانی هستند که آموزش خاص در زمینه طراحی نیز دیده‌اند. این گروه، هم در پی حل مسائل مبتلا به هستند و هم توان استفاده از روش‌های تجربی را دارند و در عین حال اهدافی را که معماران فعال مطرح می‌کنند، درک کرده و به دنبال راه‌های اجرایی کردن آنها هستند. به اعتقاد نگارنده فعالیت مؤثر طراحان و برنامه‌ریزان شهری در ایران می‌تواند فاصله بین حرفه‌ها را کم کند و از نقاط قوت هر یک در جهت کار تحقیقی مؤثر بهره‌جوید. هر یک از علوم و حرفه‌هایی که عنوان شده، نقاط قوت و ضعف خاص خود را دارند. اگر ما بتوانیم از نقاط قوت این علوم و حرفه‌ها بهره‌ببریم، می‌توانیم طرح‌های تحقیقاتی مؤثرتری را در جهت حل معضلات کشورمان انجام داده و از نتایج آن برای ساماندهی محیط کالبدی شهر استفاده کنیم. برای این منظور یک مدل تحقیق به منظور ایجاد رابطه همکاری مثبت به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

مدل تحقیق

هر کار تحقیقی چهار مرحله دارد. این مراحل عبارت‌اند از: تعریف مسئله، تدوین فرضیه، آزمون فرضیه و نتیجه‌گیری و ارائه راه‌حل. هر یک از گروه‌هایی که ذکر شد نقاط قوتی دارد که برای به‌کارگیری در مرحله‌های خاص از کار تحقیقی مفید است. بر این اساس مدل زیر ارائه گردیده است.

در روش برخورد با مسائل، فعالان اجتماعی در ایران (افراد سیاسی، سازمان‌های غیررسمی مردمی و منتخبان مردم) حساسیت خاصی نسبت به مسائل مبتلا به جامعه دارند. نظریات فعالان اجتماعی منبع خوبی برای طرح مسئله و تعریف آن است. در واقع حساسیت‌های آنان مسائل روز جامعه را به زیر ذره‌بین می‌کشند.

از سوی دیگر انسان‌گراها که دیدگاه‌هایشان براساس تجربه‌های روشنفکرانه خواص جامعه شکل می‌گیرد، فریضات

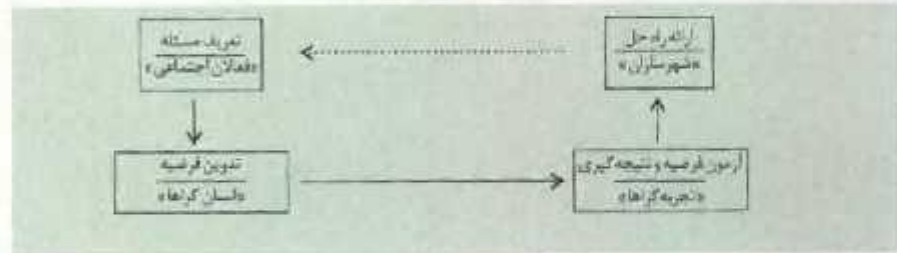
چهار گروه اصلی فعال در مسائل انسانی - محیطی شناسایی شده است که عبارت‌اند از: گروه‌های فعال اجتماعی، انسان‌گراها، تجربه‌گراها و برنامه‌ریزان

خوبی را در صورت مسائل مطرح شده بیان می کنند. آنان به دنبال ریشه مسائل می گردند و بر اساس خلاقیت و الهام، نکاتی را مطرح می کنند که به عنوان فرضیات کار علمی ارزش بسیار دارد. در فرضیه سازی خلاقیت و توانایی اندیشیدن به ابعاد مختلف موضوع اهمیت دارد و این از عهده انسان گراها (در ایران عمدتاً روشنفکران و معماران) برمی آید.

تجربه گراهای علوم اجتماعی، بویژه روانشناسان محیطی، توانایی های خوبی در استفاده از روشهای علمی جهت آزمون فرضیات و درک جوانب مختلف مسائلی که به عنوان موضوع تحقیق قلمداد شده، دارند. توانایی های آنان در مرحله تجزیه و تحلیل بیش از همه به کار می آید. به این ترتیب تجارب خواص در مورد عموم مردم به مرحله آزمایش گذارده شده و قابلیت تعمیم آن، مورد بررسی قرار می گیرد.

در آخرین مرحله که نتیجه گیری و راه حلی یابی است، ذهن کاربردی برنامه ریز -طراح شهری که همواره درگیر طرحها و برنامه های اجرایی است، مفید خواهد بود. برنامه ریزان اصولاً حرفه شان جنبه کاربردی دارد و باید بتوانند نتایج تحلیل را به پیشنهاد های کاربردی و عملی برای مسائل و مشکلات تبدیل نمایند. این امر بسیار مهم است زیرا معمولاً تجربه گراها توانایی ترجیح نتایج تحقیق خود را به راهکارهای عملی ندارند.

در نهایت فعالان اجتماعی می توانند یار دیگر راهکارهای پیشنهادی و تأثیرات آن را مورد بررسی قرار دهند و نسبت به پیشنهاد های ارائه شده و ارتباط آنها با مسائل جاری اظهار نظر کنند. این قسمت از کار در واقع به منظور اطمینان از ارتباط کل تحقیق با مسائل جاری مطرح شده است. نقش برنامه ریز -طراح به عنوان مدیر تحقیقات در هماهنگ نمودن و در نهایت نتیجه گیری از مجموعه این تحقیقات است.



نموده همکاری بین حرفه - دانشها در تحقیقات شهری

زیرروستا

- 1- Personal Identity
- 2- Place Identity
- 3- Urban-Related Identity
- 4- Rootedness
- 5- Sense of Place
- 6- Place Attachment
- 7- Rootedness
- 8- Being Away
- 9- Enculturation
- 10- Cadenza
- 11- Compatibility
- 12- Aesthetic -Affective Appraisal
- 13- Pleasure
- 14- Arousal
- 15- Environmental Determination
- 16- Environmental Prohibition
- 17- Environmental Prohibition
- 18- Social Relevance
- 19- Methodological Rigour
- 20- Activities
- 21- Elements
- 22- Experimentalists
- 23- Planners
- 24- Phenomenologic

منابع

- 1- سرویسگاه رفاهیه، بهمدانشگاه تهران، مقاله حاضر در هفتمین کارگاه ملی محیط شهری و شهرسازی، تابان، 1397، شماره 5، صفحات 5-10.
- 2- Hill, R. "Image Conguity, Place Attachment & Customary Design". The Journal of Architectural And Planning Research, Vol.9 (1992), PP. 182-191.
- 3- Kaplan, R. & Kaplan, S.: The Experience of Nature: A Psychological Perspective. New York: Cambridge University Press, 1989.
- 4- Kaplan, S.: "The restorative benefits of Nature: Toward an integrative framework". Journal of Environmental Psychology, Vol. 15 (1995), PP. 169-182.
- 5- Kaplan, R. & Helwig, T. "Restorative Qualities of Domestic Places". Journal of Environmental Psychology, 1996.
- 6- Lull, M. "Urban Ecology" - Environmental Social Psychology. D. Camuzi, Renato L. Socini & G. M. Sophocles (Eds), Dordrecht: Kluwer, 1988, PP. 304-311.
- 7- Lull, Maria. "Urban-Related Identity: Theory, Measurement and Empirical Findings". Journal of Environmental Psychology, Vol. 12 (1993), PP. 385-393.
- 8- Perrow, Douglas. "Approaches to Environmental Aesthetics",
- Journal of Environmental Psychology, Vol. 2 (1982), PP. 35-49.
- 9- Proshansky, H. "The City and Self-Identity". Environment and Behavior, Vol. 1 (1978), PP. 187-189.
- 10- Proshansky, H. & Fabian, A. & Kaminoff, R. "Place-Identity: Physical world Socialization of the Self". Journal of Environmental Psychology, Vol. 3 (1983), PP. 57-63.
- 11- Rapoport, A.: Human Aspects of Urban Form, The Polytechnic Press, 1977.
- 12- Relph, E. Place and Placelessness, Paul Chapman, 1976.
- 13- Remstedt, R. "Landscapes of Low Education and Place Attachment". People, Place and Development, Conference Proceedings, 1994, P. 579-587.
- 14- Kazianah, E. "Shaping the Streetscape, Developing Principles for Design of Streetscape". Unpublished Doctoral Dissertation University of Sheffield, U.K., 1999.
- 15- Tuan, Yi-Fu. Topophilia: A Study of Environmental Perception. Annals of the Association of American Geographers, Vol. 64 (1974).
- 16- Tuan, Yi-Fu: "Rationalism Versus Sense of Place". Landscape, Vol. 24 (1982), PP. 3-8.

تولید، درک و کاربرد فضای شهری، از رها کردن تا آموزش

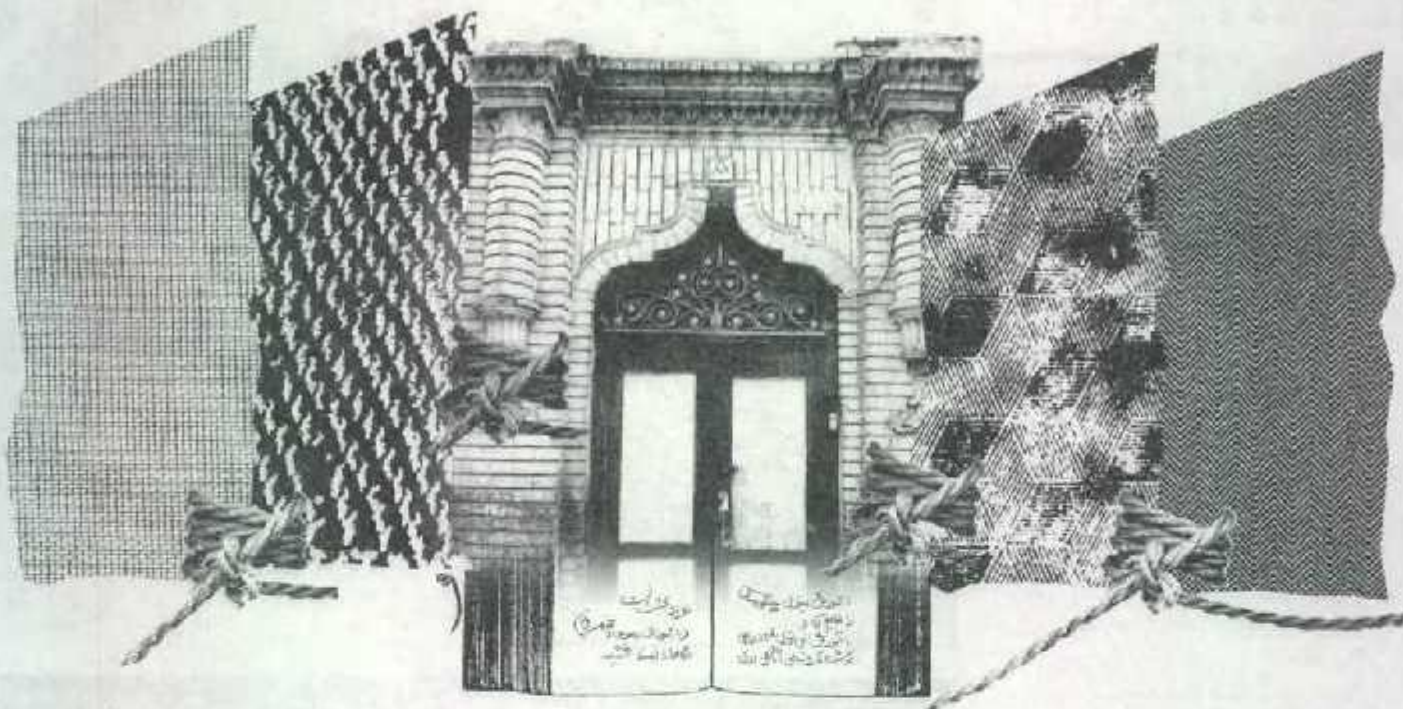
مستقل فلیچ خانی
بهدار خانی کتور
علام خانی
بهمنی حبیب مقدم
رطبه مهدیزاده

طرح مسئله: گسیختگی فضاهای شهری از فرهنگ بومی

تجربه‌های ساختمانی - شهری کشورمان در چند دهه اخیر، تصویر آشفته و آزار دهنده‌ای بر صفحه خاطرمان نقش کرده که از بی‌توجهی و سهل‌انگاری جمعی ناشی شده است. این وضعیت، بتدریج در معماری و شهرسازی ما رسوخ کرده است. در ابتدای ظهور مدرنیسم تا اواخر دوره قاجار، فرهنگ معماری ما هنوز تسلط خود را بر ساخت و ساز حفظ کرده بود و توانست با وجود حضور بیگانگان و جلوه‌ها و دستاوردهای پررنگ و برق و قنی آنان، دست کم نوعی از معماری خودی را - هر چند التقاطی - تولید کند و به هرج و مرج دچار نشود.

در دوره‌های بعدی شکافها بتدریج عمیق‌تر شدند. در دوره مدرن اولیه، تفکر و عناصر وارداتی مدرن با معماری خودی عجین شد و نمونه‌های هنوز قابل قبولی را به وجود آورد که بالکن‌ها و سقفهای شیبدار از عناصر اصلی ساختمانی آن است. تا دهه ۳۰، علاوه بر معمارهای شاخص تحصیلکرده، معمارهای مردمی هم، هنوز به تولید ساختارهای قابل قبول آجری، قلیزی و چوبی، مستقل از اسکلت برزوی دیوارهای باربری می‌پرداختند.

دوره مدرن بعدی شامل معماریهایی می‌شود که با عنوان کلی بین‌المللی تقسیم‌بندی می‌شوند. در این دوره که با تعریف لوکوربوزیه، ساختار از دیوار مستقل شده است، تزئینات، طوافتها، خطوط و احجام منحنی و پویا از میان می‌روند و سطوح تخت، خطوط ساکن و مستقیم حاکم می‌شوند. این معماریهی که عموماً قابل قبول هستند، از فن‌آوری اسکلت و ترکیب سطوح و احجام حاکم بر تفکر مدرن، یعنی ترکیب مجرد سطوح و مصالح بهره بردند و نمونه‌هایی از توفیق معماران تحصیلکرده ما محسوب می‌شوند که با برخوردی کاملاً نیکانه در شکل دادن به کالبد ساختمانی موفق شدند و نمونه‌های خوب شخصی - نه نمونه‌های عام - از معماری را به نمایش گذارند.



تا اینجا این توفیقات به مجموعه معماری ما تنوع و غنای بیشتری داد این دوره - که به ترجمه تحت اللفظی معماری جهانی از آن تعبیر می‌کنیم - نیاز به تدوین و آموزش دستور زبان جدیدی داشت که بتواند ساخت و سازهای عمومی غیر تخصصی را هدایت کند و از ایجاد شکاف عمیق بین گذشته و حال در تجربیات ساختمانی جلوگیری کند، اما تنها سطوح سنگ سفید، شیشه، پروفیل و آجر سفال را به ارمغان آورد و از در که روابط حاکم بر ترکیب مدرن این مصالح و چگونگی کاربرد آنها ناتوان ماند. شگفت نیست که بناهای موفق از این دست، زیرنمایشی جدید مدفون شوند و معماری، هنر شخصی قلمداد شود. علت عمده این توفیق در ساختن و عدم توفیق در آموزش چگونه ساختن بود.

این معماران به دنبال تحولات کوچک قبلی، شکاف بزرگی را پدید آوردند، زیرا آموختند چگونه سطوح پر و خالی، سنگی، شیشه‌ای، سیمانی، آجری و سرامیک و کوچک و بزرگ را با هم ترکیب کنند که سلسله مراتبی هر چند جدید و بیگانه داشت، ولی قابل قبول و دارای مفاسل و جفت و بستهایی بود که جلوه‌های دیگر از ترکیب صحیح را می‌آفرید، اما تیا موختند که چگونه برنامه‌ای را که برای تحقق این تفکر مدرن در شکل بخشیدن به کالبد بناها تنظیم و تدوین شده بود به تجربیات خود بیفزایند. آنان صرفاً برنامه آموزشی نوظهوری را پذیرفتند و رواج دادند که برای مردمی دیگر تدوین شده بود و روش آموزش دیگر، سابقه‌های دیگر و تجربیاتی دیگر در زمینه آرایش عناصر ساختمانی داشت، بعضی از آن نقائص به خاطر توفیق همزمان دست‌اندر کارانشان در ترجمه آن نوع معماری و افزودن به تنوع فضاهای شهری، ناگزیر و قابل قبول است، ولی برخی از آنها از حمله عدم توجه به اقلیم در به کارگیری سطوح وسیع شیشه و سنگ با وجود عناصری چون آجر و همچنین تکثیر قطعات یکسان خطی و نهی خانه‌های ردیفی، اصرار بر آن و نیاز بودن نمونه‌های موجود و ممکن دیگر - خودی و جهانی - غیر قابل قبول به نظر می‌رسد.

آن آموزش گسسته و غیر خودی که تنها مختص مراکز دانشگاهی بود با انتقاد و توجه به تولیدات فضای شهری و آموزش همگانی همراه شد و تنها به تولید انگشت شمار تک بناها و نظاره غیر متخصصی - بر خوردار از حمایت پان‌آگاهی سیاستگذاران - پرداخت که ارمغان فن آوری و ترکیب ظاهر آ مدرن را در مقیاس تولید انبوه، محمل مناسبی برای سودجویی خود یافته بودند.

از آن دو برنامه آموزشی - یکی سنتی و آشنا و دیگری مدرن و غریب - که هر یک سازمان یافته، یونان و مبتنی بر «مبادی مواد بصری» ویژه‌ای بود. امروز تنها موادی چون طراحی و ترکیب و عناوین بی‌محتوایی چون تضاد، ریتم و هارمونی از فرهنگ مدرن و تقارن و سلسله مراتب از فرهنگ خودی به چشم می‌خورند. شگفت این‌که مفاهیمی چون فضای منفی و جفت که در فرهنگ جهانی و خودی از مبانی تعیین کننده و کلیدی به شمار می‌آیند و بقیه مفاهیم را در دل دارند یا به هم مربوط می‌سازند، امروزه حتی معرّج هم نمی‌شوند.

آن تک بناها هم به تدریج یافت می‌شوند. آنچه امروز معماران، طراحان شهری و مردم می‌بینند و می‌سازند نسوخی از رنگها، سنگها، شیشه‌ها، ورقها، آجرها و بتن نماهایی است که نه مدرن است و نه سنتی و تنها نامی از مکاتب معماری روز جهان را یادک می‌کند.

آموزش

برای درک و احیای تفکر رایج در معماری و شهرسازی ایران در گذشته دور و نزدیک و برای آرزوهای و استفاده‌های دستاوردهای جهانی، باید نخست مبانی فراموش شده هر دورا که از ریشه‌های مختلف هستند ولی از سرچشمه مشترک فرهنگ انسانی سراب می‌شوند و در انواع ساخت و سازها - علاوه بر معماری در صنایع و فنون نیز - بروز می‌کنند بیاموزیم. ضرورت و شرح تجدیدنظر در آموزش ویژه رشته معماری و نحوه تأثیر فعال آن بر معماری و شهرسازی مدنظر این نوشته نیست. در اینجا مقدمات آموزش فرهنگ شهری در سه مرحله متوالی مورد بحث قرار می‌گیرد. یادآور می‌شویم که جهت امکان‌پذیری و مشارکت مردمی در ساخت و ساز - که به زعم صاحب نظران معماری و شهرسازی از شروط لازم تحقق شهرسازی انسانی و بومی در هر شرایط تاریخی محسوب می‌شود - اجرای برنامه‌های آموزشی و طی مراحل زیر غیر قابل اجتناب است:

۱- آموزش عمومی: این آموزش که بسنبر مناسب آن در شرایط حاضر تلو بیژن است، در وهله اول به برنامه‌های دقیق و سازمان یافته نیاز



دارد. این برنامه، روند مورد نظر را از مطالعه بر روی فرهنگ ساخت و ساز - چه در معماری و چه در سایر مشاغل شهری و روستایی - تا جامع‌بندی و ارائه دقیق مطالب در قالب یک فیلم‌نامه متنوع تلویزیونی، برای مخاطب عام و خاص، در بر می‌گیرد. جریان شکل‌گیری این برنامه، نمایش آن و بلافاصله جمع‌آوری نظرات مردم، همگی حکایت از آغاز راه مشارکت بخش‌های مختلف در شکل‌گیری نمونه‌ای تحقیقاتی، آموزنده و جذاب است که به فرهنگ خودی و نموده‌های مختلف آن می‌انداشد و شکل‌دانه به فضاهای شهری مطلوبی را مدنظر قرار داده است که فعالیتهای مختلف را در کنار هم ممکن می‌سازد. هدف از تهیه این برنامه‌ها، ارائه ظرفیتهای دقت و جفت و بستهایی است که هر چند ظاهر متفاوت‌اند، ولی با تفکری یکسان به هر نیاز انسانی، حوزه عملکرد و تأثیر آن، به محصول مورد نظر و مصالح مناسب آن، به نحوه ساخت و فراهم آمدن آن و چگونگی آرایش نهایی در موقعیتهای مختلف می‌انداختند.

این بررسی‌های ساده ولی دقیق، اندیشمندان و جهت‌دار، بازنگری‌هایی در فلسفه و نحوه ساخت محصولات ساخته دست انسان است که از نگاه اولیه او به طبیعت برای برآوردن نیازهایش شکل گرفته‌اند. باز یافتن این نگاه - که در مقیاس ساخت فضای زیستی فراموش شده به نظر می‌رسد - اولین گام این برنامه است.

بدن انسان و سایر موجودات طبیعی - که ریخت‌هایی از یک حقیقت واحد هستند - علاوه بر تعریف اندازه‌های مادی و معنوی فضای زیست، از مفاصل، جفت و بستها و سلسله مراتبی برخوردار است که به سادگی قابل طرح است. این الگوهای طبیعی که در دسترس همه ما هستند، به عنوان مقدمه‌ای برای این برنامه مطرح می‌شوند و همواره مرجع اصلی مقایسه و قضاوت دست ساخته‌های انسانی قرار خواهند گرفت.

این برنامه آموزش عمومی - که هیچ نمونه خودی، حتی ضعیف آن را در کشورمان مشاهده نمی‌کنیم - مقدمه‌ای خواهد بود تا بتوانیم هم نتیجه آن را بر مخاطب عام و خاص بسنجیم و هم مقدمات تهیه برنامه آموزشی بعدی را در مقیاس ساخت و بهره‌برداری صحیح از فضای شهری و سایر مصنوعات فراهم کنیم.

۲- آموزش عمومی - تخصصی: این آموزش مانند آموزش قبلی می‌تواند قدمی دیگر ما را به درک متقابل مردم و سازندگان متخصص فضاهای شهری، از یکدیگر و از فضاهای ساخته شده نزدیک کند و این وضع آشفته را اندکی سامان بخشد. این مرحله از آموزش به طور گسترده به مشارکت مردم نیازمند است. هر چند ظاهر آن تخصصی و بخشی به نظر می‌رسد، اما در صورت فراهم شدن شرایط باعث جلب مشارکت خواهد شد. این برنامه در سه مرحله انجام می‌شود.

الف - فراخوان: برخلاف برنامه آموزشی قبلی که به صورت بخشی از دست‌اندرکاران صنایع و حرفه‌های گوناگون به صورت انتخابی و تصادفی بهره می‌گرفت و آنها را در شکل گرفتن آن برنامه سهم می‌گرفت، این برنامه در ابتدا از همه مردم می‌خواهد که نمونه فضاهای مطلوبشان را آزادانه و با سلیقه شخصی انتخاب کنند و یا برنامهریزان در میان بگذارند.

ب - گردآوری: در اینجا نمونه‌های مورد اتفاق سلیقه‌های مختلف با بررسی دقیق و نقد و بررسی‌های مادی، شکلها، مصالح و اندازه‌های آنها که به نزدیک شدنشان به فضاهای کارآمد و انسانی - یا غیر کارآمد و غیر انسانی - کمک کرده‌اند، گردآوری می‌شوند.

ج - ارائه: بررسی و عرضه برگزیده‌های از عوارض مطلوب و نامطلوب به دو شکل ممکن است: اول، چنان که در فراخوان آوردیم، ارائه آنها از طریق گزارشهای مصور در مقیاس عمومی و به زبان ساده و دوم تحلیل و نقد دقیق این نمونه‌ها به زبان علمی و تخصصی در مقیاس حرفه‌ای.

بدیهی است که این آموزش نیز در صورتی به نتیجه مطلوب دست خواهد یافت که با روش خاص خود در قالب برنامه تلویزیونی دیگری، به شکل موشکافانه‌تر نمونه‌های گردآوری شده و سایر نمونه‌های فضاهای شهری خارجی را ارائه و بررسی نماید و در معرض نقد مخاطبان خاص و عام قرار دهد.

۳- آموزش تخصصی: این برنامه برخلاف دو برنامه قبلی در قالب آموزشهای فنی و برنامه‌های تخصصی تلویزیونی به اشکال گوناگون ارائه می‌شود. این برنامه‌ها طیف وسیعی از موضوعات طبیعی، فنی، علوم انسانی و علوم محض را در بر می‌گیرد.

در صورت عملی شدن برنامه‌های آموزشی که بیان شد و در صورت رسیدن به نتایج مورد نظر، می‌توان امیدوار بود که از یک سو زمینه علمی - فرهنگی لازم برای دریافت دیدگاهها و خواسته‌های شهروندان از فضای شهری مطلوب فراهم خواهد شد و از سوی دیگر امکان تعامل فعال و درک متقابل بین شهروندان و طراحان شهری از طریق تولید فضاهای شهری مطلوب ایجاد شده و شکاف حاصل از گسیختگی فکری این دو گروه ترمیم خواهد شد.

تجربه‌های ساختمانی - شهری کشورمان در چند دهه اخیر، تصویر آشفته و آزار دهنده‌ای بر صحنه خاطرمان نقش کرده که از بی‌توجهی و سهل‌انگاری جمعی ناشی شده است

جهت امکان هدایت و مشارکت مردمی در ساخت و ساز - که به زعم صاحب نظران از شروط لازم تحقق شهرسازی انسانی و برخی محسوب می‌شود - اجرای برنامه‌های آموزشی غیرقابل اجتناب است

در صورت عملی شدن برنامه‌های آموزشی می‌توان امیدوار بود که امکان تعامل فعال و درک متقابل بین شهروندان و طراحان شهری از طریق تولید فضاهای شهری مطلوب ایجاد خواهد شد



سپهری رنگی شهر قدیم

ضرورتی فراموش نشود

کاربرد رنگ در شهر

سرمایه‌های حساس
کارشناس ارشد معماری

مقدمه

رنگ یکی از جنبه‌های مهم زندگی شهری است. رنگ از جمله خصوصیات است که در کنار شکل، ابعاد، جنسیت و بافت هر شیئی، حجم یا فضا، آن را به ما می‌شناساند. در بیشتر موارد اولین چیزی که بیننده در مورد یک شکل شناسایی می‌کند، رنگ آن است.

حقیقت این است که تصور دنیایی بدون رنگ برای هیچ یک از ما ممکن نیست. در محیط شهری رنگ را در همه جا می‌توان دید. در بدنه و نمای ساختمانها، پوشش باغ، کف سازه‌ها، میلان شهری، فضای سبز، خودرها و حتی آسمان شهر و رنگ آمیزی لباس افراد که همگی نقش مهمی در تعیین چهره رنگی شهر دارند. برای مثال در جامعه ما رنگهای تیره و کدر غالب هستند که مسلماً شهرهای ما را متفاوت از شهرهایی می‌کند که مردم آن تمایل به رنگ آمیزیهایی تند و شاد دارند.

رنگها نه فقط از نظر زیبایی بخشیدن به دنیای اطراف ما اهمیت دارند، بلکه تأثیرات عاطفی - روانی قوی نیز بر اشخاص می‌گذارند. رنگها تعبیر روانی مختلفی دارند و حتی می‌توان خصوصیات افراد یا جامعه را از روی رنگهایی که استفاده می‌کنند و دوست دارند، شناسایی کرد. از این جهت رنگ ابزاری مهم در جهت هدایت و القای حالات روانی خاص به افراد و جوامع است. فضاهای تیره و ناهمگون، افراد را دچار افسردگی و فشارهای روانی ناخواسته می‌کند، در حالی که خود افراد نیز از دلایل واقعی آن باخبر نیستند.

از رنگ می‌توان در طراحی فضای بهره فراوان برد. رنگ به گاهش خستگی و پراستگی چشم کمک می‌کند. رنگها زمینه متنوعی از تضادها (کنتراست) را در ساعات مختلف روز پدید آورده و در هر ساعت، سایه روشنهای جدیدی به وجود می‌آورند و فضا را متنوع و سرزنده می‌کنند. ضمن اینکه با استفاده از رنگ می‌توان به فضا یکپارچگی و وحدت بخشید یا آن را متمایز و قابل شناسایی نمود. جالب اینکه این استفاده معمولاً هزینه خاصی را به بار ندهد و استفاده کننده تخمیل نمی‌کند.

رنگها معانی نمادین دارند و حتی در تصورات ذهنی ما نیز هر بنا یا رنگهای خاص تداعی می‌شود. مثلاً رنگهای فیروزه‌ای و آبی یادآور بناهای مذهبی و مساجد هستند و یا از رنگهای تند و شاد به یاد فضاهای کودکان می‌افتیم. رنگهای مختلف می‌توانند، یادآور زمانها، معانی و وقایع خاصی باشند. برای مثال رنگهای سبز تیره و سیاه برای مراسم عاشورا و زرد، سرخ و نارنجی یادآور فصل پاییز و آغاز مدارس است که هر یک چهره متفاوتی به فضای شهری می‌دهند.

اصل فراموش شده

در شهرهای گذشته، رنگهای طبیعی مصالح محلی که بناها به وسیله آنها ساخته می‌شده، به شهر چهره‌ای هماهنگ و همگون می‌داد و باروحیه، اقلیم و فرهنگ مردم نیز بیشتر تطبیق می‌کرد. به این ترتیب رنگ هر شهر تثبیت شده بود و



فکر نشدن به مسئله رنگ در سیمای شهر امروز

با استفاده از رنگ می‌توان به فضا
یکپارچگی و وحدت بخشید، یا آن
را متمایز و قابل شناسایی نمود.

جنبه‌های از هویت آن محسوب می‌شود. بنابراین، با وجود تفاوت در مقیاس و عملکردها، نوعی وحدت کلی در سراسر شهر به وجود می‌آید. هر شهر هویت رنگی خاص داشت. در این شهرها بناهای شاخص شهری بویژه بناهای مذهبی با تزئینات کاشی فیروزه‌ای رنگ خود در زمینه خاکی شهر می‌درخشیدند و خود را متمایز می‌کردند. شهرهای کویری ما با آسمان آبی، درختان سبز و بناهای خاکی و گنبدهای فیروزه‌ای رنگ، تصویری چشم‌نواز در ذهن و خاطره هر بیننده‌ای حک می‌کردند. تجربه حرکت در چنین فضاهای شهری به دلیل وحدت آن، آرامش بخش و به دلیل تنوع رنگی بها و حساب شده، سرزنده و متنوع بود. برعکس در شهرهای امروز ما استفاده از رنگ به معضلی بدون پاسخ تبدیل شده که سازندگان، معماران، طراحان و مردم عادی را به استفاده بی‌فکرانه و کور از رنگ کشانده است. شهرهای ما یک بوم رنگی بی‌هویت و مغشوش هستند که تنها موجب آسردگی، روان‌پریشی و عصبیت افراد جامعه می‌شوند.

در جامعه‌ها حساسیت افراد نسبت به فضا از میان رفته و افراد فاقد نگرشی منسجم در مورد چگونگی فضاها هستند. در نتیجه با فضاها به صورت انفعالی برخورد شده و اجازه داده می‌شود که سرعت زندگی روزمره و وقایع، ما را به دنبال خود بکشند! ما با مسائل مهم فضاهایمان از جمله رنگ به صورت مقطعی و موردی برخورد می‌کنیم. در شهرهای ما هیچ گونه اصول و مبانی منطقی برای محیط‌های شهری وجود ندارد تا بسته به محیط، اقلیم و فرهنگ مان و براساس اصول طراحی رنگ بتواند مدیران و طراحان و حتی مردم را در انتخاب رنگهای مناسب برای محیط زندگی‌شان هدایت کند.

شهرهای امروز ما نیازمند نگرشی جامع نسبت به مسئله رنگ هستند تا در کنار سایر مسائل شهری، رنگ نیز طرحی برای سازماندهی بیابد. رنگهایی که امروز در شهرهای ما به کار می‌روند، اکثراً سلیقه‌ای، موردی و بدون توجه به محیط اطراف به کار گرفته می‌شوند. در نتیجه در فضاهای شهری با نوعی اغتشاش رنگی مواجهه‌ایم؛ رنگهایی که نه مکمل یکدیگرند و نه از قانون رنگی خاصی استفاده می‌کنند.

رنگ به وسیله‌ای برای خودتمایز تبدیل شده است. توجه به جنبه‌های عملکردی و فیزیکی رنگ بدون توجه به ابعاد و تأثیرات روانی آن باعث آزاردهنده بودن رنگهای به کار رفته در محیط می‌شود. مدیران از افراد غیرمتخصص در طراحی و تجهیز فضاهای شهری استفاده می‌کنند و سپس با وجود صرف هزینه و انرژی زیاد با تعجب به نتایج ناسف‌بار به وجود آمده می‌نگرند. در معماری تک بناها نیز افراد غیرمتخصص و گاه حتی متخصص تنها برای خودنمایی، جلوه‌قروشی و متمایز کردن بنا از سایر بناهای مجاور از رنگهایی ناهمگون و نامنجانس با زمینه، عملکرد و شخصیت بنا و محیط اطراف استفاده می‌کنند که به مرور زمان،

نادرستی این انتخابها آشکار می شود.

مبانی کاربرد رنگ در شهر

آنچه باید در مدیریت رنگ یک شهر در نظر داشت این است که سیمای رنگی یک شهر را تنها بناها، گف و دیگر عناصر شهری ثابت تشکیل نمی دهند، بلکه رنگ انواع تبلیغات و تابلوهای شهری، راهنمایی و راهنمایی، رنگ پوشش افراد، رنگ خودروها و هاء تغییر فصول بسته به موقعیت جغرافیایی هر شهر در چهره رنگی آن تأثیر بسزایی دارند و عناصر متغیر محسوب می شوند.

در این مورد انتخاب هدفمند رنگ وسائط حمل و نقل عمومی از جمله اتوبوس، تاکسی و یا دخالت در رنگ آمیزی تابلوها اعم از تابلوی معازه ها و سایر علائم شهری می تواند چهره رنگی شهر را به کلی دگرگون کند. در بعضی نقاط مهجور، حضور خرده فروشان دوره گرد از جمله گل فروشها می تواند در رنگ آمیزی فضا و سرزندگی آن تأثیر گذار باشد.

از این جهت همواره در تعیین سیمای رنگی شهر، باید میان تصمیم گیری از گانهای مسئول در مورد رنگ عناصر مربوطه هماهنگی به عمل آید تا رنگهای منتخب آنها و یا مجوزهای صادره نه تنها چهره رنگی شهر را مخدوش نکنند، بلکه هماهنگ و در جهت اهداف طرح جامع رنگی شهر باشند.

برای اینکه بتوانیم به وسیله رنگ در شهر تأثیر گذار باشیم به سیاستهای راهبردی برای تعیین برنامه رنگی شهر نیاز داریم. طراح شهری باید عناصر اصلی شهر، نواحی، مسیرها، گره و لبه ها را شناسایی کند و بر مبنای بررسی دقیق رنگهای محلی در محیط، طرح جامع رنگی شهر را تهیه نماید تهیه طرح جامع رنگ برای شهر ایده جدیدی نیست (۱).

به طور کلی برای تهیه سیمای رنگی برای شهر باید موارد زیر را مدنظر قرار داد:

۱- نقشه رنگی منطقه یا شهر تهیه شود.

۲- طرح جامع رنگ برای یک شهر باید جامع و قابل اجرا باشد و از قوانین هماهنگی رنگها تبعیت کند.

۳- در انتخاب رنگها باید هویت شهر و سلائق و فرهنگ مردم مورد توجه قرار گیرد.

۴- طرح جامع رنگ نه تنها تکلیف مناطق و فضاهای شهری را از لحاظ هماهنگی مشخص می نماید، بلکه در انتخاب رنگ تجهیزات و عناصر ثابت و متحرک در فضای شهری نیز بین سازمانها و نهادهای مختلف شهر هماهنگی ایجاد می کند. باید توجه داشت که در طرح رنگی شهر باید چهار سطح مورد مطالعه قرار گیرند:

۱- شهر یا منطقه.

۲- خیابان یا میدان.

۳- بناهای منفرد.

۴- جزئیات (بنجرها، تزئینات، مبلمان شهری و...).

رنگها می توانند به فضا عمق دهند و حتی فضا را خلق کنند. رنگها می توانند بنا را قابل فهم و خوانا نمایند و حتی عملکرد آنها را نشان دهند. در زمان ارائه طرح رنگی برای بنا باید رابطه بنا با محیط اطرافش بررسی شود و عملکرد بنا در شهر و همچنین در محیط شهری که در آن قرار گرفته مشخص گردد. برای مثال آیا بنا نشانه های شهری است؟ آیا در انتهای یک منظره قرار گرفته است؟ تزئینات بنا چه تأثیری در چهره خیابان دارند؟ آیا خیابان بیاز به رنگ آمیزی و تزئینات رنگی بنا دارد؟ رنگهایی می توانند برای ایجاد حس وحدت، هویت، تداوم و نظم به طراح کمک کنند. از رنگ می توان برای مشخص نمودن بناهای مهم و نشانه های شهری استفاده کرد. می توان مسیرها، میادین و میعادگاههای معروف و خیابانهای مهم را با کدهای رنگی خوانا کرد. از سوی دیگر به کمک رنگ می توان یک الگوی وحدت بخش برای کل شهر تعیین نمود. آنچه مهم است این است که توجه کنیم استفاده از رنگ در شهر با استفاده از رنگ در نقاشی متفاوت است. کیفیت رنگ از شهر به شهر، از فصل به فصل و از صبح تا عصر متفاوت است. بنابراین قوانین هماهنگی رنگی در باره شهر از دیدگاه متفاوتی بررسی شده و مورد استفاده قرار می گیرند.

طراح شهری باید از تأثیرات رنگها به آگاه باشد و از طریق به کار گیری عوامل اقلیمی، مصالح بناها و مانند آن بتواند این رنگها به هارا تقویت یا تضعیف کند. البته این به معنای عدم استفاده از انواع دیگر هماهنگیهای رنگی از جمله رنگهای متضاد، رنگهای سه گانه، رنگهای مکمل و... نیست. در بسیاری از شهرها از این هماهنگیها استفاده شده و فضاهای جالب و دلپذیری به وجود آمده است. اما به طور کلی شهرها از دو نوع هماهنگی رنگهای متعادل و هماهنگی بارنگمانه غالب ساخته شده اند که جلوه های رنگی ناشی از وضعیت جوی و اقلیمی و همچنین تغییر شرایط نوری در ساعات مختلف روز و تغییرات فصلی بر آن

شهرهای مایک بوم رنگی
بی هویت و مفشوش هستند که
تنها موجب افسردگی،
روان پریشی و عصبیت افراد
جامعه می شوند

طراحان بزرگ معمولاً خود را به
چند رنگ قابل تشخیص برای
انسانها و غالب در محیط محدود
کرده اند و آنها را مبنای
ترکیب بندی خود قرار داده اند

تأثیر می گذارد.

به ندرت می توان در شهر رنگهای خالص را مشاهده کرد؛ چرا که مصالح طبیعی معمولاً رنگهای تعدیل شده‌ای دارند. طراح شهری معمولاً برای انتخاب زمینه رنگی شهر نه خود محیط مراجعه می کند.

در دنیای پیچیده رنگها و طبقه طراح شهری پاسخ به نیاز انسان برای سلامتی و قابل ادراک کردن شهر برای بینندگان است. طراحان بزرگ معمولاً خود را به چند رنگ قابل تشخیص برای انسانها و غالب در محیط محدود کرده‌اند و آنها را منبای ترکیب‌بندی خود قرار داده‌اند. بناهای اکثر شهرهایی که مورد توجه جهانگردان قرار می گیرد مانند ونیز، پیزا یا شهرهای کویری و اینانه در کشور خودمان، همگی از مصالح بومی و محلی ساخته شده‌اند که شامل رنگمایه‌های رنگهای متجانس هستند و از لکه رنگهای خالص یا متفاوت برای مشخص نمودن نقاط خاص و در سطوح محدود استفاده می شود، مانند مساجد آبی رنگ در زمینه نخودی شهرها.

نتیجه گیری

۱- به طور کلی باید طراحان شهری طرح جامع رنگی برای شهر تهیه کنند.

۲- در تهیه طرح جامع رنگی باید رنگهای موجود در محیط، اقلیم، مصالح بومی و رنگهای محبوب مردمی مورد مطالعه قرار گیرند و استفاده شوند.

۳- باید برای اجرای طرح رنگی میان سازمانهای ذی ربط هماهنگی ایجاد شود.

۴- طرح جامع رنگی شهر باید راهنمایی برای طراحی تک بناها، خیابانها، میادین و نقاط شاخص شهری داشته و الگوی وحدت بخشی برای کل شهر باشد.

۵- طرح جامع رنگی شهر باید با توجه به رنگمایه‌های موجود و مناسب در محیط و با توجه به سلیقه و فرهنگ مردم منطقه تهیه شود.



فکر شدن به مسئله رنگ در سبکهای شهرامروز

هیچ گونه اصول و مبانی مدونی برای محیطهای شهری وجود ندارد تا بسته به محیطه اقلیم و فرهنگمان و براساس اصول طراحی رنگ بتواند مدیران و طراحان و حتی مردم را در انتخاب رنگهای مناسب برای محیط زندگی شان هدایت کند



کاوربرد رنگ و هماهنگی رنگها در محیطان کلان

۱- در سالهای ۱۹۸۰ بر اثر اولین اثر نقشه رنگ برای شهر دورون تهیه شده است. البته این نقشه باعث هماهنگی بین رنگ آمیزی دیوارها و دیواره بین آسمانها و دیواره کاشی و رنگ بود. این طرح در فروردین ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ مورد تصویب و تقدیر قرار گرفت. در سال ۱۳۶۲ نیز از این نقشه لاتینو رنگ طرح رنگی برای نوراس مختلف، در براساس تهیه نمود.

منبع
Moughtin, Cliff & OC, Turner & Tinsdell, Steven: URBAN DESIGN: Ornament and Decoration, Bunsenworth Architecture, 1982.

پایان

کاربرد رنگهای طبیعت در منظر سازی شهری

مهران قدوسی

کارشناس ارشد مهندسی طراحی محیط زیست

همان طور که مبلمان منزل و فضای محیط مسکونی باید از هماهنگی و نظم در انتخاب رنگها برخوردار باشد، اجزای تشکیل دهنده شهر نیز در صورت تبعیت از اصول ترکیب و هماهنگی در رنگها فضایی مطلوب و آرامش بخش را برای شهروندان خواهد ساخت. فضاهای سبز شهری مهمترین عنصر تأمین کننده تنوع رنگ هستند و در شکل دهی به سیمای رنگی شهر نقشی اساسی دارند.

رنگ مهمترین عامل در جذابیت بناها و فضاهای سبز شهری است و آگاهی از کاربرد متناسب رنگها موجب نیل به مقصود خواهد شد. یکی از مفایط طراحان چشم انداز، آگاهی از دانش ترکیب رنگ و آشنایی با گونه های گیاهی تأمین کننده آن است. درختان، درختچه ها و گیاهان پوششی بسیاری را در طبیعت می توان یافت که با تغییر رنگ در فصول مختلف موجب تنوع در چشم اندازهای شهری می شوند. در ترکیب رنگ گیاهان در هر منظر می توان از دوروش کلی تبعیت نمود: روش اول ترکیب رنگها است که در چرخه طیف رنگها مجاور یکدیگرند؛ مثل ترکیب رنگهای قرمز - بنفش و بنفش. در این روش ترکیب رنگ، هر اندازه محیط مورد نظر وسیعتر باشد طیف رنگی و رنگهای مجاور انتخابی بیشتر است و برعکس با کوچک شدن محیط، رنگهای انتخابی محدود خواهد شد.

روش دوم در ترکیب رنگها نقطه مقابل روش اول است. در این شیوه از رنگهای مکمل و یا رنگهای مقابل یکدیگر استفاده می شود؛ به عنوان مثال طراح از گیاهانی با رنگهای بنفش، زرد و یا قرمز، سبز در مجاورت یکدیگر استفاده می کند. این شیوه بیشتر در مواردی استفاده می شود که هدف طراح جلب توجه و نظر بینندگان به چشم انداز است. منظر سازان بیشتر تنوع و تضاد را در چشم اندازها با استفاده از رنگهای تیره و روشن و بهره گیری از عامل تضاد رنگها ایجاد می کنند و به این منظور از گیاهانی با جلوه های رنگی متضاد در کنار یکدیگر استفاده می کنند. کاشت گلهای جعفری زرد رنگ در کنار گلهای آبی لوبلیا مثالی برای این مورد است. برای جلب توجه و جهت دید ناظران نیز به نقطه ای مشخص، استفاده از رنگهای تیره موزون و یا رنگهای روشن یکدست در کنار یکدیگر می تواند مفید باشد.

یکی دیگر از کاربردهای اصلی رنگ در فضاهای سبز، ایجاد حس آرامش در ناظران است. برای این منظور رنگهای خنثی بهترین عامل در ایجاد این حس در بیننده است. برای وسیع نشان دادن یک محیط و یا مشخص تر شدن فضایی وسیع باید از رنگهای گرم مانند رنگهای قرمز، قرمز نارنجی، نارنجی و زرد نارنجی استفاده کرد. گیاهانی با رنگهای گرم برای زیبا سازی و تعدیل فضاهایی با عرض کم ولی طول زیاد بسیار مناسب اند. کاربرد این گونه گیاهان باعث می شود تا علاوه بر وسیع جلوه دادن

محیط، آن را به چشم بیننده نزدیکتر از حد واقعی نمایش دهیم.

از طرف دیگر استفاده از رنگهای سرد در محیط موجب می شود چشم انداز طراحی شده با عمق و درازای بیشتری نمود پیدا کند. استفاده از گیاهانی با رنگهای طیف سبز، آبی و بنفش سازنده این مضمون هستند. باید توجه داشت که به کارگیری گیاهانی با رنگهای سرد در محیطهای بسته و سایه انداز کاملاً اشتباه است، مگر اینکه هدف طراح، ارائه محیطی سرد و ساکن بوده باشد که در این صورت باید حتماً رنگهای سرد به صورت یکدست و توده‌ای و در سطحی وسیع استفاده شوند تا حداکثر تأثیر خود را داشته باشند.

برجسته‌بینی رنگی

سررنگی بر حسب پس‌زمینه‌اش در فاصله‌ای نسبی نمود پیدا می‌کند. این «برجسته‌بینی رنگی» را می‌توان در ایجاد توهم حجم و بُعد به کار گرفت. مجموعه‌ای با رنگ گرم نزدیکتر و با رنگهای سرد دورتر به نظر می‌رسند. رنگهای اشباع شده و کثیف‌تر از رنگهای خفیف و اشباع نشده، چشم را به خود می‌کشاند. رنگهای گرم در این مورد حالتی آشفته ایجاد می‌کنند و بیننده را در تشخیص جزئیات ناموان می‌سازند. تعدد رنگ‌مایه‌های برجسته و اشباع شده موارد گوناگونی را برای جلب توجه ایجاد می‌کنند و رقابتشان با هم، یکبارگی ترکیب‌بندی آنها را از بین می‌برد. در ترکیب رنگها ممکن است رنگی رقیق‌تر از آنچه هست به نظر آید و یا حتی هویت خود را در مقابل رنگهای دیگر از دست بدهد. در تمام این موارد وسعت فضای اشغال شده توسط رنگ، فاصله ناظر و شدت نور مؤثر است. شرایط جوی، گردوغبار، مه و... می‌توانند باعث اشباع نشدن رنگها شده و یا به آنها نمودی گرم‌تر ببخشند.

هماهنگی رنگها پیچیدگیهای بیشتری دارد به عنوان مثال رنگها از فواصل نزدیک هماهنگ و موزون و از فاصله دور ناهمگون به نظر می‌رسند. یک طرح آبی در پس‌زمینه تیره، نمود پررنگ و اشباع شده‌ای دارد، اما در پس‌زمینه روشن، رنگ پس‌زمینه و طرح در هم ادغام می‌شوند.

آدمی، سازه‌است در جستجوی ساختن ترکیبی از رنگهاست که علاوه بر هماهنگی، جذابیت و آرامش را برای بیننده به ارمغان آورد. رنگ و احساس به هم پیوسته‌اند و تداعی‌های رنگی بی‌نهایت متنوع است. برخی رنگها معانی جهانی دارند و برخی دیگر



کاربرد رنگهای طبیعی و آرامش بخش در طراحی خانه‌های سازمانی باعث بالا رفتن کیفیتهای محیطی شده است (جانور - آلمان)



فضاهای سبز شهری مهمترین عنصر تأمین کننده تنوع رنگ هستند و در شکل‌دهی به سیمای رنگی شهر نقشی اساسی دارند

برای وسیع نشان دادن یک محیط و یا مشخص تر شدن فضایی وسیع باید از رنگهای گرم استفاده کرد

معانی محدودتری در بین یک گروه یا ملت؛ به عنوان مثال قرمز، حرما، خشم، هیجان و قدرت را تداعی می‌کند و سبز، بهار، طراوت، رمز و غم رنگ زرد، آفتاب، درخشش، پیشرفت، لذت و خیانت و رنگ آبی، برودت، سرما، لطافت، بیکرانگی، اهمیت، سیاه، رنگ مرگ، ملال و سکون است و سفید، رنگ برقی، طراقت، خلوص، آرامش، پاکی، زیبایی و شکنندگی.

رنگها می‌توانند از نظر بیان و القای احساسهای ذهنی و روانی نیز نقش داشته باشند.

اینها همه یادآور نظراتی در مورد تداعی‌هایی است که رنگها بر حسب تصادف یا به تعمد ایجاد کرده‌اند و ارزش آنها را در منظر سازی و زیباسازی شهر نشان می‌دهند. برای ترکیب صحیح رنگها باید به تعاریفی قرار دادی مثل موارد زیر توجه داشت:

۱- شدت رنگ: معرف کیفیت، قوت یا ضعف رنگها در برابر یکدیگر بوده و مشخص کننده این است که هنگام ترکیب رنگها کدامیک رنگهای دیگر را بیشتر تحت الشعاع خود فرار می‌دهند.

۲- وزن رنگ: به هر میزان رنگ سفید به رنگهای دیگر افزوده شود رنگ روشنتر و باافزودن رنگ سیاه تیره‌تر می‌شوند. این فرآیند را در اصطلاح وزن رنگ می‌نامند.

۳- سیالیت رنگ: عاملی است که سبب می‌شود برخی از رنگها نزدیکتر و برخی دورتر به نظر برسند.

۴- رنگهای مجاور: مقصود رنگهایی است که در جوار رنگ در جوار یکدیگر قرار می‌گیرند.

۵- رنگهای مکمل: رنگهایی است که در جوار رنگ در مقابل یکدیگر واقع شده و با یکدیگر متضادند.

رنگهای طبیعت همیشه بر رنگهای مصنوعی شهری برتری دارند، از این رو مناظر طبیعی شهری از مهمترین عوامل ایجاد کننده رنگ در شهر هستند. رنگهای مناظر طبیعی در شهر فعال و متغیر بوده و در فصول مختلف سال موجب تنوع رنگی در محیط می‌شوند. بر همین اساس است که محیطهای دلبدیر شهری از ترکیب حساب شده رنگ در مناظر خویش بهره‌برده‌اند.

منظر سازی در شهر مانند نقاشی، مستلزم دانش و آگاهی نسبت به ترکیب رنگهاست؛ با این تفاوت که عنصر رنگ در اینجا عنصری متغیر و قابل تحول است. از این رو آگاهی از گیاهان فراهم آورنده رنگها و تغییرپذیری آن در فصول مختلف امری الزامی است. در هر منظر معمولاً یک رنگ را به عنوان رنگ اصلی و مرکزی انتخاب کرده و سایر رنگها را هماهنگ و برنامه‌ریزی شده با آن انتخاب می‌کنند.

در تصامی این موارد نباید نقش نورپردازی و شرایط محیطی را نادیده گرفت؛ چرا که تأثیری مستقیم بر آثار و جلوه رنگها خواهد داشت. از آنجا که پارکها و فضاهای سبز شهری تجلی‌گاه بدیع‌ترین مناظر شهری هستند، انتخاب درختان، درختچه‌ها

رنگهای طبیعت همیشه بر
رنگهای مصنوع شهری برتری
دارند از این رو مناظر طبیعی
شهری از مهمترین عوامل
ایجاد کننده رنگ در شهر
هستند

برخلاف تصویری که از فضای
سبز با اطلاق واژه «سبز» در
ذهن همگان وجود دارد،
می توان چرخه ای از
رنگهای گوناگون با تنوع و
طراحی مشخص و متغیر
ایجاد کرد



و گیاهان پوششی که رنگهای متنوع و چشم نوازی داشته باشند موجب جذابیت، آرامش بخشی و یادمانی شدن محیط می شود.

نقش درختان و درختچه ها از جهت به وجود آوردن حجم رنگی وسیع و گیاهان پوششی از حیث تنوع رنگ قابل بررسی است. منظر سازان بر اساس عواملی چون گنهای رنگی، هیوه های رنگی و جلوه گر، رنگهای پاییزی برگها، جذابیت و زیبایی پوست تنه درختان - که موجب جلب توجه و تأثیر گذاری در فصل زمستان شود - و گیاهان را برای ایجاد رنگ در محیط انتخاب می کنند؛ به عنوان مثال درختانی چون اکاسیا (۱)، شاه بلوط هندی (۲)، ابریشم (۳)، جوالدور (۴)، گل برف (زیان گنجشک زبانی (۵)، زغال اخته (۶)، زالزالک (۷)، گولر ترید (۸)، درخت زنجیر طلایی (۹)، درخت لاله (۱۰)، ماکنولیا (۱۱)، گوجه گل (۱۲)، انانیا (۱۳) و تعداد (۱۴) از جمله گیاهانی هستند که منظر سازان به علت فصل گل دهی و زیبایی رنگ گل آنها برای ایجاد رنگ در محیط انتخاب می کنند.

رنگ برگ و رنگ پوست تنه درختان نیز در انتخاب آنها برای منظورهای مختلف، مدنظر طراحان چشم انداز قرار دارد. نتیجه اینکه برخلاف تصویری که از فضای سبز با اطلاق واژه «سبز» در ذهن همگان وجود دارد، می توان چرخه ای از رنگهای گوناگون با تنوع و طراحی مشخص و متغیر در حصول مختلف ایجاد کرد و با تسلط بر دانش رنگ شناسی و شناخت گیاهان به ترسیم و نمایش مناظر دیدنی با جلوه های بدیع پرداخت و از رهگذر این فرآیند، ذهن و روان آدمی را از محیط خسته کننده و بی روح مصنوع شهری به سمت مناظر طبیعی روح نواز بارنگهای طبیعی و جذاب معطوف ساخت.

دسته بندی

- 1- Aesculus
- 2- Anacardium
- 3- Albizia julibrissin
- 4- Catalpa
- 5- Clusia
- 6- Cornus
- 7- Castanea
- 8- Koelbutteria
- 9- Laburnum
- 10- Liquidambar styraciflua
- 11- Magnolia
- 12- Prunus
- 13- Rubus
- 14- Tilia

منبع

- ۱- Wilcox, Christopher. Encyclopedia of Gardening. Dating Kinders P&H, London 1992.
- 2- Coombes, A John. TREES. Dordrig Kinders P&H London 1995.
- 3- Landscaping & Garden Remodeling, Menlo Park, CA, 1993.
- 4- Landscaping Illustrated, Menlo Park, CA, 1993.
- 5- Trees & Shrubs, Sunset Pub. Menlo Park, CA, 1991.
- ۶- کتاب سبزیجات و گلخانه ها در محیط های گرم آرد، دانشگاه تبرک، ۱۳۷۷.
- ۷- کتاب جنگل های ایران، سید محمد میرزایی، ۱۳۷۷.
- ۸- مکتب سبزیجات و گلخانه ها در محیط های گرم آرد، ۱۳۷۷.
- ۹- روش های طراحی باغ و فضای سبز، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- ۱۰- کتاب سبزیجات و گلخانه ها در محیط های گرم آرد، ۱۳۷۷.
- ۱۱- مکتب سبزیجات و گلخانه ها در محیط های گرم آرد، ۱۳۷۷.
- ۱۲- مکتب سبزیجات و گلخانه ها در محیط های گرم آرد، ۱۳۷۷.

میدان محلی؛ دیروز و امروز

رئیس هیئت مدیره انجمن علمی
مروارید قاسمی

امروزه اگر از هر یک از شهر و نودان آدرس خانه‌اش را بپرسید، شمارا با تعدادی اسم تجاری عبوری که او را ستایان به خانه‌اش می‌رسانند راهنمایی می‌کنند. او دیگر اهل یک محله نیست، بلکه ساکن خیابانی است که تنها با نامش از سایر معابر جدا می‌شود. در آدرس او نشانی از محله‌های مکتب نمی‌توان یافت؛ شاید به این دلیل که بستری برای مکتب وجود ندارد و این امر در کنار شتاب آلود بودن زندگی روزمره کم‌کم وقوع تعاملات اجتماعی را که لازمه حیات جمعی است، با تهدید روبه‌رو می‌کند.

این در حالی است که در گذشته، عنصر اجتناب‌ناپذیر هر محله، میدانی بود که در قلب محله جای می‌گرفت و عمومی‌ترین و مردمی‌ترین فضای آن محسوب می‌شد و نام محله را نیز بر خود داشت. این میدان برای ساکنان محله، بستری مناسب برای روابط اجتماعی بوده؛ زیرا فعالیتها و فضاها، مرتبط با زندگی روزمره ساکنان در آن مستقر بود. معمولاً چند عنصر حیاتی مانند آب‌انبار، مسجد، حمام، تعدادی مغازه و... در اطراف میدان گردهم می‌آمد که خود عامل مؤثری در جذب ساکنان به میدان محلی محسوب می‌شد. به این ترتیب پس از پدید آمدن الزام حضور در میدان و استمرار حضور در آن باعث می‌شد که میدان محلی تبدیل به میعادگاه ساکنان گردد به طوری که آنان میدان محله را حیاط دومی فرض می‌کردند که با هم محله‌های خود در آن سهیم بودند. این اشتراک، احساس تعلق به محله را نیز در آنان قوت می‌بخشید و دلبای مشارکت در نحوه استفاده از فضای میدان نیز قابل پیگیری بوده؛ چرا که خود مردم در ساماندهی و نگهداری از فضای میدان محلی می‌کوشیدند و در مواقع خاص با همکاری یکدیگر آن را برای مراسم ویژه‌ای چون اعیاد یا عزاداریهای مذهبی یا ملی و... تجهیز می‌نمودند. پس فضای میدان، به هیچ وجه تک‌عملکردی یا غلبه نوع خاصی از کاربریها و فعالیتها - برای مثال تجاری - نبود، بلکه وجود عملکردها و فعالیتهای مختلف اهم از فرهنگی، تجاری، رفاهی و... فضا را در طول زمان برای مخاطبان گوناگون زنده نگاه می‌داشت و میدان محلی را درون بافت مسکونی تبدیل به مقصدی می‌کرد که راههای محله به جای اینکه از آن عبور کنند به آن منتهی می‌شد.

از این رو بسیاری از محلات با چنین فضای شهری سیاسی می‌شدند و میدان هر آدرسی در محله، میدان آن بود و نقاط دور و نزدیک محله نسبت به آن سنجیده می‌شد. به همین لحاظ میدان محلی در تصویر ذهنی عموم مردم از یک محله، نقطه پیرنگی محسوب می‌شد که از یک طرف تصویری از خود محله پیرامون آن شکل می‌گرفت و از طرف دیگر با تجسم ارتباط آن با میدانهای سایر محلات، جایگاه محله در شهر و ارتباط میان محلات در تصور مردم قابل بازسازی بود. هر میدان محلی بسته به ابعاد و شرایط کالبدی محله، شأن اجتماعی آن، توان اقتصادی ساکنان و... با وجود داشتن اشتراکات فراوان با سایر میدانهای محلی، شخصیت خاص خود را می‌یافت و همین تشخیص بود که در تبیین دقیق تر کل محله و جایگاه آن در شهر در ذهن شهروندان کمک بسیار مؤثری قلمداد می‌شد.

اما امروزه با تغییر ساختار از گانیک بافتهای شهری و غلبه نظام شطرنجی، شاهد محو شدن این گرههای حیاتی از چهره شهرها هستیم. اساساً در نظام شطرنجی، فضای مکتب و تجمع انسانها معنایی ندارد؛ زیرا شطرنجی شدن شهرها یعنی اولویت جابه‌جایی سواره در آنها و هر نقطه مکتبی در جهت رسیدن به این هدف اختلال ایجاد می‌کند. محصول نظام شطرنجی تقاطعهایی است که حتی اگر در آنها گشاده‌گی ایجاد شود و کالبدی شیبه میدان نیز به خود بگیرند، از نظر معنایی فاصله‌ای بسیار با میدان دارند آنچه پیش از همه به این شکاف دامن می‌زند، ناخت و تاز خودروهاست. در این تقاطعها بناده میهمان ناخواننده‌های است که ایمنی خود را به خطر انداخته و برای سواره‌امنیاب مزاحمت است. از این رو برای پیاده - مگر به ضرورت و صرفاً برای عبور - جایی در شبکه شطرنجی معابر امروز وجود ندارد. این مصداق واضحی است از گفته کرستوفر الکساندر در

کتاب «زبان الگو» مبنی بر اینکه «خودرها انسانها را از خانه‌هایشان بیرون می‌کشند، ولی آنان را از یکدیگر دور نگاه می‌دارند» نازمانی که حاکمیت بلامنابع سواره‌یوقرار است حتی اگر از نظر کالبدی در میان شبکه معابر یک فضای باز به نام میدان محلی ایجاد شود، به سرعت تبدیل به پارکینگ موتور، خودرو و... می‌شود و آزاردهنده‌تر اینکه این وسائط نقلیه محدود به بافت مجاور آن میدان نمی‌شوند بلکه فریبه‌ها نیز به راحتی خود را محق می‌دانند که در صورت لزوم از این پارکینگ عمومی استفاده کنند و فضایی را که باید در خدمت گردهمایی شهروندان باشد، به اشغال خود درآورند. به این ترتیب فضای بازی که ظاهراً میدان محلی خوانده می‌شود و با توجه به پیشینه چنین فضاهایی در سلسله مراتب میادین شهرها باید نقش نیمه خصوصی داشته باشد آن قدر عمومی می‌شود که دیگر هیچ حس تعلقی در ساکنان بافت همجوار بر نمی‌انگیزد. در بسیاری موارد نام این میدانهای محلی گواه دیگری برای جدایی آنها از بافت است؛ زیرا هیچ رنگ و بویی از مکان استقرارشان ندارد. این نام در خاطره شهروندان به ندرت می‌تواند فضای شهری خاصی را تداعی کند، چه رسد به اینکه در شکل‌گیری تصویر ذهنی از ساختار بخشی از شهر مؤثر واقع شود. نشانه کالبدی میدانهای محلی امروزی بویژه در بافتهای نوساز، این مسئله را حادث می‌کند. تقریباً تمامی این میدانها، دارای طرح هندسی قاطع هستند و جزیره سبزی به تقلید از فلکه‌ها در میان آنها در نظر گرفته شده و بدون توجه به اینکه میدان، در



نوع فضایشها در عرصه میدان در طول زمان



نوع خودرو در عرصه میدان

مقیاس محله عمل می‌کند، سعی می‌شود ظاهر آن حالتی تشریفاتی به خود گیرد. نخستین محصول چنین تفکری این است که مخصوصیت و مقیاس مناسب برای میدانهای محلی در نظر گرفته نمی‌شود؛ زیرا تصور این است که با اعمال قانونمندبهای حاکم بر میدان شهری خوب می‌توان میدان محلی متناسبی نیز به دست آورده در حالی که این دو فضای شهری از اساس با یکدیگر متفاوت‌اند و هر یک شرایط کالبدی خاص خود را می‌طلبند. یک میدان محلی به جای اینکه تشریفاتی باشد و غلبه خود را بر استفاده کنندگان به رخ کشد، باید احساس تمایل به تعامل با فضا را در آنان برانگیزد، به طوری که استفاده کننده خود را در فضا، عامل و نه مقهور حس کند.

گرایش به تشریفاتی جلوه دادن میدان محلی را در استقرار فضای سبز آن نیز که به صورت کلیشه‌ای جای خود را در میانه این میدانها باز کرده است، می‌توان ملاحظه کرد. در گذشته عنصر سبز میدان محلی تک درخت قدیمی بود که به واسطه نقش ساکنان در نگهداری از آن، در خاطره جمعی آنان جای داشت و تمرکزی را در میدان القامی نموده در حالی که امروزه جزیره‌های سبزی واقع در میدانهای نوساز، تنها فضای سبز محدودی هستند که در میان حرکت خودروها می‌چرخد و در عمل از آنها استفاده‌ای نمی‌شود. در نهایت نیز به دلیل اینکه کسی خود را متولی نگهداری آنها نمی‌داند محکوم به نابودی هستند و پس از مدت کوتاهی

حتی نمی توانند منظر خوشامدی برای میدان محلی فراهم آورند، ضمن اینکه عرصه باز میانه میدان را هم اشغال می کنند. به این صورت آنچه از میدان محلی باقی می ماند، نواری پیرامون جزیره میانی است و میدان به جای بهانه ای باز که محل تجمع و حضور انسانهاست، تبدیل به معبری برای خودروها می شود. البته باید در نظر داشت که در اکثر میدانهای نوساز، فقدان عملکردها و فعالیت های مرتبط با زندگی روزمره مردم در اطراف میدان، بهانه لازم را برای حضور مداوم ساکنان در اختیار آنان قرار نمی دهد و عبوری شدن میدان را تشدید می کند. در حالی که وجود مراکز خدماتی که حداقل خریدهای روزانه و هفتگی ساکنان را جوابگو باشد، نخستین گام جهت برقراری ارتباط میان شهروندان با فضای میدان و به تبع آن پایکدینگر است.

میدانهای نوساز معمولاً به حال خود رها می شوند و مدت ها حتی فضا سازی مناسبی برای آنها صورت نمی گیرد. مگر اینکه به مرور زمان و بر اساس نیاز ساکنان، معارضه هایی در اطراف آنها شکل گیرد. در این شرایط هم، گاه فعالیت معارضه های ایجاد شده با مقیاس محلی سازگاری ندارد که خود مشکل را می شود و گاهی نیز شکل گیری تدریجی و بدون ضابطه معارضه ها منجر به مجاورت نامناسب فعالیتها و ناخوشامدی منظر میدان می گردد. از تبعات دیگر فقدان فضا سازی، نبودن میلان شهری و تجهیزات روشنایی مناسب در میدان محلی است. معمولاً در این میدانها ابتدایی ترین میلان مورد نیاز مانند پلچه نعلن، صندوق پست، سطل زباله و نیمکت وجود ندارد. اگر هم این میلان در میدانهای محلی مستقر شوند، به دلیل اینکه ساکنان در مقابل آنها احساس مسئولیت چندانی نمی کنند به سرعت قربانی وندانیسم (تخریب عمدی) و یا ضایعات ناشی از نقص طراحی، اجرا و کیفیت نازل می گردند. به این ترتیب پس از مدت کوتاهی نه تنها نیاز استفاده کنندگان را بر آورده نمی سازند، بلکه با اشغال فضای میدان و منظر نامناسب خود باعث مزاحمت می شوند. تجهیزات روشنایی میدانهای محلی نیز از این قاعده مستثنی نیست. معمولاً این تجهیزات ناگلفی است و در صورت آسیب دیدن، به طور سریع و جدی تعمیر نمی شود. از این رو روشنایی میدان که لازمه تأمین امنیت و زندگی شبانه برای میدان است، به سهولت یا کاستی مواجه می شود و به این ترتیب حیات میدان در بخشی از شبانه روز که بیشتر منطبق بر اوقات فراغت شهروندان است، فلج می گردد. از دیگر نتایج بی توجهی به فضا سازی در میدانهای محلی، این است که اگر گلهای مرتبط با تأسیسات زیر بنایی شهری، تجهیزات خود را مانند جمعه تقسیم یا تیرهای انتقال نیروی برق و مخازن، به آسانی و بدون اینکه کنترل و ضابطه ای در مورد حفظ کیفیت فضای شهری آنها را مفید کند، در فضای میدان محلی مستقر می سازند و در آن امتشاش ایجاد می کنند.

شاید یکی از مهمترین دلایل این کم لطفی نسبت به فضا سازی مناسب میدانهای محلی این است که بیشتر این میدانها در معرض دید مسئولان و مقامات و بازدید کنندگان از شهر قرار ندارند و ضرورت پرداختن به کیفیت فضایی آنها چندانی حس نمی شود. در حالی که اهمیت این فضاها به واسطه نقشی که در زندگی روزمره و حیات مدنی ساکنان محلات دارند، در ارتقای فرهنگ شهروندی کمتر از سایر فضاهای شهری نیست. البته لازم به ذکر است که از هر فضای شهری باید متناسب با جایگاه آن توقع داشت. دسته ای از این توقعات به میدان بودن محلی مرتبط می گردد و دسته ای دیگر به محلی بودن آن.

دسته اول، توقعاتی است که میان میدان محلی با سایر میدان مشترک است و باعث می شوند که شهروندان را با فضای شهری دیگری نظیر خیابان اشتباه نکند. زمانی که بحث از میدان پیش می آید فضایی دارای سکون و یکپارچگی در ذهن شهروندان تداعی می گردد که خاصیت تجمع پذیری دارد. ابتدایی ترین شرط سکون این است که حرکت سواره و سنانب آلودگی ناشی از آن، از عرصه میدان حذف گردد و در مورد پیاده نیز رفتارهای غیر حرکتی مثل نشستن، ایستادن و... تشویق شود. اگر میدان جنبه مقصدی داشته باشد، خواه ناخواه در شبکه شلوخ خیابانها تبدیل به مکانی برای آسودن و مکث است و در حقیقت مانند کاسه ای عمل می کند که مردم و فعالیتها را در خود جمع می کند و این نمود بارز تجمع پذیری میدان است. بدیهی است که چنین ظرفی باید قالبی یکپارچه داشته باشد و در آن عناصر کالبدی، فضا و فعالیت های انسانی از پیوستگی و تداخل لازم برخوردار باشد و با جداسازیهای بی مورد دچار انقطاع نگردد.

دسته دیگر توقعات مرتبط با میدان محلی بر محلی بودن آن تأکید دارند و در واقع وجه تمایز میدان محلی از سایر انواع میدان محسوب می شوند. یک میدان محلی از اراضی و دنجی بیشتری نسبت به سایر میدان بر خور دار است و فضای خودمآبی است.

آرامش از بارزترین توقعاتی است که از یک میدان محلی انتظار می رود. شاید نخستین شرط آرامش، برقراری سکونت نسبی و فقدان سر و صدای مزاحم باشد. این سروصدای مزاحم یا ناشی از حرکت خودروهاست و یا استقرار برخی فعالیتها. بدیهی است که با حذف خودروها و تبدیل میدان محلی به یک عرصه پیاده، سروصدای ناشی از آنها نیز از بین می رود. به این منظور باید ترافیک میلان را به مجاری عبوری منتقل نمود و انتهای راههای منتهی به میدان را به روی عبور سواره (مگر

در گذشته محله، بستری مناسب برای روابط اجتماعی بوده زیرا فضالیتها و فضاهای مرتبط با زندگی روزمره ساکنان در آن مستقر بود. استمرار حضور در آن ساعت می شد که میدان محلی تبدیل به میعادگاه ساکنان گردد. این اشتراک، احساس تعلق به محله را نیز در آنان قوت می بخشد

تازمانی که حاکمیت بلامنازع سواره برقرار است حتی اگر از نظر کالبدی در میان شبکه معابر یک فضای باز به نام میدان محلی ایجاد شود، به سرعت تبدیل به پارکینگ موتور و خودرو می شود

خودروه‌های اضطراری) مسدود کرد. البته در نوسازی باید نسبت به مکان، پایی میدان، محلی توجه کافی مبذول داشت تا با فاصله مناسب از شریانهای عبوری اصلی، از آلودگی صوتی آنها در امان باشد. برخی فعالیتها نیز عامل ایجاد سروصدا هستند. واحدهایی چون آهنگری، مسگری، تراشکاری، صافکاری، تعمیرگاه خودرو، چوب‌بری و... به دلیل نوع فعالیتی که انجام می‌دهند، مولد سروصدای زیاد هستند که گاه حتی در کوناه مدت نیز بسیار آزار دهنده است و به طریق اولی در فراز مدت مشکل جدی برای ساکنان ایجاد می‌کنند. از این رو ضروری است این فعالیتها با فعالیتهای کم سروصداتر جایگزین شوند.

از حاشیه زیاد نیز معایب یا آرامش است. ازدحام انسانها اگر بیش از ظرفیت فضای میدان محلی نباشد مطلوب است، ولی اگر این ازدحام فراتر از مقیاس محلی باشد آرامش را به شدت برهم می‌زند. از این رو باید از استقرار فعالیتهای قوامخه‌ای مانند ادارات، مراکز خرید بزرگ و... در میدان محلی اجتناب نمود.

برای دستیابی به آرامش، لازم است اتفاقات کالبدی غیرمترقبه در فضا محدود شوند، منظور از اتفاقات کالبدی غیرمترقبه در فضا بخشهایی از کالبد فضاست که به دلایل گوناگون بر ذهن شهروند تأثیر ناگهانی می‌گذارد و در روند ادراک او از هم گسیختگی



انصال الکوی کالبدی فضا در میدان محلی

ایجاد می‌کند. برای مثال یک ساختمان بسیار مرتفع و یا یک نمای خیلی متفاوت نسبت به سایر نماها اظرفها را به سمعت خود جلب می‌کند و فضا را از حالت تعادل خارج می‌سازد و ذهن را با خود درگیر می‌سازد. به این دلیل برخورداری از تجانس نسبی در فضای میدان محلی اگر به بکنواختی و کسالت منجر نشود، مطلوب است.

وجود ایهام در فضای محل احساس آرامش است؛ چرا که در یک فضای مبهم، فرد خود را سرگردان و مضطرب حس می‌کند. برای اجتناب از چنین احساسی بهتر است که فضای میدان محلی به اندازه کافی واضح باشد تا فرد بتواند به راحتی نسبت به آن اشراف و شناخت پیدا کند و برایش قابل پیش‌بینی گردد؛ یعنی بتواند قنونه‌نمایی حاکم بر آن را کشف نماید و به تمام آن تسری دهد.

از عوامل دیگری که در تأمین آرامش ذهنی شهروندان در میدان محلی بسیار مؤثر است، اطمینان آنان نسبت به وجود نظارت اجتماعی بر فضاست؛ زیرا به تجربه بر اهمیت این نظارت در کنترل رفتارهای خلاف تأکید شده است. نظارت بر حاضران در فضا و فعالیت و رفتار آنان، ساکنان را به نحوی بر فضا و رویدادهای آن مسلط می‌سازد. چنین نظارتی از طریق حضور ساکنان در زمانهای مختلف در فضا و یا برقراری ارتباط بصری با آن از درون بدنه‌ها امکانپذیر است. به نظر می‌رسد در یک فضای تحت نظارت اتفاقات

بیش بینی نشده کمتری به وقوع می پیوندد. اگر در طول روز امکان حضور گروه‌های مختلف اجتماعی در میدان محلی فراهم باشد و فضا در سطره قشر خاصی که محل آرامش دیگران است، قرار نگیرد و یا توق آنان نشود و در شب نیز فعالیتهای مجاور میدان ادامه یابد و ساکنان راه خود جلب کند، بستر لازم برای حضور شهروندان و نظارت دائم آنان بر فضا تأمین می گردد. البته لازم است چنین بستری بهره‌مندی از مسلمان شهری مناسب برای فعالیت ایشار مختلف اجتماعی مثل بازی کودکان، نشستن سالخورده‌گان، گروه‌های زنان و همچنین وجود تجهیزات لازم برای روشن نمودن فضای میدان و از بین بردن احساس ناامنی ناشی از تاریکی در شب است. حذف گوشه‌های تاریک و کم تردد فضا که فقدان نظارت، آنها را ناامن می‌سازد نیز در این زمینه کمک مؤثری خواهد بود.

بنابراین آنچه گفته شد دیدن و دیده شدن از نخستین نیازهای انسان در یک فضای شهری، ابزار کنترل رفتارها و زمینه برقراری تعاملات اجتماعی است. اما باید توجه داشت چنین امکانی زمانی مطلوب است که فرد در جریان این احساس راحتی کند. به همین دلیل در امان بودن از دیدهای مزاحم و یا حذف امراض آزاردهنده برای تأمین آرامش فضا ضروری است. دیده زبانی مزاحم است که از فضای عمومی تر به سمت فضای خصوصی تر برقرار شود و از آنجا که میدان محلی، فضایی بالنسبه نیمه خصوصی قلمداد می‌شود، حریم بصری خاص خود را می طلبد؛ پس باید از محصوریت کافی برخوردار باشد. این محصوریت، محصول مشترک عناصر کالبدی مستقر در بدنه میدان و راه‌های منتهی به آن است. ارتفاع و میزان تخلخل بدنه‌ها و نحوه اتصال راه به میدان در حفظ حریم بصری آن نقش مهمی دارد.

این حریم بصری علاوه بر اینکه در تأمین آرامش ذهنی استفاده کنندگان از میدان محلی عامل مهمی است، به دنجی فضا نیز کمک می‌کند؛ زیرا آن را از دید مستقیم و بلافاصله عرصه‌ها مصون می‌دارد. بدیهی است که برای نیل به دنج بودن به عنوان دومین نوع مرغوب با میدان محلی، ضروری است که حضور غیر بیه‌جا در فضای میدان محلی محدود و کنترل شوند. یکی از راه‌های دستیابی به چنین هدفی، برقراری نظارت اجتماعی به طریق است که قبلاً مورد بحث قرار گرفت. از طرف دیگر باید از دعوت کنندگی فضا و جذابیت آن برای غریبه‌ها گاسته؛ زیرا میدان محلی در واقع مکان ملاقات افراد محله است و ضرورت چندانی ندارد که خود راه به افراد خارج از محله به شدت معرفی نماید. به این منظور ورودیهای میدان محلی پیش از اینکه نقش دعوت کننده داشته باشند، باید حریم آن را تعریف کنند. نحوه اتصال راه‌های منتهی به میدان و زاویه آنها نیز در حفظ حریم میدان نقش اساسی دارند. در این میان نباید از تأثیر فعالیت‌های مستقر در میدان در حفظ دنج بودن میدان محلی غافل ماند. چنان که قبلاً اشاره شد این فعالیت‌ها باید مقیاس محلی داشته باشند تا با مزاجه روزانه و حداکثر هفتگی، اهالی محله و اجناس بعضی از ساکنان محلات مجاور به حیات خود ادامه دهند و نیاز به جذب مخاطب خارجی در حجم انبوه نداشته باشند.

برای فضای دنج بودن یک فضا لازم است در کنار این عوامل به مسائل کالبدی نیز توجه کافی متذول گردد. نخستین ویژگی یک فضای دنج محصوریت مناسب آن است. انسان فضایی را که محصور نباشد نمی‌تواند دنج بخواند. فرم فضا نیز در تداعی حالت دنج بودن اثر مهمی می‌گذارد. میدانی که دارای فرم هندسی بسیار معین و مشخص است گاه چنان فرم خود را به رخ مخاطب می‌کشد که فرد از نظر روانی از آن



محدود شدن فضای پیدای به بنگاه پول پارک

یک میدان محلی از آرامش و دنجی بیشتری نسبت به سایر میدانی برخوردار است و فضایی خودمآبی است

نگ برکت به هالوان عناصر سبز و شامل ایفاده سبز کو در میدان محلی



از دحام زیاد مغایر با آرامش است. ازدحام انسانها بیش از ظرفیت فضای میدان محلی آرامش را به شدت برهم میزند

باید از دعوت کنندگی فضا و جذابیت آن برای غریبه‌ها کاست به این منظور ورودیهای میدان محلی بیش از اینکه نقش دعوت کننده داشته باشند، باید حریم آن را تعریف کنند

فاصله می‌گیرد و نمی‌تواند در آن احساس دنج بودن بکند. بنابراین ضرورتی ندارد که میدان محلی فرم هندسی قاطعی داشته باشد. چه بسا یک فرم از گنبد، عرصه‌هایی را پدید آورد که دنج باشند و ضمن وجود نظارت اجتماعی بر آنها، بستر مناسبی نیز برای گرد همایی‌های کوچکتر فراهم نمایند. ابعاد میدان محلی نیز در دنج نبودن آن تأثیر مشابهی دارد. یک فضای وسیع چندان دنج به نظر نمی‌رسد، در حالی که اگر ابعاد فضا متناسب با توانهای ادراکی انسان مدنظر قرار گیرد، به طوری که فرد بتواند در آن به راحتی آشنایان را بشناسد و با آنان ارتباط برقرار نماید و به سهولت به یک درک کلی نسبت به فضا دست یابد، در این صورت، فضا از آن خود و دنج می‌داند.

تأثیر سه ستقیم این عوامل کالبدی را در شکل دهی به سومین توقع اساسی از فضای یک میدان محلی، یعنی خودمانی بودن نیز می‌توان تعمیم کرد. بدیهی است فضایی که بیش از حد محصور است یا هندسه قاطع آن، خود را بر فرد تحمیل می‌کند، یا با ابعاد بزرگش فرد را مقهور خویش می‌سازد و یا فاقد مقیاس انسانی است. خودمانی به نظر نمی‌رسد؛ چرا که فرد نمی‌تواند خود را جزئی از فضا بینداند. علاوه بر اینکه حضور فرد در یک فضای خودمانی باید با سهولت همراه باشد، لازم است دسترسی به این فضا نیز به آسانی میسر گردد. بعد مسافت میان واحدهای مسکونی و میدان محلی، نباید به عنوان یک مانع روانی تمایل فرد را برای حضور در میدان از بین ببرد. اینکه فرد بتواند راحت و در زمان اندک و با صرف انرژی نه چندان زیاد به میدان دسترسی پیدا کند این احساس را که میدان محلی دنباله فضای زندگی اوست، تشدید می‌کند.

این فضای زندگی را علاوه بر کلبه، انسانها نیز تشکیل می‌دهند. بنابراین حضور توأم با راحتی گروههای مختلف اجتماعی در فضا در کنار یکدیگر، خانواده وسیعی را به وجود می‌آورد که افراد، خود را در آن خودمانی احساس می‌کنند. در یک میدان محلی، گنودگان باید بتوانند تحت نظارت بزرگسالان آزادانه بازی کنند و بزرگسالان در حین مراقبت از آنان به برقراری روابط اجتماعی با هم بپردازند و سالخورده‌گان هم از امکان ارتباط با جوانترها برخوردار گردند. در چنین فضایی حس مشارکت میان شهروندان شکوفا می‌شود و آنان را تشویق به برخورد فعالانه با فضا می‌کند، به طوری که خود را مجاز به دخل و تصرف در آن می‌دانند. چنین احساسی متقابلاً باعث تشدید حالت خودمانی بودن در فضا می‌شود. این دخل و تصرف می‌تواند در زمینه نگهداری از فضا و یا ایجاد تغییرات موسمی در آن صورت پذیرد. در یک میدان محلی با تدوین ضوابط دقیق و تعیین حدود دخالت ساکنان می‌توان بخش عمده‌ای از مدیریت فضا چون نظافت، نگهداری از فضای سبز، تعمیر مبلمان شهری، تجهیزات و روشنایی، رسیدگی به وضعیت جویها و کفسازی و... را به استفاده کنندگان آن واگذار کرد. در ضمن می‌توان به آنان اجازه داد که در مواقع خاص چون اعیاد و عزاداریهای مذهبی و ملی و فضا را متناسب با نیازشان تجهیز کرده و در آن تغییر ایجاد کنند (البته چنان که ذکر شد چنین برخوردی با فضا در فرهنگ ماساچوست دیرینه دارد).

توجه به این توقعات زمینه لازم را برای دستیابی به یک میدان محلی مناسب فراهم می‌آورد، اما باید در نظر داشت که برآورده ساختن این توقعات به تنهایی کافی نیست؛ زیرا در آنها میدان محلی به عنوان یک فضای شهری در حالت کلی اش لحاظ شده است. ویژگیهای یک میدان خاص باید به صورت موضعی در کنار موارد فوق در بهسازی یا نوسازی میدان محلی مدنظر قرار گیرد؛ زیرا برای داشتن یک میدان محلی خوب نمی‌توان از تأثیر خاطرات جمعی ساکنان محله و عناصر خاطر مانگیر میدان صرف نظر نمود یا نسبت به رفتارهای استفاده کنندگان از آن میدان بی‌تفاوت بود. بدیهی است که این نکات تعمیم پذیر نیست و هر یک با توجه به بستر زمانی و مکانی خود باید مورد تعقیق قرار گیرند.

۱- اینو، گرین، «تکنیک‌های شکل‌دهی فضا»، ترجمه سیدسین، «میراث‌های انسانیت»، تهران: نشر آستان قدس، ۱۳۸۲.
۲- جان پور، «نظریه‌های طراحی شهری»، دکتر سید فرهادی، «مطالعات مکانی»، ترجمه فرهادی، «مطالعات شهری»، تهران: نشر خورشید، تهران: خورشید، ۱۳۷۳.

4- Lynch, Kevin, *The Openness of Open Space*, Alderline, England 1972.
5- Wainstay, D. J., *Urban Living*, Longman Scientific & Technical, 1990.
۶- «مطالعات مسکن» (مجله‌ای بر تاریخ شهری و شهرنشینی در ایران)، تهران: تهران، بهار ۱۳۷۵.
۷- «شهر و معماری»، «مطالعات علمی»، ترجمه هیولانه، «انگارد»، «مطالعات معماری»، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۵.

خام
1- Alexander, Christopher & others, *A Pattern Language*, Oxford University Press, New York 1977.
2- Cooper Marcus, Charles & Francis, Carolyn, *People Places (Design Guidelines for Urban Open Space)*, Van Nostrand Reinhold, New York 1993.
3- Gehl, Jan, *Life Between Buildings*, Van Nostrand Reinhold, New York 1987.

مقدمه

افزایش جمعیت و مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ و کمبود مسکن باعث شد که بیشتر باغها و فضاهای سبز و حتی جنگلهای در توسعه‌های شهری نابود شوند و به جای آنها ساختمانهای بلند و خیابانهای آسفالتی سر بر آورند و سرانه فضای سبز به طور محسوسی کاهش یابد.

در این شرایط کارشناسان فنی می‌کوشند طبیعت زنده و سرسبز را به گونه‌ای با فن آوری مدرن پیوند دهند. ایجاد فضای سبز عمودی به معنی بهره‌گیری از فضای سبز و گل و گیاه در نماهای ابنیه شهری و دیواره بزرگراهها، یکی از روشهای توسعه فضای سبز و تلفیق آن با محیط زندگی شهری است.

تاریخچه ایجاد فضای سبز عمودی

تاریخچه ایجاد فضای سبز عمودی در فضاهای شهری امروزی به حدود ۱۹۴۵ کشور آلمان بازمی‌گردد (۲). در این کشور در جنگ جهانی دوم، به دلیل کمبود مواد غذایی دستور داده شد در پشت بامها، تراسها، گلدانها، باغچه‌ها و هر جایی که از پارک‌های شهر فضای خالی وجود دارد، سبب زمینی کاشته شود و همین امر موجب شد که این کشور مدتها از نظر غذا خود کفا باشد. پس از پایان جنگ، با اینکه نیاز به این روش تامین غذا برطرف شد، اما نمای زیبا و آرامبخش ساختمانها باعث شد با ابتکار کارشناسان و تشویق و مشارکت شهرداری از طریق تولید نشای گل و گیاه و بعضی درختچه‌ها و کاشت آن با دریافت مبلغ بسیار ناچیز از مردم، در همه تراسها، بالکنها و پشت بامها و در داخل جعبه‌های مخصوص گل، از انواع گلهای یکساله، دائمی و یا درختچه استعاده شود. این موضوع در سایر کشورهای اروپایی نیز بتدریج رواج یافت و فضاهای شهری با این روش به گل و گیاه آراسته شدند.

فواید ایجاد فضای سبز عمودی

تأثیرات اکولوژیکی

- کاهش آلودگی صوتی.
- کاهش آلودگی هوا.
- افزایش سرانه فضای سبز.
- تولید اکسیژن بیشتر.
- کاهش ذرات گردوغبار.

تأثیرات فضای - محیطی

- تأثیر بر روی رفتار انسانها و بویایی ذهنی و رفتاری آنان.
- افزایش کیفیت محیط زیست.
- تعریف «هویت سبز» در بدنه‌های بی‌هویت شهری.



فضای سبز عمودی در دیواره بزرگراه شهید همت، تقاطع مسیر هنر نخل با بزرگراه مدرس



کشت گیاه در بالای دیواره عمودی بتنی، بزرگراه مدرس تقاطع غیرمسطح با شیب صفت

نمونه‌هایی از فضای سبز عمودی در داخل و خارج

نمونه‌هایی از فضاهای سبز عمودی ایجاد شده در بدنه برخی بزرگراهها و در نمای واحدهای مسکونی و برخی واحدهای اداری شهر تهران به شرح زیر قابل بررسی هستند:

- ۱- دیواره سبز با شیب بالای ۶۰ درجه، تشکیل شده از قطعات پیش ساخته بتنی که گلجای‌های متعدد مجاور هم پدید آورده‌اند.
- ۲- دیواره سبز عمودی، تشکیل شده از قطعات پیش ساخته بتنی و بستری سنگی در لایه‌ای آنها، که گیاهان در این بستر کاشته می‌شوند.
- ۳- کاشت گیاهان ریزان و با بالا رونده در بالا و پایین دیواره‌های عمودی.
- ۴- گلجای منفرد قرار گرفته در لبه پنجره‌ها.
- ۵- گلجای لبه پنجره‌ها، ساخته شده به همراه بنا.

نمونه‌های فوق، مثالهایی از فضای سبز عمودی در محیطهای شهری است که در نمونه‌هایی که شرایط رشد اکولوژیکی گیاه فراهم شده، تأثیر مطلوبی بر فضا و منظر شهری گذاشته‌اند. نقص عمومی اکثر این روشهای بهره‌گیری از فضای سبز عمودی در شهر تهران، عدم نگهداری آب در خود و نیاز به آبیاری مداوم در شرایط آب و هوایی خشک این شهر است. این مطلب، علاوه بر مصالح نامناسب جداره برخی از آنها (مانند جداره بتنی گلجای دیواره سبز شرایط رشد مناسب گونه‌های گیاهی را در برخی از این نمونه‌ها به خوبی فراهم نکرده‌اند.

در نمونه فضاهای سبز عمودی خارجی، تنوع نظامهای بهره‌گیری از پوشش گیاهی در اشکال زیبا و ترکیب مناسب آنها با یکدیگر در یک بدنه که برای گیاهان نیز بستری مناسب برای رشد پدید آورده‌اند، ترکیب مناسب گونه‌های گیاهی مختلف با هم، در عین حال که از طراوت و سرزندگی برخوردارند، همچنین تناسب کل مجموعه فضای سبز عمودی با مکان قرارگیری و نوع کاربری بدنه بستر آن، عوامل موفقیت فیزیکی و فضایی این نمونه‌ها محسوب می‌شوند.

روشهای ایجاد و ترویج فضای سبز عمودی

در اولین گام باید اجرای تشکیل دهنده فضای سبز عمودی، به شرح زیر تجزیه و مورد بررسی قرار گیرند:

- الف - گونه‌های گیاهی.
- ب - خاک و سایر بسترهای مناسب رویش.
- ج - سیستمهای آبیاری و باغبانی.
- د - سیستمهای بهره‌گیری از پوشش گیاهی (مانند گلجای، کشت در پایین دیوار و برپاداشتن توسط قلم و...).
- ه - بستر قرارگیری فضای سبز (مانند دیواره بزرگراهها، نماهای شهری و...).
- و - سیستمهای مدیریت و نگهداری اجزای کالبدی.

این عناصر، در وضع موجود در سه دسته زیر مطالعه شده‌اند:

۱- بررسی تمایزات این سه سیستم بهره‌گیری از پوشش گیاهی، بدنه‌های این سه شهری و دیواره بزرگراهها انجام می‌شود. بدنه پنجره‌دار بدون لبه و بدنه پنجره‌دار بالینه بیشتر از ۲۵ سانتی متر، بالکنهای کم عمق و عمیق، مهمترین تیپهای شناسایی شده این سه

شهری و دیواره عمودی بتنی با سنگی بالای ۶ متر و یازیر ۶ متر و دیواره خاکی شیبدار یا شیب بالای ۶۰ درجه، مهمترین گونه‌های شناسایی شده دیواره بزرگراهها در تهران هستند.

۲- مطالعه و بررسی پوشش گیاهی در نمای ابنیه شهری و دیواره بزرگراهها: شامل مطالعه نوع گونه‌های گیاهی در مناطق مختلف اکولوژیکی و ویژگی‌های هرگونه، چگونگی حفظ و نگهداری گونه‌ها، انواع سیستمهای باغبانی و آبیاری و سترهای کاشت خاکی و غیرخاکی مناسب برای رشد گیاه در وضع موجود.

۳- بررسی انواع سیستمهای بهره‌گیری از پوشش گیاهی در نمونه‌های بومی و غیربومی و انواع سیستمهای مدیریت نگهداری: مثالهایی از فضای سبز عمودی آسیه شهری و دیواره بزرگراهها در نمونه‌های داخلی و خارجی در همین مقاله ارائه شد. علاوه بر این، انواع روشهایی که نگهداری و آبیاری مجموعه را ساده‌تر می‌کنند نیز مطالعه شده‌اند.

در مرحله دوم، نتیجه‌گیری از مطالعات پایه و ارائه طرح در سه مرحله زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱- ارائه لیست کاملی از گونه‌های گیاهی مناسب برای فضای سبز عمودی: در انتخاب گونه‌های پیشنهاد شده مناسب در این بخش، سازگاری گونه‌ها با شرایط آب و هوایی منطقه، قابلیت رشد مناسب در خاک محدود، فرم رویشی گیاه، نیاز نوری، نیاز آبی، نوع خاک مناسب و محل مناسب کاشت، ویژگیهای نگهداری و باغبانی مورد نیاز گونه و مقاومت آن به گرما، سرما و آلودگی هوا باید مورد توجه قرار گیرد.

۲- ارائه سیستمهای جدید بهره‌گیری از پوشش گیاهی شامل فرم فیزیکی، طریق نصب و هزینه‌های نصب و نگهداری: هدف اصلی این مرحله رسیدن به روشها، اصول و ضوابط طراحی سیستم مناسب است. مناسبترین سیستم پیشنهادی برای بهره‌گیری از فضای سبز عمودی در نمای ابنیه شهری گلجای است. در طراحی گلجای پیشنهادی، زیبایی و همخوانی آن با محیط، قابلیت تهویه و تخلخل، قابلیت نگهداری و چرخش آب، قابلیت هدایت دما و حجم و ابعاد متناسب باید مورد توجه قرار گیرد.

لازم به تذکر است که شکل کلی و جزئیات اتصال گلجای‌ها برای تیب‌های مختلف ابنیه شهری متفاوت است و هر تیب بدنه، به گونه گلجای متفاوتی نیاز دارد. به طور مثال بدنه پنجره دار صاف بدون لبه نیازمند گلجای آویخته از زیر پنجره است. در دیواره بزرگراهها نیز برای تیب‌های مختلف شناسایی شده، سیستمهای متنوع و مختلف بهره‌گیری از گونه‌های گیاهی پیشنهاد شده است. به دلیل وجود تفاوتی زیاد در این تیب‌ها، این سیستمها نیز از اجزای متفاوتی بهره‌می‌گیرند. به طور مثال دیواره‌های عمودی کمتر از ۶ متر یا کاشت گیاه در بالا و یا پایین دیواره و یا هر دو به فضای سبز عمودی آراسته می‌شود. اما در دیواره‌های عمودی بالای ۶ متر، این سیستم بدون وجود قیوم‌های بالارونده و یا پیران قابل بهره‌برداری نیست. گلجای‌های تکرار شونده نیز در جداره بزرگراهها، در بدنه‌های خاکی با شیب بالای ۶۰ درجه قابل استفاده هستند.

۳- انتخاب نوع سیستم بهره‌گیری از پوشش گیاهی بر اساس شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی منطقه مورد نظر: تأثیر عوامل اقتصادی و تفاوت در سلائق اجتماعی بر روی سیستمهای پیشنهادی در این بخش مطالعه می‌شوند.

مجموع عوامل فوق، وضع موجود فضای سبز عمودی را بررسی کرده و به ارائه طرح و روشهای اجرایی در طراحی می‌پردازد. مقایسه این دو مرحله یا یکدیگر نشان می‌دهد که وضع موجود اجزای تشکیل دهنده فضای سبز عمودی، فاصله زیادی با شرایط استاندارد دارد. با وجود چنین شرایطی، ترویج عمومی فضای سبز عمودی امکاناتی به نظر نمی‌رسد. آیا هنگامی که گونه‌های گیاهی، خاک، گلجای و سایر اجزای فضای سبز، در شرایط استاندارد یا فراوانی نسبی و بهای متناسب وجود ندارد، می‌توان فضای سبز عمودی را در مقیاس گسترده - و نه چند نمونه موردی - ترویج کرد؟

در اینجاست که پس از ارائه ضوابط و روشهای اجرایی در طراحی فضای سبز عمودی، توصیه و اجرای روشهایی جهت فراهم آوردن زمینه ایجاد فضای سبز عمودی، مانند تولید آزمایش و تکنیر سیستمهای بهره‌گیری از پوشش گیاهی (مانند گلجای)، گونه‌های گیاهی، خاک و بستریهای مناسب دیگر با فراوانی مناسب و در شرایط استاندارد توسط متخصصان و مسئولان ضروری به نظر می‌رسد. علاوه بر این، اقدام جهت معرفی و آموزش عمومی در ارتباط با فضای سبز عمودی و تشویق سازمانها و مالکیتهای عمومی و خصوصی به ایجاد آن، به منظور آماده کردن ذهنان عمومی باید به ایجاد فضای سبز عمودی ضروری است.

مراحل بعدی ترویج، قانونی کردن ایجاد فضای سبز عمودی از طریق ارائه ضوابط اجرایی برای گروههای مختلف مردم و مسئولان است. علاوه بر این، مشخص شدن حدود وظایف هر یک از این دو گروه ذی‌نفع و ذی‌نفع، در اجرای این ضوابط نیز

تاریخچه ایجاد فضای سبز عمودی در فضاهای شهری امروزی به حدود ۱۹۲۵ کشور آلمان بازمی‌گردد

مناسبتترین سیستم پیشنهادی برای بهره‌گیری از فضای سبز عمودی در نمای ابنیه شهری گلجای است

اقدام جهت معرفی و آموزش عمومی در ارتباط با فضای سبز عمودی و تشویق به ایجاد آن، به منظور آماده کردن اذهان عمومی با پدیده ایجاد فضای سبز عمودی ضروری است

فضای سبز عمودی متناسب با خانه شهری (المن)





گلدانی پوش ساخته پدش کنار بزرگراه نایبته پوشید (نمونه خارجی)



کشت گیاهان ریزان در بالای دیواره عمودی، بزرگراه هست گیل از ناطح شریعی

ضروری است این امر بویژه در فضای سبز عمودی دیواره‌بیزر گراهها که بیشتر در حوزه نفوذ سازمانهای مربوطه مانند شهر دار بهاسه اهمیت بیشتری می‌یابد نتیجه گیری

ایجاد فضای سبز عمودی با وجود فواید متعدد آگولوژیکی، فضایی و محیطی بویژه در محیطهای خشک شهری، تنها از طریق از تساط مستقیم و متقابل متخصصان، طراحان، مسئولان وابسته و مردم امکانپذیر است. متخصصان و طراحان با مطالعه وضع موجود، ارائه طرح، نظارت بر اجرای طرح، توصیه روشهای اجرایی و ارائه اصول و ضوابط، مسئولان بویژه شهر دار بها، با فراهم آوردن امکانات مالی و اجرایی، تهیه، تولید و تکثیر عناصر سازنده فضای سبز، تبلیغ فضای سبز عمودی از طریق اجرای چند نمونه فضای سبز عمودی در ساختمانهای وابسته به خود و یا دیواره‌های بزرگراهها و یا تهیه بر و شورهای تبلیغی و ترویجی، اجرای روشهای توصیه شده آموزشی و تشویقی و نظارت بر اجرای ضوابط تدوین شده و مردم، با مشارکت در طرحهای ایجاد فضای سبز عمودی، می‌توانند در این موضوع نقش داشته باشند. اگرچه این اقدامات نسبت به یکدیگر، تقدم و تأخر دارند، اما همگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و با وجود این رابطه مستقیم و متقابل در حوزه‌های تعریف شده، می‌توان به ترویج فضای سبز عمودی در محیطهای شهری به صورت گسترده - و نه تنها در چند نمونه موردی - امید داشت و شاهد بهبود کیفیت محیط زیست شهری خود بود.

زیر نویسها

۱- سخن‌شناسی و اصول و استانداردهای ایجاد فضای سبز در مکانی شبه شهری و بیرونی
 ۲- بزرگراهها و فضای سبز در شهرها و مناطق شهری - بخش اول، فصل هفتم، شماره ۱۳۸

۳- بزرگراهها و فضای سبز در شهرها و مناطق شهری - بخش دوم، فصل هفتم، شماره ۱۳۸

۴- بزرگراهها و فضای سبز در شهرها و مناطق شهری - بخش اول، فصل هفتم، شماره ۱۳۸

۵- بزرگراهها و فضای سبز در شهرها و مناطق شهری - بخش دوم، فصل هفتم، شماره ۱۳۸

نقد یک فضای شهری: سه راه فرمانیه تهران^(۱)

رضا قزوینی
کارشناس ارشد معماری

گفته شده و بی‌شود (و خواهد شد!) که فضاهای شهری شهرهای امروز ایران دچار اعتشاش، بی‌نظمی، ابهام و بی‌هویتی کالبدی شده‌اند و به لحاظ عملکردی نیز فاقد شرایط مناسب برای زندگی امن و آسوده شهروندان (اعم از پیاده سواره) هستند. جالب اینکه بسیاری از مداخله‌ها در این فضاها نیز به علت عدم جامع‌نگری و بررسیهایی لازم چندبخشی، نه تنها مشکل را حل نکرده، بلکه باعث ایجاد مشکلات متنوع‌تر و پیچیده‌تر نیز شده است.

نوشته حاضر نقد یکی از همین فضاهاست (فقط به عنوان یک نمونه؛ یک از هزاران) با نوعی سبک نگارش که خود بر لطف مطلب افزوده است.



برج آسمان دارم میروم خیابان میانی کوچک

- سه راه فرمانیه!
- فلکه فرمانیه!
- سر برج آسمان!

- نخیر، بهر حال من دارم میروم بالا، آگه به مسیرتون میخورم بفرمایین

سوار می‌شم و خب با این اسمهای متفاوت که مارونوی خیابون سرگردون می‌کنن و راننده رو بلا تکلیف، صحبت شروع می‌شه! آقا الان نیمساعته اینجا معطل سوار شدنیم؛ باراننده‌ها جوون و چیزی به اسم سه راه فرمانیه نمی‌شناسن و یا قدیمی‌ان و تا تو ذهن انطباق بدن که فلکه فرمانیه همون سه راه فرمانیه است، رد شدن رفتن. بهر حال ما نمیدونیم، اینو می‌گیم، اون جووری میشه، اونومی گیم این جووری میشه...
و این بهانه‌های تشد که نقد حالی بر آنچه که بوده و هست بنویسم و بدین منظور، همین جای اخیر رو که تازه بلا به سر شده انتخاب کردیم.

این مسئله عدم انطباق معنایی بین دو نفر (۲) که عمدتاً در خیلی جاها اتفاق می‌افته و هر روز کمتر بین مشکل بین راننده‌ها و مسافر است، تبعات زیادی پشت سر خود داره؛ از مهم‌ترین اونا اینکه حس سکان مشترک بین افراد از بین می‌ره و ادعای تنها، تنها تر می‌شن و به واقع مکانی که به هر دو متعلق باشه وجود پیدا نمی‌کنه.

و هنوز چیزی بالا نیامده ترافیک منقطع شروع می‌شه! آ یا تصادفی شده؟ آ یا...؟ نخیر، این ترافیک به خاطر اینه که خود روی خواسته وارد شبکه بشه و چون نتونسته، عملاً ترافیک روون بدل به گره کور شده. می‌دونید که دو دسته از آقایون این مشکل رو می‌شناسن کردن فرهنگ مردم؛ یکی افرادی که با واردن و از هر جور کاری که امش عمرانی است، استقبال می‌کنن و از نحوه درست اون خبر ندارن. این افراد معمولاً هر کار عمرانی رو مثبت ارزیابی می‌کنن و لذا مشکل رو می‌نذارن گردن بی‌فرهنگی ۱۱۴ و عده‌ای از آقایون هم که دنبال توجیه کردن اشتباه خود هستن دنبال همین افراد رو می‌گیرن. هر چند که فکر این نیستیم که به افرادی همه وجود دارن که به تیکه جا پیدا کنن سر ماشینو کوچ می‌کنن! ولی در واقع مشکل مال اینه که فضا وجود داره و چون البته تعریف نشده است، معنایی که بی‌فرسته اینه که بی‌شود و بی‌نظمی این ماشین میاد، ولی در

گلوگاهی «اتصال میدان به راه» مشکل ایجاد می‌شود. کشتی خیابون هر چند طرفیتش رو هم داشته باشد، عرض معبر اون، امکان ورود همزمان سه - چهار ماشین رو نمی‌دهد. اینجاست که میدونی، یا به تعبیر دیگر، فلکهای که آقایون فکر کردن بزرگتر باشن موجب روونی حرکت خواهد شد برعکس می‌شه یعنی همون بزرگی موجب گره کور می‌شه و ... البته معلوم است که کدوم طرف هم دچار نقطه کور می‌شه، یا به مقدار فکر هم همیشه به این مسئله رسیدن، چه برسد به بررسی کردن، در این موضع خاص حرکت‌ها در تمام فصول و در تمام ساعات روز از شمال به جنوب بیشتر است تا بقیه جهات و اینجاست که دهانه، جنوبی فلکه همیشه گره کور دارد.

و خوب تازگی برای حل این مشکل خود ساختن یک اشتباه دیگر هم مرتکب شدیم و اون اینست که خیابون پاسداران رو از فلکه به سمت جنوب یک طرفه‌اش کردیم؛ بدون اینکه ببینیم چه بلایی سر ساکنین اونجا، سر اصناف اونجا و مهمتر از همه سر پیاده‌ای که از اون دهانه می‌خواد عبور کنه آورده‌ایم. چون با این کار اهمیت حرکت سواره رو و سندیت داده‌ایم و تحقق بخشیده‌ایم، راننده خود شو محقق میدونه سر اینکه از عموم منطقه می‌تونه ردیسه، دوم برای اینکه از شلوغی در سربه پاسارو گاز (۲) و دبدو که رفتیم و اینطوری پیاده دیگه وای... حاش کجایی، معلوم نیست، حتی به شوابطی که خودمون گذاشتیم هم توجه نکردیم؛ شوابط رو هزینه کردیم، حالا غلط یا درست، ولی گذاشتیم بر طاقچه؛ بپرطمطراقی کتابخونه و در عمل دان کار دیگر می‌کنیم. اگر خیابان اصلی نیست و فلکه در حد اصلی است، این دو تا چطور می‌تونیم بهم بخورن؟ خیابون از نظر ترافیک نسبت به بقیه معابری که به فلکه می‌رسن اصلی است، ولی کاربری‌های اطرافش محلی و با پیاده‌ها سرو کار داره پاسارو، اخیلی، کیوسک روزنامه و خوب کار بر بهایی که جاذب افراد است منتها به اجزاء مختلف مردم رو هر چند شعاع حرکت پیاده یا استفاده از هوجرخه میدیم، به خاطر کارهای نسجیده‌مون عملاً برعکس می‌شه و بعد داد می‌زنیم که تک، سر نشینی‌ها ... بگذریم، عرض اینکه کار بر بهایی فلکه و حیوانی اون محل توقف خودروهایی است که برای چند دقیقه تا چند ساعت متوقف می‌شن؛ بنگاه معاملات ملکی، مرکز آموزش آرایش زنانه، داروخانه، مرکز پزشکی و آزمایشگاه ... بنابراین قسمتی از مسیر عبور و اشغال می‌کنن، پس به این ترتیب خیابون چون عملاً به خاطر عدم تنظیم کار بر بهایی کشتن نداره، بنابراین ترافیک تشدید می‌شه.

از طرف دیگه باز عامل دیگری این تشدید رو روز افزون می‌کنه و اون اینجاست که چون مسیرهای حرکتی رو تنظیم، دست‌بندی و درجه‌بندی نکردیم، بنابراین از هر سو راجی به خودرو می‌یاد بیرون یا میره تو و همین باعث کم کردن سرعت خیابون می‌شه و گره کور ترافیکی بیشتر. این ناشی از چیه؟ خیلی راحت، آقایون فکر می‌کنن که هر جا خیابونی به کوچه می‌رسه باید کوچه فدا بشه، به هر قسمتی که میشه، بنابراین در آینده‌ای نزدیک، کوچه‌ای نخواهیم داشت و قاعدتاً اون عده از آقایون - که می‌خوان همه تهران رو به سواره تبدیل کنن و تعداد گره‌های کور رو افزونتر کنن و پیشرفت رو در به زح کشیدن زندگی با ماشین می‌دونن - عملی میشه!

این افسراد عملاً می‌خوان که آدمارو بنازندانی خونه‌هاشون کنن یا اسیر ماشیناشون و بپرمدونید که هر چند خودرو بنا به ماهیت خود، مردم رو می‌تونه



گره‌های ترافیکی

دید به شمال





مکان ارماتیه وضع موجود



سه فاز پروژه



از خونه‌ها بیرون بیار و فاصله‌های دور برسونه. اما این اتومبیل قادر به اینکه بین مردم تعامل ایجاد کنه نیست. افراد داخلی خور و هوا سبزه چهار دیواری خود روشن هستن و چون تعامل صورت نمی‌گیره، اخلاق اجتماعی به تحققی نمی‌پیونده و اونجاست که می‌گیم چرا ایرانی جماعت که در تعارف کارواز حد می‌گذرونه در اتومبیل، رعایت حق تقدم رونمی‌کنه و منتهم می‌شیم. به اینکه ایرانی جماعت فردی عالی، اما اخلاقی اجتماعی ضعیف!

از اینها بگذریم و برسیم به همون سه راه فرماتیه. با رجوع به فضا، با دقت در فاصله معیار، تعداد تردها و نحوه شبکه به راحتی می‌توان الگوی سلسله مراتبی را آنچنان تنظیم نمود که حرکت‌ها روون تر از لونی باشه. که الان هست، بدون اینکه لازم به گشایش مسیر خیابان فرماتیه باشه و مجبور باشیم فنکهای هم اونجا ایجاد کنیم.

و به این ترتیب حرکت‌های پیاده‌روی که موجبات عدم آلودگی محیط رو پیش میارن، سلامت جسم و جان را هم راه داره و بعد باعث می‌شه که پدر و مادر از اینکه بچه تنها به مدرسه میره مطمئن باشن و فراموش نکنیم مهم‌ترین مورد، تعامل اجتماعی است که بین افراد مجموعه همسایگی یا محله پیش می‌آید. و بدین ترتیب بچه محل، تعالی خاطر و حسن مالکیت‌ها تقویت شده. باز اداره قسمتی از امور محل را به عهده می‌گیرن از امنیت محل تا نظافت محل بالا میره. اما حریف که در اینجا درست برعکس اینها!

در اینجا شاهد تلاشی هستیم در جهت اینکه هر چه بیشتر امنیت پیاده‌رو دچار اختلال کنیم؛ قوس‌های وبسیعی که شکل هندسی راه رو شکل داده‌اند چیزی نمی‌گن جز اینکه جناب آقای ماشینی می‌تونن با حفظ سرعت ۹۰ تا ۱۰۰ کیلومتر در ساعت (۳) بی خیال پیاده، بچه، پیر، مریض، خانم، آقا، امیدهای زندگی، شکوفه‌ها زیر می‌شن که پش به من چه می‌خواهت توی خیابون نیاد. مگه نمی‌بینم که ماشین میاد. بله پیاده رو زور برای چه گذاشتن، اما پیاده رو با عرض کم با کف‌سازی نامناسب درست جایی که ماشین باید آروم بشه تا پیاده هم امکان تردد داشته باشه، خیابون رو گشاد کردیم، به همین واسطه ماشینی سرعت می‌گیره، دوم اینکه فضای بیشتری برای مانور داره و اما ندیده‌ت پیاده‌ای که می‌خواه از این ور خیابون به اون ور خیابون بره از همون اول نحوه اتصال پیاده به کف خیابون، خط کشی عابر پیاده که به جاس و پل روی جوب هم به جا

و طول مسافتی که برو تا تعویض بشه و هجوم ماشینی‌ها از هر طرف و خودتون می‌دونن با تفاوت سرعتی که پیاده و سواره داره، آخرش چی پیش می‌یاد کردن درد یا تصادف یا دلهره دار عبور و آلاشه که بهم بزنی علی‌الخصوص شاه‌ننگام.

پس تا حالا که چیزی گیر نیاریم، نه تنها سرعت حرکت که اصلا طرح بخاطرش اجرا شده بود هر وقت چند تا ماشین اضافه شد بدل به گره گور شد. تعامل اجتماعی روز از دست دادیم... آرومی محیط رو از دست دادیم... تنوع فضایی رو خصوصاً توی بافت‌های باارزش از دست دادیم (۵)... حرکت‌های پیاده، دوچرخه رو از دست دادیم، محیط سبزی که عوض شد، به خیابون و معوض اون لوازم دادیم و ساختمان‌هایی ساختم بدون حیاط و فضای سبز که در پارکینگ اونا باز میشه تو حریم فلکه و جانب اینکه خودمون تشدید می‌کنیم مسئله رو یا دادن جواز ورودی برج آسمان درست در نش فلکه (شمال شرق فلکه) که در آینده نزدیک ناچاراً باید به یکی از ایستگاه‌های پیاده و سوار شدن می‌شه و گره گور گور تر میشه.

جالب‌تر اینکه برای این همه از دست دادن‌ها چقدر هم هزینه مالی کردیم! زمین خریدیم، بقولی املاک رو آزاد کردیم، در صورتی که ساختمان‌ها رو یا آدامسون زندانی قلمرو ماشین‌ها کردیم، پول طرح دادیم، هزینه عمرانی رو خرج کردیم. دو جا ضرر اول اینکه این پول را هدر دادیم و دوم اینکه جای دیگه نتوانستیم استفاده کنیم و چقدر هزینه زمان کردیم. و چقدر هزینه انرژی، حالا بماند هزینه‌های دیگر که بهتر از همه هزینه از دست دادن تعلقی خاطر، هایمان از دست دادن وحدت‌های اجتماعی مان تشدید هزینه‌گی‌ها بجای آشنایی‌ها.

البته چیزهایی هم گیر آوردیم؛ به گردانی وسط به خیابون اصلی در محاصره ماشینی - که نه می‌تونیم ببینیمش و نه می‌تونیم بریم توش و البته نه درسته که بریم اون وسط - که انقطاع حرکت رو سبب شده، چرا که نخواستیم یک کم اون طرف‌ترو ببینیم که چقدر ساده می‌شد شبکه‌ها رو به سمت اتوبان هدایت کرد و یا سلسله مراتب هم باعث افزایش سرعت حرکت در پاسداران شد؛ پیاده هم لاقط تکلیفش رو در هر جایی میدونست. کوچه و خیابون و اتوبان الان، هم سرعت هم هستن و پیاده پلاک‌تیکه می‌تونستیم بر و خالی‌ها رو تنظیم کنیم. محصوریت‌ها رو تعریف کنیم، اتصال راه به راه رو فکر کنیم، فعالیت‌ها رو و حرکت‌های سواره و فضا رو آنچنان تنظیم کنیم که ضمن اینکه به دسترسی‌ها و حرکت‌ها جواب می‌دهیم، فضا رو برای پیاده هم قابل استفاده کنیم؛ بنایت اله‌زون کردن تعامل اجتماعی و کم کردن شدت هزینه‌گی و تشدید آشنایی‌ها، تا حسی مکان و تعالی خاطر‌ها دوباره زنده بشود و شهر بند خود متولی حفظ و نگهداری فضای خود شود.

- ۱- به جهت حفظ استاندارد خاص این مطالب مقاله حاضر بدون ویرایش درج شده است.
- ۲- هر ایراد مطروحه از سوی نویسندگان و نویسندگان، باید پیش از آنکه کپی‌های نهایی در اختیار نویسندگان قرار گیرد.
- ۳- به بعد از هر خط‌گیری از سوی نویسندگان، تمامی اصلاحات باید در وقت مشخصی و در زمان مشخصی به دست نویسندگان ارسال شود.
- ۴- هر ایراد مطروحه از سوی نویسندگان و نویسندگان، باید پیش از آنکه کپی‌های نهایی در اختیار نویسندگان قرار گیرد.
- ۵- هر ایراد مطروحه از سوی نویسندگان و نویسندگان، باید پیش از آنکه کپی‌های نهایی در اختیار نویسندگان قرار گیرد.
- ۶- هر ایراد مطروحه از سوی نویسندگان و نویسندگان، باید پیش از آنکه کپی‌های نهایی در اختیار نویسندگان قرار گیرد.
- ۷- هر ایراد مطروحه از سوی نویسندگان و نویسندگان، باید پیش از آنکه کپی‌های نهایی در اختیار نویسندگان قرار گیرد.
- ۸- هر ایراد مطروحه از سوی نویسندگان و نویسندگان، باید پیش از آنکه کپی‌های نهایی در اختیار نویسندگان قرار گیرد.
- ۹- هر ایراد مطروحه از سوی نویسندگان و نویسندگان، باید پیش از آنکه کپی‌های نهایی در اختیار نویسندگان قرار گیرد.

نقد یک فضای شهری؛ مرکز شهر براکنل

رئیس‌جمهوری کارشناسی ارشد طراحی شهری
نرجه علی حسینی

نوشته زیر به تحلیل و نقد مرکز شهر جدید براکنل در انگلستان پرداخته است. این تحلیل از دو جهت جالب است: اول روش شناسی تحلیل فضای شهری در مقیاس میانی و دوم نشان دادن نمونه‌ای از نقائص شهرسازی جدید در غرب و ضرورت رفع این نقائص.

براکنل شهری جدید است که بعد از جنگ جهانی دوم توسعه یافت. جمعیت این شهر در طول ۱۰ سال -از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰- از حدود ۵ هزار نفر به ۶۰ هزار نفر افزایش یافت و در حال حاضر حدود ۱۰۰ هزار نفر سکنه دارد. این شهر در شرق لندن قرار گرفته است و نزدیکترین شهر به آن ری‌دینگ در ۱۵ کیلومتری غرب براکنل است. یکی از مهمترین مشکلات توسعه اولیه این شهر در دهه ۱۹۶۰ را می‌توان بی‌توجهی به توسعه آینده و تغییرات مداوم شهر دانست. در اصل، بایدار نبودن توسعه شهر بعد از پیشرفت سریع صنعت معضلاتی را ایجاد کرد که باید در آینده‌های توسعه کالبدی شهر در آینده مدنظر قرار گیرد.

تحلیل طراحی فضای شهری

به طور خلاصه می‌توان گفت از نقطه نظر محیطی، مرکز شهر براکنل هر چند چندان جذاب نیست، اما چندان هم جای بدی نیست؛ بویژه اینکه امنیت مطلوب و محیط تمیزی دارد که به کیفیت محیط کمک کرده است. ما این شهر را بر اساس چهار معیار خواهیم سنجید که عبارت‌اند از: سیما و هویت، دسترسی‌ها، مسائل اجتماعی، نحوه اختلاط کاربریها.

سیما و هویت

مکانهای خوب و موفق جاهایی هستند که با رفتارهای مردم بیشتر نزدیک هستند و در ذهن‌ها باقی می‌مانند. این مکانها تصاویر خوبی به ما ارائه می‌دهند و مردم از دیدن آنها لذت می‌برند. در این زمینه می‌توان گفت که این پروژه چندان موفق نبوده است. در این باره نکات زیر قابل ذکر است:

- یک شهر درون‌نگر: در واقع براکنل به تمام دنیا پشت کرده و فعالیتها را در درون خود محدود کرده است.
- فقدان ورودی تعریف شده: با ورود به شهر، حس ایجاد تفاوت در محدوده ایجاد نمی‌شود.
- نشانه‌ها: تعداد ساختمانهای شاخص و دیدهای خوب کم است.
- مناطق شهری: تقسیمات درون شهری، تعریف مشخص و محدوده تعیین شده‌ای ندارند.
- مرکز شهری: میدان چارلز به عنوان مرکز شهر، نقش ضعیفی دارد.
- هنر عمومی و تورپردازی: کیفیت کارهای محیطی و هنرهای به کار رفته در شهر از مطلوبیت خوبی برخوردار است.



مشکل دسترسی پیاده‌روی انحصاری معابر، رعایت نشدن مشخصات و سلسله مراتب ناشی از تکرار دسترسی می باشد.

دسترسیها

هر چند که سیستم ترافیکی کارآمدی وجودی دارد، ولی در این سیستم هویت مرکز شهر، مدنظر قرار نگرفته است و نقش پیاده و دسترسی به محیط، ضعیف است. برای حرکت پیاده چرخش مناسبی بویژه موقع خرید کردن در نظر گرفته نشده است. مشکلات دیگر در این زمینه عبارت‌اند از:

- انتخاب مسیر: به هنگام راه رفتن در مرکز شهر به راحتی نمی‌توان مسیرهای موجود را بررسی کرد.
- خوانایی: در مرکز شهر خوانایی ضعیف و بانوعی سردرگمی مواجه است، به حدی که گاه نمی‌توان موقعیت خود را در محل تشخیص داد.
- دسترسی معلولان: در این طرح هیچ گونه توجهی به دسترسی معلولان به محیط اطراف نشده است.

با مقایسه نقشه فرم و بافت پراکنل با شهرهای سنتی انگلستان می‌توان به این نتیجه رسید که پراکنل یا شهرهای سنتی انگلستان تفاوت‌های اساسی دارد.

ویژگیهای شهرهای سنتی عبارت‌اند از:

- ۱- بافت متراکمی دارند.
- ۲- به صورت تدریجی و طی سلسله مراتب منظمی ساخته شده‌اند.
- ۳- خیابانها یا نوده ساختمانهای اطراف آن تعریف شده‌اند.
- ۴- خیابانها و کاربریها در شهر سلسله مراتب دارند.
- ۵- مسیرهای ارتباطی بین محلات بسیار مناسب است.

مسائل اجتماعی

زندگی اجتماعی در هر شهری مثل یک بازی است؛ خیابانها و میدان نیز عرصه انجام این بازیها هستند. جزئیاتی مانند کفسازی پیاده‌رو و میلان شهری نسبت به احساس فضایی و جداره خیابانها نقش ضعیف‌تری را بازی می‌کنند. شکل و زمینه، یکی از ابزارهای مشاهده نقش است، به عنوان مثال از روی آن می‌توان فهمید که میدان چارلز به خوبی کار شده است، اما فضاهای اطراف آن چندان مناسب نیست. در این باره می‌توان به توافقی زیر اشاره کرد:

پایدار نبودن توسعه شهر بعد از پیشرفت سریع صنعت معضلاتی را ایجاد کرد که باید در آینده‌های توسعه کالبدی شهر در آینده مدنظر قرار گیرد

مرکز شهر پراکنل هر چند چندان جذاب نیست، اما چندان هم جای بدی نیست؛ بویژه اینکه امنیت مطلوب و محیط تمیزی دارد که به کیفیت محیط کمک کرده است



بناک فضای جدید اسناد ملی در تهران



بناک فضای سنتی مسجید و سزاند

- محصوریت: بیشتر فضاهای عمومی شهر با توجه به پناهای اطراف محصوریت ضعیفی دارند.
- تناسبات: بسیاری از خیابانهای مرکزی تناسبات خوبی دارند؛ البته جز جاهایی که برجهای مسکونی بزرگ در کنار خیابانها قرار گرفته اند. برعکس، در خارج از مرکز شهر بیشتر فضاها بزرگتر از آن هستند که محصوریت آنها با ساختمانها حفظ شود.
- اقلیم: اینکه براکتل شهری باد خیز است، اما به مسئله باد در این شهر توجه نشده است.

اختلاط کاربریها

شهرهای سنتی بیشتر متعادل به داشتن ترکیبی از کاربریهای مختلف و بافت مترکم در شهر هستند. همین امر باعث زنده بودن خیابانها شده و علاوه بر ایجاد احساس امنیت در شهرها سطح وسیعی از فعالیتهای اقتصادی را در شهر، پوشش می دهد. در مرکز شهر براکتل بیشتر، طبقه همکف به مغازهها اختصاص یافته و در طبقه های بالا ساختمانهای مسکونی قرار دارد. دلیلی از آنجا که فعالیتهای تفریحی که بیشتر به عصرها مربوط می شود در نظر گرفته نشده است، خارج از ساعات خرید، در محل عملاً هیچ فعالیتی دیده نمی شود. به علت تراکم بسیار کم در اطراف، کمتر کسی را می توان دید که از بیرون به مرکز شهر بیاید. لازم به ذکر است که این تحلیل از مرکز شهر براکتل بر اساس معیارهایی استوار است که امروزه علم به اهمیت آن پی برده است. اما در زمان ساخت این شهر به این اصول توجه چندانی نشده است. در حال حاضر در چارچوب طرح راهبردی با کمک ایده های جدید سعی شده وضعیت کنونی این شهر بهبود یابد.

دبیر ویژه نامه:	مشاور علمی:	صفحه آرا:
غلامرضا کاظمیان	جهانشاه پاکزاد	جمشید یاری

